



درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه ایثارگران

مطالعه موردی (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد شهید و امور ایثارگران)

مؤلف:

سید محمد میرساداتی

عنوان کتاب: ----- درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه اینترگران
مؤلف: ----- سید محمد میرساداتی
ناشر: ----- انتشارات پژوهش‌های دانشگاه
طراح روی جلد: ----- نعیمه مناف زاده
صفحه آرای: ----- الهام اعرج فدائی
چاپ و صمافی: ----- مدیران
تیراژ: ----- ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: ----- اول/۱۳۹۹
شابک: ----- ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۳-۲۰۹-۰
قیمت: ----- ۳۵۰۰۰ تومان



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

انتشارات پژوهش‌های دانشگاه

عضو رسمی انجمن ناشران دانشگاهی



انتشارات پژوهش‌های دانشگاه
وزارت عالی و آموزش عالی

آدرس دفتر مرکزی: آذربایجان شرقی، تبریز، آبرسان، مجتمع تجاری بلور، روبروی کلانتری، داخل حیاط (ضلع شرقی)، پلاک ۳۹
تلفن‌های تماس بخش مدیریت: ۰۹۱۴۶۱۴۳۳۴۶/۰۴۱۳۳۲۶۲۱۱۶ بخش امور فنی: ۰۴۱۳۳۲۵۰۲۴۸
دفتر اهر: شهرستان اهر - میدان معلم - روبروی دارایی - انتشارات پژوهش‌های دانشگاه / دفتر اهر تلفن: ۰۹۳۰۸۱۴۸۴۸۶
www.Unpb.org / Info@unpb.org www.Pajohesh-daneshgah.ir / Info@pajohesh-daneshgah.ir

طبق قانون حمایت از حقوق ناشران و مؤلفان هر شخص حقیقی و حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر و مؤلف، نشر یا عرضه یا تکثیر یا

تجدید چاپ نماید مورد پیگیری جدی قانونی خواهد گرفت و مطابق با جرائم قوانین اسلامی برخورد خواهد شد.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
تاریخچه و علت شروع جنگ و تأثیرات آن بر نظام اجتماعی	۹
تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جنگ	۱۰
عقبه اجتماعی جنگ	۱۰
جایگزینی شهادت و ایثار را به جای مردن در جامعه با توجیه مذهبی	۱۱
پایان جنگ و سرخوردگی جامعه ایثارگران	۱۴
ورود نوسازی و یا توسعه و تأثیرات آن بر جامعه ایثارگران	۱۵
مفهوم توسعه	۱۶
تاریخچه تغییر ارزش‌ها از دوران انقلاب مشروطیت تا بعد از سال ۱۳۶۸	۲۳
شروع توسعه و نوسازی توسط روشنفکران جدید با انقلاب مشروطیت	۲۴
توسعه و اصلاحات جدید در دوره پهلوی	۲۵
رشد و توسعه ناموزون اصلاحات جدید دوره پهلوی دوم قبل از انقلاب	۲۶
تغییرات درونی در نظام اجتماعی بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷	۳۰
انسجام اجتماعی	۳۰
تغییر ارزش‌ها و پیدایش نظام ارزشی جدید	۳۰
فرایند تغییر ارزش‌ها	۳۱
عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها	۳۳
توصیف فضای جبهه و جنگ (تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جنگ)	۳۵
برگزاری مراسمات جمعی و آیینی و هنرهای نمایشی و موسیقی‌های مذهبی	۳۵
ارزش‌های رزمندگان و بسیجیان در جبهه‌ها و جنگ	۳۶
دست‌نوشته‌ها و نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های ایثارگران از جبهه و جنگ	۳۹
نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های شهدا	۴۰

۴۱نامه‌ها و دست‌نوشته‌های رزمندگان جانباز و آزادگان و رزمندگان بسیجی
۴۲ادامه اصلاحات توسعه و نوسازی به روش قبل از انقلاب بعد از سال ۱۳۶۸
۴۴تغییر ارزش‌های مذهبی و میزان پایبندی مردم به آن‌ها
۴۶شروع توسعه و اصلاحات و تأثیر آن بر جامعه ایثارگران
۴۸تصویب قانون حالت اشتغال جهت تأمین رفاه معیشتی ایثارگران
۶۲ارتقاء جامعه ایثارگران از قشر پایین به قشر بالاتر جامعه
۶۵چگونگی فرایند تغییر ارزش‌های ایثارگری
۶۷تغییر ایدئولوژی ارزش‌گذاران و هنجارفرستان جامعه
۷۰تغییر ارزش‌ها و شروع نیازهای جدید در جامعه ایثارگری
۷۲شروع نیازهای جدید در جامعه ایثارگران
۷۳احساس عدم آرامش و ناآرامی در جامعه ایثارگری
۷۳ایجاد توقعات کاذب و افزایش مطالبات جدید در جامعه ایثارگران
۷۵سلب هرگونه کار و تلاش و فعالیت جدید جامعه ایثارگران
۷۶عدم پاسخگویی نظام سیاسی به جامعه ایثارگران (به دلیل محدودیت منابع و امکانات)
۷۶مشکلات و معضلات خانوادگی به دلیل اوقات فراغت و بیکاری جدید جامعه ایثارگری
۷۹تأمین مصنوعی نیازهای روحی و روانی با توجه به بیکاری جدید
۷۹ورود به گروه‌های معاند و مخالف و ضد نظام اسلامی
۷۹احساس محرومیت نسبی جامعه ایثارگران
۸۱احساس ناکامی - (پرخاشگری) عدم انسجام و یگانگی و ناپایداری جامعه ایثارگران
۸۳احساس عدم انسجام و یگانگی و ناپایداری جامعه ایثارگران
۸۳نارضایتی اجتماعی جامعه ایثارگران و تهدید جدی برای وحدت ملی
۸۶محدودیت منابع در پاسخ‌گویی به رفع نیازها و عدم پاسخگویی نظام به مطالبات جدید جامعه ایثارگران
۸۷دیدگاه مختلف در مهندسی و نوسازی کشور
۸۹آسیب‌شناسی عدم انجام کامل مهندسی فرهنگی نظام کلان مدیریت کشور
۸۹جایگاه و نقش مجلس شورای اسلامی
۹۴هماهنگی سیستمی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران (مدیریت سیستم‌سازی)
۹۹نظام کلان مدیریت کشور یک سیستم دینامیکی
۱۰۸مبانی نظری
۱۰۹چهارچوب نظری (تئوری‌ها)
۱۰۹نظریه چالمرز جانسون
۱۱۲نظریه مرتون
۱۱۵نظریه دیویس متحنی J
۱۱۷نظریه گور

۱۲۰ نظریه هابرماس (نظریه پرداز معاصر)
۱۲۳ نظریه کارل مارکس
۱۲۸ نظریه هومنز
۱۲۹ نظریه گافمن
۱۳۱ تالکوت پارسونز
۱۳۴ امیل دورکیم
۱۳۹ یافته‌های توصیفی
۱۵۲ یافته‌های استنباطی
۱۶۹ نتیجه‌گیری
۱۷۱ پیشنهادهای و راهبردها
۱۷۲ محدودیت‌ها
۱۷۴ منابع و مأخذ

مقدمه

جهت رفاه و تأمین معیشت ایثارگران انقلاب اسلامی در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای کشور، از جمله قوانین کلان مثل قانون برنامه توسعه پنج‌ساله اول و دوم و... که منجر به تصویب قوانین و مصوبات جدید ایثارگری از طریق مجلس شورای اسلامی و به دنبال آن ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی ایثارگری به جانبازان از قبیل حقوق حالت اشتغال و استخدام و اشتغال به کار و سهمیه ورود به دانشگاه‌ها و وام‌های کم‌بهره بانکی از قبیل وام مسکن و وام خودرو و وام اشتغال و تسهیلات بیمه و سلامت مثل بیمه خدمات درمانی و عمر و... شده است لذا از آنجایی که این نوع خدمات‌رسانی به جانبازان در قالب برنامه‌های توسعه با الگوهای کشورهای غربی که با فرهنگ و ارزش‌های مادی و دنیایی جوامع غربی سازگار و بر آن اساس تهیه و تنظیم شده است که با همان شکل خام و بدون هیچ‌گونه تغییر و تحول، به دلیل ورود مدرنیته و مدرنیزاسیون، وارد کشور ما شده است که با فرهنگ اصیل و ارزش‌ها و اعتقادی و الهی و معنوی و سنت‌های اوایل دوران انقلاب در تضاد و ناسازگاری می‌باشد و همچنین با توجه به وجود ساختار یک نظام اجتماعی نابرابر در جامعه ایران، ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی ایثارگری به جانبازان در قالب برنامه‌های توسعه با الگوهای جوامع غربی در نهایت موجب نارضایتی جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) خواهد شد لذا با توجه اینکه این دسته از افراد در جامعه به‌عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و به دلیل نارضایتی و یا عدم رضایت اجتماعی این قشر احتمال دارد به گروه‌های معاند و مخالف نظام و گروهک‌های ضدانقلاب و ضد نظام اسلامی روی آورند و در سنگر دشمنان اسلامی شروع به فعالیت نمایند که این موضوع موجب تهدید وحدت ملی و از بین رفتن و ازهم‌پاشیدگی انسجام و یگانگی و تلف شدن و به هرز رفتن جامعه ایثارگران (جانبازان) که به‌عنوان سرمایه اجتماعی می‌باشند را موجب شود لذا نیاز به این می‌باشد که موضوع نارضایتی جانبازان بیشتر مورد تحقیق و بررسی علمی قرار گیرد.

تعارض مسلحانه یکی از مسائل اساسی جوامع انسانی است و امروزه ظرفیت انهدام سلاح‌های نوین، متعارف و امروز هسته‌ای، این مسئله را مبهم‌تر نیز می‌سازد جنگ و به‌طور وسیع‌تر توسل به نیروی مسلح، جنبه‌ای از رفتار رایج شمرده شده و بین دولت‌ها و در درون دولت‌ها پس از سده‌ها برقرار بوده است این تعارض‌های مسلحانه تلفات انسانی و مادی قابل توجهی را در پی داشته است،

در سده بیستم بیش از صد میلیون نفر در جریان جنگ‌ها کشته شده‌اند جنگ جهانی اول دوازده میلیون نفر نظامی و شهروند را بدون احتساب تلفات روس‌ها که بیش از شانزده میلیون مرد و زن را اگر قربانیان جنگ‌های داخلی را به آن اضافه کنیم قربانی کرده است در میان جمعیت مذکر بالغ بر ۲۰٪ از مرگ‌ومیرها را در فرانسه، ۱۵٪ را در آلمان و ۱۰٪ را در انگلستان شاهد بوده‌ایم، جنگ جهانی دوم با ۴۲ میلیون قربانی فاجعه‌بارتر نیز بود جنگ علاوه بر این هزینه‌های انسانی تأثیر ژرفی بر کنش دولت‌ها در روابط بین‌المللی، بر توسعه داخلی آن‌ها بر آسایش و رفاه و رفتار افراد و گروه‌ها در جوامع برجای گذاشته است کشورهای توسعه‌یافته به طور میانگین بین ۳٪ تا ۴٪ تولید ناخالص داخلی خود را صرف هزینه‌های دفاعی می‌کنند (کاپلو و ونسن، ۱۳۸۹:۹).

با توجه به همین موضوع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ ابرقدرت‌های خارجی با طراحی حمله نظامی از طریق کشور همسایه عراق قصد جلوگیری از ثبات نظام سیاسی و براندازی آن را نموده‌اند که به همین منظور با شروع جنگ از طرف نیروهای نظامی کشور عراق به مرزهای کشور ما ایران و تحمیل جنگ به کشورمان نیروهای نظامی ارتش و ژاندارمری سابق به مقابله و دفاع برخاستند و با توجه به عدم توان نیروهای نظامی از جمله ارتش و ژاندارمری سابق و همچنین ضعف ساختارهای درونی نیروهای نظامی و عدم سازمان‌دهی قوی به دلیل انقلاب و عدم انگیزه قوی برای جنگیدن و وابستگی فرماندهان و افسران عالی‌رتبه نیروهای نظامی به رژیم سابق پهلوی در اوایل شروع جنگ که موجب از دست دادن بعضی از نقاط و شهرهای مرزی از جمله خرمشهر و نفت شهر شده است که مجبور به عقب‌نشینی نیروهای نظامی (ارتش و ژاندارمری) شده است لذا مسئولین نظام برای حفظ نظام و مرزهای میهن کشور اسلامی می‌بایست چاره دیگری پیدا می‌کرده‌اند و آن استفاده از نیروهای مخلص مردمی از جمله نیروی بسیج مردمی تحت عنوان نیروهای شبه‌نظامی، بسیج مستضعفین و سپاه پاسداران و کمیته انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی که بیشتر عضو آن از قشر پایین و ضعیف و فقیر و یا متوسط جامعه بوده‌اند که این گروه با توجه به دارا بودن ارزش‌های دینی و اعتقادی و معنوی و پایبندی به سنت‌های قدیم که صاحبان و حامیان انقلاب اسلامی بوده‌اند؛ بنابراین ارزش‌های معنوی جامعه مطابق با فرهنگ دینی و اسلامی و هماهنگ با خواسته درونی جامعه پدیدار شده است و همانند سیل خروشان به حرکت در آمده است و به دلیل همین هماهنگی که تولید نیروی عظیم اجتماعی نموده است، هیچ سلاح و یا ادوات جنگی نمی

توانست جلوی آن را بگیرد. لذا ما می‌بینیم که این در جنگ "تعداد (۲۲۴۰۰۰ نفر) شهید و (۴۲۰۰۰ نفر) اسیر و (۵۴۸۳۳۹ نفر) جانباز که از این تعداد کل جانبازان به تفکیک درصد جانبازی (۰٪ تا ۲۴٪) به تعداد (۳۲۴/۴۶۴ نفر) و (۲۵٪ تا ۳۹٪) به تعداد (۱۶۲/۷۶۶ نفر) و (۴۰٪ تا ۴۹٪) به تعداد (۲۷/۲۳۶ نفر) و (۵۰٪ تا ۶۹٪) به تعداد (۲۴/۵۳۷ نفر) و (۷۰٪) به تعداد (۹/۳۳۶ نفر) که با توجه به تفکیک نوع ضایعه جانبازی (جانبازان ۷۰٪ قطع نخاع کمر و گردن به تعداد ۱۵۳۹ نفر) و (جانبازان ۷۰٪ آسایشگاه به تعداد ۱۲۵ نفر) و (جانبازان ۷۰٪ دو چشم نابینای مطلق به تعداد ۶۹۸ نفر) و (جانبازان ۷۰٪ با شرایط ویژه به تعداد ۶۹۷۴ نفر) و (جانبازان اعصاب و روان ۲۵٪ تا ۴۹٪ به تعداد ۵۹۲۰ نفر)" (شایان مهر، ۱۳۹۱:۱۷۲) می‌باشند و این تعداد از جانبازان به دلیل اینکه دچار نقص عضو جسمی و روحی و روانی و نیازمند کمک‌رسانی دولت به آنان می‌شود دولت به این قشر از جانبازان و مجروحین جنگی می‌بایست ارائه خدمات درمانی و معیشتی و رفاهی و فرهنگی و تفریحی نماید، نظام جمهوری اسلامی نیز بر اساس وظیفه الهی و دینی خود قوانین و مقرراتی را در جهت حمایت از قشر آسیب‌دیده از جنگ وضع کرد که در این بین استخدام جانبازان و مجروحین و برپایی حقوق ویژه موضوع اشتغال برای جبران مسائل مالی این عده به مرحله اجرا گذارد. در سال ۱۳۷۲ قانونی با عنوان حالت اشتغال در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که بر اساس آن حقوق مستخدمین لشکری و کشوری هم‌تراز مشاغل قبلی توسط دستگاه متبوع و برای غیر مستخدمین برابر نظام هماهنگ کارکنان دولت بر عهده بنیاد می‌باشد. اجرای این طرح از طرفی باعث گردید که جانبازان و ایثارگران نگران معیشت خود نبوده و ضمن حفظ عزت این گروه بتوانند به ادامه زندگی عزتمند ادامه دهند. از طرف دیگر اجرای این طرح موجبات نارضایتی نیز در میان جامعه ایثارگری و حقوق‌بگیران بنیاد شهید را فراهم نموده است. لذا می‌بینیم که اعتراض و نارضایتی بسیار زیادی در این خصوص و نحوه خدمات‌رسانی به دلیل نابرابری اجتماعی در بین این گروه وجود دارد با توجه به تغییرات اقتصادی و اجتماعی و به دلیل برنامه‌های توسعه در کشور با نام برنامه اول و دوم و سوم... توسعه پنج‌ساله در نظام جمهوری اسلامی که موجب تورم در اقتصاد کشور و فشار اقتصادی و گرانی و بیکاری و موجب نیازهای جدید در جامعه و کاهش درآمد و فشارهای اجتماعی با توجه تغییرات اجتماعی به دلیل همان برنامه‌های توسعه که موجب سرخوردگی و نارضایتی و تضاد در این گروه اجتماعی شده است.

جهت رفاه و تأمین معیشت ایثارگران انقلاب اسلامی در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای کشور، از جمله قوانین کلان مثل قانون برنامه توسعه پنج‌ساله اول و دوم و... که منجر به تصویب قوانین و مصوبات جدید ایثارگری از طریق مجلس شورای اسلامی و به دنبال آن ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی ایثارگری به جانبازان از قبیل حقوق حالت اشتغال و استخدام و اشتغال به کار و سهمیه ورود به دانشگاه‌ها و وام‌های کم‌بهره بانکی از قبیل وام مسکن و وام خودرو و وام اشتغال و تسهیلات بیمه و سلامت مثل بیمه خدمات درمانی و عمر و... شده است لذا از آنجائی که این نوع خدمات‌رسانی به جانبازان در قالب برنامه‌های توسعه با الگوهای کشورهای غربی که با فرهنگ و ارزش‌های مادی و دنیایی جوامع غربی سازگار و بر آن اساس تهیه و تنظیم شده است که با همان شکل خام و بدون هیچ‌گونه تغییر و تحول، به دلیل ورود مدرنیته و مدرنیزاسیون، وارد کشور ما شده است که با فرهنگ اصیل و ارزش‌ها و اعتقادی و الهی و معنوی و سنت‌های اوایل دوران انقلاب در تضاد و ناسازگاری می‌باشد و همچنین با توجه به وجود ساختار یک نظام اجتماعی نابرابر در جامعه ایران، ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی ایثارگری به جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد (به‌عنوان قشر متوسط به پایین یا فقیر جامعه) در قالب برنامه‌های توسعه با الگوهای جوامع غربی این ناسازگاری را مضاعف می‌نماید

این نوع برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و رفاهی که با نام توسعه و الگوبرداری از جامعه غرب در کشور ترویج و با توجه به ارزش‌ها و فرهنگ جامعه غربی تهیه و تنظیم و پیاده‌سازی شده است و فقط و فقط عامل اقتصاد به‌عنوان عامل اصلی، و برای به دست آوردن هرچه بیش‌تر پول و ارتقاء به طبقه اجتماعی بالاتر به هر طریق ممکن تا حد مرز له‌شدن قشر پایین جامعه، به‌طوری که قشر پایین جامعه یا دهک پایین جامعه هر روز فقیر و فقیرتر و همچنین قشر بالای جامعه یا دهک بالای جامعه هم هر روز فقیر و فقیرتر به‌طوری که در جامعه ایران فقر و نابرابری از بالا به پایین در حال گسترش می‌باشد (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۵۵۳).

دهک بالا یا طبقه بالا	↓ (فقر از بالا روبه پایین)
دهک متوسط یا طبقه متوسط	↓ (فشار به قشر متوسط)
دهک پایین یا طبقه پایین	↓ (فشار به قشر پایین)

و لذا با توجه به مفاهیم فوق به دلیل توسعه نابرابر و یا توسعه ناموزون در جامعه ایران می‌بایست قشر پایین جامعه بیشترین آسیب و هزینه اجتماعی را متقبل می‌نماید و ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) با تأثیرپذیری از این موضوع به‌عنوان قشر پایین جامعه و تحمل این فشارها که با اعتراض و پرخاشگری اجتماعی، نارضایتی خود را از این نوع برنامه‌های توسعه در کشور اعلام داشته‌اند به‌طوری که نظام سیاسی با این نگاه که در قالب قانون برنامه‌های پنج‌ساله توسعه با دادن امکانات و تسهیلات و امتیازات ایثارگری به جهت پوشش دادن و کمک حمایتی به این قشر با توجه به قوانین خاص ایثارگران از قبیل امتیازات رفاهی و معیشتی و اقتصادی و خدماتی و اجتماعی مثل سهمیه دانشگاه‌ها به جهت ارتقاء تحصیلی و حقوق و مزایا و استخدام و تسهیلات اشتغال و وام‌های کم‌بهره بانکی از بابت مسکن و اشتغال و یا واگذاری خودرو (به جانبازان ۵۰٪ بالاتر) و خدمات درمانی و بهداشتی و بیمه تکمیلی و بازنشستگی موجب رفاه و آسایش این گروه را تأمین نماید، اما غافل از اینکه هرچه قدر امکانات رفاهی و معیشتی این دسته از ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) را بالا می‌بریم (بالا رفتن توقعات از سیستم نظریه دیویس) موجب سلب آرامش و انگیزه و کار و تلاش جدید (احساس محرومیت نسبی و نابرابری اجتماعی نظریه گور) و (نظریه اشباع هومنز) و در نتیجه موجب تغییر ارزش‌ها (نظریه چالمرزجانسون) و نهایتاً موجب کاهش رضایتمندی این دسته از افراد می‌شویم البته سیاست‌گذاران نظام جمهوری اسلامی با توجه به عدم آگاهی از این موضوع فکر می‌کنند با ارائه خدمات و امکانات رفاهی و معیشتی و اقتصادی و اجتماعی از قبیل حقوق و مزایا و استخدام و تسهیلات اشتغال... می‌تواند رفاه و آسایش این گروه اجتماعی را تأمین و ارتقاء دهند اما غافل از این موضوع که کم‌کم جای ارزش‌های معنوی و الهی و اسلامی که پیوند بسیار عمیق روحی و جسمی با این گروه‌ها برقرار کرده است با ارزش‌های مادی و دنیایی و پولی مثل سهمیه دانشگاه‌ها و استخدام در دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و خدمات بیمه‌ای و درمانی... عوض می‌نمایند و ارزش‌های جدید را در این گروه‌ها جایگزین می‌نمایند. بنابراین ما می‌بینیم که در این گروه از جانبازان جامعه ایثارگری از جمله جانبازان مورد مطالعه در این کتاب که جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشند بجای اینکه با ارائه خدمات به این قشر این گروه راضی باشند ولی می‌بینیم یک عدم رضایتمندی نسبی در این گروه از جانبازان وجود دارد، لذا با طرح مسئله از این منظر می‌توان به صحت و سقم این قضیه پی برد که آیا این گونه شیوه ارائه خدمات و امتیازات

اجتماعی به ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) می‌تواند رضایتمندی نسبی در این گروه از ایثارگران حاصل نماید؟ و به همین دلیل رضایتمندی جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد شهید و امور ایثارگران را به‌عنوان یک مسئله قابل طرح می‌باشد.

سرمایه اجتماعی (Socil captal) از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی است سرمایه به مفهوم عام آن یکی از مهم‌ترین عنصر در فرایند توسعه است که از سال ۱۹۸۰ به بعد وارد ادبیات علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی شده است، امروزه این نوع سرمایه در جریان توسعه در کنار انواع سرمایه‌های طبیعی، انسانی و مادی به طور جدی مطرح است، سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌ها و جوامع است، سرمایه اجتماعی از مشارکت دو نفر و یا یک ملت به وجود می‌آید (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۱۳)، با توجه اینکه توسعه اجتماعی به صورت یک رویکرد کل‌گرایانه مطرح بوده و فرایندی است که متضمن کوشش‌هایی است که معطوف به بهبود زندگی است، مشارکت افراد در متن توسعه اجتماعی و مؤلفه‌هایی اساسی برای بهبود کیفیت زندگی است، دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌ها مربوط به زندگی و تغییر محیطشان بوده و بستگی به خودباوری آن‌ها دارد، تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر شاخص‌هایی آر قبیل عدالت و توسعه که جامعه اجتماعی رهنمون می‌سازد حاکی از اهتمام نظام به این مهم در عرصه در عرصه قانون‌گذاری و اجرایی است با چنین رویکردی توسعه اجتماعی بیانگر ارتقای کیفیت نظام اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، تحقق یکپارچگی و انسجام اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی انسان‌هاست (کلانتری، ۱۳۷۷)، توسعه اجتماعی بیشتر بر بهبود نحوه زندگی و ارزیابی جریان‌ها و تحولات جامع اجتماعی تأکید دارد (ازکیا، ۱۳۷۹:۳۵)، به همین دلیل اغلب شاخه‌های اجتماعی و انسانی توسعه، تأکید خاصی بر آموزش، اشتغال، بهبود الگوی مصرف، توزیع عادلانه درآمد و رعایت بهداشت روانی و اجتماعی دارند (کهن، ۱۳۷۶، ۹)، توسعه اجتماعی فرایند ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی را درون خود دارد که این‌ها به نوعی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستند ادغام اجتماعی تضمین می‌کند افراد گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی به قوانین جامعه تن داده، از امکانات استفاده نموده و توانمندی‌های خود را در اختیار جامعه قرار می‌دهند، انسجام اجتماعی نیز از گسستگی جامعه جلوگیری نموده و ضامن برقراری نظم سامان اجتماعی شده، اعتماد اجتماعی موجب مضاعف شدن نیرو می‌گردد، بوردیو، سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً بادوامی از روابط کمابیش نهادینه‌شده تعریف

می‌کند به‌عنوان منابعی بالفعل یا بالقوه که موجبات لازم برای تسهیل کنش‌های فردی و یا جمعی کنشگران را فراهم می‌آورند (Adler & Kwon, 2002:20)، به‌زعم جیمز کلمن نیز، سرمایه اجتماعی سبب می‌شود تا هزینه‌های دستیابی و اهداف معین کاهش یابد اهدافی که در نبود سرمایه اجتماعی دستیابی به آن‌ها تنها با هدف صرف هزینه‌های زیاد امکان‌پذیر می‌گردد (نوابخش و فدوی ۱۳۸۷:۳۰)، پانتم که مفهوم سرمایه اجتماعی را رایج ساخت آن را به‌عنوان شبکه‌های هنجارها و اعتمادی که اعضاء را قادر می‌سازد باهم به نحو مؤثرتر برای رسیدن به اهداف مشترک عمل کنند تعریف می‌کند (Harper, 2002:2)، وی سرمایه اجتماعی را یکی از شرایط کلید توسعه به شمار می‌آورد و معتقد است که سرمایه اجتماعی مندرج در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی پیش‌شرطی اساسی بر توسعه اقتصادی و همچنین تأثیرگذاری برای دولت است (Harris, 1997:920)، بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد افزایش این سرمایه در جامعه می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها شود (woolcook & Narayan, 2000)، ناها پیت و گوشال، نیز سرمایه اجتماعی را به‌منزله مجموع‌ای از منبع بالقوه و بالفعلی می‌داند که در شبکه روابطی که افراد کارآفرین دارند وجود داشته و قابل دسترسی است و از آن ترکیب می‌شود. از آن جامعه که سرمایه اجتماعی شامل مجموعه‌ای از روابط است، بنابراین جنبه‌های متفاوتی را شامل می‌شود که می‌تواند آن را در سه بعد مورد بررسی قرار داد: بعد ساختاری، بعد رابطه‌ای و بعد شناختی (Nahapiet & Ghodhal, 1998:243)، سرمایه اجتماعی روی شبکه اجتماعی بین افراد همچنین ویژگی‌های این شبکه‌ها از جمله قدرت روابط و میزان و یا وسعت اعتماد در روابط متقابل متمرکز می‌شود و هسته اصلی این مفهوم شبکه اجتماعی است (Sander & Lowney, 2006:3)، کلمن سرمایه اجتماعی را جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی می‌داند که کنشگران از آن‌ها جهت سرمایه اقتصادی و کسب منافع خود استفاده می‌کنند، همان‌طور که سرمایه فیزیکی با تغییر در مواد، ابزارهایی درست می‌کند که در تولید به کار رفته، قابل مشاهده و ملموس است، سرمایه انسانی با تغییر دادن فکر افراد و ایجاد توانمندی آن‌ها برای کسب مهارت پدید و افراد را قادر می‌سازد تا به شیوه‌های جدید رفتار کنند و بنابراین کم‌تر ملموس بوده و در

مهارت‌هایی که فرد کسب کرده تبلور می‌یابد سرمایه اجتماعی کمتر از این ملموس بوده و در روابط میان افراد تجسم می‌یابد سرمایه اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود کنش را تسهیل نماید (کلمن، ۱۹۸۸: ۴۶۵).

لذا با توجه به موارد فوق این گروه از ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) برای نظام به‌عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند و این نیروی سرمایه اجتماعی می‌تواند در برنامه توسعه‌ای (اجتماعی و فرهنگی کشور بسیار ثمربخش باشند) و یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ترویج ایثار اجتماعی (فداکاری و خودگذشتگی و شهادت تا پای جان افراد برای جامعه خود) می‌باشد که نگاه محدود به مقوله ایثار یکی از موانع جدی توسعه سرمایه اجتماعی است بنابراین ترویج ایثار اجتماعی به معنای ایجاد پیوند بین ایثار خاص که منبعث از عالی‌ترین سطح ایثارگری در میادین نبرد با متجاوزان به حریم نظام اسلامی و کشور است با ایثار عمومی که در زندگی روزمره اتفاق می‌افتد و زمینه‌ساز ایثار متعالی است می‌تواند راهکاری برای توسعه این سرمایه اجتماعی باشد و همچنین به دلیل اعتراض و نارضایتی این قشر احتمال دارد که انسجام و یکپارچگی و یگانگی آنان از بین برود و این گروه‌ها به دلیل عدم رضایت اجتماعی به گروه‌های معاند و مخالف نظام اسلامی روی آورند و شروع به فعالیت نمایند که این موضوع موجب تهدید وحدت ملی و از بین رفتن و ازهم‌پاشیدگی انسجام و یگانگی و تلف شدن و به هرز رفتن جامعه ایثارگران (جانبازان) که به‌عنوان سرمایه اجتماعی می‌باشند را موجب شود لذا از این حیث این موضوع را بااهمیت دیده‌ام که موضوع رضایتمندی جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد شهید و امور ایثارگران را مورد بازبینی دقیق بررسی علمی قرار دهم.

تاریخچه و علت شروع جنگ و تأثیرات آن بر نظام اجتماعی

"بعد از انقلاب انسجام و آمادگی ایثار قوی ترین پایه‌های یک نظام اجتماعی سالم و قوی فراهم بود بنابراین مغایرت نظام ارزشی منتج شده و آنچه که امام به عنوان اسلام ارائه می‌داند با ارزش‌های کشورهای غربی (بالأخص اروپا) و نگرانی از ظهور مجدد اسلام در مشرق زمین و اقدامات جوانان انقلابی بر ضد آمریکا (شعارهای توهین آمیز، گرفتن سفارتخانه، آتش زدن پرچم آمریکا، بستن دست و چشم کارکنان سفارتخانه آمریکا و...) منجر به تحمیل جنگ بر علیه کشورمان از طریق کشور همسایه عراق در تاریخ سی و یکم شهریور ۱۳۵۸ شده است" (رفیع پور، ۱۳۲، ۱۳۳: ۱۳۸۷) که با شروع جنگ تحمیلی دشمن در صدد سرنگونی نظام جدید انقلابی بوده است و با حملات هوایی و زمینی به کشور اسلامی هجوم آورد و از آنجا که جامعه هنوز دارای روحیه انقلابی و گرم پرشور، منسجم و ایثارگر بود و از طرف دیگر پایگاه مردمی انقلابیون بسیار قوی بود آن‌ها در مقابله با دشمنان کاملاً مصمم بودند این موجب شد که در چندین زمینه اقدامات مهمی انجام شود، "لذا کوشش در جهت مقابله با گروه‌های شبه‌مذهبی مخالف نظام جدید موجب شد که یک نظام اطلاعاتی فعال با پایگاه مردمی گسترده به وجود آید که فقط در صورت مردمی بودن آن موفق و مورد نیاز هر جامعه‌ای است در این شرایط به قول برخی حتی کارکنان ایرانی برخی از مؤسسات خارجی در ایران که گروه مرجعشان دیگر خارجی‌ها نبودند اطلاعات بسیار مهم در اختیار سیستم اطلاعاتی قرار می‌دادند بنابراین زمینه تثبیت نظام جدید فراهم گشته است سپس به تدریج مردم بالأخص جوانان برای مقابله با دشمن آماده بسیج به جبهه‌ها می‌شدند که در جریان وحدت و انسجام و تشکیل این بسیج مردمی (تشکیل جامعه ایثارگران) چند عامل مهم تأثیر داشت:

۱- وجود یک رهبر کارزماتیک (شخصیت فوق‌العاده متفرد روحانی/الهی): چون امام قادر بود در حد بالایی در مردم انرژی احساسی تولید کند و آن‌ها را به حرکت‌های جمعی منسجم وادارد و پیام‌های احساس برانگیز ایشان موجب شد که جوانان دبیرستان و دانشگاه و مشاغل را کنار بگذارند و به مقابله با دشمن بپردازند.

۲- در این زمان مذهب نفوذ خود را در چند زمینه نشان می‌داد که سازمان‌دهی نیروها بر اساس روش هیئت‌ها یکی از آن‌ها بود.

۳- عاملی بسیار اساسی در تهور و شجاعت جوانان الگوی رفتاری آن‌ها در محلات بود محله در ایران نقش بسیار اساسی در نظام گروهی داشته است در محلات یعنی گروه جوانان دارای سلسله مراتب است آن‌هم بر پایه دو ضابطه: از یک طرف قدرت و شهامت و از طرف دیگر سن هر محله عموماً در رقابت با محلات مجاور بود که گاه‌به‌گاه به درگیرهای شدید (کنک کاری و چاقو کشی) می‌انجامید و در جریان آن اعضاء گروه (جوانان محله) باید با شهامت و شجاعت به مقابله می‌پرداختند و یا باید از گروه به‌عنوان ترسو و بزدل طرد می‌شدند بنابراین شهامت و شجاعت در این محلات برای اعضاء گروه ابتدا یک هنجار بوده است که به ارزش تبدیل شده است، بدین ترتیب با پیام‌های پرنفوذ رهبر همراه با حملات دشمن که خود احساس ملی را برمی‌انگیخت نیروی عظیم بسیج و سپاه در واقع جامعه ایثارگری به وجود آمد و از طرف دیگر مقابله با دشمن باعث شد که در ارتش نیز تغییرات مهمی صورت گیرد (رفیع پور، ۱۳۵ و ۱۳۶: ۱۳۸۷).

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جنگ

با توجه به این که حمله عراق به ایران از سوی عامه مردم ناجوانمردانه و توهین آمیز به غرور ملی تلقی می‌شد چنان احساسات ملی برمی‌انگیخت و مقابله با آن و دفاع از وطن به یک ارزش اجتماعی تبدیل شد در این زمان شور ملی - مذهبی مردم به قدری بود که (در بین اکثریت) عموماً هر کس می‌خواست به گونه‌ای برای این آب‌و‌خاک جان‌فشانی کند حرکت جوانان به سوی جبهه‌ها و با پیام‌های پرنفوذ رهبر انقلاب نیز خود یک جریان "هنجار درونی" را به وجود آورد که تدریجاً همه قشرها را فراگرفت به طوری که بسیاری از افراد مایل به رفتن به جبهه‌ها شدند و نرفتن به جبهه یک نابهنجاری و در عین حال ناجوانمردی تلقی می‌شد این فشار درونی هنجاری موجب می‌شد که بسیاری از جوانان حتی با وصف مخالفت شدید پدر و مادر خود منزل را به سوی جبهه‌ها ترک کنند.

عقبه اجتماعی جنگ

با ارزش شدن و هنجار شدن حضور در جبهه‌ها مردم عادی و مسن مثل و پیرزنان و پیرمردان به‌خصوص در روستاها و عدم حضور و عذاب وجدان آنان موجب کمک‌های مالی مثل پول و طلا و جواهرات یا دادن پوشاک و خوراک فاسد نشدنی به ستاد جمع‌آوری کمک‌های مردمی به جبهه‌ها می‌شدند بدین ترتیب همه چیز برای یک نظام برابر در یک مسیر مشخص به وجود آمد و فضای

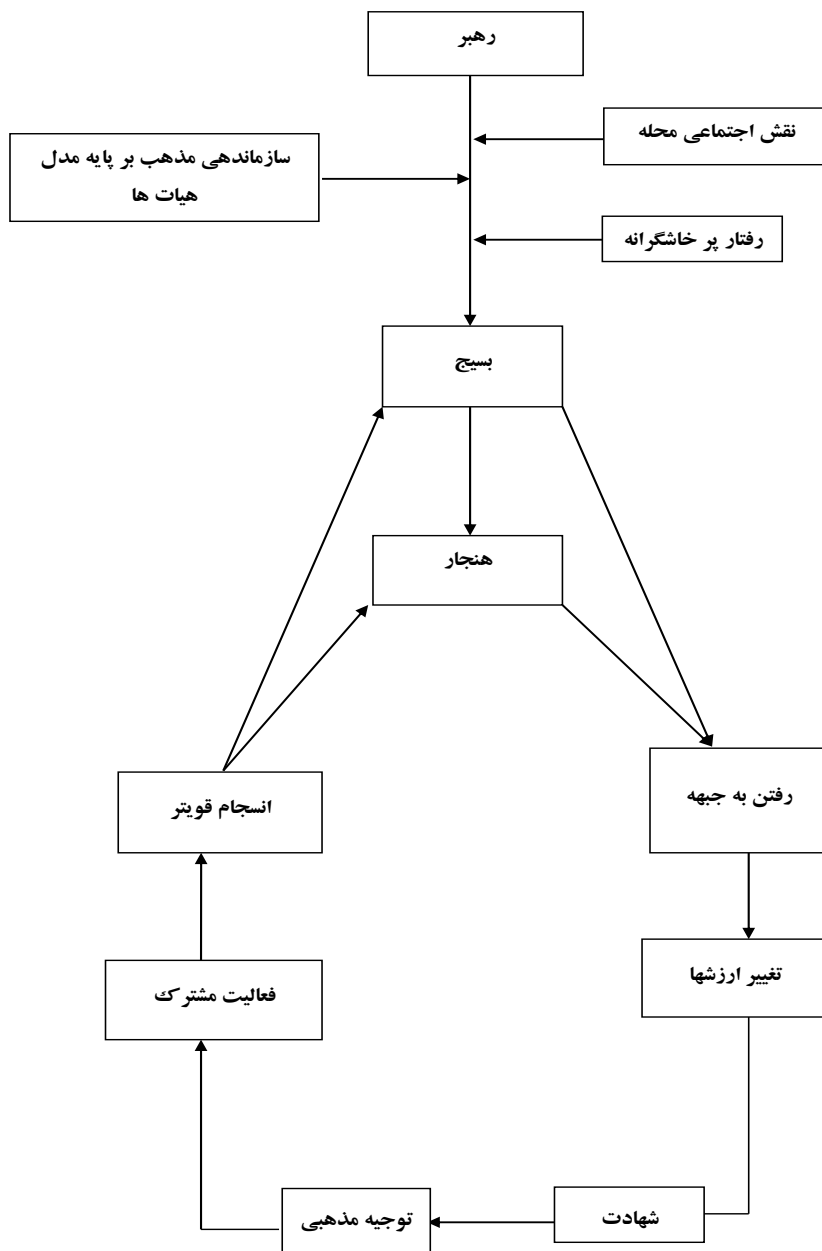
پشت جبهه و جنگ یعنی عقبه اجتماعی جنگ هماهنگ با خط مقدم جبهه جنگ به دلیل تغییر ارزش‌های ایجاد شده توسط جنگ و تأثیر آن به وجود آمد.

جایگزینی شهادت و ایثار را به جای مردن در جامعه با توجیه مذهبی

در کشورهای دیگر وقتی کشته‌ها از جبهه‌ها برمی‌گردند خانواده آن‌ها از دولت و نظام حاکم سخت ناراضی می‌شوند و با انتقادات شدید در روزنامه و رسانه‌ها با دولت برخورد می‌کنند مثل کشته شدن سربازان اسرائیلی در حمله به لبنان و تظاهرات برخی از اولیاء موجب نارضایتی شدید مردم از حکومت آن کشور شد لذا علی‌الاصول هرچه تعداد کشته‌شدگان در جنگ بیشتر باشد و مدت جنگ بیشتر به طول انجامد نارضایتی از نظام بیشتر می‌گردد، اما در کشور ما ایران وضعیت دیگری حاکم شد با اینکه دشمن با برنامه‌های فعال خود درصدد این بوده است که رابطه احساسی پشت جبهه‌ها (داخل ایران) و فکری مردم شهرها، بالأخص تهران با جبهه‌ها قطع باشد تا تغییرات مثبت اجتماعی جبهه‌ها به تهران (به‌عنوان مرکز تغییرات و ارزش‌های اجتماعی) منتقل نگردد با این وصف هر شهیدی که به تهران وارد می‌شد تأثیر فزاینده مثبت در جهت اعزام هرچه بیشتر نیرو به جبهه‌ها را داشت و نه مانع منفی. نظریه تانترمیدرلارسکی: "مبنی بر اینکه هرچه تعداد کشته‌شدگان در یک انقلاب بیشتر باشد ریشه‌های آن انقلاب قوی‌تر می‌شود" برای درک اهمیت این واقع مفید است در اینجا ما می‌بینیم که مذهب دارای کارکرد مثبت می‌باشد و نتیجه آن را می‌بینیم از دست دادن فرزند در جنگ که می‌تواند برای مردم یک مردن و یک ضایعه منفی تلقی شود و آن‌ها را از آن پشیمان و از مسیین آن متنفر سازد در ایران کم و بیش به یک ارزش و یک افتخار ملی، اسلامی تبدیل شد، با آوردن پیکر هر شهید از جبهه‌ها به شهرها از جمله تهران و شهرهای بزرگ هیئت‌های محلات فعال می‌شدند و نقش سازمان‌دهی سنتی و پرکارکرد خود را ایفا می‌نمودند در نتیجه سیل عظیمی از مردم از همه اقشار حتی آقایان ریش زده، مدرن و به ظاهر غیر "حزب‌اللهی" و خانم‌های روشنفکر (عموماً در صفوف سینه‌زنی) و در آوای محزون و بسیار احساس برانگیز مداحان به مشایعت می‌رفتند سپس در مساجد و حسینیه‌ها خطبای متبحر و چیره‌دست طبق معمول با شیوه‌ها هنرمندانه خود و بیانات احساسی حضار را به عالم مادی و ناسوتی کننده به عالم معنوی می‌بردند و شهادت فرزندان را برای اولیا به بهترین افتخار نزد مردم تبدیل می‌نمودند از این طریق یک فعالیت مشترک پراحساسی به وجود می‌آمد زیرا به قول کولینز "هرچه تعداد افراد حاضر در جمع مراسم مذهبی

بیشتر باشد احساسات بیشتر تشدید می‌شود"، بدین ترتیب از یک طرف "مردن فرزند" یک تبیین مثبت به‌عنوان شهادت همراه با توجیه قرانی می‌شد که برای والدین شهید آرامش‌بخش بود و از طرف دیگر تبدیل فرایند رفتن به جبهه به یک هنجار موجب می‌شد که شهادت فرزند به‌عنوان پیروی از هنجار با تشویق مردم دیگر و بالا رفتن احترام (نیاز به احترام) والدین و اقوام شهید مواجه شود بدین ترتیب موانع احساسی والدین برای شهادت فرزندان نیز برداشته می‌شد لذا آنان که موافق نبرد نبودند فرزندان دیگرشان را بسیج می‌کردند (گو اینکه دیگر برادران خواه ناخواه تحت تأثیر هنجار رفتن جبهه بودند) پدر و مادری که با رفتن فرزندانشان مخالف بودند، نیز مذهبی‌تر و متمایل‌تر می‌شدند در نتیجه این فرایند موجب تقویت و تکثیر باز هم بیشتر هنجار درونی "رفتن به جبهه" می‌شد، بدین ترتیب احساس همبستگی با مردم و نیروی هنجاری برای مقابله با دشمن آن‌قدر قوی شده بود که ایرانیان مسیحی نیز متمایل به مشارکت در این نبرد بودند و از جان‌فشانی دریغ نمی‌نمودند و این حد اعلای انسجام اجتماعی جامعه است، این نیروی هنجاری به یک "دور" تشدید شونده تبدیل شده بود که همواره قوی‌تر و قوی‌تر می‌شد بدین ترتیب جنگ تغییرات اساسی در نظام ارزشی مردم به وجود آورده بود. ملاحظات انسانی و اخلاقی مردم در حد زیادی افزایش یافته بود آن‌ها سطح زندگی پایین می‌ساختند و حاضر به تحمل همه‌گونه سختی بودند، در قطعه شهدای بهشت‌زهرها عکس‌هایی از جوانان به چشم می‌خورد که قبلاً بدون ریش، با موهای بلند، سینه باز و گردن‌بند در کنار آن عکس دیگری با صورتی معصوم و کاملاً تغییر یافته داشتند این بدان علت بود که انرژی احساسی جوانان قبلاً به مراکز مختلف جذب احساس نظیر مایکل جاکسون و تریاک و طلا تجزیه و بعد در یک جا در حول یک محور و یک شخص کارزماتیک و تولیدکننده احساس جمع شده بود (رفیع پور، ۱۴۱ و ۱۴۰ و ۱۳۸۷:۱۳۹).

نمودار شماره ۱) (روابط علی متغیرها در تأثیر اجتماعی جنگ) (رفیع پور، ۱۴۲:۱۳۸۷)



پایان جنگ و سرخوردگی جامعه اینارگران

بدین ترتیب نظام اجتماعی ایران همچنین نظام سیاسی و نظامی‌اش، در پی جنگ در بهترین شرایط قرار می‌گرفت و از طرف دیگر محاصره اقتصادی و نیاز مبرم به سلاح و خودداری برخی از تولیدکنندگان خارجی برای فروش سلاح به ایران، فعالیت تولیدی صنایع نظامی را تا حدودی رونق بخشید و این می‌توانست به سرعت تمام بخش‌های اقتصادی و تولیدی را فراگیرد (در مورد تغییر جامعه از مصرفی به تولیدی در زمان جنگ)، بدین ترتیب منافع کشورهای غربی، بالأخص موجودیت اسرائیل همچنین روسیه بیش از پیش به مخاطره افتاده بود. لذا آن‌ها به این نتیجه رسیدند که باید هرچه زودتر این آتش برافروخته خاموش شود و لذا با فشار بر ایران از جمله حمله‌های موشکی به تهران (که همراه با تبلیغات دیگر در ترساندن برخی از اعضاء قشر متوسط و بالای قدیم و بالأخص جدید ظاهراً مؤثر واقع شد) و یا معطل شدن نیروهای در پشت جبهه‌ها و دلسردی آن‌ها، وضعیت اقتصادی... موجب شد که در پی تماس‌های متعدد با امام، ایشان با پایان جنگ همچون نوشیدن یک "جام زهرآلود" موافقت نمایند و همچنین مسئولین کشور به این نتیجه رسیدند که اگر قرار باشد بین پایان دادن به جنگ یا لطمه خوردن به انقلاب یکی را انتخاب کنند، پایان جنگ را به‌عنوان گزینه برتر انتخاب نمایند. و بنابراین ادامه جنگ انقلاب را تهدید می‌کرد و به هر طریق ممکن می‌بایست آن را متوقف می‌کرد.

البته جنگ پایه‌های اجتماعی انقلاب را مستحکم کرد و بر اساس تئوری کوزر (مبنی بر مقابله با دشمن مشترک همبستگی را بیشتر می‌کند) اگر جنگ پایان بگیرد، انسجام اجتماعی و نیروی درونی هنجار خاموش و مسائل عدیده اجتماعی آغاز خواهند شد که نظام را شدیداً تهدید خواهند نمود "بنابراین پایان جنگ تحت این شرایط به معنی تهدید واقعی انقلاب خواهد بود لذا یکی از اشتباهات نظام جمهوری اسلامی این بوده است که بعد از پایان جنگ ابتدا می‌بایست جهت قوام و نظام بخشیدن به نظام اجتماعی و انسجام و همبستگی در جامعه عوامل دیگری را به موقع جایگزین نماید تا بعد از پایان جنگ شالوده نظام اجتماعی فرو نریزد (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

بنابراین در این جنگ، "تعداد (۲۲۴۰۰۰ نفر) شهید و (۴۲۰۰۰ نفر) آزاده یا اسیر جنگی و (۵۴۸۳۳۹ نفر هم جانباز و مجروح جنگی و همچنین (۲/۵۰۰/۰۰۰ نفر) آواره و جنگ‌زده مناطق

جنگی) شده‌اند" (شایان مهر، ۱۳۹۱: ۱۷۲) که نظام جمهوری اسلامی نهایتاً در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۷ با قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد به جنگ تحمیلی هشت‌ساله پایان داده است، که با اعتراض و ناراحتی بسیاری از رزمندگان و فرماندهان و سرداران جبهه و جنگ مواجه شده است، لذا بسیاری از فرماندهان و سرداران بزرگ و رزمندگان جبهه و جنگ طی نامه‌های متعدد و گلایه از رهبر کاریزماتیک (حضرت امام خمینی) و مسئولین رده‌بالای کشور تقاضای ادامه جنگ تا رسیدن به شعارها و هدف‌های نهایی جنگ و از بین بردن کامل دشمن بعثی و صدام حسین شده‌اند که با نصایح و پند و اندرز رهبر کاریزماتیک (حضرت امام خمینی) و دعوت ایشان به خویشتن‌داری و صبر و بردباری و کنترل خشونت روانی آنان مانع از ادامه جنگ شده‌اند و به این ترتیب بود که رزمندگان جامعه ایثارگری (جانبازان) با دلی پر از اندوه و درد و با زخم‌های ناشی از مجروحیت و ضایعات جسمی برجای‌مانده از جبهه و جنگ به خانه و کاشانه برگشته و مشغول زندگی عادی و درمان و ترمیم و بهبود ضایعات جسمی ناشی از منطقه جنگی خود شده‌اند و بسیاری به دلیل ناراحتی‌ها و گلایه‌های ناشی از متوقف شدن از جنگ به گوشه و کناری خزیده‌اند و مشغول زندگی روزمره و عادی خود شده‌اند و از جامعه و نظام اجتماعی فاصله گرفته‌اند که این موضوع کم‌کم موجب کناره‌گیری از جامعه و سرخوردگی و منزوی شدن بسیاری از رزمنده‌های جامعه ایثارگری شده است.

ورود نوسازی و یا توسعه و تأثیرات آن بر جامعه ایثارگران

بنابراین با تفاسیر بالا می‌توان گفت که با پایان گرفتن جنگ تحمیلی انسجام و همبستگی جامعه ایثارگری به دلیل عملی نشدن اهداف اولیه و شعارهای جبهه و جنگ در حال تقلیل و کاهش و فروپاشی بوده است که بدین ترتیب می‌بینیم که بعد از سال ۱۳۶۸ کم‌کم ارزش‌های مردم در حال تغییر و دگرگونی می‌باشد و ارزش‌های انقلابی و اسلامی دوران انقلاب در حال رنگ باختن و دگرگونی و اضمحلال و فروپاشی می‌باشد و بار دیگر ارزش‌های اشرافی‌گری و سرمایه‌داری و نمایش ثروت دوران قبل از انقلاب در حال جایگزینی می‌باشد که کشورهای غربی این کار را با ابزارهای بسیار قوی که در اختیار دارند انجام می‌دهند در واقع ریل انقلاب از ریل اصلی انقلاب جدا و به ریل فرعی انتقال داده شده است با این تذکر که بعد از موفقیت انقلاب کوشش‌های مخالفین نظام ارزشی انقلابی در جهت مقابله با آن از طریق جنگ و حصر اقتصادی نیز به تقویت نظام ارزشی

انقلابی-مذهبی منجر شده است از آنجا به بعد به نظر می‌رسد روش برخورد با انقلاب تغییر کرد به قول اینگلهارد (جامعه‌شناس) روش آرام ویی سروصدایی در پیش گرفته شد اینگلهارد در کتابش (نوسازی، تغییر فرهنگی و دمکراسی) تحت عنوان فوق کوشش می‌کند نشان دهد که چگونه و با چه روش‌هایی نظام اجتماعی غربی به طور نامحسوس از طریق تغییر ارزش‌ها دگرگون می‌شود، چگونه می‌توان یک تغییر اساسی (شبه انقلاب) اما آرام ویی سروصدا در نظام اجتماعی به وجود آورد و آن را به طور نامحسوس دگرگون کرد، این کار را می‌توان از طریق تغییر ارزش‌ها انجام داد "شرایط امنیت وجودی فزاینده مردم را به تأکید بیشتر بر آزادی و انتخاب انسانی رهنمون می‌کند و این روند فشارهایی را برای تثبیت و تقویت آزادی‌های دمکراتیک وارد می‌آورد که این‌ها را می‌توان چنین ترسیم نمود.

تغییر سیاسی تغییر → فرهنگی (توسعه) → تغییر اقتصادی (انسانی)

همچنان که شرح خواهیم داد (اینگلهارت، ۱۳۸۹:۱۸۶) که با توجه به نمودار فوق تأثیر آن را بر جامعه اینارگری مورد بررسی قرار می‌دهیم و اینکه با تغییر ارزش‌های کل جامعه کم‌کم ارزش‌های جامعه اینارگری هم دگرگون و تغییر کرده است و این عامل بسیار مهم در نارضایتی این قشر آسیب‌پذیر می‌باشد که از این زاویه به تفصیل به آن می‌پردازیم.

مفهوم توسعه

مفهوم توسعه ابتدا به معنی رسیدن به برخی از اهداف طبق یک برنامه‌ریزی، تلقی می‌شد، این مفهوم در زیست‌شناسی به مفهوم مراحل تکامل بیولوژیکی موجوداتی از قبیل درخت (تبدیل از دانه به درخت) به کار گرفته می‌شد و بعدها نیز در نظریه تکامل داروین وجهه مثبت‌تری پیدا کرد (Hass, 1992:15)، توسعه فقط به کاربری نظریه‌های توسعه و مدل‌های رشد نیست بلکه توسعه محصول است و دستیابی به این محول سخت‌کوشی، خلاقیت، ابتکار و صرف وقت نیاز دارد، توسعه فرایندی تحولی است از این‌رو شناخت مردم، فرهنگ، تاریخ، مذهب، اعتقادات، نگرش‌ها و احساساتشان مسئله بسیار مهمی است (Mofid, 1987:267) موانع جامعه ایرانی در دستیابی به توسعه و مدرنیزاسیون، فقدان منابع مالی و تجارت خارجی نیست (Ibid, 271) امروز بعد از گذشت دهه‌ها سال از برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی-اجتماعی در ایران هنوز راه طولانی در دستیابی به اهداف اصلی

برنامه وجود دارد، همچنان اقتصاد ایران به منابع نفتی وابسته است و مشکلات و مسائل حل نشده در جامعه ایران باقی است.

"و یا مبتنی بر اصلاح‌گرایی (رفورمیسم) است که از طریق تجدید آرایش آشتی‌جویانه سلسله‌مراتب نظام طبقاتی، به منظور فراهم‌سازی شرایط افزایش بهره‌وری صورت گرفته است و اغلب کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران، ترکیه، و پاکستان را می‌توان مظهر آن دانست" (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۲:۱۳۰).

"بیست سال پس از شروع انقلاب امروز در این منطق قرار داریم، منطقی که در آن اولاً اولیاتی (طبیعی) به عمل در برابر گفتمان داده شود و ثانیاً گفتمان‌ها نیز به لحاظ ارزشی تغییر را در جایگاهی برتر از ثبات می‌نشانند چنین رویکردی به ناچار گرایش به سوی نوسازی یا مدرنیزاسیون دارد و محافظه‌کارترین افراد درون آن نیز دیر یا زود گفتمان و حتی عملکردی کمابیش به رغم تمایل خود مدرن خواهند یافت، اینجاست که به دلیل بعد خاص ایدئولوژیک انقلاب یعنی تکیه زدن بر سنت تناقضی در آن ظاهر می‌شود به عبارت دیگر میان تمایلات عملی و ذهنیت‌ها و مفاهیم عموماً رایج در قالب زبان رسمی که تا اندازه زیادی بر سنت و تداوم و یا حتی بازآفرینی گذشته پای می‌فشارند و واقعیت عملکردها و رفتارهایی که خواسته یا ناخواسته در جهت خروج جامعه از بسیاری قالب‌ها و محتوای سنتی حرکت می‌کنند، تضاد به وجود می‌آید" (فکوهی، ۱۳۸۳ الف: ۴۵۲).

"یکی از مسائل و مباحث توسعه اقتصادی در جهان امروز نبود چهارچوب و الگوی نظری جامع و بهینه در توسعه اقتصادی-اجتماعی جهت تحلیل، تبیین و شناخت واقعیت‌های جامعه و برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف‌ها و نیازهای جامعه انسانی است، این نیاز و ضرورت در دهه‌های اخیر در کشورهای در حال توسعه به صورت یک معضل اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی نمودار گشته است زیرا که چهارچوب و الگوی توسعه پیشنهادی از سوی کشورهای توسعه‌یافته در دهه‌های اخیر نه تنها راه‌گشای مشکل توسعه اقتصادی-اجتماعی‌ای کشورها نبوده است، بلکه زمینه‌های نامطلوب توسعه نامطلوب توسعه اقتصادی-اجتماعی را فراهم ساخته است. از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه نیز از ارائه چهارچوب و الگوی نظری متقن، واقع‌بینانه و مورد نیاز جامعه خود به دلایل بسیار بازمانده‌اند؛ بنابراین برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی در فضای غیرعلمی، همراه با شک و

تردیدها و مبتنی بر تجربه‌ها و نقل و قول‌های افراد پی‌ریزی می‌شوند و در نهایت به نتیجه مطلوب و بهینه نمی‌انجامند، امروزه در مباحث و مسائل توسعه ایران (اعم از توسعه اجتماعی، توسعه پایدار و...) چنین خلأ و کمبودی به عیان مشاهده می‌شود" (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ۳۴).

در علوم اجتماعی و خصوصاً در حوزه نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی مطرح می‌باشند، نظریه نوسازی به الگویی از توسعه توجه دارد که در آن جوامع پیشامدرن یا سنتی در جهت تبدیل به جوامع مدرن به الگویی از توسعه توجه دارد که در آن جوامع پیشامدرن یا سنتی در جهت تبدیل به جوامع مدرن گام برمی‌دارند، بر اساس این نظریه، جوامع در حال توسعه با تأکید روی شاخص‌های داخلی و یا کمک دیگران قادرند مسیر توسعه را همانند جوامع توسعه یافته طی کنند، نظریه وابستگی با الهام از اندیشه‌های مارکس و بعدها نظریات رائل پربیش و پل باران، کاملاً در تضاد با نظریه نوسازی مطرح شد، این نظریه برخلاف نظریه نوسازی، الگو قرار دادن مسیر کشورهای توسعه یافته از جانب کشورهای در حال توسعه را امری اشتباه دانسته و پیگیری چنین مسیر را منتهی به اقتصاد وابسته در این کشورها و الگوی نظام اقتصادی مرکز یا پیرامون می‌داند که کشورهای صنعتی در مرکز این اقتصاد قرار گرفته‌اند و کشورهای در حال توسعه در پیرامون آن جای می‌گیرند در نظریه نظام جهانی نیز دولت در سه مرکز پیرامون و شبه پیرامون قابل بررسی هستند (wallerstein, 2004) و همچنین نظریه نوسازی بر مدرن شدن و به کارگیری تکنولوژی نوین تأکید دارد هرچند پیشرفت تکنولوژی، مؤثرترین محرک توسعه اقتصادی است؛ لکن به کار بردن پیشرفته‌ترین فنون در کشورهای توسعه نیافته (پیرامون) عامل تحرک توسعه اقتصادی آن‌ها نیست، به کار بردن تکنولوژی و فوننی که در کشورهای توسعه نیافته (پیرامون) عامل تحرک توسعه اقتصادی آن‌ها نیست به کار بردن تکنولوژی و فوننی که در کشورهای توسعه یافته تولید شده است بدون توجه به شرایط کشورهای توسعه نیافته که آن‌ها را به کار خواهند گرفت، نوسازی محسوب نمی‌شود؛ بلکه فقط جابه‌جا کردن آن تکنولوژی است به کار بردن آخرین فنون، ضامن سریع‌ترین پیشرفت اقتصادی نیست (مایرون وینر، ۱۳۴۹، ص ۳۵۶)، "نوسازی یک فرایند انتقال‌دهنده است در جریان نوسازی ساختارهای سنتی و ارزش‌های آن تغییر یافته و جای خود را به ارزش‌های جدید می‌دهند، در این نظریه مفهوم "سنت" و "نو" در مقابل هم قرار گرفته‌اند بنابراین سنت‌ها در فرایند نوسازی یا جای خود را باید واگذارند و یا در وضعیت مدرن، مستحیل شوند، نوسازی، فرایندی درون‌زا است، دو ویژگی نظام یافته و استحاله‌گر

نظریه نوسازی، تغییر در نظام اجتماعی درونی می‌سازد، از این رو تغییر در یک حوزه فعالیت تغییرات قابل توجهی را در دیگر حوزه‌ها موجب خواهد شد، برای مثال تغییر در نهاد خانواده و تمایز ساختاری در آن موجب ایجاد تغییر در نهاد آموزش و پرورش، نهاد اقتصاد و... خواهد داشت و تغییرات به صورت درون‌زا به وقوع خواهد پیوست (آلوی، ی، سو، ۱۳۷۸، صص ۵۱-۴۸).

با توجه به اینکه در برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب اسلامی استراتژی توسعه و صنعتی شدن به هم مرتبط بودند، استراتژی جانشین واردات با تأکید بر صنایع سنگین، پتروشیمی و دفاع همچنان دنبال می‌شد سیاست‌های اقتصادی به طور وسیعی بر گسترش صنایع مدرن به‌ویژه در مناطق و شهرهای بزرگ متمرکز بود علاوه بر آن از مناطق اقتصادی شدن مناطق و گروه‌های فقیرتر جامعه بهره‌مند نمی‌شدند در فرایند صنعتی شدن جامعه ایران، انحراف مهمی که روی داده آن است که فقر و بیکاری در مناطق روستایی و بخش‌های شهری که مدرن نشده‌اند بیشتر شدت گرفته و فرایند توسعه، جامعه ایران را به دو شق تقسیم کرده است (Mofid 1987:219,270,271).

و همچنین به دلیل حرکت سریع ایران برای همانند شدن با کشورهای غربی و استفاده از الگوهای جاری در برنامه‌ریزی، از طریق دعوت از مشاوران خارجی، زمینه‌ای آشنایی نظام برای همانند شدن با کشورهای غربی و استفاده از الگوهای جاری در برنامه‌ریزی، از طریق دعوت از مشاوران خارجی، زمینه‌ای آشنایی نظام برنامه‌ریزی ایران با الگوهای غیربومی فراهم شد (مک لئود: ۱۳۷۹، ۱۳).

در این دوره به دلیل رشد اقتصادی و اجتماعی و ثبات سیاسی به دلیل استبداد مطلقه، اصلاحات توسعه و نوسازی در زمینه افزایش جمعیت و جلوگیری از مرگ‌ومیر به دلیل افزایش مراکز بهداشتی و آموزشی و احداث و بزرگراه‌ها و اتوبان‌های جدید و احداث راه‌آهن و مراکز آموزشی و باسواد نمودن افراد به دلیل احداث مدرسه و تأسیس و توسعه دانشگاه‌ها و از جمله دانشگاه تهران و تقسیم زمین‌های بزرگ زمین‌داران بزرگ از دست دهقانان و کشاورز خردپا و اصلاحات اراضی و ایجاد بوروکراسی جدید و دستگاه‌های اداری و دولتی از جمله برای اولین بار احداث شهرداری‌ها و استانداران و فرمانداری‌ها و تقسیم کشور از لحاظ جغرافیا به چند استان و شهرستان و ایجاد ارتشی منظم و قوی و متمرکز که نتیجه توسعه و نوسازی در این دوره بوده است ولی به این اندازه اصلاحات

و بازسازی در کشور (۹۰) درصد مردم جامعه روستایی و یا شبه روستایی زندگی می‌کردند و اصلاحات و توسعه فقط در زمینه اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است بلکه در زمینه سیاسی به دلیل پادشاهی مطلقه و خفقان سیاسی و محدود نمودن احزاب سیاسی کشور هیچ‌گونه رشد و توسعه در زمینه سیاست نداشته‌ایم که همین یکی از علل بسیار مهم توسعه ناموزون در کشور بوده است (آبراهامیان، ۱۳۷۶:۸۶) و لذا تأکید می‌کنیم که توسعه در چنان شرایطی ناممکن نیست: رشد اقتصادی به آن‌گونه که از طریق افزایش دادوستد، ازدیاد تولید ناخالص ملی و صنعتی شدن اندازه‌گیری می‌شود ممکن است در مقطع زمانی معین در بعضی از کشورهای جهان سوم روی دهد، این دستاوردها معمولاً پیامدهای منفی نظیر تورم، عدم اشتغال، مسائل بهداشتی، نارسایی آموزش و پرورش، کمبود مسکن و مانند این‌ها همراه می‌شود به همین جهت، این‌گونه "توسعه" را توسعه وابسته می‌نامند که به معنای رشد در درون محدوده‌ها، پیشرفت و رفاه اقلیتی از مردم جامعه و رنج حرمان اکثریت می‌باشد، این فکر جنینی به همراه آن، توجه برابر به نوعی از پیشرفت و مضرات آن باید در برابر روایت‌های ساده‌نگرانه پیشین نظریه وابستگی قرار داده شود نظریه گوندرفرانک یکی از این موارد اخیراً است (جان فوران، ۱۳۹۴:۲۴).

"فرایند نوسازی در کشورهای در حال توسعه در بر دارنده تضادها و عدم تعادل‌هایی برای جوامع مزبور بوده است. صرف‌نظر از تضادهای منطقه‌ای خصوصاً میان شهرهای بزرگ و مناطق کوچک مثل روستا که منجر به مهاجرت‌های گسترده می‌شود در این مبحث برخی از سایر پیامدهای عمیق فرهنگی، اجتماعی روند نوسازی بررسی می‌شوند. پرفسور یوجی سوزکی استاد دانشگاه هوسایی ژاپن در یکی از سمینارهای مجامع بین‌المللی سازمان ملل مقاله‌ای در این باره ارائه کرده است او در این مقاله آورده است مدتی است کشورهای آسیایی و منطقه اقیانوس آرام تغییرات عظیم اقتصادی، اجتماعی را تجربه کرده‌اند این تغییرات رشد بسیار سریعی را در کل منطقه فراهم آورده است اما در مقابل این تغییرات تنش‌هایی نیز در سیاست‌های این کشورها ایجاد شده و این امر پدیده‌ای منحصربه‌فرد در تاریخ این کشورهاست در واقع در این منطقه علی‌رغم موقعیت‌های اقتصادی مشکلات فزاینده‌ای نیز ایجاد شده است که عبارت‌اند از بحران هویت، فاصله بین فقیر و غنی، شدت یافتن تضادهای بین نژادی، پیدایش حکومت‌های فراقدرتمند و غرب‌زدگی بنابراین مسائل فوق بی‌شک احتیاج به راه‌حل دارند راه‌حل‌هایی که بیش از یک درمان موقتی است، زیرا ریشه همه آن‌ها

فرهنگ است پس باید به ابعاد فرهنگی تغییرات ایجادشده توجه شود به هر علت صلی همه این بحران‌ها نیز روند مدرنیزاسیون یا نوسازی بوده است" (معید فر، ۱۳۸۶:۷۳).

"ضرورت مطالعه و بررسی جامع و عمیق فراز و نشیب توسعه و تحولات اجتماعی و همچنین توسعه اقتصادی- اجتماعی ناپایدار و ناموزون در چند دهه اخیر در ایران پوشیده نیست زیرا مسائل و معضلات ناشی از چنین توسعه‌ای نه تنها ارزش‌ها، عقاید و هنجارهای اجتماعی ما را مورد سؤال قرار داده است بلکه کل نظام اجتماعی را تهدید می‌کند روابط اجتماعی در ایران روابط ناعادلانه است این جریان در دهه اخیر منجر به تعمیق و گسترش مسائل و معضلات اجتماعی مانند فقر، بی‌سوادی، بیکاری، افسردگی، بی‌اعتمادی، طلاق، ناهنجاری‌ها و بزه، کاری‌هایی شده است. منشأ شکل‌گیری و گسترش روابط اجتماعی ناعادلانه در جامعه ایران در ماهیت و ترکیب ساختاری عناصر و مؤلفه‌های بنیادین جامعه ایران نهفته است چنین نظام اجتماعی، زمینه را برای نفوذ و پذیرش عوامل بیرونی از جمله اقتصاد جهانی فراهم کرده است.

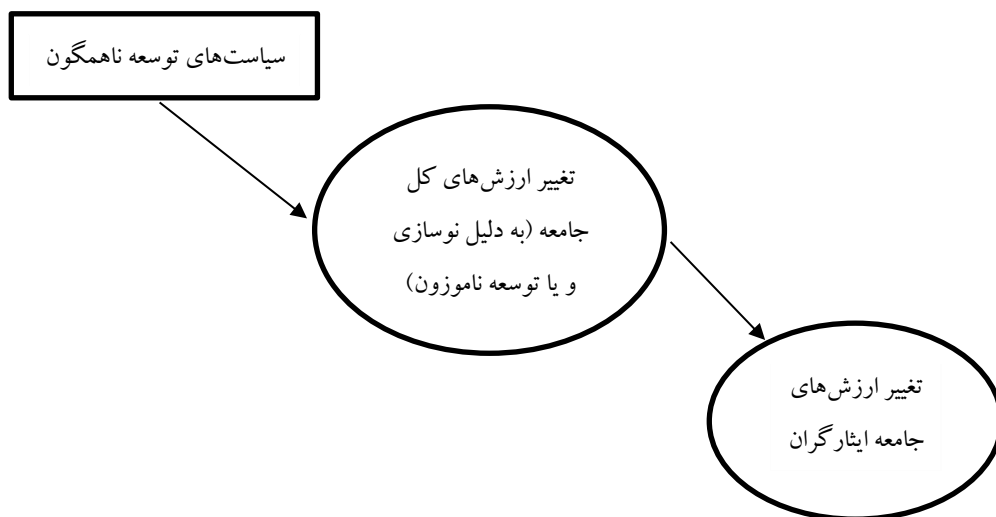
در واقع عناصر بنیادین جامعه ایران به خاطر ناموزونی درونی خود از یک سو و ترکیب ناهمگونی و غیرسیستمی از سوی دیگر، موجب شکل‌گیری نوعی از نظام اجتماعی شده است که زمینه‌ساز ناسازگاری، تنش، کج‌رفتاری و بالأخره مسائل و معضلات اجتماعی گوناگون شده است، مسائل و معضلات اجتماعی در ایران ریشه در ساختار نظام اجتماعی و روند و ماهیت توسعه اقتصادی- اجتماعی سده‌های گذشته به‌ویژه چند دهه اخیر ایران دارد در واقع مسائل و مشکلات اجتماعی کنونی ایران از حد مسائل اجتماعی عادی فراتر رفته و به صورت بحران‌های منطقه‌ای جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی درآمده و نظام اجتماعی را در ابعاد گوناگون تضعیف و مورد تهدید قرار داده است" (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱:۸۹).

"بدین دلیل کسانی که به اعتقاد آن‌ها می‌توان جامعه را با توزیع نامتعادل در آمد تا زمانی نه‌چندان طولانی از دید اقتصادی به شکوفایی و به راه سلامت کشاند بشدت در اشتباه‌اند. اتخاذ الگوی نامتعادل توزیع درآمد برای حصول شکوفایی اقتصادی فقط در شرایطی موفق خواهد بود که از یک طرف جامعه پذیرای نخبه‌گرایی و از طرف دیگر پذیرای تحمل فشار شدید اقتصادی و فقر در صورتی می‌تواند امید برای زمان‌های نسبتاً طولانی باشد این الگو در شرایط امروز جهانی فقط در

صورتی می‌تواند امید به موفقیت داشته باشد که پشتوانه‌ای بسیار قوی از نیروهای مسلح را سازمان دهد و در موارد لازم با قاطعیت و سببیت این پشتوانه را به کار گیرد" (عظیمی آرانی، ۱۹۲: ۱۳۷۱).

بنابراین می‌بینیم که نوسازی یا توسعه ناموزون در جامعه موجب تغییر ارزش‌ها کل جامعه و به تبع موجب تغییر ارزش‌ها در جامعه ایثارگران می‌شود یعنی وقتی که تغییر ارزش‌ها در جامعه ایثارگری اتفاق بیفتد این تغییر ارزش‌ها موجب ایجاد نیازها و مطالبات جدید در جامعه و به دلیل عدم دسترسی و یا عدم پاسخگویی نظام سیاسی به این نیازهای جدید در کشور موجب نارضایتی در جامعه ایثارگران می‌شود بنابراین از این زاویه موضوع را دنبال می‌کنیم و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و با توجه به نمودار شماره ۲ به تبیین و تفضیل آن می‌پردازیم.

نمودار شماره ۲) تغییر ارزش‌ها در جامعه ایثارگران



لذا با توجه به نمودار ذیل ما می‌بینیم در قالب برنامه‌های توسعه ارائه امتیازات ایثارگری موجب تغییر ارزش‌ها و بالا رفتن توقعات از سیستم و سلب انگیزه و کار و تلاش و شروع نیازهای جدید و عدم آرامش روحی و روانی و نهایتاً منجر به نارضایتی جامعه ایثارگری خواهد شد.

درآمدی بر توسعه نآدرام در جامعه ایثارگران / ۲۳

→ تغییر ارزش‌ها → ارائه امتیازات ایثارگری (در قالب برنامه توسعه)

سلب انگیزه و کار و تلاش → بالا رفتن توقعات از سیستم → →

→ شروع نیازهای جدید (عدم ارضاء نیازها) → → → → →

نارضایتی جامعه ایثارگران (جانبازان) → عدم آرامش روحی و روانی →

تاریخچه تغییر ارزش‌ها از دوران انقلاب مشروطیت تا بعد از سال ۱۳۶۸

با توجه به نمودار ذیل مشخص می‌شود که چگونه با ورود مدرنیزاسیون از سال ۱۳۴۲ و ورود مدرنیته و تجددگرایی و نوخواهی و ورود تکنولوژی جدید و امکانات و ابزارآلات و نوسازی ساختارها و نهادها و دستگاه‌ها آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی که موجب تغییر محیط اجتماعی و اقتصادی و متعاقباً موجب تغییر ارزش‌های کل جامعه و به‌الطبع تغییر ارزش‌های جامعه ایثارگران و نهایتاً نارضایتی جامعه ایثارگران خواهد انجامید.

ورود مدرنیزاسیون از سال ۱۳۴۲ ← مدرنیته و تجددگرایی و نوخواهی و عبور از سنت و ارزش‌های قدیم ← انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و برگشت ارزش‌ها معنوی و سنت‌های اسلامی و قدیمی ← بعد از پایان جنگ در سال ۱۳۶۸ و برگشت دوباره ارزش‌های مادی و دنیایی برگرفته از غرب به اسم توسعه ← توسعه و اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در قالب برنامه‌های پنج‌ساله مجلس شورای اسلامی ← ورود تکنولوژی جدید و امکانات و ابزارآلات و ادوات جدید و نوسازی ساختارها و نهادها و دستگاه‌ها آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی ← تغییر محیط اجتماعی و اقتصادی ← تغییر ارزش‌های کل مردم جامعه ← تغییر ارزش‌های جامعه ایثارگران ← نارضایتی جامعه ایثارگران.

بنابراین با توجه به مدل فوق تاریخچه توسعه و نوسازی را در کشورمان مختصراً از سال ۱۳۴۲ به بعد را می‌توان به شرح ذیل تقسیم نمود.

۱- توسعه و نوسازی و شروع جریان روشنفکری و اصلاحات جدید با انقلاب مشروطیت.

۲- توسعه و نوسازی در دوران استبداد رضاخان.

۳- توسعه و نوسازی در دوران محمد رضا شاه.

۴- توقف توسعه و نوسازی در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.

۵- ادامه توسعه و نوسازی بعد از سال ۱۳۶۸ (با همان روش قبل از انقلاب).

شروع توسعه و نوسازی توسط روشنفکران جدید با انقلاب مشروطیت

"ریشه و شروع توسعه ناموزون به انقلاب مشروطیت برمی گردد با تشکیل یک طبقه متوسط و روشنفکران جدید، تحصیل کردگان جدید و متوسط که در اروپا تحصیل کرده اند و به ایران بازگشته اند شروع کرده اند و به تبلیغ تجدد و نوگرایی و جدایی از سنت که این موضوع موجب تبلیغ روشنفکری بر پایه ایدئولوژی جدید و روشنفکری بر پایه جدایی از سنت و نوسازی و مدرن شدن کشور بر پایه و اساس توسعه ناموزون اقتصادی و اجتماعی بنا نهاده شده است که طرفداران این توسعه روشنفکری جدید و طبقه متوسط و تحصیل کردگان برگشته از غرب بوده اند و طرفداران سنت و ارزش های قدیمی مثل روحانیون مذهبی حوزه و طلبه ها بوده اند، بنابراین شروع توسعه ناموزون و تجدید و نوگرایی و نوسازی در کشور از همین زمان می باشد که توضیح داده شده است که سنگ بنای ناموزون توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور نهاده شده است که نوسازی و مدرن نمودن دستگاه ها و ساختارهای آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و بی تعادلی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به وجود می آید، لذا با ورود داروها و تجهیزات پزشکی و درمانی و تکنولوژی جدید بهداشتی و درمانی خریداری شده از غرب و ساختن مراکز بهداشتی و درمانی مثل بیمارستان ها و درمانگاه ها و کلینیک های تخصصی درمانی در کشور موجب جلوگیری از مرگ و میر و کنترل مریضی و امراض گوناگون و موجب افزایش جمعیت کشور و هرم جمعیتی از سنین پیر و کهن سال به هرم جمعیتی جوان تغییر داده است به دلیل همان کاهش مرگ و میر نوزادان و افزایش تولد در کشور و کاهش مرگ و میر افراد پیر و مسن هرم جمعیتی کشور از پیر به هرم جمعیتی جوان تغییر کرد، این گروه از روشنفکران معتقد بودند که می بایست در ساختارها و نهادهای آموزشی و مذهبی و اجتماعی تغییر اساسی به وجود آید تا با ساختارهای و نهادهای آموزشی و فرهنگی جدید بتوان تغییرات فرهنگی اساسی و بنیانی در کشور ایجاد نمود، در شرایطی که نفوذ و تأثیر غرب بیشتر بازاریان را در قالب طبقه متوسط مرفه متشکل ساخت، تماس با غرب نیز از راه مسافرت و

ترجمه و نهادهای آموزشی افکار جدید خواسته‌های تازه، ارزش‌های نو و روشنفکران جدیدی به وجود آید" (آبراهامیان، ۷۹: ۱۳۷۹).

توسعه و اصلاحات جدید در دوره پهلوی

با توجه به اینکه توسعه اقتصادی و اجتماعی فقط در زمینه اقتصادی و اجتماعی و در دوره رضاشاه ادامه پیدا کرد و با ورود تکنولوژی جدید و کالاهای مصرفی مورد نیاز جامعه شکل جامعه از جامعه روستایی به جامعه شهری در حال تغییر بوده است و کشف حجاب و غیرمذهبی نمودن جامعه و ایجاد جامعه غربی و یا شبه غربی ادامه راه توسعه و اصلاحات در زمینه اجتماعی بوده است و در این دوره ما می‌بینیم که جریان تجدد دوره روشنفکری و نوخواهی و نوسازی جامعه در حال رشد می‌باشد البته در این دوره فقط در زمینه اقتصادی و اجتماعی رشد توسعه را داریم و به دلیل استبداد مطلقه پادشاهی و خفقان سیاسی، در زمینه سیاسی هیچ‌گونه اصلاحاتی صورت نگرفته است و همچنین در این دوره به دلیل رشد اقتصادی و اجتماعی و ثبات سیاسی به دلیل استبداد مطلقه، اصلاحات و توسعه و نوسازی در زمینه افزایش جمعیت و جلوگیری از مرگ‌ومیر به دلیل افزایش مراکز بهداشتی و آموزشی و احداث راه‌ها و بزرگراه‌ها و اتوبان‌های جدید و احداث راه‌آهن و مراکز آموزشی و باسواد نمودن افراد به دلیل احداث مدرسه و تأسیس و توسعه دانشگاه‌ها و از جمله دانشگاه تهران و تقسیم زمین‌های بزرگ زمین‌داران بزرگ از دست دهقانان و کشاورزان خرده‌پا و اصلاحات اراضی و ایجاد بوروکراسی جدید و دستگاه‌های اداری و دولتی از جمله برای اولین بار احداث شهرداری‌ها و استانداران و فرمانداری‌ها و تقسیم کشور از لحاظ جغرافیا به چند استان و شهرستان‌ها و ایجاد ارتشی منظم و قوی و متمرکز که نتیجه توسعه و نوسازی ناموزون در این دوره بوده است ولی با این اندازه اصلاحات و نوسازی در کشور هنوز (۹۰٪) درصد مردم جامعه روستایی و یا شبه روستایی زندگی می‌کردند و اصلاحات و توسعه فقط در زمینه اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است بلکه در زمینه سیاسی به دلیل استبداد پادشاهی مطلقه و خفقان سیاسی و محدود نمودن احزاب سیاسی کشور هیچ‌گونه رشد و توسعه در زمینه سیاست نداشته‌ایم که همین یکی از علل بسیار مهم توسعه ناموزون در کشور بوده است.

"پس از سال‌های اولیه حکومت رضاشاه اصلاحاتی در نهادهای مختلف کشور صورت گرفت که به بی‌ثباتی و بی‌نظمی‌های حاکم بر سال‌های قبل از سال ۱۳۰۸ پایان داد و فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایران فراهم کرد در نتیجه ایران توانست در پایان دهه مزبور رشد سریعی داشته باشد و در ابتدای جنگ جهانی دوم تا حدودی موقعیت اقتصادی خود را در برابر ملت‌های دیگر تحکیم کرد" (زمان زاده و الحسینی، ۱۳۹۱:۱۴۲).

رشد و توسعه ناموزون اصلاحات جدید دوره پهلوی دوم قبل از انقلاب

در این دوره سرعت بسیار زیاد رشد و توسعه ناموزون کشور را فقط در زمینه اقتصادی و اجتماعی داریم در زمینه سیاست هیچ‌گونه رشد و توسعه و بالندگی نداریم البته در طبقه بسیار بالا و درباریان طبقه روشنفکری و جریان روشنفکری دیده می‌شود و این‌گونه افراد هیچ‌گونه فعالیتی در زمینه اصلاحات و توسعه سیاسی ندارند بلکه فقط ادعای روشنفکری را دارند ولی در زمینه اقتصادی و اجتماعی رشد بسیار زیادی داریم که تغییرات اقتصادی و اجتماعی بسیار زیادی در این زمینه دیده می‌شود از جمله این تغییرات به شرح ذیل می‌باشد:

۱- افزایش جمعیت کشور به دلیل جلوگیری از مرگ‌ومیر و تولد نوزادان جدید با ورود داروهای جدید و احداث مراکز بهداشتی و درمانی و کلینیک‌های پزشکی و تخصصی با استفاده از علوم و تکنولوژی جدید.

۲- تغییر زمین‌های کشاورزی و اصلاحات اراضی و تقسیم زمین‌های بزرگ و گرفتن آن‌ها از دست مالکین بزرگ و تقسیم بین رعیت و دهقانان و کشاورزان.

۳- با احداث مراکز آموزشی و فرهنگی مثل دانشگاه‌ها و مدرسه و بالا بردن سواد مردم و جلوگیری از بی‌سوادی.

۴- احداث صنعت کارخانجات در شهرها بر پایه نفت و کالاهای نفتی مثل کارخانجات خودروسازی مثل ایران خودرو و یا پالایشگاه‌های نفت و گازوئیل.

۵- تغییر اقتصادی روستایی به شهری و مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها به دلیل تغییرات اقتصادی و اجتماعی مثل یافتن شغل.

۶- ایجاد راه‌ها و بزرگراه‌های جدید و احداث راه آهن جدید و راه‌های شوسه و آسفالته و ایجاد ارتباط حمل‌ونقل آسان و تسهیل نمودن ارتباطات و مراسمات.

۷- طرح آبیاری و آبرسانی و احداث سدهای بزرگ جهت بهره‌برداری از محصول زمین‌های کشاورزی.

۸- تبدیل خان ده به حاجی بازار و تغییر و اقتصاد روستایی به اقتصاد شهری و بازار فروشندگان کالاها در بازار به مصرف‌کنندگان روستایی که روستایی تبدیل به یک مصرف‌کننده شده است نه تولیدکننده کالاها و تولیدات روستایی و کشاورزی.

۹- افزایش بیش از حد قیمت و چهار برابر شدن قیمت نفت و تولید بیش از حد نفت و تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد.

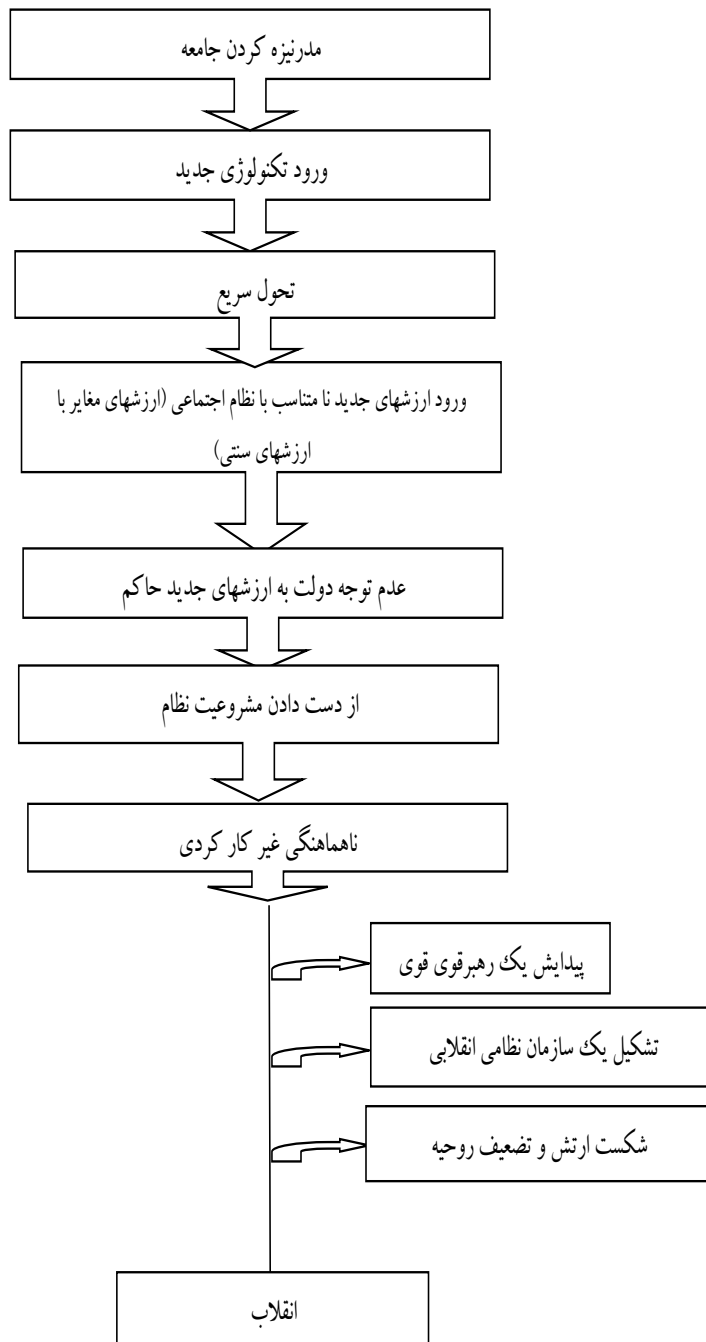
۱۰- ورود تکنولوژی جدید مثل خودروهای جدید و مواد شیمیایی جهت رونق کشاورزی مثل کود و سموم جهت بهره‌برداری زیاد از زمین‌های کشاورزی و ماشین‌آلات کشاورزی مثل تیلر و کمباین و ورود کشف حجاب و تغییر پوشش زنان و ارزش‌های جدید و پوشش جدید زنان به سبک زنان غربی.

"اما افزایش جهشی قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ این روند که با رشد سریع اقتصادی همراه بود اما با افزایش مخارج دولت برای پیشرفت سریع‌تر در حالی که کشور در آن زمان توان سرمایه‌گذاری بیش از آن حد را نداشت موجبات افزایش شدید فاصله طبقاتی و نیز افزایش شدی تورم را فراهم آورد راهکارهای در پیش گرفته شده برای مهار این بی‌ثباتی‌ها نیز اقدامات سخت‌گیرانه‌ای همچون کنترل حکومتی و تعیین و تثبیت دستوری قیمت‌ها بود که قطعاً اثر واقعی نداشتند این‌ها همه در کنار نارضایتی‌های عمومی مردم از افزایش فساد، فاصله طبقاتی و نیز سایر نارضایتی‌ها سبب شد تا بدون این که چارچوب رقابتی حاکم در کشور تغییر کند، حاکمیت مشروعیت خود را از دست داده و سلسله پهلوی منقرض شود" (زمان زاده و الحسینی، ۱۴۵:۱۳۹۱).

"بنابراین این‌گونه توسعه و اصلاحات جدید که با سرعت بسیار زیاد در حال رشد و گسترش در سطح جامعه بوده است البته بدون اینکه در زمینه سیاست هیچ‌گونه رشد و توسعه و بالندگی داشته

باشیم که در کل به ضرر مردم جامعه شده است و این تغییرات محیطی موجب تغییر ارزش‌های بسیار بالا در آن دوره شده است این تغییرات موجب ارزش‌های مادی و پولی و ورود ارزش‌های جدید در کشور شده است و یک نظام ارزشی جدید شاهانه و فئودالی که بسیار غیرعادلانه از نظام سرمایه‌داری به وجود آمده و ریشه‌های آن در جامعه و در همه اقشار کم و بیش قوی بود عناصر اصلی این نظام را تمایل به برتری جویی جاه‌طلبی و کسب منزلت از طریق نمایش ثروت (استبدادی) و مصرف‌گرایی (و نهایتاً وابستگی به غرب) فردگرایی و نیاز و تحرک و ارتقاء فردی در جامعه تشکیل می‌داد که ریشه و علت اصلی همه آن‌ها نظام نابرابر اجتماعی و تفاوت طبقاتی زیاد بوده است، که نهایتاً این نظام ارزشی و تغییر ارزش‌ها به دلیل توسعه ناهمگون و یا ناموزون که فقط در حوزه اقتصادی و اجتماعی و ایجاد شده است موجب نارضایتی در جامعه و در نتیجه بی‌توجهی مسئولین نظام و فروپاشی و انقلاب شده است" (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۲۷) که مطابق با مدل ذیل می‌توان تغییر ارزش‌ها که موجب انقلاب شده است را تشریح و تبیین کرد.

نمودار شماره ۳) (مدل انقلاب سال ۱۳۵۷ به واسطه تغییر ارزش ها با کمک مدل چالمرزجانسون و مارکس)



تغییرات درونی در نظام اجتماعی بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷

عوامل و قانونمندی‌هایی که موجب پیدایش انقلاب شدند با تغییر نظام حکومتی بی‌تأثیر نماندند بلکه به نسبت شرایط موجود کم و بیش بر روی روند وقایع بعدی تأثیر می‌گذاشتند شرایط بعد از انقلاب برای ساختن یک جامعه سالم و قوی بسیار مناسب بود بدین معنی که میزان انسجام اجتماعی و آمادگی مردم برای هرگونه ایثار و فداکاری بسیار بالا بود لذا ذیلاً ما به تشریح کوتاه شرایط و علل به وجود آمدن انسجام و دگرگونی ارزش‌ها شاهانه به انقلابی می‌پردازیم.

انسجام اجتماعی

با توجه به قانونمندی‌های پویایی گروهی چند عامل باعث انسجام قوی بین مردم در هنگام انقلاب و دوران بعد از آن می‌شد:

- ۱- دشمن مشترک قوی (شاه) که موجب پیوند مردم می‌شد.
- ۲- داشتن رهبر قوی انقلاب.
- ۳- داشتن ایدئولوژی نویددهنده یعنی مذهب با ریشه‌های عمیق در مردم.
- ۴- فعالیت مشترک و مشارکت مردم در مبارزات.
- ۵- پذیرش هزینه‌های زیاد جانی از طرف مردم.

تغییر ارزش‌ها و پیدایش نظام ارزشی جدید

انگیزه‌های مردم برای انقلاب به طور کم و بیش پنهان و نه چنان آشکار اهداف و ارزش آن‌ها را شکل می‌داد که به تدریج درخواست‌های آن‌ها و رهبران‌شان ظاهر و نهایتاً در قانون اساسی نیز منعکس شد بدین ترتیب در واقع یک نظام ارزشی جدیدی پایه‌ریزی می‌گردد که عناصر مهم آن از بین رفتن بی‌عدالتی و نابرابری، استبداد، وابستگی به غرب و تمایل بیشتر به مذهب، ایثار و انسجام بود در مقابل این نظام ارزشی قدیمی شاهانه یا فتودالی (که بسیار غیرعادلانه از نظام سرمایه‌داری است) وجود داشت و ریشه‌های آن در جامعه و در همه اقشار کم و بیش قوی بود عناصر اصلی این نظام تمایل به برتری‌جویی، جاه‌طلبی و کسب منزلت از طریق نمایش ثروت و قدرت (استبداد)

مصرف‌گرایی (و لذا وابستگی به غرب) فرد‌گرایی و نیاز به تحرک و ارتقاء فردی در جامعه تشکیل می‌داد که ریشه و علت اصلی همه آن‌ها نابرابری اجتماعی و تفاوت طبقاتی زیاد بود این نظام را امام طاغوت می‌نامیدند این دو نظام ارزشی در مقابل هم قرار داشتند.

مدافعین نظام ارزشی فتودالی در کنار کشورهای غربی طبعاً قشر بالای جامعه و تازه به دوران رسیده‌های شیفته غرب (خرده‌بوژواها) و همچنین برخی از روحانیون در داخل و در خارج و مدافعین نظام ارزشی انقلابی بیشتر در بین شاگردان و پیروان امام و دانشجویان بودند اما نظام ارزشی انقلابی توانسته بود با یک حرکت هنجاری بسیار منسجم اکثریت جامعه را نیز به خود جذب و یک پایگاه قوی مردمی کسب نماید.

فرایند تغییر ارزش‌ها

دو نظام ارزشی فوق در جریان بعد از انقلاب به مقابله با یکدیگر پرداختند گرچه پیروان نظام ارزشی انقلابی در سرنگونی شاه موفق شده بودند و خواسته‌هایشان را به هنجاری فراگیر در بین مردم در آورده بودند اما نظام ارزشی فتودالی نیز به آرامی در پی فرصت مقابله بود و هر یک ابزاری در اختیار داشتند.

مهم‌ترین ابزار انقلابیون تشکیل شده بود از:

- رادیو، تلویزیون و جراید

- سازمان‌های دولتی

- مذهب

- روش‌های سنتی و مذهبی تأثیرگذار

- پایگاه عظیم مردمی

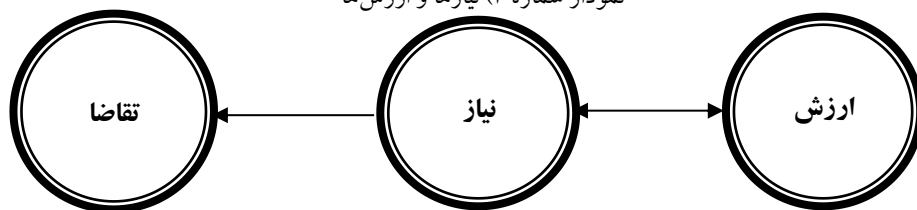
این عوامل دست به دست هم داده بودند و یک نیروی هنجاری عظیمی را به وجود آورده بودند به قدری زیاد بود که انقلابیون به راحتی به بسیاری از اهداف ارزشی خود دست یافتند، زیرا از اینجا به بعد ارزش‌ها به هنجار تبدیل (یعنی فراگیر یا همه‌گیر) شده بودند لذا طولی نکشید که این تغییر

ارزش‌ها در بیشتر زمینه‌ها به چشم می‌خورد و از اینجا به بعد مردم در روش همچون گذشته بری نمایش ارزش‌ها با یکدیگر یک مسابقه را آغاز نمودند منتهی این بار در جهت ارزش‌های یک نظام ارزشی جدید و انقلابی، با وصف این سرعت تغییر تحت شرایطی که مسئولین و مردم بخواهند تندتر و تحت شرایطی که تغییردهندگان نخواهند تا مردم تغییر را ادراک کنند کندتر انجام می‌گیرد در شرایط بعد از انقلاب تغییر ارزش‌ها نسبتاً سریع اما با وصف این تدریجی بود. "قیافه‌های ظاهری بدون دستور و زور از بالا به صورت درونی به تدریج تغییر یافت خانم‌های بی‌حجاب ابتدا با همان لباس متوسط و معمول یک روسری به سر می‌کشیدند سپس روسری‌ها بزرگ‌تر و لباس‌ها گشادتر و تیره‌تر شد شلوار بلوجین و پیراهن مردانه خانم‌ها به بلوجین + روپوش + کاپشن رنگی + روسری تیره تبدیل شد ریش‌های آقایان نیز به تدریج درآمد (بعضی ابتدا ریش نمی‌زدند و برخی ته‌ریش گذاشتند و سپس آن را کامل کردند) انگشترهای طلای آقایان با نقره و عقیق جایگزین و کت و شلوارهای شیک به اورکت سربازی تبدیل شدند مسابقات ارزشی شروع شده بود افرادی که تا آن موقع نماز نمی‌خواندند مهر و سجاده و تسبیحشان را به نمایش می‌گذاشتند و برخی نیز بر آن کوشش داشتند تا جای مهر بر پیشانی‌شان مشخص باشد وسایل منازل نیز تغییر کرد: مبل‌ها و صندلی‌ها به پستی‌ها تبدیل شد عکس‌های امام و ائمه بر دیوار و مجموعه تفسیر المیزان در کتابخانه‌ها به چشم می‌خوردند" (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

اما تحول ارزش‌ها بسیار عمیق‌تر از این تغییرات ظاهری بود جلسات قران معمول شد، مساجد آن‌قدر پرمی‌شدند که برای نمازهای جماعت و جمعه جایی نبود و مردم با فاصله کیلومتری از دانشگاه تهران برای نماز جمعه می‌ایستادند و بر این پایه نیز هزینه زیادی برای ساختن مصلاهی تهران پرداخته شد شور و التهاب مردم برای خدمت به زیاد بوده است که جوانان اینارگر می‌خواستند به هر نحوی یک خدمت به جامعه بنمایند و از این طریق جهاد سازندگی و بسیج به وجود آمد در سازمان‌ها وزرا و مدیران با کفش‌های دمپایی و لباس ساده از میزهای طاغوتی پرهیز می‌کردند جلوی اطاق پشت میز می‌نشستند با مردم و کارمندان دون‌پایه عجین می‌شدند و مدیران کهنه‌کار و غیرانقلابی نیز ناخواسته از آن‌ها پیروی می‌کردند، بیش‌تر بر جالب توجه است که در این زمان ثروتمندان اتومبیل‌های گران‌قیمت را در منزل می‌گذاشتند و جرئت نداشتند آن را بیرون بیاورند، همچنین اکثر مردم جرئت نداشتند لباس شیک بپوشند و ثروت و دارایی خود را به نمایش بگذارند

بنابراین در این زمان "دارندگی برازندگی" نبود بلکه فقر یک ارزش بود، گروه مرجع مردم نیز طی این جریان و همچنین با اشاراتی از سوی رهبران تغییر یافت استفاده از کلمات خارجی کم شد خارجی‌ها از نظر مردم بی‌اهمیت شدند و اعتماد به نفس مردم و جوانان و ابداع‌گران به توانایی‌های خود و کشورشان افزایش یافت و این نکته که یکی از پایه‌های اساسی رهیدن از وابستگی را تشکیل می‌دهد برای کشورهای غربی گران تمام می‌شد این تغییر ارزشی در نظام اقتصادی نیز تأثیر خود را نشان می‌داد زیرا چنانکه قبلاً گفته شد تقاضا بر پایه نیاز به وجود می‌آید و نیاز و ارزش با هم یک رابطه دوسویه دارند همچنان که نیازها، ارزش‌ها را شکل می‌دهند ارزش‌ها نیز در به وجود آمدن نیازها مؤثرند.

نمودار شماره ۴) نیازها و ارزش‌ها



لذا تغییر ارزش‌ها برای برخی از کالاها کاهش و برای برخی دیگر افزایش یافت. کمتر کسی دیگر اتومبیل بنز می‌خرد و بازار نمایشگاه‌های اتومبیل همچنین بوتیک‌ها و لوکس فروش‌ها و مدسازان گل فروشی‌ها... کساد گشت بدین ترتیب با روی گرداندن اکثریت مردم از مصرف‌گرایی، تقاضا برای کالاهای لوکس کم شد و عدم تقاضا برای این کالاها که قسمت اعظم آن از غرب وارد می‌شد در واقع به معنی از بین رفتن بازار کشورهای غربی در ایران و این امر در کنار از دست دادن پایگاه اجتماعی آن‌ها به‌عنوان گروه مرجع ایرانیان بسیار ناگوار بود (صرف‌نظر از پایگاه سیاسی از دست رفته) از طرف دیگر تقاضا برای برخی از کالاها یا به وجود آمد و یا افزایش یافت و موجب رونق آن بخش اقتصادی شد از جمله فروش کتاب‌های مذهبی.

عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها

در این فرایند مهم‌ترین نکته قابل توجه آن است که ثروتمندان جرئت نمایش ثروت (اتومبیل بنز و لباس و منزل شیک و...) خود را نداشتند هم آن‌ها وهم اکثر مردم بیشتر به ظاهری ساده و فقیرانه روی آوردند تا تظاهر به ثروت و تجمل دیگر فقر چیزی بدی نبود دیگر فقرا از فقر خود خجالت

نمی کشیدند و آبروی آن‌ها به جهت فقرشان در خطر نبود و نمی‌بایست برای حفظ آبرو و تظاهر به عدم فقر به هر دری (حتی نامشروع) بزنند و پولی برای خریدن کالا مصرفی که معیار ارزیابی احترام و آبروی آن‌ها بوده به دست آورند به عبارت دقیق‌تر یک نظام ارزشی جدید که ثروت در آن منفی گرفته بود توسط ارزش‌گذاران و هنجار فرستادن جامعه (رهبران انقلاب) به هنجار درونی تبدیل شده بود به طوری که هر کس از این هنجار پیروی نمی‌کرد توسط خود مردم با روش‌های بیشتر غیررسمی مجازات می‌شد. بنابراین نکته مهم آن است که در زمان ارزش‌گذاران و هنجارفرستان این تغییر ارزش‌ها را می‌خواستند و همه در آن متفق‌القول به نظر می‌رسیدند شاید به این علت که قبلاً مدتی طولانی در فقر زیسته و با ثروتمندان و زورمداران جامعه مبارزه کرده بودند، به طور خلاصه علت این تغییر ارزشی آن بود که:

رهبران انقلاب برای طاغوت و ثروت و ثروتمند، نابرابری، جاه‌طلبی و نمایش ثروت، ارزش منفی قائل بودند زیرا مدت‌ها با دارندگان آن مبارزه کرده بودند.

۲- توده مردم پیرو رهبران انقلاب نیز با نابرابری و قدرت ثروتمندان مخالف بودند.

۳- توده مردم کاملاً منسجم و ایثارگر بودند و کسی را یارای مقاومت آن‌ها نبود.

۴- رهبران به توده انقلابی احتیاج داشتند.

۵- رهبران انقلابی با تمام قوا و همسو در جهت مخالفت با ارزش‌ها "طاغوتی" برخاستند و پیروان نیز بیش از آن‌ها. لذا ارزش‌های جدید به هنجار درونی تبدیل شد و کسی را جرئت نابهنجاری و هم‌رنگ نشدن با جماعت نبود نیاز به احترام و برتری‌جویی و خودنمایی و نمایش که انسان‌ها همواره بر اساس ارزش‌های حاکم (یعنی ارزش‌ها که به هنجار تبدیل شده‌اند در پی ارضای آن‌اند اکنون بر پایه ارزش‌های جدید (فقر، لباس و خانه فقیرانه، ریش، انگشتر عقیق، وسایل منزل ساده، رفتن به مسجد و حوزه...) جستجو می‌شدند با این توضیح اهمیت نیروی عظیم هنجار در کنترل یا تغییر جامعه نیز مشخص می‌شود.

توصیف فضای جبهه و جنگ (تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جنگ)

همان گونه که قبلاً گفته‌ایم حمله عراق به ایران از سوی عامه مردم ناجوانمردانه و توهین به غرور ملی تلقی می‌شد چنان احساسات ملی برمی‌انگیخت و مقابله با آن و دفاع از وطن به یک ارزش اجتماعی تبدیل شد در این زمان شور ملی - مذهبی مردم به قدری بود که (در بین اکثریت) عموماً هر کس می‌خواست به گونه‌ای برای این آب و خاک جان‌فشانی کند حرکت جوانان به سوی جبهه‌ها و با پیام‌های پرنفوذ رهبر انقلاب نیز خود یک جریان "هنجار درونی" را به وجود آورد که تدریجاً همه قشرها را فرا گرفت به طوری که بسیاری از افراد مایل به رفتن به جبهه‌ها شدند و نرفتن به جبهه یک نابهنجاری و در عین حال ناجوانمردی تلقی می‌شد این فشار درونی هنجاری موجب می‌شد که بسیاری از جوانان حتی با وصف مخالفت شدید پدر و مادر خود منزل را به سوی جبهه‌ها ترک کنند.

برگزاری مراسمات جمعی و آیینی و هنرهای نمایشی و موسیقی‌های مذهبی

با آوردن یک شهید از جبهه مراسمات بسیار باشکوه و بزرگی به صورت دسته‌روی‌های عزاداری و خواندن مداحی و سینه‌زنی و خواندن شعرها و مداحی از قبیل الله اکبر یا ثارالله یا شهیدان زنده‌اند الله اکبر، به خون آغشته‌اند الله اکبر توسط مداحان در مدح و سنا شهید و امام حسین به‌عنوان الگوی انسان کامل و تشبیه کار شهیدان به این امام سوم و خواندن وصیت‌نامه‌های شهدا توسط خانواده شهیدان و نامه‌ها و سفارشات آنان فضای جامعه را مذهبی و معنوی و بدنه اجتماعی جامعه را به سوی فرهنگ دینی ترویج می‌نمودند

هرچند وقت یک بار به دلیل برگزاری و برپایی مراسمات مذهبی و احیاء ارزش‌های دینی و سنتی مثل برگزاری مراسم زیارت عاشورا در شب جمعه و یا مراسم عزاداری اهل‌بیت و ائمه اطهار مثل دهه محرم مثل روز عاشورا و روز سوم و چهلم امام حسین و مراسم تعزیه‌خوانی و یا روز شهادت امامان دیگر و یا ماه رمضان و عاظ و مداحان با خواندن شعرها و مداحی‌ها در مدح و سنا ائمه اطهار و نماز هر هفته جمعه و جماعت توسط امامان جمعه هر شهر و شهرستان‌ها و استان‌ها و سخنرانی‌های مذهبی و دینی و معنوی و پند اندرز و نصایح اخلاقی فضای جامعه را معنوی و مذهبی و روحانی و ارزش‌های معنوی و دینی را جایگزین ارزش‌های مادی و دنیایی دوران قبل از انقلاب و طاغوت می‌نمودند.

همچنین هنرمندان و خوانندگان مذهبی و موسیقی‌دانان با ساختن آوازاها و موسیقی‌های سنتی و حماسی و شور و سمفونی‌های بزرگ و مذهبی و سروده‌های مذهبی و شعر توسط شاعران و مدح و سنا و مداحی مداحان جدید با شعرهای جدید در خصوص جبهه و جنگ و برای رزمندگان و بسیجیان در تالارها و مراسمات مذهبی در محیط‌های آموزشی مثل مدرسه و دانشگاه برای جوانان و نوشتن شعرها و سروده‌های مذهبی در خصوص جبهه و جنگ بر در و دیوار شهرها و روستاها و نوشتن قطعه‌ای از وصیت‌نامه‌های شهدا و سفارشات آنان بر در و دیوارها و نصب عکس شهدا فرماندهان و سرداران بزرگ جنگ و وصیت‌نامه‌های آنان و ارادت آنان به امام و رهبر و سفارشات آنان از قبیل "امام را تنها نگذارید" نگذارید به فرمایشات رهبر عزیزمان جبهه خالی شود و یا نگذارید به فرمایشات امام عزیزمان این انقلاب به دست ناهلان بیفتد و یا راه قدس از کربلا می‌گذرد و نوشته‌ها و شعارهای حماسی و انقلابی و جبهه و جنگ و موارد بسیار زیادی بر در و دیوار مدرسه‌ها و مساجد و اماکن عمومی و سطح پارک‌ها و خیابان‌ها و مراکز شهرهای بزرگ و استان‌های کشور و نصب و نقاشی تصاویر شهدا و فضای روحانی و پر از شور التهاب و رشادت‌ها جنگ آفرینی جبهه و جنگ و ساختن فیلم‌های جنگی و تئاترهای خیابانی در خصوص جبهه و جنگ و نشان دادن رشادت‌ها و شجاعت جوانان غیرتمند ایران در مقابل دشمنان و دفاع و حفظ میهن و کشور اسلامی و در کل با ارزش نشان دادن این فداکاری‌ها و شجاعت‌ها و نوشتن قصه‌های و سروده‌های جنگی برای کودکان و نوجوانان و شعرها و سروده‌ها مذهبی و جنگی تولید احساسی قوی و مثبت و احساس برانگیز روحانی و مذهبی در جامعه می‌نمودند و فضای جامعه را به سمت فرهنگ دینی و اسلامی و ارزش‌های دینی و معنوی را جایگزین ارزش‌های قبل از انقلاب می‌نمودند.

ارزش‌های رزمندگان و بسیجیان در جبهه‌ها و جنگ

در جبهه‌ها نیز یک فرایند همبستگی و انسجام اجتماعی و دگرگونی عمیق ارزش‌ها روی می‌داد در صورتی که تعدادی از افراد.

۱- دارای هدف مشترک قوی.

۲- فعالیت مشترک زیاد در جهت رسیدن به هدف داشته باشند در آن صورت احساس تعلق خاطر

در بین آنها زیاد می‌شود.

مهم‌ترین هدف مشترک همواره دشمن است و این بار صدچندان می‌شود اگر این دشمنی بنیان مذهبی داشته باشد در چنین شرایطی عملاً فعالیت مشترک قوی در جهت از بین بردن دشمن نیز به وجود می‌آید و احساس تعلق خاطر و همبستگی بین اعضاء گروه بسیار قوی می‌شود و حال در صورتی که چنین گروهی دارای:

۱- رهبر متنفذ

۲- ایدئولوژی قوی

۳- سازمان‌دهی قوی و منظم باشد

و بدین ترتیب بود که بسیجیان و رزمندگان به صورت نیروهای مردمی به صورت داوطلبانه زیر نظر فرماندهان و سرداران بسیجی سازمان‌دهی و برای حفظ میهن فعالیت شبه‌نظامی انجام می‌دادند به طوری که می‌بینیم حتی مردان پیر و مسن به صورت داوطلب به‌عنوان رزمنده بسیجی با بستن سربندهای "یا زهرا، یا حسین" وارد جبهه و جنگ می‌شوند و در پشت خاکریزهای جنگ به ساختن سنگر و با دادن آب به رزمندگان و یا بردن مجروحین به پشت جبهه‌ها سخت مشغول کار و فعالیت نظامی می‌باشند و اگر از آنان پرسید شما برای چه به این کارزار آمده‌اید می‌گویند ما که یک عمر گناه کرده‌ایم بگذارید این آخر عمری جاودانه بمیریم و برای رضای خدا ان‌شاءالله شربت شهادت نصیب ما اگر لیاقت داشته باشیم، بشود و دارای ارزش‌های بسیار والای انسانی در جبهه و جنگ حضور دارند و باز می‌بینیم برای شکستن محورهای خط مقدم جنگ که توسط دشمن مین‌گذاری شده است جوانان و حتی نوجوانان بسیار غیور و غیرتمند داوطلب می‌شوند و با بستن سربندهای "یا زهرا و یا ابوالفضل" داوطلبانه به‌عنوان خط‌شکن محورهای عملیاتی متقاضی و عاشقانه به دیار شهادت نائل می‌آیند و لذا می‌بینیم سربندها و چفیه‌ها و انگشترهای عقیق و یا پلاک‌های گردن بند مشخصات آنان به‌عنوان تبرک و کالای ارزشی و یادگاری رزمندگان دست‌به‌دست و به‌عنوان یادبود شهدا و رزمندگان برای خانواده آنان و یا دوستان و رزمندگان بسیجی دیگر ارسال تا فضای عرفانی و معنوی جبهه و جنگ در جامعه اسلامی به طور غیرمستقیم انتشار و فراگیر شود.

و باز ما می‌بینیم که هر رزمنده‌ای برای آمادگی جان باختن و شهادت برای خود وصیت نام ای تنظیم و به صورت امانت به یکی از دوستان رزمنده و یا برای خانواده‌های خود ارسال داشته‌اند که بعد از شهادتشان خوانده شود و این طور سفارش می‌نموده‌اند جبهه‌ها را خالی نکنند و امام عزیز را تنها نگذارند و تا آخرین نفس جنگیدن در جبهه‌ها، و نوشیدن شهد شهادت را به دوستان و رزمندگان دیگر سفارش می‌نموده‌اند و شهادت را به‌عنوان والاترین ارزش‌های انسانی برای مردم جامعه تلقی و با جان و دل پذیرا شده‌اند و همچنین باز حضور زنان جامعه‌مان را در این عرصه می‌بینیم که به‌عنوان پزشک و یا پرستار و یا بهیار جنگی جهت کمک به رزمندگان مجروح و حتی آب دادن به رزمنده‌های غیور مشغول فعالیت و انجام وظایف انسانی و اسلامی و معنوی خود می‌باشند و با سربندهایی "یا زهرا" و کلماتی مثل "خواهرم و یا خواهر بسیجی" پایه‌ای برادران رزمنده خود به دلیل همان بار ارزش شدن شهادت بجای مردن عادی، مشغول انجام وظیفه انسانی می‌باشند و همچنین می‌بینیم که فضای جبهه و جنگ مملو از انسجام و همبستگی و کلمات قرآنی و معنوی و عرفانی مثل "یا ثارالله، نماز یاد خداست، نماز اول وقت یاد نره، ستون دین نماز می‌باشد، راه قدس از کربلا می‌گذرد، ما را دعا کنید، التماس دعا، اگر ما مهربان بودیم رفتیم. اگر نامهربان بودیم و رفتیم، آرزوی ما شهادت است، آقا طلییده اگر لیاقت نوشیدن شربت شهادت را داشته باشیم، پرچم اسلام را بر زمین نگذارید، راه شهیدان را فراموش نکنید، ایهاد من ذلت" می‌باشد که بر در و دیوار سنگرها و دیوار پادگان‌ها و اردوگاه‌های رزمندگان نوشته شده بود تا جایی که رزمندگان بجای بردن اسم یکدیگر با به کار بردن "برادرم برادر رزمنده یا برادر بسیجی" و با تعارف و دادن آب‌های ذخیره خود در قمقمه‌های خود و کنسروهای غذایی و لباس‌های گرم خود به رزمندگان مجروح در هنگام عملیات کمک و یاری هم‌سنگران خود مشغول فعالیت جنگی می‌باشند در جبهه و پادگان‌ها و قرارگاه‌ها و اردوگاه‌ها و داخل سنگرهای رزمندگان پر از عکس‌ها و پوسترهای امام خمینی به‌عنوان رهبر کارزماتیک و عکس‌های فرماندهان و رزمندگان شهید و همچنین عکس‌های امام زمان و صحنه‌های جنگیدن امام حسین با کفار و تیر بر حلقوم فرزند شش‌ماهه امام سوم شیعیان (علی‌اصغر) و عکس‌هایی مثل پوتین‌ها و چفیه‌ها و توپ و تانک‌های و لباس‌های بسیجی و نظامی رزمندگان و سجاده‌های رزمندگان و خواندن دعا و نیایش و مداحی‌ها و سینه‌زنی‌های رزمندگان و هیئت‌های مذهبی داخل سنگرها پادگان‌ها و خواندن نماز شب و آمادگی و روحیه بسیار بالا برای مرگ و

شهادت و صدای اسلحه و تیربار و تانک‌ها و منوره‌های خودی جهت آمادگی برای انجام عملیات فضای جبهه و جنگ نورانی و مملو از ارزش‌های والای انسانی می‌نمود و به طور هماهنگ و ناخواسته هر انسانی را برای کمک و یاری به هموعان خود و یا ایثار شهادت آماده می‌کرد و این سیستم هماهنگ و منظم هر انسان آزاده‌ای به خود فرو می‌برد و از حرکات و رفتارهای بسیار خداپسندانه و ارزش‌های والای این انسان‌های از خود بیخود شده بسیار حیران متعجب می‌نمود.

دست‌نوشته‌ها و نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های ایثارگران از جبهه و جنگ

نامه‌ها که در زمره اسناد مکتوب و فرهنگی جنگ محسوب می‌شوند. نمایانگر ایدئولوژی و طرز تفکر رزمندگان در جنگ هشت‌ساله می‌باشد این مهم نیازمند تجزیه مفاهیم و مضامین مندرج در شیوه تحلیل محتوا متن هستیم با تحلیل محتوا متن نامه‌ها و دست‌نوشته‌ها و یا وصیت‌نامه‌های شهدا می‌توان به ارزش‌های درونی این انسان‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه آن زمان پی برد و همچنین باز با بررسی و تحلیل محتوا متن این نامه‌ها و دست‌نوشته‌ها می‌توان به اهداف والای انسانی این انسان‌ها که جامعه ایثارگری به دنبال آن بود اهدافی مثل ایثار و شهادت تا پای جان برای حفظ میهن اسلامی و برقراری و حفظ دین اسلام به جهت همان ارزش‌های دینی و معنوی پی برد و می‌توان نتیجه گرفت که با تغییر و جایگزینی ارزش‌های دینی و معنوی به جای ارزش‌های طاغوتی و دنیایی و تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی و فردگرایی قبل از انقلاب انسان‌ها حاضرند حتی جان خود را دو دستی تقدیم مردم جامعه به جهت کمک و یاری به هموعان خود به دلیل همبستگی و انسجام اجتماعی بنمایند و با الگوبرداری از آیین اسلامی و اعتقادات دینی، مثل امامان و صلحا و پیامبران (امام حسین امام سوم شیعیان) اگر زمانی جامعه نیاز به ایثار و شهادت و فدا نمودن جان عده‌ای از انسان‌ها داشت تا آن جامعه اسلامی سرپا بماند که این کار را جامعه ایثارگران عملی نموده است بنابراین این نوع اسناد و دست‌نوشته‌ها از جنگ را به ۴ دسته تقسیم نمود:

۱- نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های شهدا

۲- نامه‌های رزمندگان جانباز

۳- نامه‌های آزادگان

۴- نامه‌های رزمندگان.

نامه‌ها و وصیت‌نامه‌های شهدا

شامل کلیه نامه‌های رزمندگانی که از مناطق عملیاتی برای خانواده و اطرافیان ارسال کرده‌اند و به بعد به شهادت رسیده‌اند این نامه‌ها از اعتبار خاصی برخوردار است یکی به دلیل تعلق نامه به شهید که در قاموس فرهنگ و تاریخ ما جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و دیگری به دلیل اطمینان از سندیت نامه از حیث زمانی. به عبارتی برای اشخاص و مراکز اسنادی نگارش نامه در طول جنگ مسجل است به علاوه امکان تغییر در محتوای سند از سوی نگارند اتفاق نمی‌افتد معمولاً در تیتراژ همه نامه ذکر یکی از آیات جهادی همچون "ولا تحسبن الذین قتلو..." و یا "ان الله یحب الذین یقاتلون..." و یا "الهی رضاً برضائک و تسلیملاً مرک" در مطلع و اغلب نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها امری متداول بوده است فضای حاکم بر ذهن، زبان و قلم رزمندگان و مأنوس بودنشان با این گونه آیات به ذکر آیات و روایات در ابتدای نامه‌ها به عنوان شخصی‌ترین امور منجر می‌شده است بنابراین وقتی وصیت‌نامه شهیدی در یک محفل و یا یک مراسمی جمعی و یا رسانه‌های جمعی و یا رادیو و یا تلویزیون خوانده می‌شد فضای جامعه را بسیار عرفانی و از لحاظ روحی و روانی مردم جامعه را بسیار بسیار تحت تأثیر قرار می‌داده است و انسجام اجتماعی جامعه را بسیار بالا می‌برد و ارزش‌های دینی و معنوی بسیار نمود پیدا می‌کرد و هر انسان آزاده‌ای به فکر فرو می‌برد که این انسان‌ها به‌راستی تا پای جان برای حفظ میهن و وطن اسلامی برای مردم جامعه ایستادگی مقاومت نموده‌اند و مردم جامعه و جوانان و دیگر را تشویق به این کار، و از کج‌روی و نابهنجارهای اجتماعی جوانان معترض در جامعه به طور غیررسمی جلوگیری می‌کرد و می‌دانستند که جوانان غیور و رزمندگان جامعه اینثارگری غیرتمند جان گذشته به آنان اجازه چنین کاری را نخواهند داد به‌عنوان مثال به قسمتی از وصیت‌نامه (شهید نسرین افضل) گوش فرا می‌دهیم "شهادت بالاترین درجه‌ای است که انسان می‌تواند به آن برسد و با خونش به بازماندگان راهش پیام دهد که: (یا ایته‌ا النفس المطئنه ارجعی ربک راضیه مرضیه، فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی) (ای نفس قدسی و دل آرام امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود و او راضی از توست، باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو) پروردگارا: سپاس که ما را در مبارزه با طاغوت و براندازی رژیم کفرپیشه و وابسته به شیطان بزرگ آمریکای جهان‌خوار یاری فرمودی و به ما رهبر آگاه و پرتوان، ارمغان دادی تا ما را از تاریکی‌ها و ظلم رهانید و با ایجاد وحدت در میان مردم مسلمان و شهیدپرور نظام

جمهوری اسلامی را در این سرزمین مقدس بنا نهاد. خداوندا: به ما توفیق عبادت و اطاعت عنایت فرما و ما را از شر هوای نفس محفوظ بدار، بار خدا یا: ما را یاری کن تا با اسلام راستین آشنایی پیدا کنیم و در عمل به تعالیم آن کوشا باشیم و... " (ن: خط زندگی، ۱۳۹۰: ۴۴)، یا به عنوان مثال وصیت نامه شهیدی دیگر (وصیت نامه شهید یدا... حسین زاده) "فرزند عزیزم: از تو می خواهم که راه مرا ادامه دهی و این رهبر امت مستضعفان را تنها نگذاری. پسر جان: همیشه پیش شما می گفتم: فرزند پیامبر در کربلا تنها بود، چرا من در آن روز آنجا نبودم که لااقل در صف لشگریان حضرت امام حسین قرار بگیرم، ولی خداوند به من عمری عنایت فرمود تا یاور فرزندی از آن تبار راستین باشم، خدا را شکرگزاری می کنم که خون ناقابل را در راه او هدیه کردم، یادتان باشد کاری نکنید که ضدانقلاب و دشمنان، روحیه شما را شکست خورده و ماتم زده ببینند که خوشحال شوند و بگویند بیهوده یتیم شده اید، دختران عزیزم: فاطمه، رقیه، معصومه: شما می دانید که در کربلا به فرزندان امام حسین (ع) چه گذشت؟ سعی کنید مانند کنیز حضرت زینب (س) باشید، شجاع و قهرمان باشید و همیشه عصمت و طهارت و حجاب اسلامی را رعایت کنید همیشه شکر خدای را به جای آورید مبدا خواندن قران را ترک کنید که فرشتگان به شما نفرین کنند. راه ما راه الله و قرآن است، همسر عزیزم به آن چه که بر تو گذشت، مرا ببخش. برای فرزندانمان مادری نمونه باش که مادر نمونه مانند کنیز حضرت زهرا (س) است و این افتخاری عظیم است مبدا کاری کنید که حضرت زهرا (س) از شما ناراضی شود... " (ن: خط زندگی، ۱۳۹۰: ۴۵) و یا به عنوان مثال وصیت نامه شهید (احمد عوض زاده) "...باری برادر چون تجدید دوره نموده ام و باید یک ماه انجام وظیفه نمایم که امیدوارم خداوند بزرگ قبول نماید. در ضمن برادر در هر هفته یک بار به منزل این جانب سرکشی نماید و از کار آن ها اطلاع داشته باشید و اگر خدای نخواستہ ناراحتی داشتند گرفتارهای آن ها را رفع نمایید" (شایان مهر، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

نامه ها و دست نوشته های رزمندگان جانباز و آزادگان و رزمندگان بسیجی

این نوع نامه ها و دست نوشته ها به دلیل دوره زمانی جنگ که رزمندگان جنگ نوشته اند این نامه ها مربوط به رزمندگان و جانبازان است و این دو گروه ممکن است به دلیل احساسات و تعلق خاطر به دست نوشته های خود از تحویل این آثار به مراکز اسنادی خودداری نموده و نامه های خود را بیش از آن که سند ملی قلمداد کنند، دست نوشته های شخصی و خصوصی بدانند و به همین دلیل

امروز نامه‌های شهدا نسبت به رزمندگان و جانبازان در مراکز آرشویی فراوانی بیشتر برخوردار است، و همچنین نامه‌های آزادگان به گونه‌ای متفاوت از نامه‌هاست و این تفاوت به دلیل شرایط خاص اردوگاهی است که با حال و هوای اردوگاه و فضای حاکم بر آنجا نوشته شده است به عنوان مثال قسمتی از نامه رزمنده (یعقوب هاشمی)، "الآن در این لحظه که نامه را می‌نویسم در صد کیلومتری شوشتر-شهرک گتوند- چند کیلومتری شهرک ذکر شده در پادگان شهید دست بالا در حال آموزش هستم که انشاءالله بعد از مدتی به عملیات خواهم رفت و انشاءالله آخرین ضربه‌ای که ما به عراق بزنیم و آن را نبود کنیم برای یادآوری کاری که بر عهده‌ام است خدمت شما عرض می‌دارم. بنده به عنوان تیربارچی و با دو کمک کار و بعد در رشته دوم دوشکا که با چهار خدمه زیر نظر بنده است ان‌شاءالله می‌روم و عملیات و آخرین ضربه را به صدام می‌زنیم و..." (شایان مهر، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

ادامه اصلاحات توسعه و نوسازی به روش قبل از انقلاب بعد از سال ۱۳۶۸

ما می‌بینیم که در سال ۱۳۶۸ ریل انقلاب در جهت ریل اصلاحات و توسعه قبل از انقلاب نهاده می‌شود و همان راهی را که روشنفکران قبل از انقلاب به عنوان تنها راه حل و نجات ایران می‌دانستند با همان دیدگاه‌ها و تفکرات غربی برای رشد و توسعه این کشور نسخه ویزیت نموده‌اند و همان راهی را که روشنفکران قدیم قبل از انقلاب پیموده‌اند.

انقلابیون بعد از انقلاب با ولع تمام و هر چه بیشتر و بیشتر در حال شروع و پیمایش می‌باشند بعد از جنگ، کشور نیاز شدید به سازندگی و نوسازی مناطق جنگی و جنگ‌زده داشته است و به دلیل خرابی جنگ و مناطق جنگ‌زده مثل خرابی ساختمان‌های مسکونی و کارخانجات و راه‌ها و پالایشگاه‌های صنعت نفت و مواد خام نفتی کشور نیاز به مدیریت بسیار قوی در جهت ساختن این صنایع و از نوسازی و راه‌اندازی این پالایشگاه‌ها و کارخانجات و ساختمان‌ها و ماشین‌آلات سنگین بوده است که این نیازمند، ورود تکنولوژی جدید و جایگزینی تکنولوژی جدید از کشورهای غربی بوده است که این کار با نام سازندگی در کشور شروع و کم‌کم این نام بنام توسعه و اصلاحات و نوسازی تغییر نام داده است که برای سازندگی کشور نیازمند توسعه و اصلاحات جدید هستیم و می‌بایست در ساختارها و دستگاه‌ها و نهادهای کشور اصلاحات و نوسازی جدید شکل بگیرد تا این سازندگی و خرابی و ویرانی بعد از جنگ جبران شود، از طرفی مردم جامعه با تمام شدن جنگ

خیالشان راحت شد که دیگر جنگی در پیش نمی‌باشد و می‌بایست دولت اگر تا کنون که به بهانه جنگ رفاه و آسایش را نمی‌توانست برای مردم تأمین کند در حال حاضر دیگر جنگی وجود ندارد بنابراین می‌بایست اکنون بعد از جنگ رفاه و آسایش کامل و یا حداقل در حد متوسط را برای آحاد مردم جامعه فراهم نماید و این توقع کم‌کم در حال زیاد شدن بوده است بنابراین با این توقع به وجود آمده کم‌کم انسجام و همبستگی مردم جامعه در حال گسسته شدن بوده است و هر کسی به دنبال آسایش و رفاه خود و خانواده خود در جامعه به هر طریق ممکن در تلاش و تکاپو بوده است و بنابراین مسابقه و رقابت تأمین رفاه و آسایش فردی شروع شده است و هر کس گوی سبقت در حال ربودن بوده است، بنابراین نظام سیاسی در جهت پاسخ دادن به این توقعات و نیازهای جدید مثل رفاه و آسایش بیشتر مردم جامعه به راه‌حل‌های سیاسی و تصمیم‌سازی در رأس هرم سیاسی کشور دست زده است که عبارتند از:

۱- تغییر قانون اساسی و تغییر در نحوه هرم مدیریتی و اداره کشور (مثل حذف نخست‌وزیر و جایگزینی معاون اول رئیس‌جمهور).

۲- تصویب قانون برنامه پنج‌ساله مجلس شورای اسلامی (سیاست‌ها و تصمیم‌گیری در سطح کلان).

۳- توزیع ایدئولوژی و تفکر جدید در جامعه از طریق رسانه‌ها (لیبرالیسم سرمایه‌داری).

۴- نوسازی ساختارها و دستگاه‌ها و نهادها اداری و آموزشی مثل دانشگاه‌ها مدارس.

۵- نوسازی کارخانجات صنایع و ناوگان حمل‌ونقل راه‌ها و اتوبان‌ها و ورود کالا و تکنولوژی جدید بسیار بسیار زیاد از کشورهای غربی.

تغییر ارزش‌های مذهبی و میزان پایبندی مردم به آن‌ها

"با چهار معرف ذیل تغییر ارزش‌های مذهبی را تشریح می‌کنیم:

۱- اعتقاد مردم به دین

۲- علاقه مردم به روحانیت

۳- رعایت حجاب خانم‌ها

۴- احترام به خانم‌های باحجاب

با توجه به بررسی به عمل آمده مشخص شده است که اعتقادات مذهبی مردم در سال ۱۳۷۱ خیلی کم یعنی کمتر از سال ۱۳۶۵ که اعتقادات آن‌ها (۳۱٪) درصد بوده است یعنی به (۱۰٪) درصد نزول پیدا کرده است و همچنین علاقه مردم به روحانیت نیز در سال ۱۳۶۵ بسیار زیاد یعنی ۸۶/۷ درصد و در سال ۱۳۷۱ به ۳۲/۳ درصد یعنی روبه کاهش می‌باشد (رفیع پور، ۱۳۷۷:۱۶۵)، رعایت حجاب: ۸۶/۲ درصد پاسخگویان معتقدند که در سال ۱۳۶۵ عدم رعایت حجاب از نظر مردم عیب داشت یعنی خانم‌ها به علت اینکه احساس می‌کردند که مردم از بی‌حجابی خوششان نمی‌آید و احتمال دارد که به آن‌ها به گونه‌ای توهین (مجازات) شود بیشتر حجاب را رعایت می‌نمودند این بدان معنی است که در آن زمان یک کنترل درونی در مورد ارزش‌های انقلابی-مذهبی وجود داشت و قبح آن نریخته بود و مسئولین مجبور نبودند با فشار، اجبار و تویخ اکثریت خانم‌ها را به رعایت حجاب وادارند که در سال ۱۳۷۱ این ارزیابی به ۴۱/۵ درصد می‌رسد باز یعنی کاهش و یا نزول رعایت حجاب خانم‌ها در حال نمود است همچنین ۸۱/۸ درصد از پاسخگویان معتقدند بودند که مردم جامعه در سال ۱۳۶۵ خانم‌های چادری احترام می‌گذاشتند در حالی که این رقم برای سال ۷۱ به ۳۶/۸ درصد می‌رسد (رفیع پور، ۱۳۷۷:۱۶۶) بنابراین وقتی ارزش‌های یک جامعه تغییر کند و از طرف مذهبی به طرف غیرمذهبی برود یعنی ارزش‌های مذهبی از نظر اجتماعی بی‌ارزش شوند طبعاً دارندگان سبیل‌های آن (چادر، ریش، روحانیت...) نیز از نظر افراد کم، یا بی‌ارزش می‌شوند در چنین وضعیتی در واقع نیاز به احترام و عزت نفس افراد خدشه‌دار می‌شود و آن‌ها در پی کسب احترام خود را با

فشار هنجاری تطبیق داده و حجاب و ریش و دیگر سمبل‌های مذهبی نظیر رفتن مسجد را کنار می‌گذارند و پیامد این تغییر کنار گذاشتن این سمبل‌ها (چادر و ریش و روحانیت...) می‌شود و لذا ما می‌بینیم از این هم فراتر می‌رود و نهادهای وابسته به آن نظام ارزشی را یعنی نهادهای انقلابی نظیر سپاه، جهاد سازندگی، حوزه، لباس روحانیت، و حتی رهبران مذهبی را نیز در برمی‌گیرد چنانکه ۸۳/۶ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که در سال ۱۳۶۵ برای نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران ارزش زیادی قائل بودند در واقع در آن زمان برای بسیاری از جوانان و خانواده‌هایشان کم و بیش یک افتخار یا به عبارت دقیق‌تر یک کار باارزش بود که عضو سپاه بشوند و لذا تقاضا برای عضویت در سپاه مانند تقاضا برای تحصیل در حوزه بالا بود در صورتی که برای سال ۱۳۷۱ فقط ۳۷/۹ در این نظر را داشتند و در سال ۱۳۷۵ در یک نمونه دیگر (295=N) از مردم و جوانان رقمی معادل ۲۲/۱ به دست آمده است" (رفیع پور ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷:۱۳۸۷).

"شواهد دیگر نیز مؤید این روند هستند در صحبت‌های (شفاهی) برخی از دست‌اندرکاران، بسیار شنیده می‌شد که متقاضیان تحصیل در حوزه هم بسیار کاهش یافته است و نشانه‌هایی نیز در تأیید این مسئله وجود دارد، مثلاً در کیهان ۷۰/۶/۶ ص اول می‌خوانیم که حوزه علمیه قم برای سال تحصیلی ۷۰/۷۱ دانشجو می‌پذیرد؛ این تبلیغ نشان می‌دهد که یک نیازی برای این تبلیغ وجود داشته است و اگر تعداد متقاضیان مانند سال‌های پیش زیاد بود گزینش از بین متقاضیان زیاد انجام می‌گرفت و نیاز به این تبلیغ نمی‌بود، گرچه از بین چهار معرف اول تغییر ارزش‌های مذهبی، سه معرف اول (اعتقاد به دین و علاقه به روحانیت و رعایت حجاب) به‌عنوان معرف‌های اصلی تغییر ارزش‌های مذهبی و معرف‌های بعدی در واقع پیامدهای این تغییر می‌باشند اما عواقب و همچنین علل این تغییر ارزشی وسیع‌تر از حد چند معرف هستند، بدین ترتیب ما یک گام در جهت علت‌یابی برمی‌داریم با توجه به این معرف‌ها مشخص می‌شود که از سال ۱۳۶۵ به ۱۳۷۱ و سال‌های بعد یک تغییر ارزشی در زمینه پابندی مذهبی و اعتقادی در جامعه روی داده است از یک طرف میزان تمایل مردم به دین و روحانیت و سمبل‌های مذهبی (مانند حجاب) کاهش و از طرف دیگر تمایل آن‌ها به مادیات افزایش یافته است، بنابراین در اینجا کاملاً مشهود است که در طرف دیگر تمایل آن‌ها به مادیات افزایش یافته است، بنابراین

در اینجا کاملاً مشهود است که در شرایط جامعه ما یک تضاد مشخص بین ارزش‌های مادی و ارزش‌های مذهبی وجود دارد چنانکه ماکس وبر نیز قبلاً بر آن تأکید کرده است هرچه در یک جامعه ارزش‌های مادی بیشتر گسترش یابند میزان پایبندی‌های مذهبی-اعتقادی مردم کاهش می‌یابد" (رفیع پور، ۱۶۸، ۱۶۹:۱۳۸۷).

لذا نهایتاً نتیجه می‌گیریم که ارزش‌ها از سوی ارزش‌های معنوی به سوی ارزش‌های مادی تغییر کرده‌اند و با ارزش شدن ثروت و به تبع نمایش ثروت که از نابرابری اجتماعی سرچشمه می‌گیرد یک دلیل عمده تغییر ارزش‌هاست که به تفصیل در مورد چگونگی و تبیین نابرابری اجتماعی و تأثیر آن بر جامعه اینارگری بحث خواهیم نمود.

نابرابری اجتماعی ← با ارزش شدن ثروت ← نمایش ثروت ← تغییر ارزش‌های دیگر

شروع توسعه و اصلاحات و تأثیر آن بر جامعه اینارگران

همان‌گونه که قبلاً گفتیم بعد از اتمام جنگ در سال ۱۳۶۸ برای سازندگی کشور و مناطق جنگ‌زده نظام سیاسی دست به اقداماتی در جهت بازسازی و نوسازی این مناطق برداشته است برای بازسازی و نوسازی و ساختن و ویرانی‌های بر جای مانده از قبیل ساختمان‌های مسکونی شهرها و راه‌اندازی مجدد کارخانجات و صنایع بزرگ و پالایشگاه‌ها و صنایع نفت و راه‌اندازی ناوگان حمل‌ونقل مثل بازسازی راه‌ها و اتوبان‌های بزرگ و توسعه این قبیل صنایع نیازمند ورود علوم و تکنولوژی جدید از کشورهای غربی بوده است اما این سازندگی و بازسازی جامعه کافی نبوده است به جهت افزایش بی‌رویه جمعیت دوران جنگ و نیازها و توقعات جدید به وجود آمده بعد از جنگ مردم و بسیاری روشنفکران و نخبگان و سیاستمداران جامعه مبنی اینکه دیگر جنگی در پیش نیست دولت می‌بایست حداقل رفاه و معیشت مردم جامعه را تأمین نماید و رفاه و معیشت و درمان و مسکن مردم می‌بایست تأمین و ارتقاء یابد و به همین دلیل به جهت نیازها و توقعات جدید و افزایش بی‌رویه جمعیت کشور (برجای مانده دوران جنگ) موجب رشد و نمو بیمارهای جدید در جامعه شده است و نظام سیاسی کشور برای درمان این بیمارهای جدید و برون‌رفت از این چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی فرهنگی این فکر افتاد که نیازمند جراحی بزرگ در ساختارهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه می‌باشد و این جراحی بزرگ را با تیغ جراحی غرب به اصطلاح

توسعه و اصلاحات به روش جامعه غربی (با فشار و اصرار بسیاری از روشنفکران و نخبگان و سیاستمداران داخلی و خارجی) می‌بایست انجام دهد یعنی کشور نیازمند اصلاحات بسیار عمیق در همه حوزه‌ها از قبیل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی می‌باشد و این توسعه و اصلاحات کاملاً به روش غرب می‌بایست در همه این حوزه‌ها تعمیم داده می‌شد و می‌بایست نسبت به نوسازی و مدرن نمودن ساختارها و دستگاه‌ها و نهادهای عمومی کشور از قبیل ساختارهای اداری و دولتی و همچنین غیردولتی مثل مراکز آموزشی و فرهنگی و مدارس و صنایع بزرگ مثل صنعت نفت و پالایشگاه‌ها و ناوگان حمل و نقل مثل راه‌ها و اتوبان‌های بزرگ و دستگاه‌های قضایی و کنترلی کشور مثل دادگستری‌ها و دادسراها و پلیس اقدامات اساسی نماید و این موضوع نیازمند نظام حقوقی جدید با وضع قوانین و ضوابط جدید برای هنجاربخشی به پایداری نظام جدید از طریق نهادهای قانون‌گذاری در کشور عملی بوده است، با تصمیم نظام سیاسی و اجرایی کشور قوانین و ضوابط حقوقی جدید (برای هنجاربخشی به پایداری نظام جدید) مثل برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اول و دوم و سوم و... از طریق مجلس شورای اسلامی تصویب و برای اجرای به دولت وقت اعلام شده است که با این اقدامات مسئله جدید و مشکلات و معضلات بسیار بزرگ در کشور شروع شده است بنابراین با توجه به این موضوع چون جامعه ایثارگران یک قشر ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه بوده است و برای اینکه این قشر به دلیل نیازهای جدید جامعه از گزند این رقابت ناسالم توسعه و اصلاحات جدید عقب نماند می‌بایست برای این گروه آسیب‌پذیر وضعیت جامعه هم برنامه‌های توسعه‌ای با وضع نظام حقوقی جدید از طریق مجلس شورای اسلامی تصویب و دولت اقدامات قانونی جدیدی را انجام می‌داد که نظام سیاسی در اولین فرصت در برنامه توسعه پنج‌ساله اول با تصویب چند مواد قانونی مبنی بر اینکه دولت موظف می‌باشد نسبت به تأمین مسکن و معیشت و رفاه و اشتغال و درمان و سلامت ایثارگران اقدام نماید که با این قوانین کلی نسبت به تدوین قوانین خاص ایثارگران، با توجه خاص بودن این گروه در جامعه مثل قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی ایثارگران (مصوب ۱۳۷۶) برای سامان بخشیدن به اشتغال و درآمد آنان و قانون حالت اشتغال (مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰) برای سامان بخشیدن به رفاه و معیشت و قانون تأمین مسکن و درمان و تأمین سلامت و قوانین دیگر برای جامعه ایثارگران از طریق مجلس شورای اسلامی و دولت تصویب و اقدام شده است که با تصویب این قوانین و اجرای آن موجب ارائه خدمات رفاهی و معیشتی و

درمانی و مسکن و غیره به جامعه ایثارگران (جانبازان) شده است که این موضوع انسجام درونی و یگانگی این گروه را تحت تأثیر قرار داده است و مشکلات و معضلاتی جدید را در این خصوص به وجود آورده است که به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

تصویب قانون حالت اشتغال جهت تأمین رفاه معیشتی ایثارگران

این قانون در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۳۰ با توجه به قوانین کلی در سطح کلان کشور (به دلیل برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی) مثل قانون برنامه توسعه پنج‌ساله اول مجلس شورای اسلامی مبنی بر ارتقای سطح رفاه و معیشت ایثارگران جهت ارتقاء سطح درآمد و رفاه و معیشت جامعه ایثارگران (جانبازان) در مجلس شورای اسلامی تصویب و به دولت وقت جهت اجرا ابلاغ شده است که با تصویب این قانون تعداد (۹۳۰۰۰) هزار جانباز که شاغل بخش دولتی نمی‌باشند (کلیه کسانی که شاغل دستگاه‌های کشوری و لشکری و خاص نمی‌باشند) و تعداد (۲۰۰۰۰) نفر جانبازان بخش دولتی (کلیه شاغلین دستگاه‌های کشوری و لشکری و قانون خاص) که برابر نظر کمیسیون پزشکی بنیاد شهید و امور ایثارگران از کار افتاده کلی شناخته شده‌اند و به دلیل عدم توانایی انجام هرگونه کار و فعالیت تحت پوشش حقوق و مزایای قانون حالت اشتغال بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار گرفته‌اند که این موضوع موجب نابرابری‌هایی را در سطح جامعه ایثارگران نموده است که دلیل آن همان با ارزش شدن ثروت و به دنبال آن نمایش ثروت و نهایتاً موجب تغییر ارزش‌ها شده است که موجب تبعات و معضلات و مشکلات اجتماعی در جامعه ایثارگران شده است که از سه جهت مورد بحث و بررسی ما قرار می گیرد.

۱- از نظر ارزش‌های فرهنگی عموم جامعه و تأثیر آن بر جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر).

۲- عدم سازگاری فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی با جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر

بنیاد).

۳- نابرابری در درون جامعه ایثارگران با توجه به دلایل مختلف (جانبازان حقوق‌بگیر).

۱- ارزش‌های فرهنگی عموم جامعه و تأثیر آن بر جامعه ایثارگران (عدم تطابق فضای فرهنگی جامعه)

با توجه به سه معرف ذیل موضوع فوق را بررسی می‌کنیم.

الف) عدم تطابق ارزش‌های کل جامعه با ارزش‌های ایثارگران (شکاف ارزشی).

ب) عدم نمود جامعه ایثارگران (فرهنگ ایثار و شهادت) در جامعه.

ج) احساس محرومیت اجتماعی (نابرابری اجتماعی) جامعه ایثارگران.

الف) عدم تطابق ارزش‌های کل جامعه با ارزش‌های ایثارگران (شکاف ارزشی)

جهت تبیین این موضوع مثالی را از زبان دکتر غلامعلی افروز (روانشناس) رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره بیان می‌کنیم "در مجمعی در رسالت سخنرانی داشتم، آقایی در جلسه حضور داشت که عینک زده بود بلند شد و گفت من جانبازم و چشم‌هایم را در سال دوم جنگ از دست دادم امروز خودم فهمیدم که اینجا جلسه اولیا و مربیان است و آمدم چون همیشه پسر نمی‌گذارد در این محافل بیایم می‌گوید بابا تو چشم نداری و همیشه می‌ترسد که دوستانش از این که پدرش ناینست مسخره‌اش کنند بعد از جلسه با آن پسر صحبت کردم و نگرش او را به این موضوع تغییر دادم" (ن خط زندگی، ۱۱:۱۳۹۰).

بنابراین مشخص شده است در جامعه‌ای که ارزش‌های حاکم بر آن جامعه ارزش‌های پولی و مادی و دنیایی مسلط می‌گردد و همه چیز را با مادیات و ارزش‌های مادی ارزش‌گذاری می‌کنند و نظام پاداش دهی دنیایی بر اساس پول و مادیات سنجیده می‌شود و خبری از ارزش‌ها معنوی و غیرمادی مثل ارزش‌های ایثارگری و شهادت نمی‌باشد تا جایی که آن‌قدر این ارزش‌ها معنوی دیروز در نسل جدید بی‌ارزش می‌شود که فرزندان ایثارگر به‌عنوان حامی این ارزش‌ها از آن‌ها فراری می‌شوند و از پدران دیروز خودمی خواهند که آن را پنهان نماید چون جامعه آن‌ها را امل و عقب‌افتاده می‌داند یعنی ارزش‌های کل جامعه در خدمت زر و زور و یا پول‌داران و سرمایه‌داران جامعه که با تلاش فراوان ارزش‌های پولی و فرهنگ مصرفی (که از آثار توسعه اقتصادی و اجتماعی ناموزون در جامعه می‌باشد) را در جامعه جهت منافع خود به خدمت گرفته‌اند و بنابراین می‌بینیم ارزش‌های

کل جامعه با ارزش‌های ایثارگری (شهادت و ایثار) همخوانی ندارد یعنی در بازار مشتری ندارد بازار ارزش‌های نسل جدید بازار، زر و زور و پول و سرمایه و ارزش‌های مادی و دنیایی (مثل نمایش طلا و جواهرات زنان در مجالس عروسی و شادی و نمایش ماشین‌های مدل‌بالا، آخرین سیستم در بین نسل جوان و برگزاری مراسم عروسی با هزینه‌های بسیار بالا در تالارهای گران‌قیمت بالا شهر و خریدن لوازم آرایشی و عروسی گران‌قیمت و دسته گل‌های یک‌بار مصرف برای عروس خانم‌ها جهت پوز دادن و نمایش به دیگران) جامعه برای این فرهنگ مصرف‌بی‌رویه و بی‌حساب و کتاب (که منفعت سرمایه‌داران و صاحب کارخانجات صنعتی و کمپانی‌های بزرگ و پولداران بانک‌ها که رئیس بانک‌ها برای همراهی از این ارزش‌ها و به جهت چاپلوسی و پول این پولدارها تا نزدیک درب ورودی بانک برای ادای احترام به این پولدارها بلند می‌شود و آن‌ها را همراهی می‌کند) ارزش قائل است و پاداش می‌دهد بنابراین گونه ارزش‌های جامعه با ارزش‌های ایثارگری تطابق ندارد و این موضوع موجب درگیری و تضاد ارزش‌های نسل قدیم جامعه با ارزش‌های نسل امروز جامعه، یعنی همان شکاف نسلی می‌شود یعنی همان صحبتی که سر زبان‌های مردم عادی جامعه هم می‌باشد به عبارتی یعنی نسل امروز نسل دیروز را قبول ندارد و نسل امروز ارزش‌های نسل دیروز را قبول ندارد و آن ارزش‌ها دیگر کهنه شده و نسل دیروز دیگر حرفی برای گفتن ندارد به عنوان مثال از نویسنده این کتاب "روزی در اتاق کارم مشغول پاسخ به مراجعین جانباز بوده‌ام دیدم یک جانباز (۷۰٪) ویلچری با داد و فریاد به من مراجعه کرد و می‌گوید که آقا این مطالبات حقوق ما چه شده است؟ من به ایشان گفتم که هنوز اعتباری بابت این موضوع نداده‌اند، دیدم با صدای بلندتر به من می‌گوید پس شما برای چه اینجا نشسته‌اید؟ خوب است که ما جنگیدیم و بعضی‌ها به نون نوایی رسیده‌اند و صاحب و شغل درآمد شده‌اند بدبختی هم این است که دم از خدمت به جانباز و ایثارگر و خانواده شهدا می‌زنند اما ذره‌ای انصاف و دین و ایمان ندارند، بنده دیدم حرفش حساب است کمی خودم را کنترل کردم گفتم برادر: کدام شغل؟ و کدام درآمد؟ پولی نداده‌اند که بنده به عنوان مسئول به شما پرداخت نمایم دیدم ایشان کمی صدایشان پایین آورد و گفت: وقتی برای یک مربی فوتبال خارجی و یا داخلی قرارداد میلیاردی می‌بندند برای آن‌ها پول دارند، ولی به ما که رسیده‌اند می‌گویند پول نداریم؟ آیا ارزش کار ما به اندازه آن مربی خارجی و یا داخلی کمتر است؟ و با ناراحتی فراوان آرام از اطاق محل کارم به بیرون رفت" بله وقتی همه

ارزش‌ها پولی و مادی می‌شود و همه چیز را با پول می‌سنجند و پاداش می‌دهند نهایتاً این موضوع موجب، ایجاد احساس ناآرامی و تضاد در جامعه ایثارگران می‌شود و این موضوع موجب نارضایتی و بدبینی ایثارگران از نظام سیاسی می‌شود.

ب) عدم نمود جامعه ایثارگران (فرهنگ ایثار و شهادت) در جامعه

این موضوع را هم با یک مثال از نویسنده این کتاب تبیین می‌کنم "روزی در دفتر کارم نشسته بودم که یکی از جانباز (۷۰٪) کارمند تأمین اجتماعی به من مراجعه کرد و با سروصدا و فحاشی به من که چرا حقوق مرا قطع نموده‌اید؟ و بنده هم به ایشان گفتم که شما در سازمان تأمین اجتماعی کار می‌کنید و پرداخت حقوق جانبازی به کارمند آن سازمان برابر قانون خلاف می‌باشد و به همین دلیل آن را قطع نموده‌ایم دیدم ایشان کمی آرام شد و گفت شما درست می‌گویید، شما باید الان این حرف‌ها را بزنید، باید حقوق ما را با توجیحات قانونی قطع نمایید، اما اصلاً می‌دانید چیه؟ ماه‌ها، اشتباه کرده‌ایم که رفته‌ایم جبهه و جنگ، که حالا شماها الف بچه‌ها برای ما زبان دربیارید و پشت میز بنشینید، و دم از قانون و قوانین و توجیحات قانونی بزنید، آقا اصلاً بیایید این دو تا پاهای مرا که از من گرفته‌اید به من بدهید، به خدا راست می‌گویم من اصلاً از شما حقوق و مزایایی نمی‌خواهم ولی اگر نمی‌دهید، از این اداره تکان نمی‌خورم و اینجا را رو سر شما خراب می‌کنم، بنده دیدم بسیار ایشان ملتهب و عصبانی است و من با صدا کردن یکی از کارکنان خدماتی گفتم یک استکان چای به ایشان بدهید پس از خوردن چای دیدم سرشان آورد پایین و من را نگاه می‌کند، من به ایشان گفتم آقا ما چقدر بایست به شما حقوق مزایا بدهیم که جبران ضایعات جانبازی شما شود؟ دیدم خندید و فهمید موضوع چیه، بعد از چند لحظه سکوت من به ایشان گفتم خیلی شما سادگی می‌کنید؟ و ارزش کارتان را خیلی پایین آورده‌اید، و خیلی خودتان را دست کم گرفته‌اید، بنده خدا: چرا شما برای کار خودتان نرخ تعیین نموده‌اید؟ و برای آن قیمت گذاشته‌اید؟ و خیلی قیمت پایین برای ضایعات جانبازی خود انتخاب کرده‌اید؟ مرد حسابی اصلاً کاری که شما انجام داده‌اید قابل نرخ‌گذاری و قیمت‌گذاری است؟ و اگر ما حقوق میلیاردی هم به شماها بدهیم می‌توانیم جبران آن دوپا از دست داده‌تان را بکنیم، مسلمان خدا: شما با خدا معامله کرده‌اید می‌بایست اجر و مزدش را با خدا بگیرید و حتماً در جای دیگری این اجر و مزد را از خدا می‌گیرید، دیدم ایشان کاملاً آرام گرفت و آمد جلو و از من معذرت‌خواهی و روبوسی کرد گفت من دیگر حرفی ندارم من فقط یک

حرف به شما بزنم از اینجا بروم، گفت من دیشب داشتم مسابقه وزنه‌برداری را از تلویزیون نگاه می‌کردم دیدم ساعت‌ها از یک ورزشکار وزنه‌برداری برنامه تلویزیونی درست کرده‌اند و دارند از ایشان تقدیر و تشکر می‌نمایند و ایشان را قهرمان ملی محسوب نموده‌اند و ۱۰۰ میلیون هم قرار بود به ایشان جایزه بدهند من از دست‌اند کاران این نظام می‌پرسم؟ تو را به خدا این حرف ما را به مسئولین بنیاد شهید و امور ایثارگران برسانید چون دست ماها به آنان نمی‌رسد ولی شما برسانید آیا کار ما کمتر از آن ورزشکار وزنه‌برداری است که ایشان می‌شود قهرمان ملی، ولی ما هم نسل سوخته دیروز باید باشیم وهم امروز؟، پس ما آن همه توپ و تانک‌هایی که در منطقه جنگی در مقابل دشمن شکار کرده‌ایم نام و نشان و مدال ما کجاست؟ و مدال قهرمان ملی ما به گردن کی آویخته شده است؟ ولی یک ورزشکار جوان امروز با یک وزنه بلند کردن این همه ملت برای ایشان ارزش قائل می‌شوند و کف می‌زنند و قهرمان ملی می‌شود، اشکالی ندارد این چند صبا هم می‌گذرد ما هم این را واگذار کردیم به خدا. و با من خداحافظی کرد و با چشمان اشک‌آلود از اتاق کارم بیرون رفت."

بله قهرمانان ملی دیروز ما نه نام و نشان ملی دارند و نه مدالی بر گردن آویختند و نه برنامه‌های تلویزیونی که برای آن‌ها قدر و منزلت و ارزش اجتماعی قائل شوند و کار آن‌ها نمود پیدا کند وقتی که کار یک ورزشکار در جامعه به عنوان یک کار مثبت و باارزش از طریق رسانه‌ها و روزنامه‌ها نمود پیدا می‌کند و این گروه در جامعه دیده می‌شوند و یا هنر یک مجری تلویزیون و یا یک خواننده و یا یک فوتبالیست و یا هنرپیشه زن و یا مرد خوش تیپ از طریق تلویزیون و روزنامه‌ها و جراید به مردم عرضه می‌شود و هنر ایشان به عنوان یک کار مثبت در جامعه دیده می‌شود و این گروه به عنوان یک گروه باارزش و الگو برای جوانان و تشویق جوانان به این کارها در جامعه نمود پیدا می‌کنند، آن وقت چه انتظاری از جامعه داریم که ارزش‌های معنوی و دینی (ایثار و شهادت و فداکاری و شجاعت و خودگذشتگی و تواضع و فروتنی و...) که جامعه ایثارگران با دادن خون و شهادت به دنبال حفظ آن بوده‌اند، بتواند در جامعه رشد و نمود و ترویج پیدا کند و به عنوان الگو مدنظر جوانان میهن اسلامی قرار گیرد.

اختصاص یک شبکه تلویزیونی شبانه‌روزی برای جامعه ورزشکاران مثل فوتبالیست‌ها که موجب سرگرمی و الگوسازی و الگوپذیری جوانان جامعه اسلامی می‌شود و به تبع ارزش‌های آنان در جامعه ترویج و تشویق می‌گردد و موجب این می‌شود که جوانان و مردم جامعه ما ارزش‌های دینی و معنوی کنار بگذارند و ارزش‌های مادی و دنیایی و پولی این گروه که برگرفته از جامعه غرب می‌باشد را به راحتی بپذیرند چون مردم احساس می‌کنند کار این عده مثبت و باارزش می‌باشد و فقط کار این گروه (با توجه به ابزارها و رسانه‌ها) در جامعه نمود و دیده می‌شوند و به دنبال این گونه فعالیت‌ها و کارهای مشابه که ارزش‌های پولی و مادی و دنیایی دارند و در جامعه نمود دارند می‌گردند و ارزش‌های ایثارگری (ارزش‌های دینی و معنوی) در جامعه کم‌کم بی‌ارزش و از صحنه جامعه کنار می‌روند وقتی که رسانه‌ها و جراید و روزنامه‌ها ابزارهای فرهنگی نتوانند حداقل ساعتی از برنامه‌های خود را اختصاص به جامعه ایثارگران (مثل رزمندگان و ایثارگران و جانبازان و خانواده شهدا و آزادگان) بدهند و ارزش‌های ایثارگری آنان را در جامعه ترویج و تشویق نمایند و بتوانند برای جوانان الگوسازی نمایند و جامعه ایثارگری ما در جامعه نتواند نمود پیدا کند و فقط عکس آن خانم خوش تیپ و زیبای هنرپیشه زن و یا خواننده خوش تیپ مرد و یا آن فوتبالیست مشهور در صفحات اول روزنامه‌ها و جراید و برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای به‌عنوان الگوپذیری جامعه ما مدنظر قرار گیرد و آن همه شجاعت‌ها و دلیری و ایثار و شهادت و فداکاری جوانان رزمنده غیور و جانبازان و شهدا و آزادگان این مرز و بوم به فراموشی سپرده شود و گاهاً، می‌بینیم به دلیل ملاحظات یا بهره‌برداری‌های سیاسی از این قشر و یا گروه با برگزاری سمینارها و یا جلسات و یادبود و یادواره‌های شهدا و ایثارگران در شهرها و روستاها و برنامه‌های تلویزیونی چنددقیقه‌ای دیکته شده و یا اکتفا به ساخت چند فیلم سینمایی چندساعته در طول چند سال با همان چهره‌های مشهور فخرفروش مرد وزن سینمایی و به پاس قدردانی از زحمات و ارزش‌های ایثارگری شهدا و جانبازان در سالگرد شروع جنگ و عملیات‌های جنگی با دادن سکه بهار آزادی و یا هدایای نقدی و غیر نقدی به عده قلیلی (جانبازان ۷۰٪ و یا خانواده‌های شهدا) که با حمایت و تشویق و پشتیبانی نظام سیاسی در جامعه اسلامی صورت می‌گیرد که هیچ‌وقت جبران عدم نمود جامعه ایثارگران و کم‌وکاستی‌های ارزش‌های ایثارگری دوران جنگ نمی‌شود، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت با این گونه برنامه‌های محدود و دیکته شده در نظام اجتماعی جامعه ایثارگران دیده شوند و نمود پیدا

کنند و کار فعالیت آنان مثبت و باارزش و ارزش‌های ایثارگری در جامعه نمود و دیده شود که موجب تشویق و ترویج ارزش‌های این گروه برای جوانان جامعه به‌عنوان الگو مدنظر قرار گیرد، بنابراین وقتی جامعه ایثارگران نتواند در جامعه اسلامی نمود پیدا کنند و به اصطلاح و نتواند در جامعه با ابزارهای رسانه‌ای و برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی دیده شوند و کار اعمال دوران جنگ آنان و ارزش‌های ایثارگری آنان باارزش و مثبت تلقی و مورد تقدیر و ستایش مردم جامعه قرار گیرد و در واقع این گروه در جامعه احساس آرامش نمایند و به‌عنوان انسان‌های باارزش و مورد احترام مردم جامعه قرار گیرند در نتیجه این گروه در جامعه احساس سرخوردگی و تضاد و نهایتاً نارضایتی در جامعه می‌نمایند.

ج) احساس محرومیت و سرخوردگی به دلیل نابرابری اجتماعی

گفتیم به دلیل تغییر و تحولات و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ارزش‌های جامعه تغییر و ارزش‌ها دینی و معنوی دوران انقلاب به سمت ارزش‌های مادی و پولی و دنیایی تغییر پیدا نموده‌اند که این عامل همه بدبختی‌های جامعه اسلامی ماست که گریبان گیر ما شده است، با تغییر ارزش‌ها به سمت مادی و پولی همه چیز بر اساس پول محاسبه و ارزش‌گذاری می‌شوند و از بابت آن پاداش داده می‌شود لذا دارندگان پول و سرمایه و مالکان بزرگ زمین‌ها و باغ‌ها و صاحبان شرکت‌های خصوصی سرمایه و ملک و پول و زمین و باغ آنان در جامعه باارزش، و به تبع آنان مورد احترام و ستایش مردم جامعه قرار می‌گیرند و به راحتی و بدون رودربایستی و فشار هنجاری دوران انقلاب (که در دوران انقلاب با فشار هنجاری مردم جامعه جرئت نمایش آن را نداشتند)، پول و سرمایه و ماشین مدل آخرین سیستم و شیک و لباس‌های شیک و حساب‌های بانکی و زمین‌ها و باغ‌ها و ملک را به نمایش می‌گذارند و پول و سرمایه خود را به رخ مردم متوسط و فقیر جامعه می‌کشند و پوز می‌دهند و بدون هیچ رودربایستی می‌گویند "دارندگی یعنی برازندگی" و یا می‌گویند "پولدار شدن عرضه می‌خواهد، بنده زحمت کشیدم دارم بهره‌اش را می‌برم، شما هم عرضه داری این کار را بکن" یعنی برای به دست آوردن پول و سرمایه از هر طریق ممکن می‌بایست استفاده کرد و دست به هر کار ناسالم بزنی تا بتوانی به پول و سرمایه برسی، یعنی ترویج بازار رقابت ناسالم در جامعه توسط عده‌ای از سرمایه‌داران و پولداران جامعه برای منفعت و گردش سرمایه خود در بانک‌ها که بتواند این بازار دایر باشد و برای گردش پول و سرمایه آنان نیاز به خریداران و مشتریانی مثل مردمی از

قشر متوسط و فقیر ناآگاه جامعه دارد که این قشر با الگوبرداری و تأثیرپذیری از آن قشر بالا همان سرمایه‌داران و پولداران که فقط اداء و اطفال قشر بالا را درمی‌آورند و به عبارتی می‌خواهند روش زندگی آنان را در پیش گیرند و به روش آنان زندگی کنند و با الگوبرداری از سبک و روش زندگی آنان مثل خرید لباس‌های شیک و خرید ماشین‌های مدل بالا و خرید خانه‌های گران‌قیمت در بالای شهر با گرفتن وام‌های با بهره بانکی بسیار بالا و یا قرض کردن از اطرافیان و یا با برگزاری جشن‌های عروسی و شادی و به نمایش گذاشتن طلا و جواهرات زنان خود و به رخ کشیدن سرمایه و حساب‌های بانکی و ماشین و موبایل و ویلاهای گران‌قیمت خود در شمال کشور می‌خواهند به روش سرمایه‌داران و پولداران جامعه زندگی کنند، بنابراین ما می‌بینیم بعد از سال ۱۳۶۸ با یک چشم بر هم زدن همه چیز تغییر کرده است صاحبان و مالکان بزرگ بانک‌های خصوصی و شرکت‌های بزرگ و زمین‌داران و باغ‌ها و ویلاهای شمال کشور و دارندگان مغازه‌های شیک و پاساژهای بزرگ و اصناف در بازار و یا شمال تهران که اکثراً از مقامات دولتی و کشوری و لشکری و نمایندگان مجلس و یا بازنشستگان ارگان‌های نظامی که روزی دست‌اندرکاران و مقامات دولتی بوده‌اند می‌باشند و در حال حاضر گردانندگان این بازار ارزش‌های مادی و پولی می‌باشند و آن را در جامعه به دلایل گفته شده مدیریت و ترویج می‌نمایند، به عنوان مثال "یکی از همکاران جانباز سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق طی تماس تلفنی با من که آقا کی این حق اینترگری ما را می‌دهید؟ من با کمی تعجب پشت تلفن اول فکر کردم ایشان جهت مزاح و یا شوخی با من این گونه صحبت می‌کند دیدم نه خیلی با جدیت و اطمینان دوباره همان حرف اول خود را تکرار کرد و گفت آقا من با شما شوخی ندارم در جامعه همه چیز برای خود وقتی قیمت دارد پس (۵۵٪) جانبازی من قیمت آن چقدر می‌ارزد؟ اصلاً شما برای هر درصد جانباز چقدر پول می‌دهید؟ تا من قیمت جانبازی خودم را بدانم و آن را محاسبه کنم، من که دیدم ایشان خیلی با جدیت این مطلب را دنبال می‌کند به ایشان گفتم: آقا شما دیگه چرا؟ شما که یکی از کارشناسان خبره سازمان مدیریت هستید و می‌بایست برای دولت برنامه‌ریزی نمایید و خودتان از وضعیت بودجه و نابسامانی دولت خبر دارید و الحمدالله وضع مالی شما هم که زیاد نامساعد نیست که بخواهید از حق و حقوق جانبازی صحبت کنید و برای آن قیمت‌گذاری نمایید، دیدم ایشان با لحنی تند به من می‌گوید آقا چرا شما این گونه فکر می‌کنید؟ الآن شما مرده را که می‌خواهید خاک کنید فلان مبلغ پول می‌خواهد که جهت دفن و کفن و خرید

قبر آن داشته باشید، جانبازی ما قیمت و ارزش ندارد؟ چرا ارزش ندارد؟ اصلاً این حق زن و بچه ماست چرا حق ما را بنیاد نمی‌دهد؟ حق، دادنی است بنده با کمی سکوت گفتم چگونه ارزش‌های مادی و پولی گریبان گیر کارشناسان و برنامه‌ریزان سطح کلان دولت را گرفته است و بیچاره اسیر این هیاهو و رقابت ناسالم اقتصادی و به تبع اجتماعی شده است و از ناحق برای خود حق تعریف نموده است و به جای اینکه بنشیند و برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی دولت و نظام اسلامی برنامه‌ریزی مثل برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اول و دوم و... فکر کند و برنامه تعریف نماید، ناخودآگاه در پی ارزش‌های پولی و مادی برای خود و منافع گروه و هم‌زمان خود برنامه تعریف می‌نماید و می‌خواهد برای جانبازی خود در این آشفته‌بازار قیمت و نرخ تعیین کند و نرخ گذاری نماید و اسم آن را هم حق ایثارگری می‌گذارد و برای خودش آن را حق تعریف کرده است و بیچاره چون کمی رودر بایستی دارد می‌گوید این حق زن و بچه من است آن‌ها که گناه نکرده‌اند که با یک جانبازدار، و فقیر، ازدواج کرده‌اند و بدبخت شده‌اند بله این است این آشفته‌بازار ارزش‌های مادی و پولی و رقابت ناسالم اقتصادی که همه چیز بر اساس پول و مادیات ارزش گذاری می‌کنند و این گونه بدون سروصدا گریبان گیر همه قشرهای جامعه شده است اما هیچ کس از آن خبر ندارد تا جایی که کارشناس خبره اقتصادی و اجتماعی ما دارای مدرک دکتری مدیریت برنامه‌ریزی در دولت هم برای جبران مافات و حقوق ایثارگری خود، دم از قیمت جانبازی خود می‌زند و از آن دفاع می‌کند برای اینکه از قافله رقابت اقتصادی جامعه عقب نماند و خلاصه من به ایشان گفتم، دوست عزیز: این چه جوری حرفی است که شما به من می‌زنید؟ شما حق ایثارگری را از من می‌پرسید؟ و از من قیمت می‌خواهید؟ شما در دولت نشسته‌اید و من در بدنه دولت؟ شما بایست برنامه‌ریزی کنید و لایحه تنظیم کنید و به مجلس ببرید و قانون حق ایثارگری، ایثارگران را مصوبه قانونی کنید تا بتوانیم به شما حق ایثارگری پرداخت نماییم آن وقت از من این موضوعات را می‌پرسید؟ ایشان با شنیدن جواب منطقی من با صدای آهسته و ناراحتی از من تشکر کرد و خداحافظی نمود، با این تفاسیر جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) احساس می‌کنند از این بازار رقابت ناسالم عقب افتاده‌اند و وقتی می‌بینند که آن آقای سرمایه‌دار با ماشین آخرین سیستم و مدل بالا وارد بانک می‌شود و آن آقای رئیس بانک با ادای احترام برای ایشان بلند می‌شود و ایشان را با تعارف و عزت و احترام روی مبل نزدیک خود فرا می‌خواند و بر عکس وقتی جانباز (۷۰٪) ویلچری وارد بانک می‌شود و

هیچ کس به ایشان حتی نگاه نمی کند و با طعنه و سرزنش و نیشخند مردم جامعه روبرو می شود که برای چه به جبهه و جنگ رفتی؟ و برای کی جنگیدی؟ حالا که رفتی، حق شما همین بود و باید هم این بدبختی ها را بکشی، و یا وقتی می بیند فرزندان سرمایه داران و پولداران جامعه در بهترین مدرسه های غیرانتفاعی و مؤسسات و دانشگاهی آزاد و غیرانتفاعی مشغول خواندن درس و تحصیلات عالی می باشند در حالی قشر بالا بدون اینکه کمترین هزینه ای را برای این انقلاب و نظام داده باشند ولی ایشان حتی پولی را برای فرستادن فرزند خود به مدرسه و یا دانشگاه های دولتی ندارد و فقط بتواند با اندک حقوق بنیاد شهید و امور ایثارگران به درمان خود از بابت ضایعات جانبازی خود به پردازد که زنده بماند با این شرایط چه حس و حالی به ایشان دست می دهد؟ و یا باز وقتی درآمدهای میلیاردی سر به فلک کشیده سرمایه داران و پولداران بانک ها را می شنود و با مقایسه درآمد ماهیانه هفتصد هزار تومانی (۷/۰۰۰/۰۰۰) ریال و یا هشتصد هزار تومانی دریافتی از حقوق بنیاد شهید و امور ایثارگران به اندازه پول توجیبی و یا پول سیگار و یا تفریح و سرگرمی آن آقای سرمایه دار به فرزند خود که همراه می دهد نمی باشد و درآمد ایشان با آن آقای پولدار و سرمایه دار یا صاحب شرکت و کارخانه که اصلاً کمترین هزینه ای را برای این نظام و انقلاب نداده است قابل مقایسه نمی باشد، بنابراین با مقایسه خود و مردم متوسط جامعه و سرمایه داران و پولداران احساس می کند که از قافله عقب افتاده است و این قشر در جامعه احساس محرومیت و عقب افتادگی از بازار رقابت ناسالم اقتصادی که پول حرف اول و آخر را می زند می نماید و لذا با توجه این موضوع و همچنین آسیب پذیر بودن این قشر به دلیل ضایعات و ناتوانی جسمی روحی ناشی از جبهه و جنگ احساس سرخوردگی تضاد و به تبع نهایتاً احساس نارضایتی در جامعه می نماید.

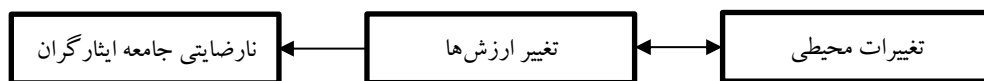
۲- عدم سازگاری فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی با جامعه ایتارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد)

همان گونه که قبلاً گفتیم به دلیل ناسازگاری فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی در جامعه و به تبع در جامعه ایتارگران موجب مشکلات و معضلاتی را در جامعه ایتارگران شده است که به تفصیل و چگونگی فرایند آن در جامعه ایتارگران می‌پردازیم.

گفتیم که با توجه به برنامه‌های توسعه و تصویب قوانین حقوقی جدید با توجه به اصلاحات ساختاری در نظام اقتصادی و اجتماعی و نیازهای جدید جامعه ایتارگران مثل قانون برنامه پنج‌ساله اول توسعه می‌بینیم که قوانین ایتارگران جهت ارتقاء سطح معیشت و رفاه و سلامت و بیمه و خدمات درمانی و مسکن و اشتغال و درآمد و تحصیلات و آموزش عالی و امکانات تفریحی و فرهنگی و تسهیلات بانکی و اعتباری در مجلس شورای اسلامی یک‌پس از دیگری بعد از سال ۱۳۶۸ تصویب و جهت اجرا به دولت وقت ابلاغ می‌گردد که با مدل ذیل به تشریح آن می‌پردازیم:

برنامه‌های توسعه (اقتصادی و اجتماعی) ← ارائه امکانات و فرصت‌های جدید ← (تصویب قوانین حقوقی و ورود تکنولوژی و ابزارآلات جدید) ← تغییرات محیطی ← تغییر ارزش‌ها و سنت‌های قدیم ← نارضایتی جامعه ایتارگران.

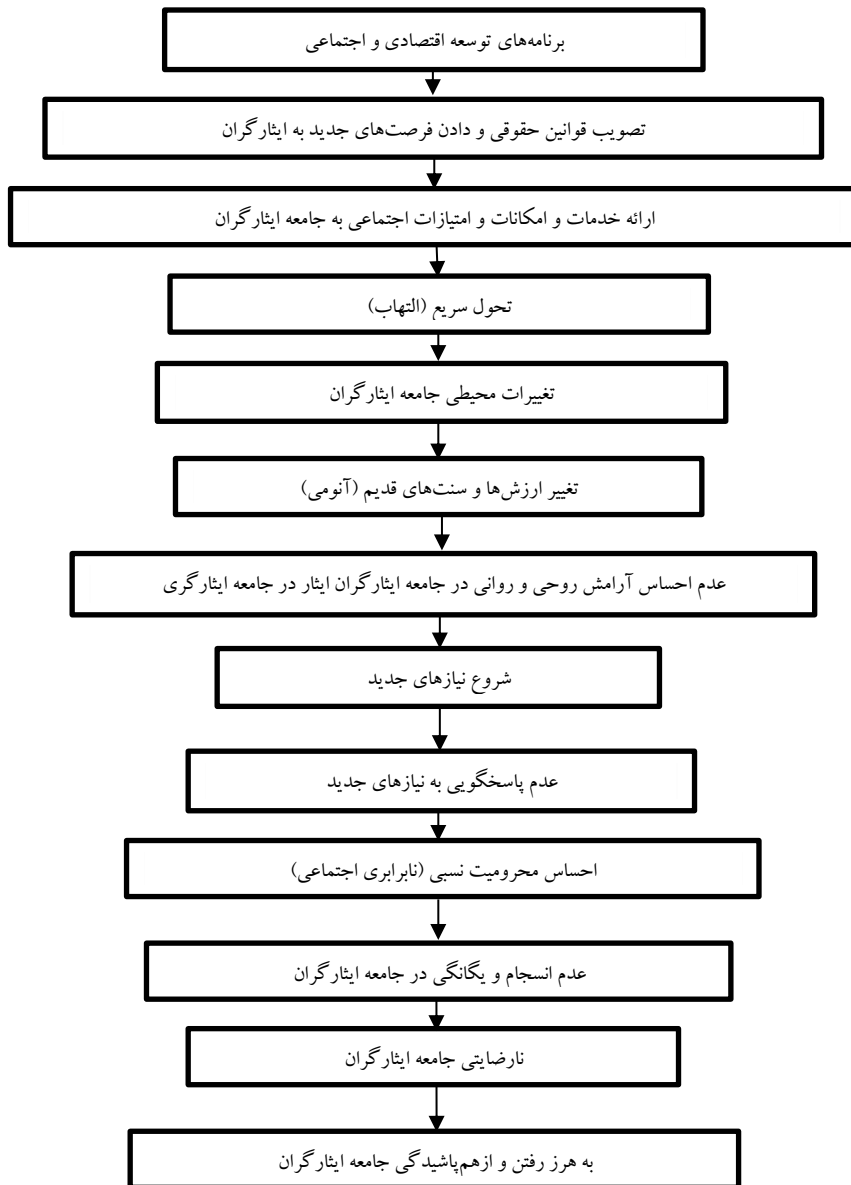
نمودار شماره ۵) نارضایتی جامعه ایتارگران



پس همان گونه که در مدل فوق می‌بینیم تغییر ارزش‌های ایتارگری، نهایتاً موجب نارضایتی در جامعه ایتارگران می‌شود بنابراین برای تبیین بیشتر و چگونگی این نارضایتی به چارت صفحه بعد توجه نمایید حال این موضوع را با چارت نمونه شماره ۶، بازتر می‌کنیم تا چگونگی آن را بتوانیم تبیین کنیم.

درآمدی بر توسعه نآدارم در جامعه اینارگران / ۵۹

نمودار شماره ۶) برنامه‌های توسعه و اجتماعی

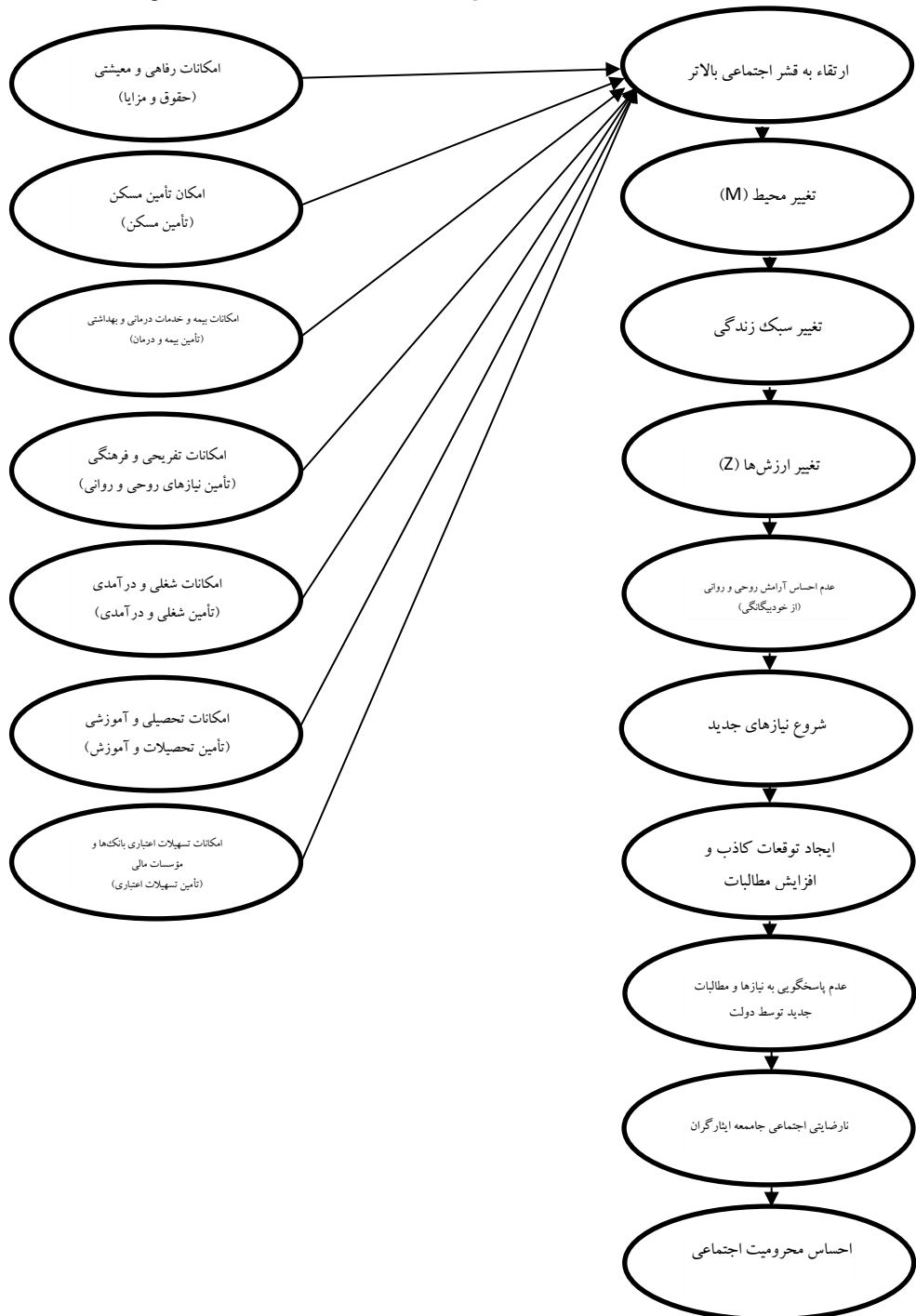


همان گونه که قبلاً هم گفته شده است چگونه یک برنامه‌ریزی کلان بسیار نامناسب اقتصادی و اجتماعی و ناهماهنگ و یک نظام نابرابر با فرهنگ جامعه مشکلات و بیماری‌هایی را مردم آن جامعه به وجود می‌آورد، لذا ما می‌بینیم برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی نظام سیاسی جهت ارتقاء سطح رفاه و معیشت جامعه اسلامی منجر به این شده است که جامعه ایثارگران ما به دلیل اینکه قشر ضعیف و آسیب‌پذیر می‌باشد و این گروه با توجه به ضایعات و نقصان‌ها و ناتوانی‌های جسمی و فیزیکی و روحی و روانی برجای مانده از دوران جبهه و جنگ و عقب‌نماندن از قافله رقابت اقتصادی و اجتماعی جامعه، می‌بایست دولت جهت تأمین رفاه و معیشت آنان و سطح ارتقاء آنان دست به اصلاح و تصویب قوانین و مقررات جدید با توجه به نیازهای جدید (زمان و مکان بعد از سال ۱۳۶۸) جامعه ایثارگران زند، بنابراین با توجه به همین موضوع بود که قوانین حقوقی خاص ایثارگران (با توجه به خاص بودن این گروه به دلیل وضعیت جسمی و روحی) مثل قانون حالت اشتغال مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ و قانون تسهیلات اجتماعی و استخدامی مصوب ۱۳۷۴ و قانون تأمین مسکن و قانون بیمه و خدمات درمانی و ارتقاء سطح سلامت جانبازان و قانون تفریحی و فرهنگی و تحصیلی و آموزشی و قانون تسهیلات اعتباری بانک‌ها در مجلس شورای اسلامی تصویب و به دولت وقت جهت اجرا ابلاغ گردیده است که هر کدام بعد از تأخیر چندساله به دلیل عدم تأمین اعتبار بودجه دولت (مثل همین قانون حالت اشتغال که اجرای آن در سال ۱۳۷۷ به صورت آزمایشی انجام شد) به صورت ناقص و کج دار مریض اجرا گردید.

هر کدام از این قوانین تصویب شده از سوی مجلس شورای اسلامی یک امکانات و فرصت‌های جدیدی را برای جامعه ایثارگران (حقوق‌بگیران بنیاد) ایجاد نموده است که این امکانات و فرصت‌های جدید موجب تغییرات محیطی در جامعه ایثارگران و به تبع تغییر ارزش‌ها و نهایتاً نارضایتی این گروه گردیده است که تک‌تک این امکانات و فرصت‌های جدید و چگونگی آن را با نمودار شماره ۷، تشریح و تبیین می‌کنیم:

درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه اینترگران / ۶۱

نمودار شماره ۷) فرایند چگونگی تغییر محیط جامعه اینترگران با مدل ذیل



می‌بینیم که جامعه ایثارگران با توجه تصویب قوانین حقوقی جدید و امتیازات ایثارگران که موجب فرصت‌ها و امکانات جدید در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) شده است که این موضوع متعاقباً موجب جابجایی و تغییر و ارتقاء این قشر از لحاظ قشربندی اجتماعی در جامعه شده است.

ارتقاء جامعه ایثارگران از قشر پایین به قشر بالاتر جامعه

"آخرین خصوصیات قشربندی اجتماعی این است که قشربندی دارای پیامدها در چهار زمینه خود را نشان می‌دهند که عبارتند از:

۱- فرصت‌های زندگی

۲- سبک‌های زندگی

۳- الگوهای نهادی رفتار

۴- ارزش‌ها، نگرش‌ها و عقاید " (علی‌بابا، ۱۸:۱۳۸۷).

لذا با توجه به توضیحات فوق و امکانات و فرصت‌های جدید به وجود آمده برای جامعه ایثارگران که موجب تغییر و ارتقاء این گروه از لحاظ قشربندی از قشر پایین به قشر بالاتر جامعه شده است لذا ما می‌بینیم که تغییراتی به شرح ذیل در جامعه ایثارگران به وجود آمده است که به تفصیل به آن می‌پردازیم:

۱- فرصت‌های زندگی

برای تبیین این موضوع به‌عنوان مثال جانبازی را در نظر بگیرید که تا دیروز درآمدی برای تأمین معیشت زندگی و سلامتی و درمان خود هیچ‌گونه حقوق و مزایا و یا شغل درآمدی نداشته است و یا جانبازی که تا دیروز حتی یک سرپناهی را به‌عنوان مسکن در اختیار نداشته است و یا جانبازی که تا دیروز برای مسافرت و یا تفریح خود و خانواده با وسایل نقلیه عمومی مثل اتوبوس و یا مینی‌بوس مسافرت و یا تفریح می‌کرد ولی به دلایل همین امکانات و فرصت‌های جدید به وجود آمده به واسطه قوانین و مصوبات حقوقی ایثارگران هم صاحب حقوق و شغل و درآمد جدید وهم

امکانات مسکن به عنوان سرپناه و هم خودرو آخرین مدل برای حمل و نقل و مسافرت و تفریح خود و خانواده خود و امکانات جدید مثل امکانات بیمه درمانی و پزشکی و سلامتی و طول عمر بیشتر و امکانات تحصیلی و آموزشی و تسهیلات اعتباری بانک‌ها امکانات تفریحی و فرهنگی جهت تأمین نیازهای روحی و روانی خود گردیده است که این موضوع موجب تغییر و ارتقاء فرصت‌های زندگی در واقع آسایش و رفاه و آرامش جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) شده است در واقع شرایط و فرصت بهتر زیستن و بهتر زندگی کردن برای آنان به وجود آمده است.

۲- سبک‌های زندگی

جانبازی که تا دیروز شیوه و سبک زندگی بسیار ساده و بی‌آلایشی و ابتدایی را به دلیل فقر و نداری و عدم درآمد کافی و شغل مناسب مثل شیوه غذا خوردن، و لباس پوشیدن و آرایش موی سر و صورت و تزئین خانه و آرایش سفره غذا و انتخاب مسکن از لحاظ مکان و سوارشدن مدل ماشین و غیره... انتخاب نموده است ولی به دلایل همان امکانات و فرصت‌های جدید زندگی (با توجه به مصوبات و قوانین حقوقی جدید ایثارگران) به وجود آمده سبک و شیوه زندگی جدیدی را مثل شیوه غذا خوردن و پوشیدن و آرایش موی سر و صورت و تزئین خانه و آرایش سفره غذا و خرید و انتخاب مسکن از لحاظ مکانی و سوارشدن مدل ماشین جهت حمل و نقل و مسافرت خود و خانواده خود انتخاب نموده است که موجب تغییر و ارتقاء سبک زندگی جامعه ایثارگری شده است.

۳- الگوهای نهادی رفتار

قشربندی اجتماعی نابرابر الگوهای نهادی رفتار را نیز در بین افراد قشرهای مختلف اجتماعی متفاوت می‌سازد با توجه به تغییر و ارتقاء جامعه ایثارگران از قشر پایین به قشر بالاتر جامعه رفتارهای اجتماعی این گروه با توجه به الگوهای نهاد اجتماعی تغییر می‌کند به عنوان مثال فرد جانبازی که تا دیروز برای تأمین هزینه پول توجیبی و یا مدرسه فرزند خود مجبور به تنبیه بدنی و یا سروصدا با فرزند خود می‌شد ولی اکنون که صاحب درآمد و حقوق و مزایای جدید به واسطه امکانات و فرصت‌های جدید شده است با احترام و محبت بسیار به فرزند خود پول توجیبی و هزینه مدرسه جهت تحصیل در مدارس غیرانتفاعی را پرداخت می‌نماید بنابراین از لحاظ الگوهای نهادی رفتار هم در جامعه ایثارگران تغییر و ارتقاء صورت می‌گیرد.

۴- ارزش‌ها و نگرش‌ها و عقاید

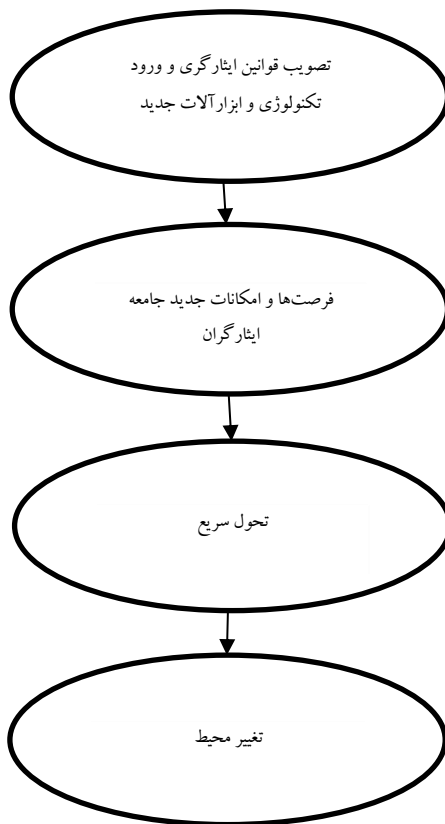
به‌عنوان مثال جانبازی که تا دیروز نماز شب و یا نماز اول وقت ایشان ترک نمی‌شد و یا در ماه مبارک رمضان تا آخر ماه روزه می‌گرفت و حتی یک روز هم روزه خود را نمی‌خورد ولی به دلایل امکانات و فرصت‌های جدید به وجود آمده و متعاقباً آسایش و رفاه و آرامش بیشتر جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) می‌بینیم که ارزش‌ها و عقاید و نگرش‌های آنان تغییر پیدا می‌کند و ارزش‌های آنان مادی و دنیایی می‌شود و به‌عنوان مثال زیاد مهم نیست که شب و یا نماز اول وقت آنان ترک و به دلیل مشغله‌های زندگی دنیایی و مادی سروقت خوانده نشد و حتی در ماه مبارک رمضان با کوچک‌ترین بهانه (مثل زخم معده و امراض دیگر) روزه نگیرد و تقوا الهی پیشه نکند و حتی نگرش به خدا و جهان بینی آن تغییر کند و دین و خداخواهی دیروز ایشان از سر نیازها و ناتوانی‌ها و ناکامی‌های مادی و دنیایی بوده است و امروز به دلیل امکانات و فرصت‌های جدید به وجود آمده نگرش دینی و خداخواهی ایشان کاسته شده و در زندگی آنان خدا رنگ دیگری پیدا نموده است که همان آسایش و رفاه و آرامش جدید در زندگی آنان می‌باشد و مادیات و زندگی دنیایی ارزش‌های مادی در اولویت و ارزش‌های دینی و معنوی و خدایی از زندگی آنان رخت بر بسته و کم‌کم فراموش شده است بنابراین در جامعه ایثارگران ما می‌بینیم که ارزش‌ها و نگرش‌ها و عقاید به دلیل فرصت‌ها و امکانات جدید تحت تأثیر قرار می‌گیرند و تغییر می‌کنند بنابراین با توجه تغییر چهار موضوع فوق مثل فرصت‌های زندگی و سبک‌های زندگی و الگوهای نهادی رفتار و ارزش‌ها و نگرش‌ها و عقاید در جامعه ایثارگران با امکانات و فرصت‌های جدید تغییراتی هم در محیط زندگی آنان به وجود می‌آید و محیط زندگی آنان به دلایل چند موضوع فوق تحت تأثیر قرار می‌گیرد و لذا محیط زندگی جامعه ایثارگران کاملاً تغییر پیدا می‌کند به‌عنوان مثال جانبازی در نظر بگیری که تا دیروز هیچ حقوق و مزایا و شغل و درآمدی نداشته است و در یک خانه اجاره‌ای پایین شهر تهران مثل شوش زندگی می‌کرده است ولی با توجه به همان امکانات و فرصت‌های جدید مثل برقراری حقوق و مزایا از طریق بنیاد و دریافت وام مسکن و خرید مسکن در بالای شهر تهران مثل تجریش و دریافت خودرو از طریق سهمیه واگذاری خودرو به جانبازان و امکانات درمانی و بیمه و وام تسهیلات اعتباری بانک‌ها و تزینات خانه خود مثل خرید مبلمان و فرش‌های گران‌قیمت برای پوز دادن و نمایش ثروت خود مثل سرمایه‌داران بلاشهر تغییرات بسیار عمیقی در محیط زندگی

ایشان به وجود آمده است که این تغییر محیط زندگی متعاقباً ارزش‌های ایثارگری را تحت تأثیر قرار داده است و نهایتاً موجب تغییر ارزش‌های ایثارگری در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) می‌شود که چگونگی آن را به تفصیل بیان می‌کنیم.

چگونگی فرایند تغییر ارزش‌های ایثارگری

همان گونه که میدانیم همه انسان‌ها محیط زندگی خود را بر اساس نظام ارزش‌ها و هنجارهای مرسوم جامعه تنظیم نموده‌اند و با محیط جدید خود سازگاری پیدا می‌کند و سازگاری با محیط جدید موجب تغییر فرهنگ و آداب و رسوم قدیمی و پذیرش فرهنگ و آداب و رسوم جدید می‌باشد و لذا وقتی محیط زندگی انسان‌ها بر اساس امکانات و فرصت‌های جدید (ورود تکنولوژی جدید و تصویب قوانین حقوقی جدید) تغییر کند و با توجه به تحول سریع جامعه و به تبع تأثیراتی هم که در نظام ارزشی و هنجارهای جامعه می‌گذارد و ارزش‌های جامعه را تحت فشار قرار می‌دهد و نهایتاً موجب تغییراتی هم در سطح نظام ارزش‌ها و سنت‌های قدیم جامعه می‌شود وقتی که ما می‌بینیم به دلیل توسعه ناموزون و ورود تکنولوژی و فناوری و علوم جدید سطح ظاهر شهرها و روستاها مثل شکل ساده خانه‌های روستایی و صنایع دستی کوچک و خانگی و یاراه‌ها و گذرگاه‌ها و چراگاه‌ها و زمین‌های کشاورزی تبدیل به ساختمان‌های و آپارتمان‌ها و برج‌های سر به فلک کشیده و اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها و وسایل حمل‌ونقل مثل قطارها و ترن‌های شهری و خارج شهری و صنایع و کارخانجات بزرگ و کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ و مهاجرت روستاییان به شهرها و روش جدید و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و کاربست فنون آبیاری جدید به دلیل این امکانات و فرصت‌های جدید جهت رفاه و آسایش بیشتر و بهتر که موجب دست کشیدن از فرهنگ و آداب و رسوم و نظام ارزشی و سنت‌های قدیم محلی و بومی آنان می‌شود و در واقع انسجام و همبستگی یک نظام اجتماعی از هم پاره می‌کند و در واقع همان تغییر ارزش‌ها در جامعه به وجود می‌آید.

نمودار شماره ۸) تغییر ارزش ها



بنابراین ما می‌بینیم با توجه به توضیحات فوق در جامعه ایثارگران به دلیل این امکانات و فرصت‌های جدید و تحول سریع، تغییر محیط اتفاق افتاده است به‌عنوان مثال وقتی جانبازی با برقراری حقوق و مزایا و کسب درآمد و شغل جدید برای رفاه و آسایش بیشتر و بهتر دست از زندگی محلی و آداب و رسوم محلی و فرهنگ و نظام ارزشی خود دست کشیده و به شهر مهاجرت نموده و یا جانبازی را در نظر بگیرید که از پایین شهر میدان شوش به بالای شهر مثل ونک و یا شهرک غرب مهاجرت نموده است می‌بایست فرهنگ بالای شهری پذیرد و هماهنگ با هنجارها و ارزش‌های بالاشهری زندگی کند و سوار ماشین‌های گران‌قیمت برای خودنمایی و پوز دادن شود و در واقع فرهنگ کاملاً مصرف‌گرایی و غرب‌زدگی را به خود بقبولاند و فردگرایی و خود برتری و غرور و خودنمایی در درون او حاکم شود و ارزش‌های گذشته خود را که فرهنگ ایثار تا پای

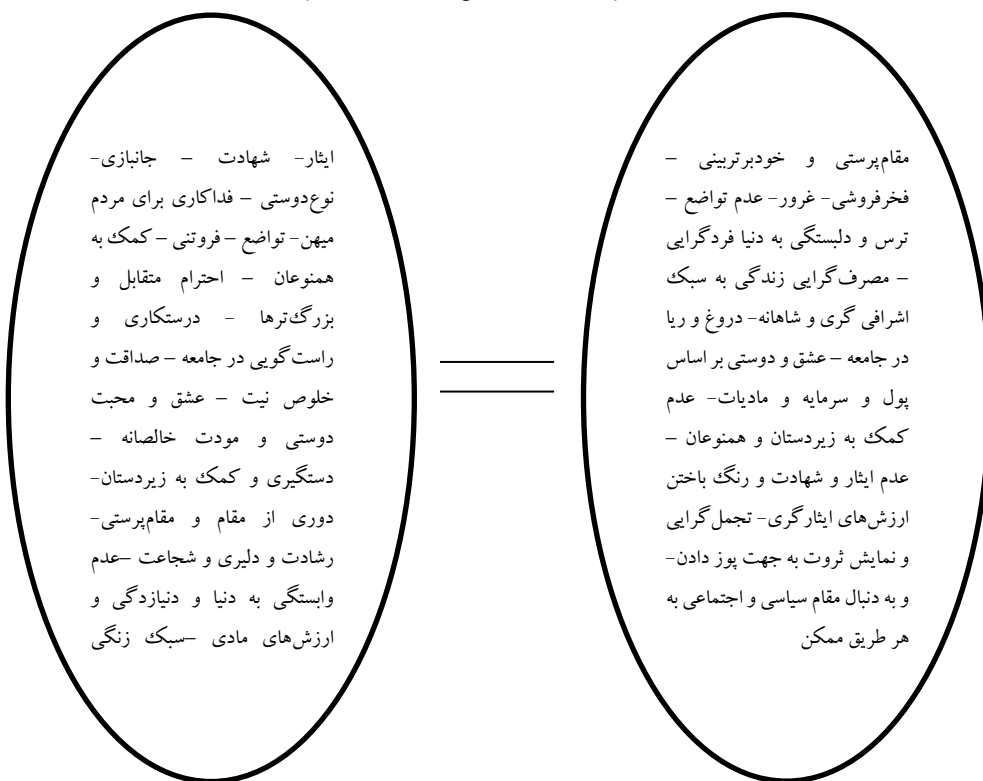
جان و خود گذشتگی و فداکاری و نوع دوستی و مردم‌داری و کمک به هم‌نوعان خود بوده است را کنار بگذارید دیگر آن فرهنگ ارزشی که اگر برای ارزش‌ها و حفظ ناموس وطن باید تا پای جان ایستادگی کرد از بین می‌رود کم‌کم شعارها و الگوهای اعتقادی و دینی رنگ می‌بازد و جای آن را این حدیث امیر مؤمنان می‌گیرد "کسی که معاش ندارد معاد ندارد" یعنی صد و هشتاد درجه نظام ارزشی و اعتقادی تغییر می‌کند یعنی اول دنیا و بعد آخرت، جانبازی که تا دیروز برای آخرت خود جانبازی می‌کرد و جان خود در دست کف خود گرفت ولی امروز به دلیل چرخش نظام ارزشی و اعتقادی (تغییر ایدئولوژی) که به دست متولیان این امر، هنجارفرستان و ارزش‌گذاران و سیاست‌گذاران نظام اسلامی که در حال ترویج و گسترش می‌باشد می‌بایست همگام و هماهنگ با نظام ارزشی جامعه ارزش‌ها و سنت‌های خود را کنار بگذارد که مشکلات از اینجا شروع می‌شود و جامعه ایثارگران را دچار مشکلات بسیار زیادی می‌کند.

تغییر ایدئولوژی ارزش‌گذاران و هنجارفرستان جامعه

وقتی هنجارفرستان و ارزش‌گذاران جامعه بنا بر مقتضیات زمان و توجیه و حفظ وضع موجود تغییر ایدئولوژی و یا تغییر سیاست می‌دهند و شعارهای کهنه دیروز کنار گذاشته و از شعارهای قدیم دست کشیده و به ایدئولوژی و سیاست جدید روی آورده و دیگر آن شعار که تا دیروز می‌گفتند که برای حفظ دین و میهن تا پای جان می‌بایست ایستادگی کرد و در این راه به شهادت رسید دیگر امروز کهنه شده است و جای آن را ایدئولوژی دنیایی و مادی‌گرایانه و مصرف‌گرایانه گرفته است و حتی آن را از زبان یک معصوم (حضرت علی) جهت توجیه و تأیید مردم جامعه بیان می‌کنند که "کسی طعام ندارد معاد ندارد" (اول وجود، دوم سجود در واقع برگشت به شعارهای طاغوتی و استبدادی قبل از انقلاب) و یا "دارندگی برزندگی" یعنی چرخش صد و هشتاد درجه به همان تفکر و ایدئولوژی و نظام لیبرال سرمایه‌داری و ماتریالیستی غرب یعنی اول عامل اقتصادی بعد عامل فرهنگی یعنی عامل اقتصادی ارجح‌تر است بر عامل فرهنگی و یا رفاه و آسایش دنیایی بر آخرت دینی مقدم‌تر است در صورتی که اهداف اولیه انقلاب اهداف فرهنگی و تأسیس نظام ارزشی اسلامی و اعتقادی بوده است و جامعه ایثارگران با همین اهداف اولیه انقلاب تشکیل و با دشمنان نظام اسلامی به مبارزه برخاسته است و جانبازی نموده است و به قول معروف جان خود را دست کف گرفته است و تا پای جان پیش رفته است حال باید به دلیل مقتضیات زمان و یا ملاحظات سیاسی و برای توجیه

و حفظ وضع موجود مردان سیاسی آن ارزش‌ها و سنت‌ها را کنار گذاشت و از آن شعارهای قدیم و کهنه دست کشید آن وقت تکلیف آن جانباز که هنوز با نظام ارزشی و سنت‌های قدیم زندگی می‌کند و با آن انس و خو گرفته است و عادت نموده است و برای آن سال‌ها جانبازی و هزینه‌های بزرگ را متحمل شده است و تا پای جان پیش رفته است، چیست؟ آیا این گروه دچار آنومی و سردرگمی به دلیل جایگزینی نظام ارزشی جدید نمی‌شوند (نظریه مرتون) و در واقع تضاد با جامعه پیدا نمی‌کند.

نمودار شماره ۹) تغییر ایدئولوژی ارزش‌گذاران و هنجارفرستان جامعه



(نظام ارزشی قدیم)

(نظام ارزشی جدید)

بنابراین در جامعه‌ای که ارزش‌گذاران و هنجارفرستان همه چیز را با ارزش مادی و دنیای به دلیل چرخش سیاسی و ملاحظات سیاسی ارزش‌گذاری نموده‌اند و همه چیز را بر اساس پول و سرمایه و ثروت اندازه‌گیری و پاداش می‌دهند و بر همین منوال همه مردم جامعه به حق و حقوق دنیایی خود

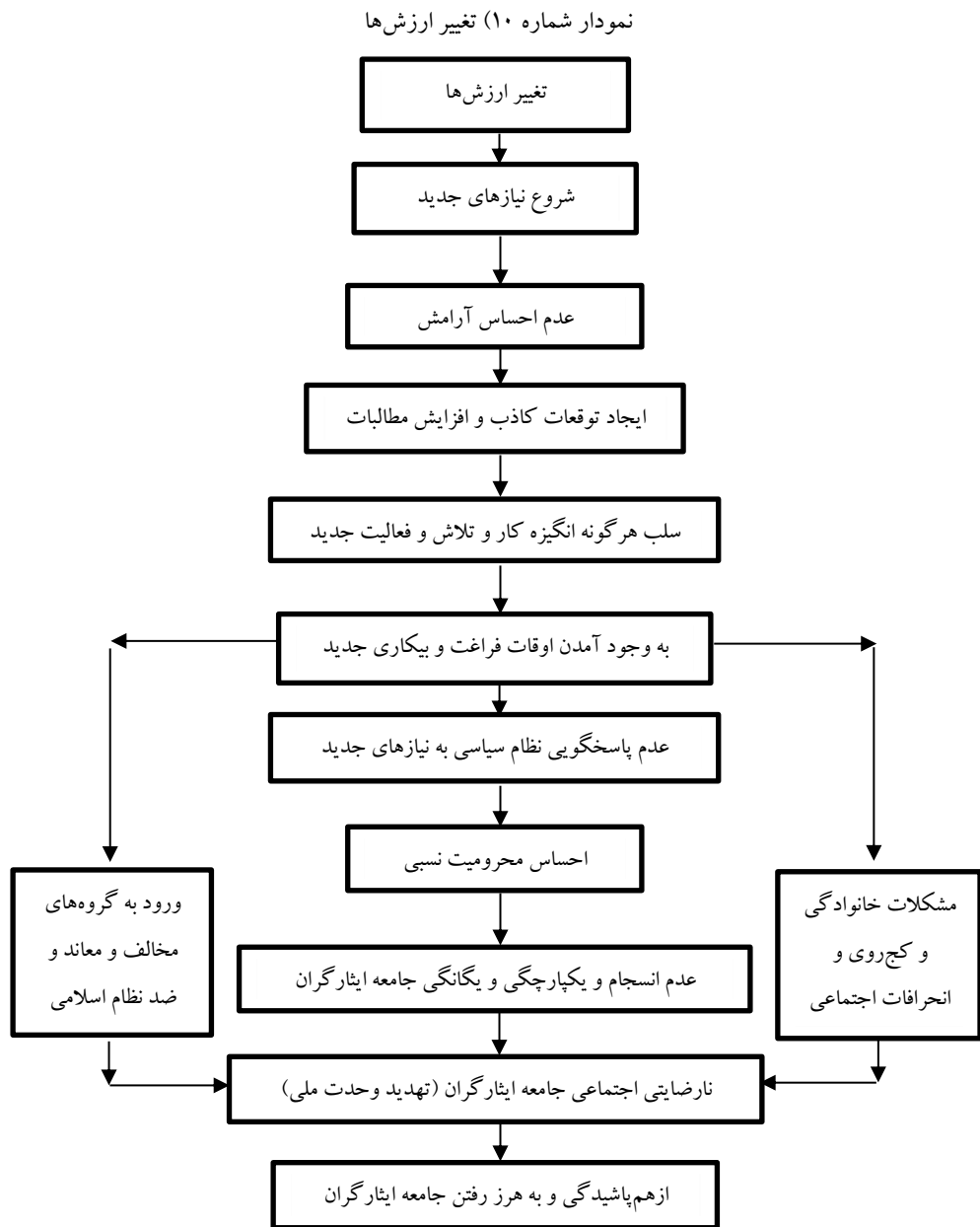
رسیده‌اند و در آرامش و رفاه و کامل در کنار خانواده‌های خود بسر می‌برند و مقامات و مردان سیاست که تا دیروز هم‌زمان و هم‌سنگران همین جانبازان و ایثارگران بوده‌اند و با چرخش روزگار و بازی زمانه با در دست گرفتن موقعیت‌های دنیایی مثل پست‌ها و مقام‌های سیاسی و اجتماعی که در نظام اجتماعی برای توجیه و حفظ وضع موجود بنا نهاده‌اند در حال گذران وزندگی پر از لذات دنیایی و مادی خود مشغول‌اند و سوار بر ماشین‌های مدل آخرین سیستم و گران‌قیمت و در حال خرید فلان ملک کشاورزی و یا باغ‌های بزرگ در شمال و یا ویلاهای ساحلی شخصی لب دریا مشغول می‌باشد و از این نظام ارزش‌گذاری هیچ گله‌ای ندارد و تازه این همه جاه و جلال و کرامات و ثروت و سرمایه را دلیل بر "باعرضه بودن و زرنگی خود" می‌داند و دیگران را "به بی‌عرضه بودن و تنبل و تن‌پروری و راحت‌طلب و گنگ بودن" متهم می‌کند که در فقر و ناداری و سختی زندگی می‌کنند و خلاصه در این نظام ارزشی مادی و دنیایی که همه به حق حقوق مادی و دنیایی خود رسیده‌اند.

حال آن جانباز هفتاد درصد (۷۰٪) قطع نخاع و یا قطع عضو آیا حق و حقوقی ندارد؟ و حق ندارد؟ با داد و بیداد و سروصدا و فحاشی و شکستن در و پنجره و شیشه ساختمان‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران و کتک‌کاری با کارکنان و مدیران دنبال حق و حقوق از دست رفته خود باشد و با ارزش‌گذاری مادی و پولی در نظام ارزشی جدید عضو و یا اعضای از دست داده خود را با ارزش‌های پولی و مادی (مثل حقوق و مزایا جانبازی و سهمیه استخدام و وام مسکن و تسهیلات اعتباری بانک‌ها و...) آن را به اصطلاح جایگزین و یا جبران نماید که با پاسخ منفی به دلیل عدم منابع و اعتبارات کافی از مسئولین بنیاد بگوید "این حق من است و یا حق زن و بچه من است زن و بچه من چه گناهی کرده‌اند که من می‌خواستم برای مردم جامعه ایثار کنم و جانباز شده‌ام ولی حق دادمی و من حق خودم را می‌گیرم" بله، جامعه ایثارگران ما (جانبازان حقوق‌بگیر) با تغییر نظام ارزشی جامعه برای خود حق به طور ذهنی و حقوق جدید بر اساس نظام ارزشی جدید تعریف کرده‌اند و به شدت به دنبال حق و حقوق از دست رفته خود می‌باشد ولی نه با یک حقوق و مزایای بخورونمیر حالت اشتغال و یا سهمیه استخدام و وام مسکن و اعتبارات بانکی و واگذاری خودرو و... بلکه به قیمت عضو و یا اعضای از دست داده بدن خود که تا دیروز به اسم ایثار برای مردم جامعه دارای ارزش و اعتبار خاص اجتماعی بوده است ولی امروز به دلیل مقتضیات زمان و مکان یا به این گروه

می‌خواهند پولش را به اندازه قیمت دنیایی و مادی با یک حقوق و مزایای جانبازی به اسم حقوق حالت اشتغال و یا سهمیه استخدام در دستگاه‌های دولتی و سهمیه دانشگاه و یا وام مسکن و اعتبارات بانکی جایگزین نمایند که موجب عدم احساس آرامش در جامعه ایثارگران شده است و لذا جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) با این گونه تغییر سیاست‌ها و ایدئولوژی جدید بنا بر مقتضیات زمان و مکان، دچار آنومی و سردرگمی و تضاد با جامعه و نهایتاً نارضایتی آنان با نظام سیاسی می‌شود.

تغییر ارزش‌ها و شروع نیازهای جدید در جامعه ایثارگری

بنابراین با توضیحات بالا مشخص شده است که تغییر ارزش‌ها در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) اتفاق افتاده است حال با تغییر ارزش‌ها نیازهای جدید جامعه ایثارگران در جامعه شروع به رشد و نمو می‌نماید و نیازهای جدید موجب (عدم احساس آرامش) افزایش مطالبات و توقعات کاذب (نظریه دیویس) و سلب هرگونه انگیزه کار و تلاش که موجب اوقات فراغت و بیکاری نهایتاً با توجه به عدم پاسخگویی نظام سیاسی به نیازهای جدید به دلیل کمبود منابع دولتی و محدود بودن آن (نظریه هابرماس) که موجب (احساس محرومیت نسبی) انحرافات و بزه‌کاری اجتماعی و یا ورود به گروه‌های معارض و مخالف و ضد نظام اسلامی و متعاقباً موجب عدم انسجام و یکپارچگی و نهایتاً نارضایتی اجتماعی و تهدید جدی وحدت ملی و به هرز و از بین رفتن و تلف شدن جامعه ایثارگران خواهد شد که این موضوع را بیشتر باز می‌کنیم و با توجه به مدل ذیل آن را تبیین می‌کنیم.



شروع نیازهای جدید در جامعه ایثارگران

بنابراین با توجه به مدل فوق می‌بینیم چگونه با تغییر ارزش‌ها نیازهای جدید شروع به رشد و نمو می‌نمایند و موجب بیماری‌های جدید برای نظام اجتماعی جدید می‌نمایند وقتی که ارزش‌های جدید همه مادی و پولی می‌شود جانبازی که تا دیروز برای ایشان خانه و ماشین آخرین مدل و سکونت در بالای شهر و یا پایین شهر و طرز پوشش لباس و خرید فلان مغازه و داشتن لوازم لوکس منزل مهم نبود و فقط آن ارزش‌ها و اهداف انقلابی و گذشتن جان و مال خود و فداکاری و ایثار برای ایشان مهم بود ولی با آمدن ارزش‌های جدید دیگر ارزش‌های قدیم کهنه و از آن‌ها دوری می‌کند و تازه برای خود هم افت می‌داند و هماهنگی با ارزش‌های جدید مثل سایر مردم جامعه به دنبال ماشین مدل آخرین سیستم و خانه محقر بالای شهر و لوازم لوکس آن‌چنانی و طرز پوشش لباس سرمایه‌داران بالای شهر شروع به رقابت با سایر مردم جامعه می‌نماید تا از این بازار رقابت ناسالم اقتصادی عقب نماند بنابراین نیازهای جدید ایشان یکی پس از دیگری شروع به نمایان شدن و احساس نیاز در جامعه می‌نماید و بدین صورت وقتی که جانبازی خانه بسیار گران‌قیمت برای پوز دادن و نمایش ثروت در بالای شهر اجاره می‌کند و باید یک ماشین مدل بالا آخر سیستم که مردم بالای شهر سوار می‌شوند را بخرد و عینک و کت شلوار و اوت کلن را هم برای کامل شدن این تجهیزات بخرد و برای زندگی در منزل و کم‌نیاوردن، باید مثل مردم بالای شهر لوازم لوکس و قالی‌ها و فرش‌های گران‌قیمت خریداری نماید و فرزندان خود را برای تحصیل به مدرسه غیرانتفاعی با بالاترین هزینه‌گرافی بفرستد و لباس و پوشش آنان را مثل بچه پولدارها بالای شهر برای هم‌رنگ شدن آنان در محیط تحصیلی فراهم نماید و خانواده خود را برای تفریح به پارک‌ها و تفریحگاه‌ها و مکان‌های فرهنگی گران‌قیمت و بالای شهر برد بنابراین با درآمد و حقوق حالت اشتغال جانبازی بنیاد شهید که نهایتاً به ششصد تا هفتصد هزار تومان می‌رسد آیا می‌تواند کفاف خرج این زندگی پر از تجملات و سرمایه‌داری را تأمین نماید؟ بنابراین دچار کمبود درآمد و حقوق ناشی از بنیاد شهید می‌شود و کم‌کم احساس محرومیت نسبی نسبت به قشر متوسط و بالای جامعه در او نمود پیدا می‌کند و احساس ناآرامی و ناراحتی در آنان به وجود می‌آید.

احساس عدم آرامش و ناآرامی در جامعه ایثارگری

با توجه به توضیحات فوق مشخص شد که شروع نیازهای جدید با درآمدهای بسیار پایین، هزینه‌ها سر به فلک می‌زنند و تا دیروز که آن جانبازی که به راحتی با حقوق مکفی ششصد تا هفتصد هزار تومان در پایین شهر زندگی می‌کند اکنون با سه برابر آن نمی‌تواند خرج زندگی خود را تأمین نماید و با توجه به نیازهای به وجود آمده و همچنین احساس نیازهای جدید نمی‌تواند زندگی خود را اداره نماید تا دیروز با حقوق بخورونمیر بنیاد شهید حداقل می‌توانست شکم خود وزن و بچه خود را سیر نماید و در کنار آن یک پس‌انداز ناچیز داشته باشد ولی اکنون به دلیل ارتقاء به قشر بالاتر جامعه و سبک و روش زندگی آنان نمی‌تواند حتی شکم خود را سیر نماید بنابراین آیا احساس عدم آرامش و سرخوردگی و ناراحتی می‌نماید و جهت برآورد احتیاجات خود مجدداً روبه سوی بنیاد شهید به‌عنوان متولی امورات آنان می‌آورند تا بلکه با درخواست آنان بتوانند خدمات بیشتری برای امورات زندگی خود دریافت نمایند.

ایجاد توقعات کاذب و افزایش مطالبات جدید در جامعه ایثارگران

بنابراین با توجه به نیازهای جدید و عدم احساس آرامش در جامعه ایثارگری این توقع و احساس در جامعه ایثارگری به وجود می‌آید که چون دولت می‌بایست به‌عنوان کمک و پشتیبان آنان باشد و یک زمانی این افراد به‌عنوان ایثارگر برای دفاع از حفظ میهن و نظام اسلامی به دفاع و مبارزه برخاستند و به این دلیل دچار نقص عضو و ناتوانی جسمی شده‌اند و بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان متولی این امر و بدنه دولت می‌بایست آنان را تأمین نماید و اگر اکنون درآمد و حقوق بنیاد کفاف خرج آنان را نمی‌دهد می‌بایست بنیاد آن را تا حد کامل آن نیازهای جدید به وجود آمده تأمین نماید یعنی یک توقع کاذب و دروغین در خود احساس می‌نمایند و به‌عنوان مثال جهت تبیین این موضوع خاطره‌ای از نویسنده کتاب بیان می‌کنیم "روزی در دفتر کارم در اداره مشغول کار بودم که یکی از جانبازان (۷۰٪) درصد ویلچری به بنده مراجعه کرده‌اند و گفته‌اند که آقا این مطالبات بنده چه شده است؟ کی آن را پرداخت می‌کنید؟ من به ایشان گفتم ان‌شاءالله پس از تأمین اعتبار دولت نسبت به پرداخت آن اقدام خواهیم کرد که ایشان با سروصدا داد و بیداد به من گفت: من نمی‌دانم کی دولت به شما بودجه می‌دهد آقا؟ من گرفتاری‌های زیادی دارم، حالا که این جوری شده من از طریق دیوان عدالت اداری علیه بنیاد شهید و امور ایثارگران شکایت کرده‌ام و از تاریخ

مجروحیت جانبازی حق و حقوق خودم را بر اساس قانون پرداخت حقوق و مزایای لشکری (نیروهای مسلح) محاسبه و از شما خواهم گرفت و نه بر اساس قانون حقوق و مزایای خدمات کشوری و هم‌تراز نظام هماهنگ کارمندان دولت، مگر زمانی که ما در جبهه‌های جنگ می‌جنگیدیم با هویت دولتی و به‌عنوان کارمند به جبهه رفتیم؟ و یا با هویت نظامی و به‌عنوان نیروی مسلح؟ که الآن بر اساس قانون کشوری مثل کارمندان دولت به ما حقوق و مزایا می‌دهند بنابراین پرداخت حقوق مثل کارمندان دولت را من قبول ندارم و می‌بایست بر اساس قانون نیروهای مسلح هم‌تراز درجه‌داران و هم‌زمان من که اکنون در سپاه و یا ارتش با توجه به درجه و رتبه خود حقوق و مزایای سرهنگی و یا سرتیپی را می‌گیرند را به من حقوق و مزایا بدهید و اگر ندهید من از طریق دیوان عدالت از حلقوم دولت می‌کشم بیرون، و همچنین چرا ما را از تاریخ مجروحیت جانبازی که ما مجروح شده‌ایم حق و حقوق نمی‌دهید؟ بلکه از تاریخ شروع تصویب تاریخ قانون (۱۳۷۲/۶/۳۰) این هم بی‌عدالتی است که پس از گذشت سالیان سال از تاریخ جانبازی‌مان از تاریخ شروع تصویب قانون معوقات حقوق حالت اشتغال جانبازی‌مان را دولت پرداخت نماید و سود بانکی پولی که چند سال از تاریخ پرداخت آن گذشته است و می‌بایست آن را پرداخت می‌کردید که نکرده‌اید و حالا دیرکرد آن را می‌بایست محاسبه کنید و به من بدهید که انشاء الله این را هم از طریق دیوان عدالت پیگیری خواهم کرد و از بنیاد شهید خواهم گرفت " ببینید چگونه یک نظام اجتماعی نابرابر، بیماری‌های جدید و توقعات کاذب و دروغین در درون جامعه ایثارگری به وجود می‌آورد شکایت ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) از طریق دیوان عدالت اداری علیه بدنه دستگاه دولتی و اجرایی (بنیاد شهید و امور ایثارگران) و تقاضای حقوق حالت اشتغال از تاریخ جانبازی نه از تاریخ شروع تصویب قانون حالت اشتغال (۱۳۷۲/۶/۳۰) و پرداخت حقوق و مزایای خود بر اساس قانون لشکری (نیروهای مسلح) و نه بر اساس قانون کشوری و هم‌تراز کارمندان و کارکنان دولت و سود بانکی دیرکرد و معوقات پرداخت حقوق حالت اشتغال از تاریخ جانبازی که نشان و نمود آشکار از به وجود آمدن توقعات کاذب و دروغین در درون جامعه ایثارگران می‌باشد و همان گونه که قبلاً گفتیم دولت هم به دلیل عدم بودجه و منابع کافی نمی‌تواند منابع جدید در اختیار بنیاد شهید و امور ایثارگران جهت تأمین نیازهای جدید قرار دهد و جامعه ایثارگران به دلیل عدم پاسخگویی از سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و نهایتاً نظام سیاسی سرخورده و بدبین می‌شوند که این موضوع موجب تضاد و درگیری

جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) با سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران و متعاقباً با نظام سیاسی می‌شود.

سلب هر گونه کار و تلاش و فعالیت جدید جامعه ایثارگران

جانبازی که تا دیروز قبل از برقراری حقوق و مزایای حالت اشتغال بنیاد شهید و امور ایثارگران و تسهیلات جانبی دیگر از قبیل وام کم‌بهره بانکی مسکن و دریافت خودرو و تسهیلات بیمه و خدمات درمانی و امتیازات دیگر دست به هر کاری جهت تأمین معیشت خود و خانواده خود می‌زد و انگیزه بسیار بالایی برای کار و تلاش و فعالیت در جامعه مثل سایر مردم عادی دارا بوده است و از زمانی که برابر قانون حالت اشتغال نسبت به برقراری حقوق و مزایای حالت اشتغال جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) از طریق بنیاد شهید و امور ایثارگران اقدام شده است و خیال جامعه ایثارگران از بابت دغدغه تأمین معیشت خود و خانواده خود آسوده شده است هر گونه انگیزه کار و تلاش و فعالیت در جامعه را از دست داده است و موجب سلب هر گونه انگیزه‌ای برای کار و تلاش و فعالیت جدید در جامعه می‌شود و هر ماه بدون هیچ گونه کار و تلاش منتظر حقوق و مزایای ماهانه بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشد که این موضوع هم موجب تضاد و درگیر جامعه ایثارگران شده است.

به وجود آمدن اوقات فراغت و بیکاری جدید: همان گونه که گفته‌ایم با برقراری حقوق و مزایای حالت اشتغال برابر قانون حالت اشتغال از طریق بنیاد شهید و امور ایثارگران دیگر خیال جامعه ایثارگری از بابت دغدغه تأمین معیشت زندگی خود کاملاً آسوده گشته است و تا دیروز اگر یک جانبازی برای تأمین معیشت زندگی خود دست به هر گونه کار و فعالیت و تلاش در جامعه می‌زد و برای خود شغلی دست‌وپا می‌کرد دیگر آن انگیزه با تأمین معیشت از طریق بنیاد شهید و امور ایثارگران از بین رفته است که این موضوع موجب بیکاری مضاعف و اوقات فراغت فراوان در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) شده است لذا با توجه به این اوقات فراغت و بیکاری به وجود آمده و خلأ به وجود آمده در جامعه ایثارگران می‌بایست برای آن فکری اندیشیده می‌شده است و برای نیازهای جدید روحی و روانی و سرگرمی آنان به جهت جلوگیری مشکلات خانوادگی و اخلاقی و از هر گونه انحرافات و بزه‌کاری اجتماعی اقدامات لازم انجام می‌شده است که متأسفانه به دلیل

عدم تفکرات لازم در این خصوص که هیچ گونه تدبیری در این خصوص اندیشیده نشده است که این موضوع موجب مشکلاتی از قبیل انحرافات اخلاقی و بزه کاری اجتماعی برای جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق بگير) نموده است که به توضیح آن می پردازیم.

عدم پاسخگویی نظام سیاسی به جامعه ایثارگران (به دلیل محدودیت منابع و امکانات)

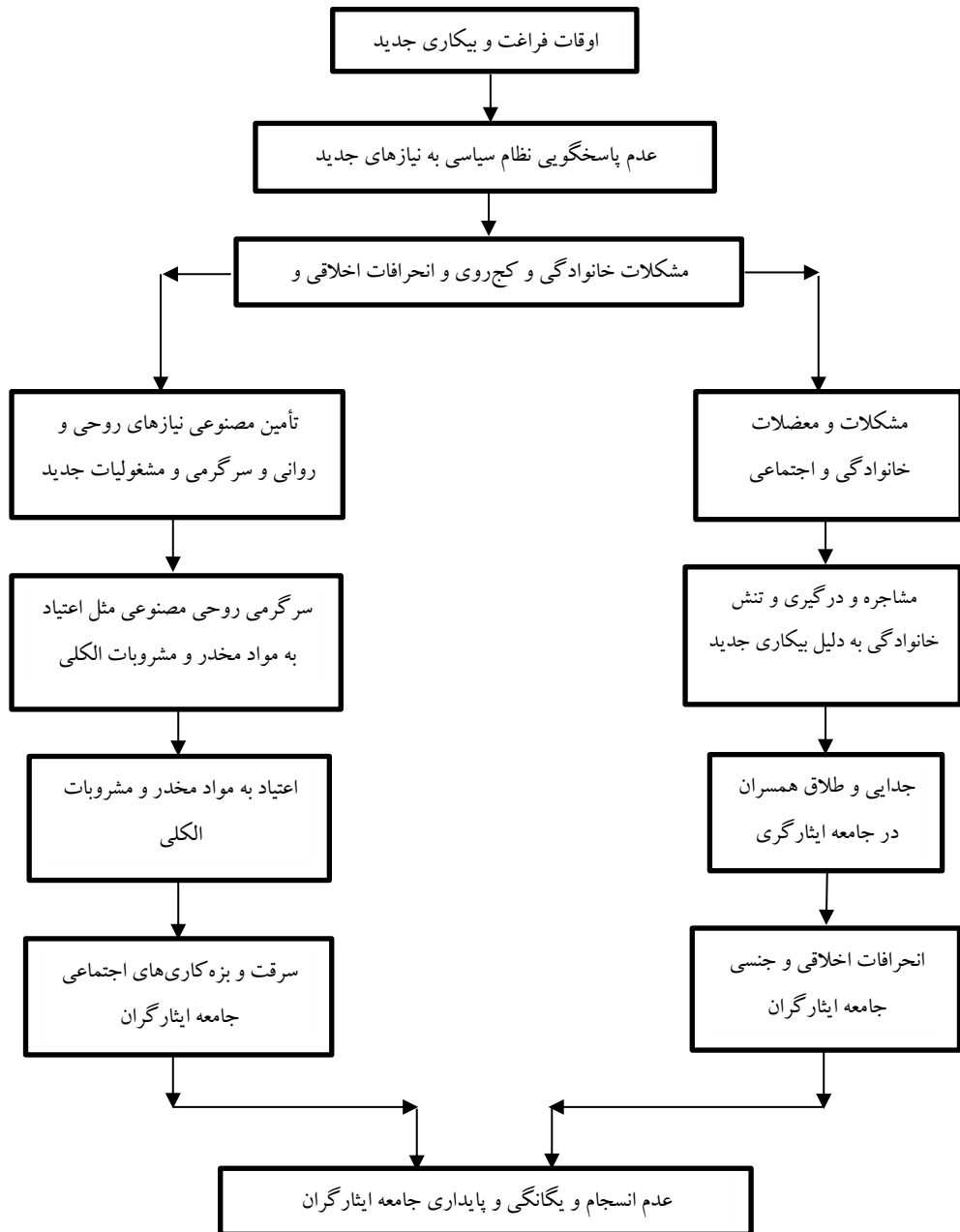
با توجه به توضیحات فوق مشخص شده است که با تغییر ارزش ها و شروع نیازهای جدید مادی و روحی و روانی در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق بگير بنیاد) می بایست سیاست گذاری نظام سیاسی در جهت تدوین برنامه ها و سیاست گذاری جدیدی جهت پاسخگویی به این نیازهای جدید باشد لذا ما می بینیم که با شروع نیازهای جدید مادی و پولی و روحی و روانی که شروع به رشد و نمو می نمایند مثل اوقات فراغت و بیکاری جدید تولید شده به دلیل پرداخت حقوق و مزایای حالت اشتغال برابر قانون حالت اشتغال به جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق بگير بنیاد) و به دلیل عدم دغدغه های معیشتی و اقتصادی قبل از سنوات برقراری حقوق و مزایای بنیاد شهید و امور ایثارگران یک اوقات فراغت و بیکاری جدید برای جامعه ایثارگران به وجود می آید، لذا این اوقات فراغت و بیکاری جدید که خطرات و مضرات بسیار فراوانی را برای این گروه دارد و موجب امراض و بیماری های جدید اجتماعی می شود می بایست با برنامه ریزی های کلان توسط دولت در سطح جامعه ایثارگران کنترل و مدیریت شود تا با پاسخ به این نیازهای روحی و روانی و مادی و پولی جامعه ایثارگران از گزند بیماری های اجتماعی مصون ماند که متأسفانه به دلیل محدودیت منابع و امکانات دولتی و بی توجهی به این موضوع مشکلات و معضلاتی را در این خصوص در جامعه ایثارگران مشاهده می کنیم که به شرح ذیل به توضیح یکایک آنان می پردازیم.

مشکلات و معضلات خانوادگی به دلیل اوقات فراغت و بیکاری جدید جامعه ایثارگری

همان گونه که قبلاً گفته شده است جامعه ایثارگران به دلیل عدم انگیزه قلبی جهت هرگونه کار و تلاش و فعالیت جدید که موجب اوقات فراغت و بیکاری جدید می شود یعنی تا دیروز اگر جانبازی جهت تأمین معیشت خود و خانواده خود دست به هر کار و تلاش جدید جهت به دست

آوردن یک لقمه نان حلال و بابرکت با عرق جبین خود بوده است اکنون با پرداخت حقوق و مزایای بنیاد شهید و امور ایثارگران دیگر آن انگیزه وجود ندارد و ایشان با فراق بال بیشتر و اوقات فراوان در خانه و منزل خود با خانواده خود به استراحت و مشغول زندگی خود می شود کم کم این استراحت در منزل عدم هرگونه کار و تلاش و فعالیت بیرون منزل برای ایشان یکنواخت و خسته کننده می شود و چون قبل از برقراری حقوق و مزایای جامعه ایثارگران با کار و تلاش و فعالیت زیاد در بیرون از خانواده سرگرم و مشغول بوده است و اکنون عدم این سرگرمی و مشغولیات که خسته کننده و یکنواختی را به دنبال دارد و بیکاری جدید و نشستن در کنار همسر و خانواده که موجب سرزنش و سرکوفت و طعنه آنان به دلیل دریافت یک حقوق مزایای راحت و بدون تلاش و فعالیت برای ایشان که موجب سرخوردگی شخصیتی و عذاب وجدان، به عنوان مرد خانواده مبنی بر اینکه کار و تلاش به عنوان جوهر مرد خانواده (ارزش های قدیم) می باشد عذاب آور و غیرقابل تحمل می باشد، و این خلأ روحی و روانی را می بایست توسط خانواده مخصوصاً همسر خانواده به عنوان تأمین کننده این نیازهای جدید روحی و روانی تأمین و برطرف شود که متأسفانه به دلیل ناآگاهی ها و یا بی توجهی های خانوادگی مخصوصاً همسران جامعه ایثارگران بعد از مدتی این موضوع به دلیل عدم ناتوانی و تأمین نیازهای جدید توسط همسران خانواده موجب مشاجره های لفظی و تنش و درگیری های خانوادگی که متعاقباً موجب جدایی و طلاق همسران جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق بگير بنیاد) که نهایتاً موجب انحرافات اخلاقی و جنسی جامعه ایثارگران می شود که این موضوع عواقب و مضرات بسیار زیادی از جمله عدم انسجام و یگانگی و ناپایداری جامعه ایثارگران را به دنبال خواهد داشت که با نمودار شماره ۱۱ به تشریح آن می پردازیم:

نمودار شماره ۱۱) چگونگی تأثیر اوقات فراغت (بیکاری جدید) بر نارضایتی جامعه ایثارگران



تأمین مصنوعی نیازهای روحی و روانی با توجه به بیکاری جدید

جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) برای پر نمودن اوقات فراغت و بیکاری جدید و سرگرم نمودن خود جهت تأمین نیازهای جدید روحی و روانی دست به اقدامات مصنوعی غیراخلاقی و کج‌روی و انحرافات اجتماعی می‌زند مثل روی آوردن به مصرف مواد مخدر و یا مشروبات الکلی که کم‌کم به دلیل اعتیاد به این مواد اعتیادآور که دست به اقدامات غیراخلاقی مثل سرقت و بزه‌کاری‌های اجتماعی جهت تأمین نیازهای جدید فوق‌الذکر می‌زند که این موضوع مضرات و عواقب فراوان از جمله عدم انسجام و یگانگی و پایداری جامعه ایثارگران خواهد شد.

ورود به گروه‌های معاند و مخالف و ضد نظام اسلامی

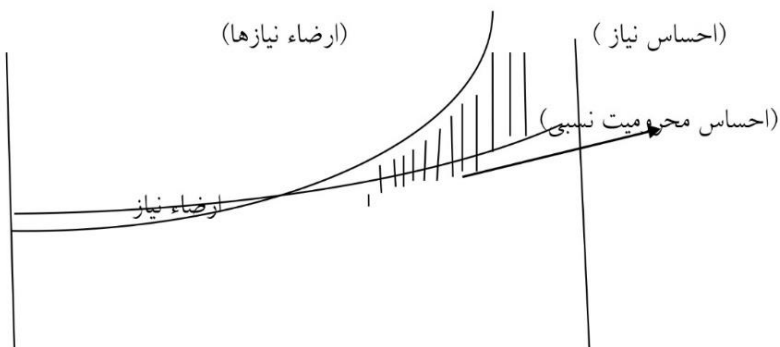
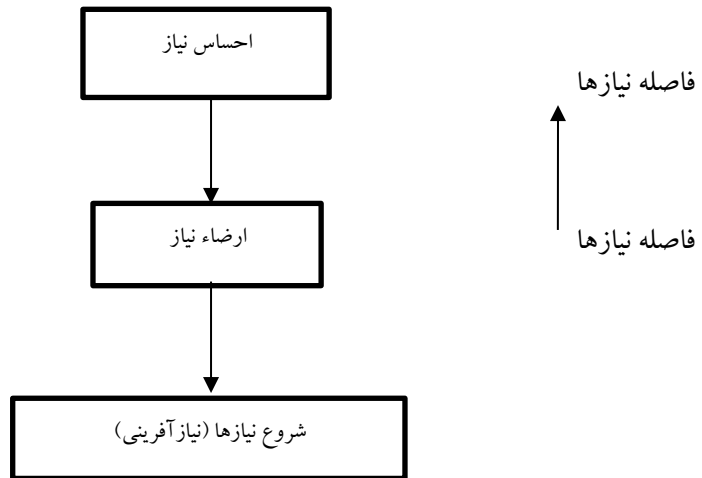
جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) به دلیل عدم پاسخ‌های لازم از نظام سیاسی به دلیل تغییر ارزش‌ها و شروع نیازهای جدید مادی و دنیایی به دلیل تضاد با این ارزش‌های جدید احتمال این را دارد که فریب و حقه و نیرنگ گروه‌های معاند و مخالف و ضد نظام اسلامی را بخورند و در دام این گروه‌های سیاسی ضد نظام گرفتار شود و به‌عنوان مخالف نظام در سنگر دشمنان نظام اسلامی بر علیه نظام جمهوری اسلامی شروع به فعالیت نماید و با آن گروه‌های مخالف و معاند و ضد نظام اسلامی دست همکاری و برادری دهد و بر علیه نظام اسلامی به مبارزه برخیزد.

احساس محرومیت نسبی جامعه ایثارگران

با توجه به توضیحات فوق جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) با مقایسه خود با مردم دیگر جامعه مثل قشر متوسط و یا قشر بالای جامعه احساس می‌کنند که از حق و حقوق خود به‌عنوان یک شهروند ایرانی محروم شده‌اند و به دلیل فاصله احساس نیاز و ارضاء نیازهای آنان در جامعه احساس محرومیت نسبی در جامعه می‌نمایند احساس نیاز جامعه را سرمایه‌داران با ابزارهای نیاز آفرینی مثل نمایش ماشین‌های گران‌قیمت و مدل‌بالا در نمایشگاه‌های ماشین و پوشاک و لباس‌های گران‌قیمت در ویترین مغازه‌های بالای شهر و نمایش طلا و جواهرات زنانه سرمایه‌داران بالای شهر و لوازم آرایشی و آرایش‌های بسیار پرهزینه زنان و پوشش لباس‌های بسیار گران‌قیمت بالاشهری و خانه‌های ویلایی بسیار گران‌قیمت در بالای شهر و لوازم منزل بسیار لوکس و گران‌قیمت مثل فرش‌ها و یا قالی‌های دست‌بافت گران‌قیمت و ظروف چینی و مبل‌مان بسیار گران‌قیمت و سفرهای خارجی

مثل سفر به کیش و جزیره قشم و یا دبی برای خانواده‌های سرمایه‌داران و پولدار و گردش در ساحل‌های شخصی لب دریا و غیره... در جامعه را به وجود می‌آورند و حال جهت برآورد و ارضاء این نیازها جامعه ایثارگران با درآمد اندک مثل حقوق ششصد و یا هفتصد هزار تومانی حقوق حالت اشتغال بنیاد شهید و امور ایثارگران چگونه می‌تواند این نیازها را تأمین و ارضاء نماید و نسبت به قشر متوسط و یا بالای جامعه احساس آرامش نماید بنابراین جامعه ایثارگران با دیدن این امکانات و تجملات و موقعیت‌ها برای قشر خاص مثل متوسط و یا بالای جامعه و مقایسه خود با آنان به دلیل فاصله احساس نیاز و ارضاء نیازهای خود در جامعه احساس محرومیت نسبی می‌نماید.

نمودار شماره ۱۳) احساس محرومیت نسبی جامعه ایثارگران



احساس ناکامی - (پرخاشگری) عدم انسجام و یگانگی و ناپایداری جامعه ایثارگران

احساس محرومیت نسبی که در جامعه ایثارگران به دلایل گفته شده به وجود آمده است این احساس محرومیت نسبی موجب احساس ناکامی و سرخوردگی در نتیجه نهایتاً موجب پرخاشگری می‌گردد این دسته از جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد وقتی که احساس می‌کنند حق و حقوقشان در جامعه تباه گردیده است و این افراد حق و حقوقی را که نظام می‌بایست در مقابل اعضای جسم و بدن از دست رفته‌شان به عنوان حق و حقوق قانونی ارائه نماید نتوانسته است به نحوی که شایسته‌شان و منزلت آنان باشد ادا نماید لذا به همین دلیل احساس ناکامی می‌نمایند.

"آیا پرخاشگری پاسخی به ناکامی است؟ به باور جان دالرد و همکارانش، پرخاشگری همیشه پیامد ناکامی است و ناکامی همیشه منجر به پرخاشگری می‌شود هیچ‌یک نمی‌توانند بدون دیگری صورت گیرند، هر چیزی که مانع رسیدن به هدف شود ناکامی را سبب می‌گردد، در نظریه ناکامی - پرخاشگری به جای تأکید روی گرایش انواع آدم‌ها به پرخاشگری به انواع وضعیت‌ها یا تجربه‌هایی که ممکن است پرخاشگری را در هر فرد رشد دهد تأکید می‌شود، خاستگاه ناکامی ممکن است در ساختار شخصیت فرد و یا در محیط خارجی وی باشد، شدت ناکامی متغیر است تمایل درونی به پرخاشگری نیز متغیر است.

روانکاوان نیز نظریه ناکامی - پرخاشگری را می‌پذیرند و ناکامی را به عنوان یک عامل مهم در پیدایی پرخاشگری می‌دانند کوویتروز (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که ناکامی حتی زمانی که غیرمنتظره و شدید باشد منجر به پرخاشگری نمی‌شود احساسی که به شما دست می‌دهد در بروز پرخاشگری مهم است.

مخالفان فرضیه ناکامی - پرخاشگری معتقدند که افراد ناکام همیشه با کلمات یا رفتار پرخاشگرانه واکنش نشان نمی‌دهند بلکه چنین افرادی طیف وسیعی از واکنش‌ها را نسبت به ناکامی از خود بروز می‌دهند مانند کناره‌گیری، ناامیدی و از طرف دیگر تلاش غلبه بر این ناامیدی و از بین بردن ناکامی، همچنین همه پرخاشگری‌ها به خاطر ناکامی نیست: بلکه دلایل متعددی دارد مثلاً: بوکسورهای حرفه‌ای ضربه‌های محکمی به سر طرف مقابل می‌زنند که با آسیب‌های جدی همراه است به علت اینکه قانون بوکس اجازه می‌دهد و دیگر این که فرد اشتیاق برای برنده شدن و دریافت

جایزه است نه به دلیل ناکامی، یا در زمان جنگ سربازان علیه دشمن یورش می‌برند چون دستور مافوق را اجرا می‌کنند.

البته اغلب در پاسخ‌های معطوف به هدف مداخله به عمل می‌آید بی‌آنکه هیچ‌گونه پرخاشگری روی دهد. همچنین، در واکنش به ناکامی‌های نسبتاً جزئی اغلب پرخاشگری زیادی رخ می‌دهد. در نتیجه این نقاط ضعف تا یک صورت‌بندی تازه پیشنهاد کند، که اینک به بررسی آن می‌پردازیم. بنا به نظر کوویتروز فرضیه اصلی ناکامی - پرخاشگری به سه پیش‌بینی منجر می‌شود. نخستین پیش‌بینی این است که هرچه ناکامی شدیدتر باشد، پرخاشگری بیشتر است. ثانیاً، هرچه انگیزه رفتار ناکام شده قوی‌تر باشد، ناکامی بیشتر است و فشار برای پرخاشگری نیز بیشتر خواهد بود ثانیاً، هرچه تعداد ناکامی‌ها بیشتر باشد، پاسخ پرخاشگرانه شدیدتر خواهد بود.

پاستور اثبات کرد که همواره ناکامی نیست که افراد را پرخاشگر می‌کند بلکه تصور نابه‌جا و نادرست که آن‌ها تصور می‌کنند مثلاً راننده اتوبوس در ایستگاه از کنار مسافر گذشت و آنان را سوار نکرد مسافران منتظر اتوبوس فقط ناکام نشده بودند؛ بلکه حشاشان هم از بین رفته بود و این مسئله نشان می‌دهد که دلیل راننده برای عبور از کنار مسافران این نتیجه را پدید آورده و بر آنان تأثیر گذارده و موجب عصبانیت آن‌ها شده است یعنی تصور به‌حق تبدیل شده است (ستوده، ۲۴۱، ۲۴۰: ۱۳۹۷)

ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) حق و حقوقی را که جامعه به دلیل محرومیت‌ها و نابرابری اجتماعی که از آن‌ها سلب نموده است را از دولت و بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان متولی امورات آن‌ها درخواست می‌کنند آن‌ها احساس می‌کنند که از جامعه و امکانات و موقعیت‌های اجتماعی بسیار عقب مانده‌اند و بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان نماینده دولت، برای آنان که به‌عنوان قشر ضعیف و ناقص‌العضو از لحاظ جسمی و روحی می‌باشند می‌بایست جبران نماید و به بنیاد مراجعه می‌نمایند و از بنیاد درخواست می‌نمایند و به دلیل کمبود منابع و امکانات در بنیاد با عدم پاسخگویی مواجه و در نتیجه موجب ناکامی و سرخوردگی از حق و حقوق قانونی و نهایتاً موجب پرخاشگری این دسته از جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد می‌شود.

انسجام و یگانگی و ناپایداری جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) و متعاقباً ازهم‌پاشیدگی و تلف شدن و به هرز رفتن جامعه ایثارگران خواهد شد و ممکن است کم‌کم جامعه ایثارگران به دلیل سیاست‌ها و تصمیم‌گیری غلط مسئولین نظام اسلامی به بیراهه و از کل جامعه محو و از بین خواهد رفت

احساس عدم انسجام و یگانگی و ناپایداری جامعه ایثارگران

با توجه به توضیحات فوق مشخص شده است احساس محرومیت نسبی که در جامعه ایثارگران به دلایل گفته‌شده به وجود آمده است این احساس محرومیت نسبی موجب عدم انسجام و یگانگی و ناپایداری جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) و متعاقباً ازهم‌پاشیدگی و تلف شدن و به هرز رفتن جامعه ایثارگران خواهد شد و ممکن است کم‌کم جامعه ایثارگران به دلیل سیاست‌ها و تصمیم‌گیری غلط مسئولین نظام اسلامی به بیراهه و از کل جامعه محو و از بین برود.

نارضایتی اجتماعی جامعه ایثارگران و تهدید جدی برای وحدت ملی

با همه تفاسیر و توضیحات بالا می‌بینیم که این عوامل یکی پس از دیگری به صورت زنجیروار به هم وصل می‌باشند و این عوامل یکی پس از دیگری موجب تأثیراتی منفی در یکدیگر می‌شوند که نهایتاً این عوامل موجب نارضایتی اجتماعی جامعه ایثارگران را فراهم می‌کنند و این نارضایتی اجتماعی موجب تهدید جدی وحدت ملی نظام اسلامی خواهد شد پس بنابراین نتیجه می‌گیریم که این عوامل فوق با تأثیرات منفی که یکی پس از دیگری بر هم می‌گذارند موجب نارضایتی اجتماعی جامعه ایثارگران خواهد شد و این نارضایتی موجب تهدید جدی وحدت ملی خواهد شد.

۳- نابرابری در درون جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد)

با توجه به اینکه یک نظام اجتماعی نابرابر در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) در درون جامعه ایثارگران (از نظر تعریف و تصویب قوانین حقوقی و امتیازات اجتماعی ایثارگری و سازمان‌دهی و سیستم اداری و بوروکراسی) وجود دارد که این موضوع تغییر ارزش‌ها را شدیدتر و تولید احساس نیاز و ارزش‌های جدیدتر و نهایتاً موجب تضاد و نارضایتی می‌شود که باید ببینیم علت این نابرابری در درون گروه جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) چه می‌باشد؟ و شروع آن از کجاست؟ همان‌گونه که میدانید یک نظام اجتماعی نابرابر موجب تولید نابرابری شدیدتر در

درون جامعه ایثارگران می‌نماید که این چند عامل موجب نابرابری شدید در درون نظام اجتماعی جامعه ایثارگران می‌شود که به تفضیل و تک‌تک به علل و عوامل مختلف این نابرابری به شرح ذیل می‌پردازیم و در چند سطح این علل و عوامل را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

الف) از لحاظ نوع عضویت در جامعه ایثارگران (از بابت ایثارگری مثل خانواده شهدا درجه یک و یا دو جانبازی، جانباز بسیجی، جانباز غیر بسیجی)

با توجه به اینکه ایثارگران از لحاظ نوع عضویتی که در جامعه ایثارگران (خانواده شهید بودن همسر و فرزندان شهید و یا والدین شهید و یا جانباز بسیجی و یا غیربسیجی بودن) دارند حقوق و مزایا دریافت می‌نمایند به‌عنوان مثال حقوق و مزایای همسران و فرزندان شهدا بیشتر از جانبازان از کارافتاده کلی (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) و همچنین حقوق والدین شهدا کمتر از حقوق همسران و فرزندان شهید می‌باشد و همچنین جانبازان بسیجی بیشتر از جانبازان غیربسیجی حقوق و مزایا دریافت می‌دارند این فرق‌گذاری در پرداخت حقوق و مزایا به جامعه ایثارگران از لحاظ نوع عضویت در گروه جامعه ایثارگران به دلیل خلأ قوانین و مصوبات قانونی همیشه مورد اعتراض جامعه ایثارگران می‌شود که به تبع موجب نابرابری شدید و احساس نارضایتی در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) می‌شود.

ب) تفاوت در پرداخت‌های دیگر مثل پرستاری و کمک معیشت و معاش

با توجه به اینکه بنیاد شهید و امور ایثارگران به تعدادی از گروه جامعه ایثارگران پرداخت‌های دیگری به غیر از حقوق و مزایای حالت اشتغال مثل حق پرستاری و کمک معیشت و معاش بر اساس ضوابط و قوانین مربوطه و دارا بودن شرایط لازم پرداخت می‌نماید و چون همه اعضاء این گروه (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) دارای شرایط یکسان از لحاظ ضایعات جانبازی و ناتوانی‌های جسمی نمی‌باشند و نمی‌توان به همه پرداخت‌های یکسانی از بابت پرداخت‌های فوق‌الذکر ارائه نمود و به همین دلیل این موضوع موجب نابرابری شدید در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) و اعتراض و احساس نارضایتی آنان می‌شود.

۳- ناصحیح بودن پاداش دهی و ارزش گذاری بر اساس شاخص درصد جانبازی به جامعه ایثارگران

همان گونه که می دانیم بسیاری از خدمات و تسهیلات و امتیازات ایثارگری بر اساس درصد جانبازی و ضایعات جانبازی تعیین شده است یعنی معیار ارزش گذاری و پاداش دهی در جامعه ایثارگران بر اساس درصد و ضایعات جانبازی که کمیسیون پزشکی بنیاد شهید و امور ایثارگران تعیین نموده است پایه ریزی و بنا نهاده شده است که معیار غلط و ناصحیح می باشد به عنوان مثال بر اساس قوانین و ضوابط موجود بنیاد شهید و امور ایثارگران وام و تسهیلات مسکن را فقط به جانبازان بالای (۲۵٪) پرداخت می نماید و به جانبازان زیر (۲۵٪) هیچ گونه تسهیلاتی را در این خصوص اعطاء نمی نماید و یا با توجه به قوانین و ضوابط موجود تسهیلات واگذاری خودرو فقط جهت جانبازان بالای (۵۰٪) می باشد و جانبازان زیر (۵۰٪) از این امتیازات ایثارگری محروم می باشند لذا این معیار ناصحیح و غلط پاداش دهی و ارزش گذاری بر اساس درصد و ضایعات جانبازی موجب نابرابری شدید در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق بگير بنیاد) و اعتراض و احساس نارضایتی آنان می شود.

۴- پرداخت های موازی به دلیل عدم شفافیت قوانین و مقررات

به دلیل عدم شفافیت قانونی و یا سکوت قوانین و مصوبات قانونی و همچنین قوانین و مقررات مشابه و موازی از بابت یک موضوع در دستگاه های اجرایی و همچنین عملکرد مدیریتی ناصحیح که موجب پرداخت ها و مزایای موازی و مضاعف از بابت یک موضوع قانونی می شود، مثل دریافت حقوق و یا مستمری از کارافتادگی کلی سربازان جانباز و وظیفه، که به عنوان سرباز از کارافتاده کلی ارتش که هم از ارتش حقوق و یا مستمری از بابت از کارافتادگی کلی خود دریافت می دارند و مجدداً به عنوان جانباز وظیفه از بابت کارافتادگی کلی خود از بنیاد شهید و امور ایثارگران تقاضای حقوق و مزایای از کارافتادگی کلی حالت اشتغال می نمایند که موجب دریافت دو حقوق و مزایای یکسان و موازی از بابت یک موضوع قانونی می شود که این موضوع موجب نابرابری شدید و اعتراض و احساس نارضایتی در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق بگير بنیاد) می شود.

محدودیت منابع در پاسخ‌گویی به رفع نیازها و عدم پاسخگویی نظام به مطالبات جدید جامعه ایثارگران

شروع نیازهای جدید مادی و روحی و روانی در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) می‌بایست در جهت سیاست‌گذاری نظام سیاسی در جهت تدوین برنامه‌ها و سیاست‌گذاری جدیدی جهت پاسخ‌گویی به این نیازهای جدید باشد از آنجایی که در جامعه ایران یک توسعه ناموزون و یک‌طرفه (صرفاً اقتصادی یا اجتماعی یا سیاسی یا فرهنگی) شروع شده است بدون بسترسازی اقتصادی و فرهنگی و هماهنگی لازم در این خصوص ما می‌بینیم که یک چالش و ناهماهنگی در داخل سازمان‌ها و سیستم‌های دولتی با مراجع قانون‌گذاری و یا مجلس شورای اسلامی اتفاق می‌افتد.

"کلاً نظام کشور چهار نظام سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را در برمی‌گیرد کارکرد اصلی نظام اقتصادی، تنظیم رابطه انسان با طبیعت و تأمین‌کننده نیازهای مادی انسان است کارکرد اصلی نظام اجتماعی، تنظیم رابطه انسان‌های با یکدیگر و تأمین‌کننده‌های نیازهای اجتماعی آن‌هاست کارکرد اصلی نظام فرهنگی، تنظیم رابطه انسان با خود و خدا و تأمین‌کننده نیازهای متعالی، خودیابی، خودشکوفایی و کرامت و عزت است، کارکرد اصلی نظام سیاسی، تنظیم رابطه مراکز اصلی قدرت در کشور با یکدیگر و به‌خصوص تنظیم رابطه یک جامعه و دولت و حاکمیت با دیگر جوامع و دولت‌ها و حاکمیت‌هاست.

نظام سیاسی را با دو مفهوم عام و خاص به کار می‌گیرند نظام سیاسی با مفهوم عام آن همان کلان نظام کشور است، بنابراین کلان نظام کشور را می‌توان نظام کلان سیاسی کشور نام برد.

نظام کلان سیاسی کشور را می‌توان به‌عنوان یک سازمان منظور کرد و با رویکرد مهندسی سازمان ابهامات موجود در نظام سیاسی جمهوری اسلامی را بازشناسی نمود با مهندسی فرهنگی نظام کلان سیاسی کشور می‌توان ابهامات را باز مهندسی مجدد و اجزاء و تنظیم روابط آن‌ها با یکدیگر برطرف نمود" (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

دیدگاه‌های مختلف در مهندسی و نوسازی کشور

"بعد از انقلاب اسلامی در مورد نحوه مهندسی کشور و نوسازی آن الگوی توسعه‌ای کشور دو دیدگاه و نگرش وجود داشت.

۱- نگرش اول متأثر از مکتب مدرنیزاسیون و نئومدرنیزاسیون بود در این نگرش توسعه غربی اصل بود و هواداران آن با دیدی ابزاری به مذهب می‌نگریستند اصولاً قرائت‌هایی از مذهب برای این گروه اهمیت داشت که می‌توانست در خدمت توسعه غربی باشد.

نئومدرنیست‌ها بعد از انقلاب اسلامی، در مقطعی ظهور و به‌روز داشتند ولی مدرنیست‌ها به‌موجب مخالفت آنان با مذهب، زمینه‌ای رشد مجدد را نداشتند نئومدرنیست‌ها ضمن پذیرش آرمان‌ها و اهداف مدرنیست‌های کلاسیک، بر این نکته تأکید داشته که ارزش‌های سنتی از جمله ارزش‌های مذهبی نه‌تنها مانع توسعه نیستند بلکه می‌توانند حامی روند مدرنیزاسیون در کشور نیز باشند لذا تلاش می‌کردند قرائت‌های خاصی از مذهب معرفی نمایند تا در خدمت توسعه قرار گیرد، اما در عین حال تأکید داشتند اهدافی که توسعه در غرب به آن رسیده است با هدف اصلی توسعه در کشور ما نیز باشد.

این نگرش به دلیل ضعف مبانی نظری و فقدان تجربی موفق در ایران در قبل از انقلاب اسلامی از حمایت لازم برخوردار نشد.

۲- نگرش دوم بومی و مذهبی به توسعه بود، هواداران این نگرش که عمدتاً نیروهای انقلابی و مذهبی بودند با اصل قرار دادن اهداف و آرمان‌های ملی - اسلامی اهداف توسعه باید بر اساس ویژگی‌های خاص از جمله فرهنگ و ارزش‌های اسلامی تعریف شود.

هواداران این نگرش درباره نقش و جایگاه دین در تعیین اهداف یا راه‌کارهای توسعه به سه گرایش تقسیم شده و می‌شوند ریشه این دیدگاه‌های سه‌گانه به جامعیت شریعت و میزان پاسخ‌گویی و انتظار از دین برمی‌گردد.

شیعه اصولاً معتقد به جامعیت شریعت و کامل بودن دین است و اسلام را مبتنی بر فطرت دانسته و پاسخ‌گوی همه نیازهای انسان می‌داند.

مجموعه مباحث تفسیری فقهی و کلامی مربوط به انتظار از دین سه نظریه‌ای مختلف را در بین هواداران نگرش بومی - اسلامی به توسعه به وجود آورده است.

حداقل گرایان مذهبی:

این گروه معتقدند شریعت، اهداف و جهت گیری کلان زندگی این جهان از جمله توسعه را ترسیم کرده اما در خصوص راه کارهای رسیدن به آن‌ها سخن نگفته است و آن را تجربه و عقل آدمی وانهاده است.

انتظار از دین نیز همین است و کمال دین در وارد نشدن به جزئیات است.

حداکثر گرایان مذهبی:

این گروه معتقدند که مذهب - نه تنها در تعیین اهداف و ارزش‌ها بلکه در تعیین راه کارها و نحوه رسیدن به هدف نیز جایگاه دارد، بنابراین هر راه کاری نیز باید از درون آیات و روایات و منابع استنباط احکام بیرون آید گرایش این گروه به گرایش پست مدرن‌ها در مورد توسعه شباهت زیادی دارد زیرا معتقدند که جامعه دینی دارای اهداف و راه کارهای منحصر به فرد بوده و دارای الگوی توسعه‌ای مخصوص به خود است و تمدن اسلامی خدامحور هیچ گونه وجه مشترکی با تمدن غالب در جهان که مبتنی بر اصالت انسان (اومانیزم) است ندارد.

اعتدال گرایان:

این دیدگاه مورد تأکید بیش تر فقهای اصولی شیعه و به خصوص امام خمینی (ره) می باشد و قانون اساسی بیانگر این دیدگاه است.

ویژگی‌های این دیدگاه عبارتست از: اسلام یک دین منفعل در خصوص نحوه زندگی دنیوی نیست و در تعیین اهداف توسعه، جهت گیری‌های اساسی آن و درعین حال در خصوص راه کارهای توسعه اصول راهنما ارائه می کند (اردکانی، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹: ۱۳۹۴).

آسیب‌شناسی عدم انجام کامل مهندسی فرهنگی نظام کلان مدیریت کشور

"عدم تعیین الگوی نظام سیاسی و تبیین آن و ایجاد درک مشترک و مفاهمه‌ای لازم موجب می‌شود که جایگاه‌های قانونی به وظایف خود و وایف دیگران به طور دقیق و کامل آشنا نبوده و تداخل کارها و ناکارآمدی نظام حاصل شود.

هنگامی که ساختار مدیریتی نظام سیاسی به شفافیت لازم نرسیده باشد و وفاق حداقلی در سطح نخبگان به وجود نیاید، نمی‌توان انتظار داشت که نظام به کارآمدی بالا و اهداف خود برسد.

زمانی یک سیستم یا نظام مهندسی شده است که نقش و وظیفه هر یک از اعضاء و اجزاء سیستم به‌خوبی تعریف و تعیین شده باشد و رابطه آن با دیگر اعضاء و اجزای سیستم به‌خوبی مشخص باشد، هدف هر یک از اعضا نیز معین و این اهداف کلی سیستم همسو باشد.

بنابراین نظام کلان سیاسی کشور نیز آن زمان دارای انسجام و هم‌جهتی است و بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، مهندسی شده باشد که ارکان اصلی این نظام دارای نقش و وظیفه و روشن بوده و در نقش‌ها تداخل و ابهام وجود نداشته باشد در ثانی روابط این ارکان نیز به‌خوبی تعریف و تبیین شده باشد

بدیهی است تحقق چنین وضعیت مطلوبی، یک‌باره نیست بلکه مهندسی کشور به معنای تحول، نوسازی و جهت‌دهی و انسجام‌بخشی در وضعیت موجود همواره به سمت وضعیت مطلوب است (اردکانی، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

جایگاه و نقش مجلس شورای اسلامی

ابهاماتی در جایگاه مجلس شورای اسلامی و دامنه نفوذ و حیطه کارکردی آن وجود دارد.

مقام رهبری جایگاهی است که سه قوه زیر نظر ایشان قرار دارد و وقتی مجلس زیر نظر رهبری است چگونه می‌تواند از نهادهای وابسته به ایشان تحقیق و تفحص انجام دهد.

از نظر ما مصوبه‌ای اخیر مجمع تشخیص مصلحت (در خصوص مستثنی کردن دستگاه‌های زیر نظر رهبری از تحقیق و تفحص) به نوعی نقض نظارت عمومی و حاکمیت مردم است.

بنابراین سؤالاتی پیش روی نظام جمهوری اسلامی است که در دهه چهارم انقلاب اسلامی برای تحقق اهداف چشم‌انداز و انسجام‌بخشی به مجموعه‌ای دستگاه‌های دولتی و غیردولتی اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و افزایش کارآمدی کل نظام باید به آن‌ها پاسخ داد، مهندسی فرهنگی و نظام کلان سیاسی موجب این انسجام‌بخشی و هم‌جهت‌سازی خواهد شد البته تحول و تغییر در ساختارهای موجود اجتناب‌ناپذیر خواهد شد، البته تحول و تغییر در ساختارهای موجود اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، استمرار انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی مستلزم نوسازی و بازسازی و ایجاد و پویایی در ساختارهای موجود است که مطلوبیت کارکرد و عملکرد خود را در این سه دهه به منصف ظهور رسانده و قابلیت ارزیابی دارند

در مهندسی فرهنگی کشور باید راه‌حل‌های مشخص و عملیاتی برای حل این ابهام و مسائل و مشکلات ارائه شود در سند برنامه‌ای راهبردی نظام اداری کشور صراحتاً آمده است.

در جمهوری اسلامی ایران، به دلیل عدم تبعیت از یک منطق و دیدگاه کلی (طرح هادی) ناهماهنگی زیادی در نظام اداری کشور حاصل شده است.

یک ارتباط تعریف‌شده علمی بین سه قوه وجود ندارد و فعالیت‌های سه قوه فاقد هم‌پوشانی لازم است.

ساختار تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی در مقابل تحولات و تلاطمات محیطی به شکل یک تقویت‌کننده روزمرگی و نه تعدیل‌کننده و تغییردهنده‌ای ساختار عمل می‌کند.

هنوز واقعاً معتقدم آن‌طور که باید و شاید همه اجزاء نظام شکل نگرفته (مهندسی نشده است) و یک مقدار این نابسامانی‌ها هست، حتی ما یک پیش‌نویس درباره نحوه ارتباط قوا با یکدیگر تهیه کردیم که به خاطر مشاغل زیاد و درگیری‌های فراوان هنوز پیگیری نشده است، اگر بتواند به صورت قانونی دربیاید می‌تواند به صورت یک اصل درآید که مورد توافق رهبری قرار بگیرد (اردکانی، ۱۲۹، ۱۲۸:۱۳۹۴).

با توجه به این موضوعات می‌توان دو نکته اساسی را در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی ارائه کرد:

الف) محدودیت مصوبات مجلس شورای اسلامی (صنفی و گروهی بودن مصوبات مجلس)

ب) غیرکارشناسی بودن مصوبات مجلس شورای اسلامی

الف) محدودیت مصوبات مجلس شورای اسلامی (صنفی و گروهی بودن مصوبات)

که بسیاری از مصوبات و قوانین ایثارگری صرفاً سیاسی و به جهت سیاسی بودن تأمین‌کننده منافع عده‌ای خاص از جامعه ایثارگری می‌باشد در واقع تصویب قوانین و مصوبات به صورت صنفی و گروهی از سوی مجلس شورای اسلامی می‌باشد و عده‌ای از افراد بانفوذ و یا ذی‌نفوذ با تکیه بر رانت‌ها و قدرت‌های سیاسی و اقتصادی و با لابی‌های درون مجلس موجب تصویب قوانین و مصوباتی می‌شوند که این قوانین از دل خواسته و مطالبات جامعه ایثارگری بیرون نمی‌آید و فقط تأمین‌کننده منافع قشری خاص از جامعه ایثارگری می‌باشد و این قانون همه‌گیر و فراگیر نمی‌باشد و دامنه مشمولیت بسیار محدود می‌باشد و اگر باشد عده کمی از ایثارگران را تحت پوشش قرار می‌دهد و این موضوع خودبه‌خود تبعیض و نهایتاً نارضایتی کل جامعه ایثارگران (جانبازان) می‌گردد

ب) غیرکارشناسی بودن مصوبات مجلس شورای اسلامی

بنابراین به دلیل توسعه ناموزون یک ناهماهنگی بین مجلس شورای اسلامی و دولت (چالش‌های سیاسی دولت و مجلس) یک سری قوانین مصوب می‌شوند که این قوانین بودن پشتوانه بودجه دولتی که واقع مجلس با مصوبات می‌خواهد دولت را مجبور به اجرای قوانینی نماید که بودجه آن در دولت بحث و بررسی کارشناسان اقتصادی نشده است در واقع مجلس نشین‌ها می‌گویند مجلس کارش قانون‌گذاری و تصویب قوانین و مقررات می‌باشد کاری به تأمین بودجه آن در دولت ندارد دولت وظیفه ذاتی‌اش تأمین بودجه و اجرای آن است اما یک نکته در نظام جمهوری اسلامی از اوایل انقلاب شروع شده است و هنوز هم به این موضوع پاسخ منطقی نداده این موضوع این است که این قانون یا مصوبه قانونی در رابطه با چه طیفی یا چه گروهی از جامعه می‌باشد آیا در رابطه با آدم‌های عادی جامعه می‌باشد و یا در رابطه با جامعه ایثارگران این نظام می‌باشد در واقع این مصوبه قانونی مشمول چه کسانی می‌شود و چه کسانی را می‌خواهیم ذینفع کنیم و با عدم اجرای مصوبه

قانونی از سوی دولت به دلیل کمبود بودجه و اعتبارات چه کسانی را می‌خواهیم در مقابل این نظام قرار دهیم و از جیب چه کسانی برای دعوای سیاسی و صنفی و گروهی و حزبی خودمان خرج کنیم و از این طیف ابزاری برای رسیدن هدف مورد نظر سیاسی و ضربه زدن به حریف سیاسی خود استفاده کنیم و ایشان را ناکارآمد و یا ضعیف جلوه دهیم در واقع اگر قرار است دولت را در مقابل کار انجام‌شده قرار دهیم چه کسانی این وسط می‌خواهیم قربانی کنیم و از این گوشت قربانی چه کسانی را مقابل نظام قرار دهیم آیا قرار است ایثارگران هشت سال دفاع مقدس که خودشان صاحبان این نظام هستند در مقابل نظام قرار دهیم ایثارگران ضعف بنیاد شهید و امور ایثارگران را ضعف دولت و ضعف دولت را به چشم کل نظام می‌بینند آیا قرار است از صاحبان نظام وسیله‌ای برای سرکوب و نابودی نظام جمهوری اسلامی درست کنیم اگر یک مصوبه یا قانون بدون پشتوانه کارشناسی از سوی دولت در مجلس تصویب شود و در واقع دولت توان تأمین آن را نداشته باشد یا حتی به‌سختی بعد (از چندین سال به‌صورت خورد، خورد) توان تأمین داشته باشد یعنی قانون و یا مصوبه به‌صورت سالانه (فرسودگی قوانین و مصوبات مجلس) اجرایی شوند و یک توقع و یا درخواست غیرواقعی (توقعات کاذب) را در جامعه ایثارگران درست کرده‌ایم و افراد ذینفع و مشمول این قانون را در مقابل نظام قرار داده‌ایم آیا می‌دانیم هزینه‌ای که در جهت نارضایتی این افراد با نظام درست کرده‌ایم چند برابر آن خدماتی که قرار بود از طریق آن مصوبه یا قانون به جانبازان و یا ایثارگران پرداخت نماییم شده است آیا قرار است با تصویب یک مصوبه دلیل سیاسی کاری‌های دولت‌مردان (مجلس و دولت) هزینه‌های نارضایتی اجتماعی را جامعه ایثارگران خیلی بالا ببریم و آن‌ها را در مقابل نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار دهیم که به دست همین عزیزان و با خون ریخته شده این دسته از جانبازان و ایثارگران شکل گرفته است از بین ببریم برای تبیین این موضوع فقط یک مورد از مصوبات بدون پشتوانه کارشناسی را به‌عنوان شاخص که در جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) شایع شده مثال می‌زنم که ببینیم این موضوع چقدر مهم می‌باشد:

این حقیر به‌عنوان محقق، روزی در دفتر کارم مشغول کار اداری بوده‌ام که یکی از جانبازان با سروصدا وارد اتاق کارم شدم گفته‌اند که می‌خواهم مسئول حقوق و بازنشستگی را در رابطه جانبازان ببینم گفتم خودم هستم فرمودن آقا این پول بازنشستگی جانبازان حقوق‌بگیر حالت اشتغال را کی می‌خواهید بدهید فعلاً بودجه نداریم گفته به من چه که بنیاد شهید و امور ایثارگران پول و

بودجه ندارد این حق من است یا نه؟ گفتم بله: پس چرا نمی‌دهید؟ گفتم دولت می‌بایست بودجه بازنشستگی جانبازان حقوق‌بگیر را تأمین کند تا ما آن را پرداخت نمایم، گفت آمد این بودجه دولت تا بیست سال دیگر تأمین نشده است ماها بایست چه کار کنیم مگر ماده (۴۱) قانون جامع این حق را به ما نداده است گفتم بله ولی این قانون پشتوانه دولتی ندارد گفت یعنی چه این حرف شما؟ گفتم قانون جامع بعد از چند سال بین کش و قوس (اختلاف) دولت و مجلس نهایتاً از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و به دولت تحمیل شده است و به همین دلیل دولت بودجه آن را فعلاً به این زودی نمی‌تواند تأمین کند که به هر نفری حدوداً صد تا صدوپنجاه میلیون پاداش بازنشستگی پرداخت نماید این قانون بودجه سنگین می‌خواهد و بنیاد شهید و امور ایثارگران مبلغ آن را پیشنهاد داده به دولت که آن را به صورت سالانه و خورد، خورد تأمین نماید و انشاءالله پس تأمین می‌توان آن را خدمت شما تقدیم نمایم دیدم ایشان بسیار ناراحت و پریشان‌خاطر به من گفتند آقا این پرداخت شما به درد خود شما یعنی بنیاد شهید و همان دولت می‌خورده شما این چه حرفیه دارید می‌زنید دلار الان از سه میلیون و پانصد هزار تومان رسید به چهارده میلیون تومان و یک خانه یا مسکن ۵ برابر پارسال شده است و من می‌خواستم با این پاداش شما یک مسکن برای پسرم تهیه کنم و به یک زخمی بزنم که پرداخت خوردخورد و سالانه شما مشکلی از من را حل نکرده است چون که همان خانه‌ای که پارسال بود متری سه میلیون تومان الان شد متری ۱۲ میلیون تومان من این پاداش را آگه بدهید هم نمی‌خواهم و از اطاق من با عصبانیت رفت با خودم فکر کردم این اختلاف و دعوای دولت و مجلس (توسعه ناموزون توسعه ظاهری در جامعه ایران) عجب بدبختی برای مردم و ایثارگران و (جانبازان حقوق‌بگیر) درست کرده است بالاخره فهمیدم اگر این پاداش را دولت به صورت خورد، خورد و سالانه هم در اختیار جانبازان حقوق‌بگیر قرار دهد کارایی و رضایتمندی را در جامعه ایثارگران حاصل نمی‌کند بلکه نارضایتی هم ایجاد می‌کند و هزینه نارضایتی آن حتی در صورت پرداخت بودجه به صورت خورد، خورد بسیار بیش‌تر از عدم پرداخت و تصویب مصوبه پاداش بازنشستگی جانبازان خواهد بود بنابراین پس نتیجه می‌گیریم یک قانون غیرکارشناسی و بدون پشتوانه دولتی (به دلیل اختلافات سیاسی دولت و مجلس) چقدر ضرر و زیان برای جامعه ایثارگری و نهایتاً موجب نارضایتی جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) خواهد شد

و یا در خصوص بیمه تکمیلی و درمان کلیه جانبازان اعم از شاغل و غیرشاغل هم موضوع به همین صورت بوده است که اول مجلس بدون بررسی کارشناسی (صرفاً بنیاد به دلیل متولی ایثارگران و جانبازان بودن و منافع و مطامع سیاسی گروه‌ها و احزاب و غیرمسئول بودن بعضی از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی) پرداخت حق بیمه تکمیلی و درمان کلیه جانبازان را بر عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران نهاده است که به دلیل عدم تأمین اعتبار بودجه لازم از سوی دولت پرداخت حق بیمه شاغلین چندین سال با چالش‌ها و مشکلات اجرایی مواجه شده است و این موضوع موجب درگیری و تنش‌های فراوان خانواده جانبازان و افراد ذینفع با کارکنان بنیاد شهید و امور ایثارگران که موجب تجمعات و تحصن‌های گروهی و اجتماعی روبروی بنیاد شهید و امور ایثارگران و مجلس شورای که نهایتاً به دلیل نارضایتی خانواده‌ها و افراد ذینفع مصوبه قانونی در مجلس شورای اسلامی با پیشنهاد بنیاد شهید و امور ایثارگران اصلاح گردیده است و قرار شد که حق بیمه درمان تکمیلی جانبازان شاغل توسط دستگاه‌ها و مؤسسات و سازمان‌ها پرداخت گردد که این مصوبه موجب آرامش نسبی در جامعه ایثارگران و یا جانبازان گردیده است و موضوعات این‌چنینی که پشتوانه بودجه دولتی را در بنیاد شهید و امور ایثارگران ندارند بسیاری باشد

بنابراین اگر قوانینی در مجلس و یا دولت مصوب و یا وضع شوند بدون پشتوانه بودجه اعتبارات دولتی و این قانون موجب ایجاد درخواست‌ها و توقعات غیرواقعی (کاذب) را جامعه ایثارگران می‌نمایند که نهایتاً با در مقابل قرار دادن جامعه ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) در مقابل بنیاد شهید و امور ایثارگران (دولت) و نهایتاً در مقابل کل نظام قرار می‌دهند که این موضوع موجب نارضایتی اجتماعی جامعه ایثارگران خواهد شد

هماهنگی سیستمی سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران (مدیریت سیستم‌سازی)

"و در یک سازمان مهم‌ترین رکن عامل انسان است اگر عامل انسانی در سازمان نبود می‌توانستیم ساختاری دقیق تعریف کرده و با نظم کامل بسازیم ولی حضور انسان این اجازه را نمی‌دهد بنابراین صحبت کردن از سازمان با نظم آهنین که در آن همه‌چیز و همه‌کس دقیقاً تعریف شده باشد یک تصور و یک تمایل است نه یک واقعیت.

واقعیت این است که انسان موجودی فازی (غیردقیق، با انعطاف و متغیر) و حضور انسان در سازمان را یک موجود فازی می‌کند.

اگرچه فازی بودن خاصیت مهم و ذاتی هر سازمان است، اندازه و درجه فازی بودن آن، موضوع طراحی، مهندسی و مدیریت سازمان‌هاست.

توآمان بودن نقش انسان در سازمان و اثر سازمان بر انسان مهم‌ترین خصوصیت یک سازمان به شمار می‌رود و این نکته در پرتوی از دانش و تجربه عملکرد سازمان مختلف به دست آمده است، در گذشته وقتی مشکلی به وجود می‌آمد این مشکل به عهده انسان‌ها گذاشته می‌شد و مشکلات سازوکارهای مدیریتی و ساختار سازمانی پوشیده می‌ماند.

خصوصیات یک سازمان (سیستم) عبارت‌اند از:

- ۱- عناصر سازنده یک سازمان انسجام دارند.
- ۲- این انسجام یا پیوستگی هدف‌دار است.
- ۳- یک سازمان با یک ماشین به خاطر حضور انسان متفاوت است.
- ۴- رفتارهای یک سازمان ناشی از ساختار آن است و در مقابل ساختار سازمان متأثر از رفتار انسان‌های سازنده آن است.
- ۵- تغییر و تحول ذات هر سازمان است سازمان خشک وجود خارجی ندارد.
- ۶- افراد و واحدها بر اساس قاعده تقسیم کار عهده‌دار وظایف و اختیاراتی در راستای اهداف سازمان می‌گردند.
- ۷- تقسیم کار معمولاً به دو صورت ارتباط طولی و ارتباط عرضی انجام می‌شود.
- ۸- در ارتباط طولی رابطه فرماندهی و فرمان‌پذیری وجود دارد درحالی‌که در رابطه عرضی رابطه استقلال وجود دارد.

۹- نوع دیگری از ارتباط وجود دارد که نه طولی و نه عرضی است بلکه به صورت مشورتی یا خدماتی است.

۱۰- تقسیم کار در سازمان موجب تخصص گرایی و افزایش کارآمدی می شود.

۱۱- در هر سازمان سلسله مراتب وجود دارد یعنی حداقل در هر سازمان دو سطح یا دو مرتبه سازمانی وجود دارد.

۱۲- در هر سازمان هرچه مرتبه بالاتر باشد اقتدار و قدرت اعمال نظر هم فزون تر خواهد شد.

۱۳- در مورد واحدهای هم عرض، هم ترازوی وجود ندارد و آن واحد که تراز بالاتر دارد اقتدار بیش تری خواهد داشت.

۱۴- اگر تقسیم کار بین افراد یا وحدت هم عرض به صورت کامل انجام شود انفکاک کامل ارکان تفکیک سازمانی را به صورت مجازی امکان پذیر می سازد، اما اگر اشتراک فعلیتی وجود داشته باشد آن گاه باید بین واحدها هم عرض موجود باشد زمانی که واحدهای هم عرض را نتوان با تقسیم کار کامل از یکدیگر جدا کرد آن گاه همکاری یک الزام سازمانی است همکاری عبارت از فرایندی است که در آن افراد، واحدها یا سازمان اهداف خاص خوشان را با حفظ استقلال خود تعقیب می نمایند.

۱۵- اداره سازمان های بزرگ مستلزم وجود ضوابط، مقررات، قاعده و قانون است.

۱۶- انجام بعضی وظایف و مسئولیت ها به ضوابط و مقررات بیش نسبت به وظایف و مسئولیت دیگر نیازمند است.

۱۷- در مهندسی سازمان هرچه از بالا به پایین روی هرم مدیریت سیر شود درجه صورت بندی انجام کار، ضوابط و مقررات افزایش می یابد.

۱۸- بین صورت بندی و پیچیدگی انجام وظایف در سازمان رابطه وجود دارد هرچه پیچیدگی تصمیم گیری ها بیش تر باشد درجه صورت بندی کم تر است.

- ۱۹- سازمانی دارای تمرکز زیادی است تا تعداد کسانی که در اتخاذ تصمیم‌ها دخالت دارند کم باشند.
- ۲۰- تفاوت‌های فرهنگی اثر قابل توجهی بر نوع سازمان و به‌خصوص میزان تمرکز دارد.
- ۲۱- فرد با فرد، فرد با سازمان، واحد با واحد با واحد با سازمان با فرد، سازمان با واحد و سازمان انواع نه‌گانه‌ای اختلاف سازمانی را تشکیل می‌دهند مبانی اختلاف در هر سازمان به صورت ذاتی وجود دارد.
- ۲۲- می‌توان اختلافات را مدیریت کرد ولی نمی‌توان انتظار داشت که اختلاف نباشد گاهی اختلاف مبتنی بر یک سری محاسبات عقلانی است، گاهی احساسی و گاه ترکیبی از هر دو.
- ۲۳- اختلافات می‌تواند در هر مقطعی از سلسله‌مراتب رخ دهد هر اندازه مدیریت همراه با اقتدار باشد مانع تشدید اختلافات می‌شود.
- ۲۴- سلسله‌مراتب رسمی نشان‌دهنده توزیع قدرت واقعی نیست، گروه‌های غیررسمی با هماهنگی‌هایی که در میان خود به وجود می‌آورند و معمولاً خارج از چارچوب رسمی سازمان است عملاً قدرت تأثیرگذاری بر روند مسائل را به دست می‌آورند.
- ۲۵- اختلافات طولی کم‌تر از اختلافات عرضی با اختلافات مابین افراد، واحدها یا سازمان‌های مستقل ولی هم‌عرض است.
- ۲۶- گاهی اختلافات به خاطر کارکردهای مشابه واحدها به وجود می‌آید.
- ۲۷- بسته به نوع مدیریت، اختلافات می‌تواند منفی یا مثبت باشد.
- ۲۸- اختلافات بین نهادهای هم‌عرض گاهی به دلیل پیوستگی متقابل کارها و فعالیت به یکدیگر است.
- ۲۹- اختلاف گاه به دلیل نامتوازن و نامتقارن بودن پیوستگی و وابستگی هاست.

۳۰- اندازه‌های تداخل نهاد‌های هم‌عرض در حوزه وظایف یکدیگر، معیاری کمی برای سنجش عدم همکاری بین آنهاست.

۳۱- اگر تداخل در کارهای یکدیگر در نهاد‌های هم‌عرض به اصل حداکثری تبدیل شود آن‌گاه نهادها دچار مشکلات جدی می‌شوند.

۳۲- عدم همکاری به موقعیت و زمانی برمی‌گردد که یکی از طرفین، اصول را زیر سؤال برده و نپذیرفته باشد.

۳۳- وقتی سازمانی دارای تقسیمات عرضی غیرمتناسب باشد یعنی تعداد واحدها یا افرادی که زیر نظر مقام بالاتری قرار دارند خیلی زیاد باشد آن‌ها به نوعی رقابت منفی دست می‌زنند.

۳۴- گاهی اختلاف ناشی از ضعف ارتباطات در فهم و درک پیام است.

۳۵- سیستم پاداش سبک مدیریت و رهبری می‌تواند موجب اختلاف گردد.

۳۶- طراحی مکانیزم‌های حل اختلاف در سازمان با توجه به ویژگی‌های سازمان، روزآمد کردن از جمله معیارهای پیشرفت یک سازمان است (اردکانی، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲: ۱۳۹۴).

هر سیستم و نظامی برای ادامه حیات و کارآمدی خود باید به همگرایی میل کند در غیر این صورت عوامل محیطی، این سیستم را تحت تأثیر قرار داده و به سمت انحلال و نابودی میل می‌دهند فون لودویگ برتالنفی در مبانی تکامل و کاربردهای نظریه عمومی سیستم‌ها می‌گوید سیستم‌ها به دو صورت توصیف یا مدل‌سازی می‌شوند: ۱- توصیف درونی یا ساختاری ۲- توصیف بیرونی یا کارکردی

در توصیف درونی، پویایی یا دینامیک سیستم در قالب معادلات حالت، یا چگونگی کار کردن سیستم را به صورت روابط ریاضی بیان می‌کند، توصیف ساختاری است از طرف دیگر گاهی سیستم‌ها را به صورت یک جعبه سیاه مدل‌سازی می‌کنیم و آن هنگامی است که می‌دانیم به ازای ورودی مشخصی انتظار چه خروجی را از سیستم باید داشته باشیم ولی نمی‌دانیم داخل این سیستم چه می‌گذرد و چگونگی رفتارها تولید می‌شوند یعنی نمی‌خواهیم با نمی‌توانیم به صورت روابط

ریاضی آن‌ها را مدل‌سازی کنیم، این مدل‌سازی را کارکردی می‌گوییم، در جه همگرایی در مدل‌سازی کارکردی، معیاری برای صحت مدل‌سازی خواهد بود در توصیف درونی پویایی یا دینامیک سیستم در قالب معادلات حالت یا معادلات دیفرانسیل درجه‌ای اول توصیف می‌گردد" (اردکانی، ۱۳۹۴: ۱۱۷)

نظام کلان مدیریت کشور یک سیستم دینامیکی

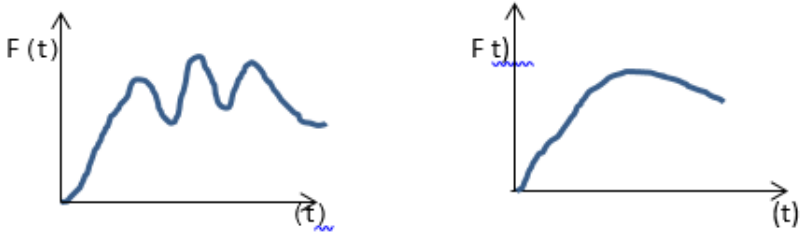
سیستم‌های مورد مطالعه در بحث مهندسی سیستم‌ها و علم مدیریت معمولاً از نوع سیستم‌های ایستا نیستند بلکه از نوع سیستم‌های دینامیکی یا نظام‌های پویا هستند.

این سیستم‌ها دارای طبیعتی همراه با تغییر و تحول دائمی هستند وقتی ما سیستم با نظام را مجموعه‌ای عناصر که با هم پیوند دارند و هدف یا اهداف خاصی را تعقیب می‌نمایند تعریف کنیم آن‌گاه بررسی پویایی سیستم‌ها به بررسی نحوه‌ای تغییر رفتاری سیستم‌ها در گذر زمان و در تعامل با عوامل درون سیستمی و شرایط محیطی برون سیستمی می‌پردازد.

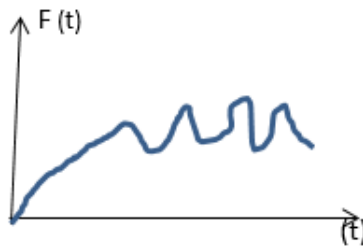
یکی از خواص مطلوب سیستم‌های دینامیکی خاصیت همگرایی آن سیستم است سیستم‌هایی که به حالت ثابت و پایدار رسیده باشند وضعیت مطلوب رسیده‌اند طراحی سیستم‌های همگرا و باثبات، نیازمند مهندسی است همگرا شدن یک سیستم دینامیکی به معنای این است که متغیر حالت آن سیستم به مقدار ثابت یا کم‌وبیش ثابتی وارد شده باشد.

متغیر حالت سیستم متغیری است که در یک سیستم دینامیکی تغییر ایجاد می‌کند بنابراین برای مطالعه یک سیستم همواره متغیر حالت آن سیستم مورد مطالعه قرار می‌گیرد در نظام سیاسی متغیر حالت را می‌توان میزان مشارکت مردم در انتخابات در نظر گرفت، پس اگر اندازه‌ای مشارکت در انتخابات در نظر گرفت، پس اگر اندازه نرخ مشارکت در انتخابات به مقدار ثابت یا کم‌وبیش ثابتی برسد در جه همگرایی نظام سیاسی افزایش می‌یابد.

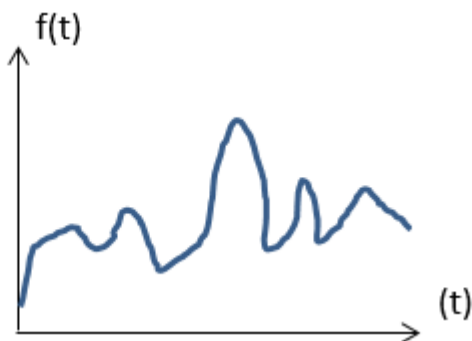
با توجه به بستگی درجه پیچیدگی سیستم (یا مرتبه معادله‌ای دیفرانسیل توصیف‌کننده پویایی آن) گاهی همگرایی به معنای رسیدن به یک مقدار ثابت نیست



همگرایی به معنای رسیدن به یک محدوده تغییرات ثابت است



در بعضی از سیستم‌های دینامیکی اصولاً همگرا شدن به طور ذاتی امکان ندارد و سیستم دائم در آشوب به سر می‌برد.



هنگامی که یک سیستم دینامیکی به مرحله‌ای همگرایی وارد نشده است، در مرحله‌ای گذار قرار دارد و زمانی که به همگرایی رسیده سیستم دارای پایداری و ثبات شده است.

مطالعه دینامیک سیستم‌ها این امکان را می‌دهد که اولاً: رفتار دینامیکی سیستم در مقابل بررسی شود و ثانیاً: معلوم گردد که آیا این سیستم خاصیت همگرایی دارد یا خیر و ثالثاً: اگر سیستم است چه زمانی وارد مرحله‌ای پایداری خواهد شد رابعاً: اگر سیستم وارد مرحله پایداری شد آیا تحت تأثیر عوامل و اختلافات داخلی و خارجی می‌تواند خود را حفظ کند؟ سیستم‌هایی که بتوانند در مقابل اختلالات و عوامل مؤثر محیطی حالت تعادل و ثابت خود را مجدداً به دست آورند به‌عنوان سیستم‌های دینامیکی انطباقی شناخته می‌شوند (اردکانی، ۱۱۷: ۱۳۹۴، ۱۱۸، ۱۱۹).

چندین موضوع در داخل سازمان بنیاد شهید امور ایثارگران وجود دارد همان‌گونه که قبلاً گفته‌ایم به دلیل همان توسعه ناموزون (چالش‌ها و تضاد سازمانی) در جامعه ایران شکل‌گیری سازمان‌ها و نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی بعد از انقلاب با هدف تأمین رفاه و معیشت قشر ضعیف و پایین جامعه بوده است از جمله سازمان بنیاد شهید یکی از نهادهای بعد از انقلاب بوده است که به شرح ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- اهداف سازمانی بنیاد شهید و امور ایثارگران

۲- رویکرد سازمانی و ساختاری بنیاد شهید و امور ایثارگران (اقتصادی، معیشتی و یا فرهنگی)

۳- عدم تقسیم کار و تخصصی شدن امورات و استفاده از تکنولوژی جدید مثل رسانه‌ها و ابزارآلات الکترونیکی جهت شفافیت و اطلاع‌رسانی و توسعه اداری و سازمانی (نگاه مدیریتی سیستمی و مدرن و یا سنتی قدیمی) و استفاده از رانتهای اطلاعاتی افراد سودجو

۴- چگونگی نظام استخدامی و جذب و استخدام کارکنان و نحوه بازنشستگی

۵- همسوسدن اهداف و تعهد کارکنان با اهداف سازمانی و ناکارآمدی و بهره‌وری پایین

۱- اهداف سازمانی بنیاد شهید و امور ایتارگران

قبل از هر چیزی بایست اهداف سازمانی بنیاد شهید را مورد بررسی و تحلیل کارشناسی قرار دهیم با توجه به سیاست‌ها و راهبردها هدف اصلی بنیاد شهید و امور ایتارگران در بدو امر سه هدف بوده است که عبارت‌اند از:

۱- احیاء حفظ و ترویج فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی و پراکندن عطر شهادت در جامعه

۲- زنده نگه‌داشتن یاد شهیدان و حفظ آثار آنان

۳- تجلیل و تکریم از خانواده‌های معظم شهدا

در این راستا ضرورت بزرگداشت و احیای یاد و نام شهیدان در جامعه به‌عنوان تجسم مصادیق عینی شهادت و حفظ و کرامت و جلال خانواده‌های شهیدپرور شاهد این گل‌های معطر بوستان شهادت و ایتار به‌عنوان راهبردهای اساسی معطر ساختن جامعه اسلامی به عطر شهادت مطرح گردیده و بنابراین موضوع کار بنیاد عبارت است از: شهادت، شهید و خانواده شهید و قلمرو آن‌ها در رابطه با پراکنده کردن عطر شهادت، کل جامعه و در مورد شهید تمامی شهدای اسلام و در مورد خانواده شهید تمامی شهدای انقلاب اسلامی است" (مجله سیاست‌ها و راهبرهای بنیاد شهید و امور ایتارگران، ۴).

الف) راهبردها: بر اساس مبانی و اهداف مذکور راهبردهای بنیاد به ترتیب ذیل شکل گرفته است.

بنیاد شهید یک نهاد فرهنگی است: بنیاد شهید یک نهاد فرهنگی است که خدمات اجتماعی این نهاد نیز با وجه فرهنگی انجام و اهم وظایف برای تحقق اهداف مربوط به موضوع فعالیت بنیاد به شرح زیر می‌باشد:

ب) در قبال شهادت

۱- تبیین مفهوم فلسفه شهادت و ایتار و برنامه‌ریزی و گسترش تحقیقات در این زمینه ۲- برنامه‌ریزی و تلاش به‌منظور احیاء و ترویج فرهنگ شهادت و ایتار و پراکنده کردن عطر شهادت

در جامعه به‌عنوان بالاترین ارزش الهی با بسیج کلیه تشکیلات و امکانات نظام و جامعه اسلامی به‌ویژه نهادهای فرهنگی، هنری، آموزشی و مطبوعاتی ۳- تحقیق و شناسایی عوامل و موجبات تقویت‌کننده فرهنگ شهادت‌طلبی و برنامه‌ریزی در جهت ترویج آن‌ها و کشف موانع و عوامل بازدارنده و تضعیف‌کننده فرهنگ شهادت و تلاش برای افشاء و ازاله آن‌ها" (مجله سیاست‌ها و راهبردهای بنیاد ۴ و ۵)

ج) اصلاح ساختار نهاد

تحقق فرمان حضرت امام خمینی (ره) در زمینه افضل بودن بنیاد شهید انقلاب اسلامی به نحو چشمگیری منوط به وجود سازمان و تشکیلات مناسب، کارآمد، منسجم و هماهنگ با جامعه تحت پوشش است لذا با تنظیم نمودار کلی ستاد و صف در نهاد در چهارچوب سیاست وصف در نهاد در چهارچوب سیاست‌های ذیل‌الذکر شرایط برای انجام وظایف فرهنگی، آموزشی و خدماتی فراهم می‌گردد

الف) فرهنگی شدن ساختار سازمانی به‌نحوی که حداکثر نیروها و امکانات در این بخش سازمان‌دهی شوند.

ب) امکانات و فرصت‌ها به نحو عادلانه بین واحدها و شعبات توزیع گردد که مقادیر قابل محاسبه و مقایسه به هریک از آحاد جامعه تحت پوشش برسد" (راهبردها و سیاست‌های بنیاد شهید ۱۷ و ۱۶)

با توجه به موارد فوق‌الذکر نتیجه می‌گیریم که اهداف و وظایف اصلی بنیاد شهید و امور ایثارگران در کشور به‌عنوان یک سیستم سازمانی تولید و حفظ و حراست ارزش‌های معنوی و دینی و اعتقادی و کار فرهنگی در کشور می‌باشد و می‌بایست نسبت به احیاء ارزش‌های دینی و اعتقادی و معنوی مثل شهادت و ایثار در جامعه کوشا و فعال باشد و در این بخش می‌بایست سرمایه‌گذاری نماید و نسبت به این موضوع حساس باشد و ساختار سازمانی این سازمان بر اساس این نوع فعالیت‌های فرهنگی (از قبیل به‌کارگیری نیروهای انسانی متخصص و متعهد و کوشا و فعال در زمینه فرهنگ و ارزش‌ها و به‌کارگیری ابزار و تکنولوژی‌های جدید و رسانه‌ها جهت تبلیغ ارزش‌ها و فرهنگ‌ها و تولید و احیاء آن و سرمایه‌گذاری در بخش مکان‌ها و معماری‌های در شهرسازی و مسکن و غیره...) تعیین و تعیین شده باشد در صورتی که چنین ساختار اداری در حال حاضر در سازمان

بنیاد شهید و امور ایثارگران وجود ندارد ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر بنیاد) به دلیل مشکلات معیشتی و فقر از همه سازمان‌ها رونده و مونده به سوی بنیاد شهید روی می‌آورند و درخواست اشتغال و یا درآمد می‌نمایند اوایل انقلاب به دلیل ارزش‌های اولیه انقلاب و شور و شعف روحیه انقلابی و جیهه و جنگ همه سازمان‌ها ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) را تحویل می‌گرفتند و مشکلات آن‌ها را رسیدگی می‌کردند و به آن‌ها خدمات می‌دادند در حال به دلیل کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و اعتقادی سازمان‌ها و نهادها و مؤسسات دولتی از رسیدگی به جانبازان معذور می‌باشند و اگر هم باشند کمتر توجه می‌کنند و به آن‌ها می‌گویند ما متولی امورات ایثارگران و جانبازان نیستیم دولت جمهوری اسلامی یک نهاد مقدسی تأسیس کرده است بنام بنیاد شهید و امور ایثارگران، لطفاً به این سازمان مراجعه و مشکلات خود را مطرح کنید و انشاءالله پاسخ لازم را می‌گیرید و با این طرز تفکر همه ایثارگران را به بنیاد شهید روانه می‌کنند و سلب مسئولیت می‌نمایند لذا بنیاد شهید به جهت متولی بودن امورات ایثارگران (متولی امور فرهنگی نه معیشتی) ناچاراً می‌بایست اول به دلیل حساسیت موضوع معیشتی و شأن و منزلت این دسته از عزیزان ایثارگران در اولین مرحله به امورات معیشتی و اقتصادی آنان سیاست‌گذاری و رسیدگی نماید بدون اینکه بسترهای لازم را به وجود بیاورد (از قبیل تشکیل سازمان اداری که از لحاظ ساختاری و اداری بر مبنای اقتصادی و معیشتی تشکیل و پایه‌گذاری شده باشد و یا پیش‌بینی بودجه‌های لازم در این خصوص و استخدام نیروهای متخصص و متعهد در این خصوص) پس منحصلاً مجموع ساختار و چیدمان اداری و استخدامی بنیاد شهید و امور ایثارگران بر اساس ساختاری فرهنگی و امورات اقتصادی و معیشتی را انجام می‌دهد که این موضوع پارادوکس‌های سازمانی و اداری را در ساختار اداری (از قبیل امورات استخدامی کارکنان و بودجه‌ریزی و پیش‌بینی آن به وجود می‌آورد) به‌عنوان مثال بودجه‌های پرداختی از دولت در خصوص حقوق و بازنشستگی ایثارگران و کارکنان بنیاد از یک ردیف بودجه‌ریزی تأمین و به‌صورت شفاف بودجه جهت حقوق به ایثارگران و کارکنان شفاف نمی‌باشد و یا در انتصاب مسئول بنیاد شهید ما با دو مرجع تعیین‌کننده صلاحیت فرد مسئول برای اداره بنیاد شهید و امور ایثارگران سروکار داریم (بیت رهبری جهت انتصاب نماینده ولی‌فقیه و آقای رئیس‌جمهور جهت انتصاب ریاست بنیاد) که گاهاً وظایف و مسئولیت‌های آنان در صورت دو نفر بودن مشکلات اجرایی برای نهاد بنیاد ایجاد می‌کند.

نکته مهم‌تر این است که در سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران به دلیل بافت سنتی و سیستم سنتی بودن نتوانسته است خودش را با ابزارآلات و تکنولوژی‌های جدید تجهیز و وفق دهد بعضی از نگرش‌ها در بنیاد شهید سنتی و قدیمی می‌باشد نیروهای انسانی بی‌سواد و یا داری سواد پایین به دلیل تنگ‌نظری و کوتاه‌بینی و جزیره‌ای کار کردن نتوانسته‌اند این بخش از اطلاعات و آمارهای جنگ را جمع‌آوری و به‌روز نمایند جانبازی در جبهه و جنگ بوده است و مجروح و یا شهید شده است و این فرد در بیمارستان‌های صحرایی بستری شده است و مدارک بالینی و پزشکی ایشان مفقود گردیده است و ایشان نتوانسته است آن را تهیه و جمع‌آوری کند امروز از حقوق خود به‌عنوان ایثارگر دفاع نماید و از امتیازات ایثارگری استفاده نماید این مدارک و مستندات جنگ و جبهه می‌بایست جمع‌آوری و در یک بانک الکترونیکی اسکن و محفوظ نگه داشته می‌شده است امروز خیلی از افراد به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی رجوع می‌نمایند که مدارک و مستندات بالینی و پزشکی آنان در رابطه با جبهه و جنگ مفقود شده است این‌جا مسئولیتش با بنیاد شهید و امور ایثارگران بوده است که این مدارک را از مراکز درمانی و پزشکی جمع‌آوری و اسکن نماید یا کار ایثارگران که همین تفکر سنتی و قدیمی و عدم مجهز شدن به ابزارآلات و تکنولوژی جدید این اطلاعات و مدارک نامعلوم و موجب تنش‌ها و درگیری‌های بسیاری از ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) و نهایتاً نارضایتی آنان می‌شود و برای خیلی امورات ایثارگران با مراجعه فیزیکی به بنیاد شهید درخواست خدمات و امتیازات می‌شوند و امتیازات به‌صورت آنلاین اطلاع‌رسانی و همگانی نمی‌شود و یا بخشنامه و یا قانونی را اگر به نفع ایثارگران باشند به‌صورت رسانه‌ای اعلام و اطلاع‌رسانی نمی‌کنند و فقط افرادی که در بنیاد ارتباط کاری و یا فامیل و دوست آشنا و یا پارتی دارند به‌صورت پنهان از این خدمات استفاده می‌کنند و فضا را برای رانت اطلاعاتی افراد سودجو و کارکنان و مدیران بنیاد به وجود می‌آورد به دلیل دیدگاه افراد سنتی و قدیمی که می‌بایست اطلاعات در یک بنیاد محفوظ و حراست شود و رسانه‌ای و شفاف نشود و در اختیار ذی‌نفعان قرار نگیرد بنابراین از این نظر بنیاد شهید و امور ایثارگران نتوانسته از ظرفیت‌های از ابزارآلات و تکنولوژی‌های جدید در سیستم سازمان اداری و استخدامی و جامعه هدف استفاده نماید.

همچنین از لحاظ تقسیم کار و وظایف محوله اداری به کارکنان خود نتوانسته از لحاظ مدیریتی تقسیم کار و شرح وظایف کارکنان را شفاف و مشخص نماید در بعضی از حوزه‌های اداری به شدت

تندگی وظایف و امورات و تراکم کارمندان زیاد می‌باشد و در صورتی که آن حوزه اصلاً این قدر نیاز به کارمند و نیروی انسانی ندارد و از لحاظ تقسیم کار و وظایف اداری بسیار به هم ریخته و شهرستان‌ها به دلیل نیروی زیاد و حجم کار کم اتلاف وقت و روزمرگی می‌نمایند و بعضی از کارمندان در شهرستان‌ها و دفاتر فقط به صورت فیزیکی سر پست‌ها حاضر کارت ورود و خروج ثبت می‌نمایند و جهت بعضی از شغل‌ها نیاز نیروی متخصص و متعهد مثل محاسبات معوقات و بازنشستگی ایثارگران در استان‌های با کمبود نیروی متخصص مواجه می‌باشد و از طرفی به دلیل سختی کار در این قسمت و انگیزه بسیار پایین نیروها و کارشناسان قوی کمتر استقبال می‌نمایند به عنوان مثال در حوزه معاونت تعاون و امور اجتماعی حوزه تخصصی ایثارگران مخصوصاً در بخش پذیرش و امور اداری ایثارگران همه کارمندان و کارشناسان قوی و متخصص فراری و به شدت دوری می‌کنند و سعی می‌کنند به قسمت‌های دیگر بنیاد و حوزه‌های دیگر و راحت‌تر مشغول بکار شوند به دلیل اینکه کارشان بسیار سخت و طاقت‌فرسا و فوق‌العاده تخصصی اما حقوق بسیار پایین و هم‌تراز با کارشناسان دیگر قسمت‌های بنیاد و به همین دلیل انگیزه‌ها بسیار پایین می‌آید و کارشناسان و نیروهای متخصص از این قسمت استقبال نمی‌کنند و دوری می‌جویند و از این نظر کار آبی و بهره‌وری مدیریتی بسیار پایین می‌آید.

با توجه به موضوع فوق بنیاد جهت بهره‌وری و کارآمدی قسمت‌ها و حوزه‌های دیگر می‌بایست استخدام جدید و نیروهای جوان استخدام نماید لذا با توجه به اینکه این نیروها جوان و آموزش دیده نیستند و این نیروهای انسانی صرفاً به دلیل نداشتن شغل به بنیاد مراجعه می‌نمایند که تخصص و تعهد و اطلاعات چندانی در رسیدگی به پرونده‌های مجروحین جنگی و ۸ سال دفاع مقدس و همچنین در کمک به این قشر از لحاظ کمک و رفاه و تعاون و امور اجتماعی به جاماندگان جبهه و جنگ ندارند و همچنین از لحاظ ارزش‌ها و اهداف سازمانی بنیاد شهید و امور ایثارگران (به دلیل ارزشی بودن این نهاد جهت حفظ ارزش‌ها و فرهنگ ایثار و شهادت) این افراد به دلیل شرایط سنی و جوان بودنشان تضاد و پارادوکس سازمانی پیدا می‌کنند به عنوان مثال استخدام فرزندان شهید در بنیاد شهید موجب کارآمدی و بهره‌وری پایین این افراد (به دلیل ملاحظات ارزشی با این افراد) در بنیاد شهید و دستگاه‌های و مؤسسات دیگر شده است حتی در بعضی از موارد این افراد به دلیل بهره‌وری و کارآمدی بسیار پایین موجب ناراحتی دیگر کارکنان (به دلیل تبعیض آنان در برخورد نظام اداری

و سخت‌گیری‌های اداری) می‌شود و در نهایت به دلیل اینکه این افراد و یا مستخدمین جدید الا استخدام و نیروهای جوان تازه استخدام‌شده از ارزش‌های انقلابی اوایل انقلاب به دور بوده‌اند با اهداف سازمانی پارادوکس و تضاد پیدا می‌کنند و نمی‌توانند با اهداف سازمانی بنیاد شهید و امور اینارگران همسو و سازمان بنیاد شهید و امور اینارگران یاری نمایند

کشورمان در دوران هشت سال جنگ در مقابل تجاوز کشور عراق هزینه‌های مادی و معنوی سنگینی را پرداخت نمود برخی از فرزندان برومند این سرزمین در راه دفاع از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و میهن خود به شهادت رسیده‌اند و برخی جانباز شده‌اند و وعده‌ای نیز اسارت را تجربه کردند تعداد زیادی از این عزیزان دچار ضایعات جسمانی و روانی متعدد شده‌اند و بخشی از توانایی خود را از دست دادند و به افتخار جانبازی نائل گردیده‌اند در نسبتی وسیع‌تر گروه بی‌شماری از افراد نظامی و غیرنظامی از آسیب‌های روانی در امان نماندند این اثر روانی نه تنها در یک حوزه بلکه در ابعاد گوناگون اعم از رفتار، احساس، تفکر و ادراک رزمنده مشهود بوده و تداوم آن، خانواده، تحصیل، اشتغال، رابطه با اجتماع و مجموع عملکردهای او را در سطح گسترده‌ای به چالش کشیده است، در این میان حفظ و بالا بردن سلامت روانی جانبازان حمایت اجتماعی از آن‌ها درمان تأمین معاش و ادامه حیات همراه با عزت‌نفس مصدومین جسمی، روانی ناشی از جنگ همواره یکی از دغدغه‌های مسئولین امر بوده و اقدامات ویژه‌ای را از سوی آنان ایجاب کرده است بیشتر سیاستمداران کشورهای دیگر در جنگ به منظور جبران خرابی‌ها و کمک به آسیب دیدگان جنگ و روش برنامه‌های خاصی از قبیل: حقوق و مزایا و مستمری، اشتغال و کاریابی، تعاون و امور اجتماعی، خدمات عمومی، آموزشی و پژوهشی و خدمات فرهنگی و رفاهی و... تدارک دیده‌اند در راستای ایفای وظیفه سنگین نظام جمهوری اسلامی قوانین و مقررات متعددی را وضع کرده است و برای استخدام جانبازان و مجروحین حقوق ویژه‌ای را مقرر داشته است موضوع اشتغال برای کاستن تعهدات مالی و پیش‌گیری و درمان و معضلات روحی و روانی ناشی از بی‌کاری از محورهای مهم این سیاست‌گذاری به شمار می‌رود. در سال ۱۳۷۲ قانونی با عنوان طرح حالت اشتغال در مجلس شورای اسلامی تصویب گردید که در آن حقوق مستخدمین لشکری و کشوری هم‌تراز مشاغل قبلی توسط دستگاه متبوع و برای غیر مستخدمین برابر نظام هماهنگ کارکنان دولت بر عهده بنیاد می‌باشد. اجرای این طرح از طرفی باعث می‌گردد که جانبازان با وجود رنج جسمی یا روحی مجبور

به کار روزمره و نگران امرار معاش نباشند و ضمن حفظ عزت این گروه بتوانند نزد خانواده و بستگان خود به مسائل شخصی پردازند. هم‌چنین برای فعالیت مربوطه به سلامتی و معالجات خود از قبیل ساعات فیزیوتراپی، توان‌بخشی کاردرمانی و جراحی‌های مختلف وقت کافی داشته و نیازمند مقررات مختلف و درخواست مرخصی و غیره نباشند، که با اجرای این طرح در بنیاد شهید و امور ایتارگران موجب نارضایتی در سطح جامعه ایتارگران (حقوق‌بگیران بنیاد) شده است که در این خصوص محققین و پژوهشگران اجتماعی داخلی و خارجی دست به پژوهش و تحقیقاتی زده‌اند.

مبانی نظری

در این کتاب از برخی دانشمندان نظریه‌پرداز که در خصوص نارضایتی، نظریه مطرح نموده‌اند استفاده شده است که عبارتند از:

- ۱- چالمرز جانسون (نظریه عدم تعادل یا توسعه ناهمگون)
- ۲- مرتون (نظریه آنومی)
- ۳- دیویس (نظریه منحنی جی یا توقعات کاذب)
- ۴- گور (نظریه فاصله احساس نیاز تا ارضاء نیاز یا احساس محرومیت نسبی)
- ۵- هابرماس (نظریه عقلانیت ابزاری و بحران مشروعیت)
- ۶- کارل مارکس (تضاد و از خود بیگانگی)
- ۷- هومنز (نظریه موفقیت و اشباع و ناکامی و پرخاشگری)
- ۸- دروکیم (تقسیم کار و خودکشی و تراکم مادی و صور بنیانی)
- ۹- تالکوت پارسونز (نظریه کارکردگرایی کنش متقابل اجتماعی تطبیق، دستیابی به هدف، یکپارچگی و نظم، سکون یا نگه‌داشت الگو)

۱۰- گافمن (نظریه نقش‌پذیری اجتماعی) که از این ده نظریه شش نظریه به‌عنوان نظریه اصلی یا همان چهارچوب نظری به شرح ذیل را تشکیل داده‌اند.

چهارچوب نظری (تئوری‌ها)

در این کتاب به صورت تلفیقی از نظریه‌های (۶) دانشمند نظریه‌پرداز استفاده شده است که به ترتیب عبارتند از:

۱- چالمرز جانسون

۲- مرتون

۳- دیویس

۴- گور

۵- هابرماس

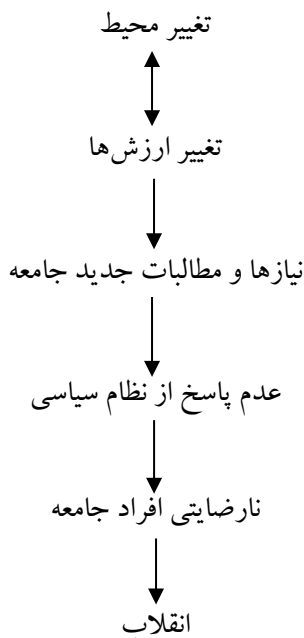
۶- کارل مارکس که به‌طور خلاصه به شرح ذیل به توضیح هر کدام خواهیم پرداخت.

نظریه چالمرز جانسون

آقای چالمرز جانسون در کتاب تحول انقلابی خود نظریه‌ای را تحت عنوان نارضایتی و انقلاب دارد که چگونه تغییر محیط موجب تغییر ارزش‌ها و تغییر ارزش‌ها موجب نارضایتی و نهایتاً موجب انقلاب می‌شود که ما فعلاً از بحث چگونگی انقلاب صرف‌نظر و فقط تا بحث نارضایتی که مورد استفاده این تحقیق می‌باشد را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم:

بر مبنای دیدگاه کارکردگرایان یک نظام اجتماعی خاص هنگامی دچار مشکل خواهد بود ارزش‌ها نتوانند تغییرات محیط را توجیه کنند یا برعکس در هنگامی که تغییر ارزش‌ها به معنی نادرست تلقی شدن خود محیط باشد دلیل آنکه هر نوع مسئله‌ای در مورد ارزش‌ها یا ارتباط آن‌ها با محیط تا این اندازه بااهمیت است آن است که اولاً ارزش‌ها طبق توصیفی که از آن‌ها شد معمولاً دربرگیرنده هنجارها و نقش‌ها می‌باشند و ثانیاً ارزش‌ها علت موجودیت مستمر جمع هستند وقتی چنین ارزش‌هایی دیگر قادر به تبیین محیط نباشد نظام اجتماعی وارد دوره‌ای از دشواری‌های بزرگ

خواهد شد محیط جدید مستلزم مجموعه‌ای از ارزش‌هاست و همین که ارزش‌ها تعدیل شدند یا محیط خواه از راه تحول تدریجی یا از طریق انقلاب تغییر کرد سیستم بار دیگر به تعادل با موازنه بازمی‌گردد و این وضعیتی که در آن ارزش‌ها و محیط با یکدیگر همخوان و هماهنگ می‌شوند حال با توجه به مدل ذیل چگونگی به وجود آمدن نارضایتی و نهایتاً انقلاب و فروپاشی را می‌توان تشریح کرد.



در مدل بالا می‌بینیم که با ورود ارزش‌های جدید در جامعه نیازها و مطالبات جدیدی در جامعه رخ می‌دهد که با عدم پاسخ از سوی نظام سیاسی منجر به نارضایتی افراد آن جامعه و نهایتاً انقلاب و فروپاشی آن گروه و یا اجتماع خواهد شد که آقای جانسون نظریه‌اش را به شکل ذیل مطرح می‌کند:

۱- منابع بیرونی تغییر محیط

۲- منابع درونی تغییر محیط

۳- منابع بیرونی تغییر ارزش‌ها

۴- منابع درونی تغییر ارزش‌ها

که آقای جانسون منابع تغییر محیط را ورود تکنولوژی و علوم جدید که در جهان سوم به اصطلاح همان مدرنیزه کردن کشورهای جهان سوم عمل تغییر محیط صورت می‌گیرد یعنی با ورود تکنولوژی و علوم جدید و ابزارآلات و ادوات جدید و افزایش جمعیت و به اصطلاح رفاه نسبی ظاهری (توسعه ظاهری و سطحی در جوامع جهان سوم) ارزش‌های جدید در جامعه ظاهری می‌گردند و در واقع تغییر ارزش‌ها صورت می‌گیرد و با تغییر ارزش‌ها، نیازها و مطالبات جدید افراد جامعه نمود پیدا می‌کند و به دلیل عدم پاسخ مناسب و برآوردن این نیازها و مطالبات جدید در جامعه توسط نظام سیاسی به دلیل محدودیت منابع موجب نارضایتی افراد جامعه و عدم مشروعیت و بی اعتباری نظام سیاسی که نهایتاً موجب فروپاشی و انقلاب در جامعه می‌گردد.

"منابع بیرونی تغییر ارزش‌ها می‌توان به ورود مارکسیسم به چین در دوره بلافاصله بعد از سال ۱۹۲۱ یعنی هنگامی که حزب کمونیست بنیان‌گذاری شد یا به تحصیلات خارجی رهبران نهایی (کشور) اشاره داشته است و منابع درونی تغییر ارزش‌ها بدعت‌گذاران داخلی می‌باشند و منابع خارجی تغییر محیط می‌تواند به شکل یک تهاجم خارجی یا کاربست فنون آبیاری جدید باشد که نخستین بار با موفقیت در جاهای دیگر به کار رفته‌اند منابع داخلی تغییر محیط ممکن است به شکل افزایش ناگهانی جمعیت باشد که موجب فشار بر ذخایر غذایی و ارضی کشور می‌گردد با وارد شدن تأثیر این‌گونه مشکلات بر نظام اجتماعی ممکن است اجزای مختلف نظام قادر به هماهنگی با تغییر باشند با فشار جمعیت می‌توان به وسیله شیوه‌های کنترل موالید، توزیع عادلانه ارضی یا با گسترش بخش صنعتی و از آن طریق فراهم کردن مشاغل جدیدی برای جمعیت اضافی که به نوبه خود بازار بیشتری را برای کالاها ایجاد می‌نماید ممکن است نخبگان بالقوه و اندیشه‌های جدید آنان در گروه نخبگان حاکم پذیرفته یا جا، داده شوند و در راه فعالیت آن‌ها به دست نخبگان حاکم مسدود نگردد نکته حساسی که باید درک کرد این است که اگر نظام بتواند خود را با تغییرات هماهنگ سازد دیگر مشکلی وجود ندارد و نظام بار دیگر به حالت تعادل بازمی‌گردد اما اگر نظام نتواند از عهده فشارهای مختلف برآید و آن فشارها گسترش یابد می‌توان قائل به وجود حالتی (از بدکارکردی چندجانبه) شد به عقیده جانسون این حالت را می‌توان با وضعیت بدن یک موجود زنده که از بیمارهای مختلف رنج می‌برد مقایسه کرد نخبگان سیاسی جامعه باید با وضعیت بدکارکردی چندجانبه که زاده فشارهای وارد آمده از سوی منابع تغییر است مقابله کنند و برای این کار اساساً

یکی از دو راه حل جایگزین در اختیار آنهاست این گروه ممکن است با فشار برای تغییر همراهی کنند یا در مقابل آن به مقاومت برخیزند اگر با فشارها همراهی کنند و در انجام این کار به حدی کافی موفق باشند تنش اجتماعی کاهش می‌یابد البته ممکن است موقعیت خود آن گروه دشوارتر گردد اما اگر راه مقاومت را انتخاب کنند باید برای حفظ موقعیت خود هر چه بیشتر و بیشتر از زور استفاده نماید جانسون این کاربرد زور را فرونهشت قدرت می‌نامد اگر گروه نخبگان نتواند به تقاضا یا فشار برای تغییر پایان دهد آنگاه، توده مردم استفاده مستمر از زور را نامشروع تلقی خواهند کرد سطح پایین تر مشروعیت را از دست دادن اقتدار می‌نامد فرونهشت قدرت و از دست دادن اقتدار را که هر دو نشانه سرسختی و مصالحه‌ناپذیری نخبگان است می‌توان توأماً به عنوان شرایط لازم برای انقلاب به شمار می‌آورد شرط کافی که جانسون آن را عامل شتاب زا خوانده است به احتمال زیاد عبارت خواهد بود از ناتوانی نخبگان مصالحه‌ناپذیر از حفظ پشتیبانی ابزارهای اجبار که معمولاً به شکل ارتش هستند" (کوهن، ۱۹۶۵: ۱۳۸۵) بنابراین جانسون معادله جمعی زیر که می‌توان آن را مدل انقلاب وی به حساب آورد مطرح می‌کند.

{بد کار کردی چند جانبه + مصالحه‌ناپذیری نخبگان + عامل x = انقلاب}

که در این تحقیق از عدم مشروعیت وی اعتباری نظام سیاسی و انقلاب و فروپاشی صرف نظر کرده‌ایم و به دلیل تلفیق چند نظریه فقط تا قسمت نارضایتی و تغییر ارزش‌ها و چگونگی این تغییر ارزش‌ها از این نظریه استفاده نموده‌ایم.

نظریه مرتون

"مرتون نظریه‌ای را مطرح می‌کند بدین صورت که او معتقد است به هم خوردن رابطه بین اهداف از یک طرف و وسایل مشروع برای دستیابی به این اهداف توجه می‌کند و معتقد است که در جامعه با ثبات بین اهداف و ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و راه‌های پذیرفته شده از سوی عامه مردم برای دستیابی به آنها یک تعادل وجود دارد وقتی این رابطه متعادل به هم بخورد نظم اجتماعی از بین می‌رود و آنومی به وجود می‌آید مثلاً اگر در جامعه ارزش‌های مادی و نیازهای روزافزون به انواع کالاها گسترش یابد اما درآمد افراد برای دستیابی به این کالاهای با ارزش شده کافی نباشد نارضایتی و رفتارهای آنومیک و مخالف انتظام موجد پدید خواهد آمد بدین ترتیب بر اساس

نظریه‌های مرتون تا موقعی که اهداف جدید بلندپروازانه‌ای وارد جامعه نشده و ارزش‌ها و نیازهای جدید به مردم تزریق نشده است و مردم با آن مقداری که دارند به اهداف و ارزش‌های سنتی خود می‌رسند و جامعه در حال تعادل خواهد بود اما:

۱- وقتی ارزش‌ها و نیازهای جدید وارد جامعه شوند

۲- مردم آن ارزش‌ها و نیازها را بپذیرند و

۳- مایل به دستیابی به آن‌ها باشند

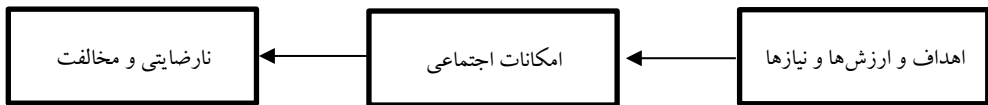
۴- اما ابزار دستیابی به آن را نداشته باشند و

۵- راه رسیدن به آن اهداف عملاً برایشان مسدود باشد

۶- احساس نارضایتی می‌کنند و به هر اقدام مغایر با سیستم موجود دست خواهند زد" (رفیع پور،

۱۳۷۶:۳۶)

نمودار شماره ۱۴) اهداف و ارزش‌ها



قبل از اینکه درباره موضوع فوق به بحث و بررسی به پردازیم به توضیح چند مفاهیمی که مرتون از آن‌ها یاد کرده است می‌پردازیم که عبارتند از: انتظام اجتماعی، وحدت اجتماعی، ابزار و وسایل اهداف، انطباق یا سازگاری، کارکرد مثبت و منفی و یا بی کارکردی و کارکرد آشکار و یا پنهان.

"انتظام اجتماعی: منظور از انتظام اجتماعی (هنجارها و رسوم) در واقع الزامات و محدودیت‌های است که فرد در حین انجام عمل و رفتار خود با آن‌ها مواجه می‌شود این محدودیت‌ها لزوماً عوامل بازدارنده عمل انسان محسوب نمی‌شود بلکه افراد این قواعد و مقررات را به عنوان راهنمای عمل و برای آسودگی خیال و امکان پیش‌بینی و نیز انسجام دهنده موقعیت‌هایی که ممکن بود به هرج و مرج منجر شود می‌پذیریم" (توسلی، ۲۲۶: ۱۳۸۰).

وحدت اجتماعی: وحدت یا همسازی اجتماعی مورد نظر او همان ارتباط میان اهداف نهادی شده از یک سو و ابزارهای نهادی شده از سوی دیگر است گرایش به تأثیر متقابل اهداف نهادی شده و وسایل و ابزارها موجود و روابط کارکردی میان این ساخت‌ها است.

ابزار یا وسایل اهداف: در هر اجتماعی برای رسیدن به اهداف نهادی ابزار یا وسایلی مورد نیاز است که از آن به عنوان ابزار یا وسایل اهداف نهادی یاد می‌شود و بر همین اساس مرتون پنج نوع جامعه یا اجتماع را تعریف می‌کند:

۱- اجتماع سازگار شده یا انطباق: وقتی در جامعه‌ای ابزار یا وسایل اهداف با اهداف نهادی هماهنگ و انطباق و یا سازگار باشند.

۲- اجتماع ابداع یا نوع آور (جامعه بدعت گذار): وقتی که جامعه‌ای اهداف نهادی را پذیرفته یا قبول داشته باشند ولی ابزارها یا وسایل رسیدن به اهداف را قبول نداشته باشند و برای رسیدن به اهداف در تغییر یا ساخت وسایل و ابزارهای دیگری باشند.

۳- اجتماع مناسک پرست (رسم پرست): هنگامی که ابزارها و وسایل پذیرفته شده لیکن اهداف نهادی پذیرفته نشده و مورد قبول واقع نشده باشد.

۴- اجتماع واخورده (عزلت گزیدن): هنگامی که هدف و وسایل هیچ کدام پذیرفته نشده باشد.

۵- اجتماع طغیان یا سرکشی (انقلابی) اهداف و وسایل هر دو دچار تغییر شده و نوع جدیدی از وحدت میان اهداف جدید و وسایل و ابزارهای تازه می‌تواند شکل گیرد (توسلی، ۲۲۸: ۱۳۸۰).

مرتون معتقد است که همه صورت‌های فرهنگی و اجتماعی و ساختارها اجتماعی و فرهنگی (عناصر فرهنگی و اجتماعی مثل ارزش‌ها و باورها و آداب و رسوم و هنجارها) می‌توانند برای اجتماعی کارکرد داشته باشند حال این کارکرد می‌تواند برای جامعه‌ای کارکرد مثبت باشد و برای جامعه‌ای دیگر منفی (کژکارکردی) باشد و در عین حال بعضی از آن‌ها می‌توانند کارکرد آشکار داشته باشند و بعضی از آن‌ها کارکرد پنهان و بعضی از آن‌ها قبلاً کارکرد داشته‌اند و در حال حاضر کارکردی ندارند (بی کارکردی)،

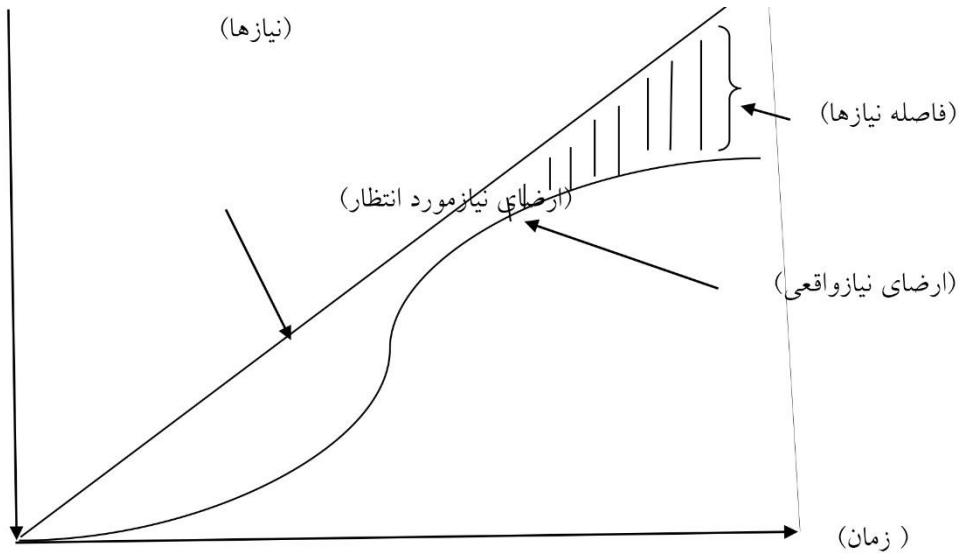
"مرتون معتقد است که جامعه فرد را به کج رفتاری مجبور می‌کند به بیان خود او کج رفتاری حاصل فشارهای ساختاری- اجتماعی خاصی است که افراد را به کج رفتاری وامی‌دارد جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی به‌عنوان مهم‌ترین اهداف زندگی شخص و معیارهای منزلتی تجلی می‌کنند دستیابی به این اهداف جامعه خارج است یعنی جامعه طوری ساخت یافته است که طبقات فرودست، فرصت‌های کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند و در نتیجه چون این اهداف به آرمان‌های اصلی زندگی همه افراد (فقیر و غنی) تبدیل شده آن کس هم که دسترسی به ابزار مشروع ندارد، تحت فشار جامعه برای دستیابی به آن‌ها از ابزار نامشروع استفاده می‌کند البته مرتون تأکید دارد که واکنش همه افراد نسبت به فشارهای وارده اجتماعی به علت دسترسی نداشتن به فرصت‌های مشروع برای تحقق اهداف مشابه نیست و همه فرودستان برای دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی کج رفتاری نمی‌کنند و هر کس به طریقی خود را با محیط سازگار می‌کند به نظر وی دسته‌ای از فرودستان نوآورند و در سازگاری نابهنجار خود با محیط (که موضوع اصلی فشار است) از ابزارهای نامشروع بهره می‌گیرند و گروهی از افراطیون و انقلابیون نیز در مقابل اهداف و ابزار مشروع دست‌نیافتنی موجود اجتماعی طغیان کرده اهداف و ابزار جدیدی را برای تغییر ساختار اجتماعی معرفی می‌کنند. این سه گروه نوآوران طغیان‌گران و کناره‌گیران در سازگاری خود با محیط و جامعه که امکان دسترسی آن‌ها را به ابزار مشروع و مقبول اجتماعی محدود ساخته که کج رفتاری و هنجارشکنی را برگزیده‌اند" (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶:۴۴).

نظریه دیویس منحنی (J)

دیویس هم در خصوص نارضایتی و انقلاب نظریه‌ای را مطرح نمود بدین صورت که: ۱- فقر علت انقلاب و ۲- رفاه علت انقلاب که در هم ادغام نمود و معتقد بود که فقر بیشتر مانع پیدایش انقلاب می‌گردد انقلاب‌ها وقتی بروز می‌کنند این امکانات گرچه در ابتدا با سرعت کمتری از نیازها رشد می‌کنند اما به زودی بازمی‌ایستند و یا کاهش می‌یابند اگر منحنی رشد نیازها به صورت خطی است منحنی امکانات ارضاء نیازها شبیه (J) از اینجاست که منحنی مورد نظر دیویس را نیز منحنی (J) می‌نامند به این علت فاصله بین احساس نیاز و امکانات واقعی ارضاء نیاز مستمراً بیشتر می‌شود و در نتیجه ناامیدی عمیق و یا نارضایتی جامعه را فرامی‌گیرد که نهایتاً موجب انقلاب می‌گردد.

بنابراین در این تحقیق فعلاً تا مرحله قبل از انقلاب یعنی نارضایتی افراد یک گروه یا اجتماع مورد بحث ما می باشد که منحنی (J) را به شکل ذیل طرح می کنیم.

نمودار شماره ۱۵) منحنی J



فرمولی را که دیویس ارائه کرده است به منحنی (J) معروف است علت این نام گذاری را باید در شکل خاص منحنی "ارضای علمی نیازها" جست اساساً در طی دوره افزایش توقعات منحنی نشان دهنده میزان مورد توقع ارضای نیازها همچنان صعودی می ماند به موازات این منحنی و در کنار آن منحنی میزان واقعی ارضای نیازها قرار دارد مادامی که مردم دست کم بخش قابل ملاحظه ای از آنچه را که انتظار دارند به دست می آورند و احتمال اینکه قیام کنند بعید است ولی چنانچه میزان واقعی ارضای نیازها سیر نزولی پیدا کند و در عین حال میزان مورد توقع ارضای نیازها همچنان صعودی بماند در این صورت بین این دو شکاف وسیعی شروع به گسترش می کند وقتی شکاف "میان آنچه را مردم می خواهند و آنچه را به دست می آورند غیر قابل تحمل شود" آنان برای از میان برداشتن هر آنچه بر سر راه خواسته هایشان قرار گرفته است دست به قیام خواهند زد.

نظریه گور

گور نظریه‌ای تحت عنوان احساس محرومیت نسبی و یا احساس بی‌عدالتی نسبی مطرح می‌کند که بر پایه فرضیه یا قانون "ناکامی- پرخاشگری" بنانهاده است این احساس وقتی در یک شخص (مثلاً حسین) به وجود می‌آید که او مشاهده کند که شخص دیگری مثلاً علی چیزی دارد (مثلاً یک ماشین بنز) که او ندارد و او مایل است که آن را داشته باشد که اگر این احساس در جامعه ۱- شدید یا عمیق و در عین حال ۲- در سطح وسیعی (بین تعداد زیادی) از مردم وجود داشته باشد در آن صورت تحت شرایط خاصی شورش‌های سیاسی روی می‌دهند مخصوصاً در صورت سازمان‌دهی مناسب و بسیج مردم و تضعیف نیروهای مسلح شدت و عمق احساس محرومیت نسبی بستگی دارد به ادراک ذهنی مردم از فاصله بین ۱- انتظارات ۲- امکان ارضا نیاز هرچه فاصله بین انتظارات (احساس نیاز) و امکانات ارضاء نیاز بیشتر باشد احساس محرومیت و بی‌عدالتی نسبی بیشتر می‌شود از نظر گور این فاصله می‌تواند به سه شکل باشد:

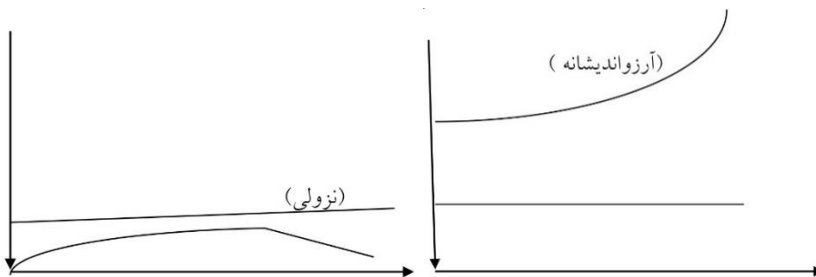
۱- کاهش امکانات وقتی انتظارات ثابت بمانند اما امکانات ارضاء نیاز محدودتر از گذشته شوند.

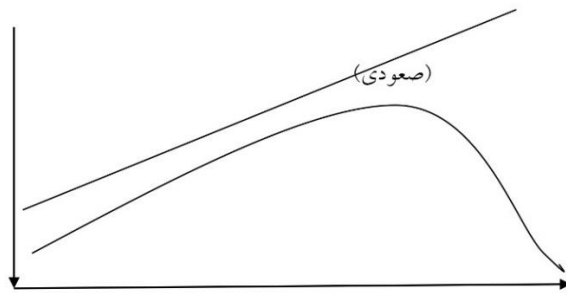
۲- افزایش انتظارات وقتی انتظارات افزایش یابند اما امکانات ارضاء نیاز ثابت بمانند.

۳- کاهش امکان افزایش نیاز وقتی انتظارات به‌طور خطی و مستمر افزایش یابند، اما امکانات

ارضاء نیاز پس از یک افزایش ابتدایی ثابت بمانند یا محدودتر و کمتر از گذشته شوند این نوع آخر همان منحنی L می‌باشد که با توجه به نمودارهای ذیل به تبیین آن می‌پردازیم:

نمودار شماره ۱۶) نمودار نظریه گور





عوامل مختلفی می‌توانند از نظر گور شرایط افزایش انتظارات یا کاهش امکانات و بدین ترتیب احساس بی‌عدالتی نسبی را به وجود آورند که ذیلاً به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- هرچه ارزش‌های اقتصادی و مادی در یک جامعه بیشتر یابند احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود.

۲- هرچه امکانات پیشرفت و ارتقاء در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی در گروه‌هایی که انسان خود با آن‌ها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و اگر احساس کند که خودش آن امکانات را ندارد احساس محرومیت نسبی افزایش می‌یابد.

۳- هرچه وزنه ارزش‌های مورد هدف و آرزوها بیشتر شود احساس محرومیت نسبی افزایش می‌یابد.

۴- هرچه کوشش فرد برای دستیابی به یک ارزش بیشتر باشد اهمیت آن ارزش برایش بیشتر می‌شود

۵- هرچه امکان به دستیابی ارزش‌های مورد نظر یا ارتقاء اجتماعی کمتر باشد احساس محرومیت نسبی افزایش می‌یابد.

۶- هرچه ارزش‌های مورد دستیابی (مقام، پول و درجات عالیّه مثلاً آموزشی) انعطاف‌ناپذیرتر (یعنی کمتر قابل دستیابی باشد) امکان ارتقاء اجتماعی کمتر می‌شود.

۷- هرچه امکانات مختلف دستیابی به انواع هدف‌های با ارزش بیشتر شود (مثلاً در ارتش، ادارات، کارخانه) همچنین احساس امکان ارتقاء بیشتر می‌شود.

۸- هرچه میزان مدرنیزه کردن جامعه بیشتر باشد انتظارات مردم بیشتر (و امکانات کمتر) و لذا امکان پیدایش بی‌عدالتی و محرومیت نسبی افزایش می‌یابد.

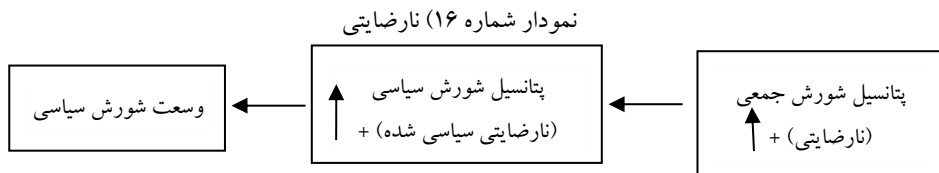
۹- در این رابطه گسترش و بالا رفتن آموزش به‌عنوان یکی از اقدامات مدرنیزاسیون موجب بالا رفتن سطح انتظارات و لذا پیدایش بی‌عدالتی و محرومیت نسبی می‌شود.

۱۰- هرچه احساس محرومیت نسبی بیشتر شود همبستگی و پیوندهای سنتی گروهی کمتر می‌شود.

۱۲- هرچه نیاز به قدرت در بین مردم (بالاًخص در بین قشر متوسط که در پی پیشرفت اقتصادی و مدرنیزه کردن به وجود می‌آید) بیشتر باشد امکان پیدایش محرومیت نسبی افزایش می‌یابد.

۱۳- هرچه مشروعیت یک نظام کمتر شود مردم یک شورش را بیشتر تأیید می‌کنند.

گور نتایج کار خود را با چند دیاگرام بنام مدل علی متغیر وسعت شورش سیاسی تشریح می‌کند.



گور در واقع همان نکته را که افلاطون گفته بود (به مال خود قناعت نکردن، چشم به مال دیگران داشتن، حسادت) به زبان علمی‌تر با مفاهیم جدیدتر و به طور دقیق‌تر تشریح می‌کند او از این نیز فراتر می‌رود و اولاً شرایط پیدایش احساس محرومیت نسبی و انواع آن را ارائه می‌دهد و ثانیاً به برخی دیگر از عوامل که بعد از پیدایش احساس بی‌عدالتی نسبی باید وجود داشته باشند تا شورش روی بدهد نیز اشاره می‌کند سازمان‌دهی بسیج و تضعیف ارتش، اما داهرن‌دروف شرایط سازمان‌دهی ارتش را دقیق‌تر تشریح کرده است و جانسون نیز عامل تضعیف ارتش را قبلاً به‌عنوان علت مهم انقلاب مطرح ساخته بود بنابراین ارزش کار گوردر این است که اولاً احساس بی‌عدالتی نسبی را

به‌عنوان علت انقلاب به طور دقیق تشریح می‌کند و ثانیاً یک گام از دیویس جلوتر رفته آن را به ابعاد مختلف (دیاگراف‌های علی) و به انواع متفاوت تجزیه می‌نامند در عین حال انواع مختلف منحنی‌ها از فاصله بین انتظارات و امکانات به نظر نمی‌رسد.

لذا مادر این نظریه از بحث انقلاب و فروپاشی صرف‌نظر می‌کنیم و فقط تا بحث اعتراض و نارضایتی که موضوع اصلی این تحقیق می‌باشد اکتفا و به تشریح و تبیین آن می‌پردازیم.

نظریه هابرماس (نظریه پرداز معاصر)

هابرماس، نظریه‌پرداز معاصر، نظریه‌ای دارد مبنی بر بحران مشروعیت و عقلانیت ابزاری بدین صورت که نظام سیاسی اداری با قبض کردن یا سرکوب حوزه عمومی به وسیله آگاهی فن‌سالارانه یا همان ایدئولوژی دروغین یعنی عقلانیت ابزاری طبقه متوسط و ضعیف جامعه را به خدمت و استثمار می‌کند یعنی با عقلانیت ابزاری (آگاهی فن‌سالارانه یا ایدئولوژی دروغین) یعنی عقل در خدمت تکنولوژی و علم و دانش و تکنولوژی و ابزار جدید که همان رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی می‌باشد انسان‌ها را به خدمت می‌گیرد و استثمار می‌کند و بر کل جامعه مسلط می‌شود که در واقع عقل به‌عنوان ابزاری در خدمت طبقه حاکم و مسلط جامعه می‌باشد و در واقع ناعقلانیتی و عقلانیت ابزاری که توسط علم و ابزارآلات جدید و ایدئولوژی جدید دروغین بر کل جامعه حاکم می‌شود.

تعریف حوزه عمومی

همه مردم به دور از هرگونه وابستگی، انتقاد و مباحثه آزاد داشته باشند و افکار عمومی جامعه را شکل دهند و با گفتار موقعیت آرمانی و راستین بتوانند مشکلات و معضلات عمومی جامعه را به دور از هرگونه فشار و وابستگی سیاسی مطرح و با طرح موضوع این‌گونه مباحث و انتقادهای آزادانه بتوانند افکار عمومی جامعه را شکل دهند و با طرح این‌گونه مباحث آزاد، راه برون‌رفت را با نظر جمعی از دانشمندان و خبرگان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و شکل قوانین و مقررات در سیاست تصمیم‌گیر و مطرح تا بتواند مشکلات و معضلات عموم جامعه را به دور از هرگونه وابستگی شخصی و حزبی و دولتی و طبقه مسلط جامعه حل نماید که به سه سیستم تقسیم می‌شود:

۲- زیرسیستم سیاسی

۳- زیرسیستم فرهنگی و اجتماعی

تعریف عقلانیت ابزاری (آگاهی فن سالارانه): یعنی عقل در خدمت تکنولوژی و علم یعنی با آمدن و دستیابی به علم و دانش و تکنولوژی انسان‌ها در خدمت علم و تکنولوژی قرار می‌گیرد، برای اینکه طبقه مسلط و حاکم جامعه، طبقه‌ای پایین جامعه را استثمار کند ایدئولوژی دروغین که همان علم و دانش و تکنولوژی و ابزارهای جدید که همان رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی می‌باشد انسان‌ها را به خدمت می‌گیرد و به استثمار خود ادامه می‌دهد و بر کل جامعه مسلط می‌شود که در واقع عقل به‌عنوان ابزاری در خدمت طبقه حاکم و مسلط جامعه می‌باشد و در واقع نا عقلانیتی و عقلانیت ابزاری که توسط علم و دانش جدید و ایدئولوژی جدید دروغین بر کل جامعه حاکم می‌شود.

بحران مشروعیت

"وقتی طبقه حاکم جامعه با ایدئولوژی دروغین و آگاهی فن سالارانه به استثمار خود ادامه بدهد یعنی با افزایش توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌خواهد حوزه عمومی و افکار عمومی را پنهان نگه دارد و افکار عمومی را گول بزند و این کار را با افزایش توسعه اقتصادی و اجتماعی انجام می‌دهد که با افزایش توسعه به حد مرز رسیدن سرکوب حوزه عمومی موجب مشخص شدن ردپای سرکوب و استثمار در جامعه مشاهده می‌شود یعنی با افزایش توسعه اقتصادی با تنظیم قوانین حقوقی و اقتصادی برای سرمایه‌داران بخش خصوصی جهت توزیع کالا و خدمات و کاهش مالیات و جانب‌داری از سرمایه‌داران مثل بنگاه‌داران و کمپانی‌های بزرگ مثل شرکت‌های اتومبیل‌سازی و هواپیماسازی که موجب از دست دادن مشروعیت و یا کسر مشروعیت و یا همان نارضایتی توده عموم مردم می‌شود که موجب بحران اجتماعی و فرهنگی و به تبع بحران مشروعیت می‌شود که برای تبیین این نظریه سه زیرسیستم

۱- سیستم اقتصادی

۲- سیستم سیاسی- اداری

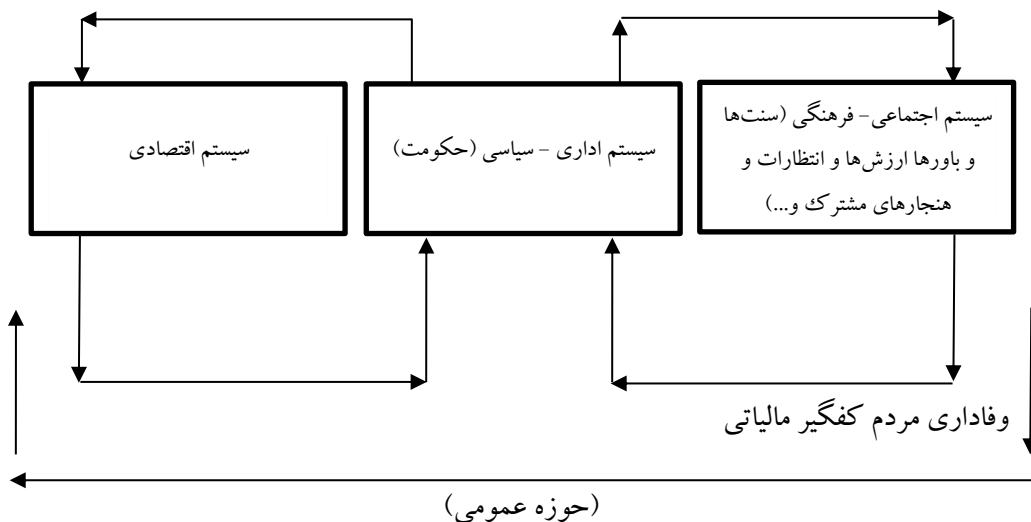
۳- سیستم اجتماعی فرهنگی (سنت‌ها و ارزش‌ها و باورها و هنجارها) پیش‌بینی می‌کند که به شرح ذیل به تفضیل و تبیین آن می‌پردازیم:

سیستم اقتصادی کالا و خدمات را برای سیستم سیاسی-اداری تأمین و سیستم اقتصادی نیازمند قوانین حقوقی و مالیاتی از سیستم واداری جهت حفظ و امنیت سرمایه و کاهش مالیاتی می‌باشد و دولت باید اقتصاد را در مسیری هدایت کند که شرایط مساعدی برای رشد اقتصادی فراهم گردد و سیستم اقتصادی برای حفظ و نگهداری سرمایه خود به حمایت دستگاه سیاسی بزرگ حکومتی (سیاسی-اداری) نیازمند است و سیستم سیاسی-اداری برای حفظ و سرپا بودن به سود و مالیات‌های بخش خصوصی (سیستم اقتصادی) نیازمند است، اما از سوی دیگر سیستم سیاسی واداری به وفاداری و رضایت انبوه مردم نیازمند است و به همین جهت درآمدهای مالیاتی را برای خدمات اجتماعی و آموزشی رفاهی و ایدئولوژی که کل نظام را مشروعیت می‌بخشد (مثل آگاهی فن سالارانه و ایدئولوژی دروغین) صرف می‌کند و نظام را تقویت می‌کند زمانی که یکی از سیستم‌ها نتوانند کمیت لازم را و یا انتظارات لازم را برای دیگر سیستم‌ها جبران کنند بحران به وجود می‌آید و کسر از مشروعیت به وجود می‌آید که این کسر از مشروعیت می‌بایست جبران شود و اگر جبران نشود منجر به بحران مشروعیت می‌شود کسر از مشروعیت در قالب استعاره‌های کسر از بودجه دولتی تأمین و پوشش داده می‌شود و تقاضاهای اضافه‌بار به سیستم یا سرریز کردن بودجه دولتی کسر بودجه تأمین می‌شود البته برای مدتی به صورت مسکن این نیاز تأمین می‌شود به‌عنوان مثال جانب‌داری دولت از بخش خصوصی و سرمایه‌داری از بانک‌ها و شرکت‌های اتومبیل‌سازی که موجب کاهش خدمات رفاهی و آموزشی که موجب نارضایتی و عدم وفاداری انبوه مردم از حکومت و سیستم سیاسی واداری که موجب بحران انگیزشی و متعاقباً بحران مشروعیت می‌شود که این موضوع با مدل ذیل تبیین می‌گردد (پیوزی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

سرکوب یا قبضه حوزه عمومی + عقلانیت ابزاری (ایدئولوژی دروغین) ← بحران مشروعیت (نارضایتی) ← انقلاب و فروپاشی

نمودار شماره ۱۸) عملکردهای رفاه اجتماعی و هدایتی

عملکردهای رفاه اجتماعی عملکردهای هدایتی



که در این تحقیق تا بحران کسر از مشروعیت یا بحران مشروعیت و نارضایتی مورد بحث ما می‌باشد و از انقلاب و فروپاشی بحثی نخواهیم داشت.

نظریه کارل مارکس

کارل مارکس نیز نظریه معروفی دارد بنام انقلاب دارد که مدل چگونگی رخ دادن این انقلاب به شرح ذیل می‌باشد.

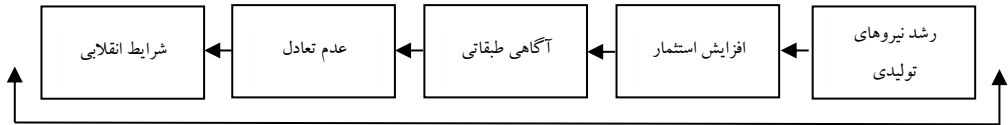
کمون اولیه ← برده‌داری ← فئودالیت ← سرمایه‌داری ← سوسیالیسم ← کمونیسم

کارفرما	ارباب	برده‌دار
کارگر	رعیت	برده

ماركس جامعه را به دو قسمت تقسيم مي كند: ۱- روبنا و ۲- زيربنا

روبنای جامعه را دولت ایدئولوژی و فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و باورها و آداب و رسوم و موقعیت‌های اجتماعی و زیربناء جامعه را اقتصاد تشکیل می‌دهد که شامل نیروهای تولیدی و روابط تولیدی می‌باشد که با رشد نیروهای تولیدی و عدم رشد روابط تولیدی عدم تعادل در جامعه به وجود می‌آید که با عدم تعادل شرایط عینی انقلاب برای جامعه فراهم می‌گردد که با افزایش رشد نیروهای تولیدی و عدم رشد روابط تولیدی خودبه‌خود در جامعه انقلاب به دست نیروهای کارگر رخ می‌دهد که این موضوع را با مدل ذیل تبیین می‌کنیم.

نمودار شماره ۲۰) شرایط سیاسی



(شرایط سیاسی یا زمینه ذهنی انقلاب)

ماركس در كتاب مانيفست كمونيسم اين گونه بيان مي كند كه تاريخ هر جامعه‌ای تا به امروز تاريخ مبارزه طبقاتی است ماركس موتور محرک تمامی جوامع را جنگ طبقاتی بین دو طبقه اصلی جامعه می‌داند وی در تعریف طبقه می‌گوید هر جامعه‌ای یک شیوه تولید دارد برای مثال جامعه کشاورزی شیوه تولیدش کشاورزی و جامعه صنعتی شیوه تولیدش صنعتی است نیز هر شیوه تولیدی یک نوع ابزار تولید دارد برای مثال جامعه کشاورزی ابزار تولیدش زمین و جامعه صنعتی ابزار تولیدش کارخانه (ماشین‌هایی که در کارخانه هستند) است که نسبت بدین ابزار تولید افراد جامعه به سه دسته تقسیم می‌شوند که هر دسته را یک طبقه می‌نامند.

دسته اول کسانی هستند که مالک ابزار تولیدند برای نمونه در شیوه کشاورزی زمین‌دار یا فئودال صاحب زمین است، دسته دوم کسانی‌اند که مالک ابزار تولید نیستند بلکه مالک نیروکار یا بازوی کار هستند به دیگر سخن می‌توانند کار کنند ولی سرمایه ندارند مثل رعیت و دهقانان فاقد زمین کشاورزی و کارگران کارخانه که فقط کار می‌کنند و سهمی از در سرمایه کارخانه ندارند و دسته سوم آنانی‌اند که ممکن است ابزار تولید داشته باشند یا نداشته باشند اما ویژگی مشترک آن‌ها این

است که ارباب خود و نوکر خود هستند نه ارباب دارند و نه نوکر مانند دهقانی که چند هکتار زمین دارد و روی زمین خوش کار می‌کند یا مشاغلی مثل آرایش گری و قصابی یا پزشکی و روزنامه‌نگاری این دسته را طبقه متوسط و یا به تعبیر مارکس طبقات متوسط می‌خوانند که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان طبقات متوسط را به دو دسته تقسیم نمود: ۱- طبقات متوسط قدیم: مانند خواربارفروش، قصاب، آرایشگر، ۲- طبقات متوسط جدید: پزشک مهندس روزنامه‌نگار، کارمندان دولت مارکس پیش‌بینی می‌کرد که طبقات متوسط در آینده دونیمه می‌شوند نیمه‌ای که اکثریت باشند به کارگرمی پیوندد و دیگر نیمه که اقلیت باشند به طبقه سرمایه‌دار می‌پیوندد که از این طبقات به‌عنوان طبقات اجتماعی یاد کرد و همچنین در دستگاه فکری مارکس چند واژه وجود دارد که دانستن آن‌ها به فهم ایده‌های مارکس کمک می‌کند این واژه‌ها عبارتند از:

الف) آگاهی کاذب

ب) آگاهی طبقاتی

پ) همبستگی طبقاتی

ج) تضاد یا ستیز طبقاتی

چ) ارزش اضافی

ح) از خود بیگانگی

خ) مالکیت

الف) آگاهی کاذب: مارکس بر آن است که آگاهی کاذب هر آگاهی است که کارگر را به سازگاری با سرمایه‌دار تشویق و ترغیب سازد به دیگر سخن هر آگاهی که طبقه کارگر را به سازش با طبقه سرمایه‌دار بکشاند آگاهی کاذب است مثل آگاهی مذهبی و آگاهی ملی و دین را افیون توده می‌داند و مارکس در بین سه نوع آگاهی مذهبی، قومی و طبقاتی به آگاهی طبقاتی تأکید می‌ورزد و دو نوع دیگر را آگاهی کاذب و مانع از آگاهی طبقاتی برمی‌شمارد.

ب) آگاهی طبقاتی: به اعتقاد مارکس آگاهی‌های کاذب اندک زمانی طبقه کارگر را به خود مشغول می‌سازد لیک آنان سرانجام آگاهی‌های کاذب را به سویی می‌نهند و به آگاهی طبقاتی دست می‌یابند در جامعه صنعتی آگاهی طبقاتی در میان طبقه کارگر روی می‌دهد زیرا این طبقه دارای شرایط ویژه‌ای است مارکس معتقد است که آگاهی طبقاتی سه مرحله دارد:

۱- آگاهی سطحی

۲- آگاهی میانی

۳- آگاهی عمیق

ج) همبستگی طبقاتی: آگاهی طبقاتی میانی کارگر را به مرحله همبستگی طبقاتی می‌کشاند همبستگی طبقاتی یعنی دست زدن به اقدامی مشترک برای رسیدن به اهداف اقتصادی یعنی پایان از خود بیگانگی و تضاد بین کارگران و شروع همبستگی‌های مشترک سیاسی مثل اعتصاب عمومی کارگران کارخانه‌ها با پایین بودن حقوق و دستمزد آنان.

د) تضاد یا ستیز طبقاتی: ستیز طبقاتی جنگ تمام‌عیار طبقه کارگر با طبقه سرمایه‌دار و حامیان حکومتی‌اش می‌باشد این ستیز پس از چندی فروپاشی نظام سیاسی سرمایه‌داری را در پی خواهد داشت با فروپاشیدن نظام سرمایه‌داری نظام جدیدی بنیان می‌گیرد مارکس آن نظام را سوسیالیستی نام می‌نهد و دولت کارگر پدید می‌آید که با از بین بردن سرمایه‌داران تمامی مالکیت‌ها را از آن دولت می‌سازد و تمامی افراد می‌باید از دولت حقوق خود را دریافت کنند مارکس بر آن است که ریشه تمامی فسادها مالکیت خصوصی است از همین روی در نظام سیاسی سوسیالیستی مالکیت خصوصی کنار نهاده می‌شود و مالکیت دولتی پا می‌گیرد از دیدگاه مارکس دو نوع رقابت در نظام سرمایه‌داری وجود دارد که هر دو نوع آن به ضرر طبقه کارگر است:

۱- رقابت بین سرمایه‌دار و کارگر

۲- رقابت میان سرمایه‌داران و در زمانی که رقابت بین سرمایه‌داران وجود دارد و هیچ‌گاه با هم آشتی و صلح نخواهند کرد و این رقابت به ضرر کارگر تا مرز له شدن آنان تمام می‌شود.

خ) ارزش اضافی: سودی که از راه کاهش حقوق و دستمزد کارگران و سود قیمت کالای تمام شده به دست می‌آید که سرمایه‌داران به جبران ضرر و زیان خود از این راه می‌پردازند و با به جیب زدن ارزش اضافی همیشه با هم رقابت می‌کنند.

ح) از خود بیگانگی: انسان و نیروی کار خود را به یک کالا مبدل می‌شود و کارگر کار خود را به سرمایه‌دار که دست‌اندرکار سرمایه بیشتر است می‌فروشد و کارگران آن‌قدر به صورت یک کالای مصرف تبدیل شده‌اند و نیروکار خود را به صورت ارزان در اختیار کارفرما قرار می‌دهند که از خود و همدیگر به دلیل تقسیم کار بیگانه شده‌اند و از هم فاصله گرفته‌اند و غافل هستند از اینکه این نیروهای کار انسانی کارخانه به دست آنان تأمین می‌شود و اگر آنان نباشند کارخانه نمی‌تواند هیچ کالایی تولید کند و سرمایه‌دار از هم متلاشی می‌شود.

د) مالکیت: مارکس معتقد است مالکیت خصوصی در نظام سرمایه‌داری می‌بایست از بین برود و جای آن را مالکیت دولتی بگیرد تا همه کارگران به حق حقوق خود برسند.

خلاصه چگونگی نظریه مارکس (تئوری انقلاب): "برای مارکس جامعه اساساً نظامی عملکرد یکنواخت در شکل یک ارگانسم اجتماعی یک سیستم اجتماعی یا کالبد ایستای اجتماعی نیست برعکس از دید وی خصیصه غالب جامعه را تحول مستمر تشکیل می‌دهد آن هم نه صرفاً تحول مستمر عناصر جامعه بلکه دگرگونی مداوم خود قالب ساختاری آن می‌باشد در این مدل تضادها به مبارزه طبقاتی می‌انجامد طبقه استثمارشده یا محکوم دچار از خود بیگانگی می‌گردد و آگاهی طبقاتی خود را توسعه می‌دهد آگاهی که نهایتاً وی را به اقدام برای سرنگونی سازی طبقه مسلط یا حاکم رهنمون می‌سازد این تئوری رشد بورژوازی یعنی رشد این طبقه‌ای را که نوسازی جامعه به دست آن دلیل انقلابی بودنش است مسلم فرض می‌کند با رشد این طبقه و توفیق آن در انهدام جامعه فئودالی، قوه محرکه جدیدی در اجتماع احساس می‌شود این قوه نیرویی است که از گرایش‌های پویایی محرکه جدیدی در اجتماع احساس می‌شود این قوه نیرویی است که از گرایش‌های پویایی بورژوازی ناشی می‌گردد همگام با پیشرفت بورژوازی از طریق بهبود فناوری ابزار تولید و تداوم سرمایه‌گذاری، طبقه کارگر یا پرولتاریا نیز رشد می‌کند همراه با رشد جناح صنعتی جامعه پرولتاریا هرچه بیشتر استثمار و ناراضی‌تر می‌گردد، افزایش ناراضی‌تی به این آگاهی می‌انجامد که ریشه

مشکلات موجود در شیوه تولیدی است که ساختار روابط اجتماعی را معین می‌سازد این آگاهی، اعضای طبقه پرولتاریا را به تشکیل گروه‌های معترض با حکام رهنمون می‌سازد عاقبت هنگامی که ابزار تولید به پیشرفته‌ترین مراحل خود رسیده باشند و پرولتاریا نیز توان انقلابی خویش را به فعلیت درآورد بورژوازی ساقط و پرولتاریا مسلط می‌گردد، پرولتاریا پس از توفیق در براندازی بورژوازی باید به تضادهای طبقاتی به جای مانده بپردازد که این کار در دوره دیکتاتوری پرولتاریا انجام خواهد شد. انقلاب زمانی پیروز خواهد شد که این تضادها نابود و جامعه بی طبقه ایجاد شده باشد" (کوهن، ۱۳۸۵:۹۸) لذا در این تحقیق تا مرحله تضاد و یا اعتراض و نارضایتی مدنظر می‌باشد و موضوع انقلاب و یا فروپاشی مورد بحث نمی‌باشد.

نظریه هومنز

هومنز نظریه‌ای دارد بنام نظریه مبادله، که عبارتند از چهار قضیه:

۱- قضیه موفقیت

۲- قضیه انگیزه

۳- قضیه ارزش (تشویق و تنبیه)

۴- قضیه محرومیت و اشباع

۵- قضیه پرخاش و تأیید

"قضیه موفقیت: از میان تمام اعمالی را که شخص انجام می‌دهد بیشتر اوقات ممکن عملی را که به پاداش منتهی می‌شود تکرار می‌کند و آن موفقیت نامیده می‌شود.

قضیه انگیزه: موقعیتی را یک فرد دارد و آن موقعیت موجب تحریک و تکرار عملی که احتمال دستیابی به پاداش می‌شود را انگیزه می‌نامند.

قضیه ارزش (تشویق و تنبیه): پاداش و مجازات عملی را که اشخاص انجام می‌دهد.

قضیه محرومیت و اشباع: کم کردن پاداش به ارزش عملی افزوده می‌شود که موجب محرومیت و اضافه دادن و یا زیاد دادن پاداش و یا تکرار پاداش از ارزش عملی کم می‌کند و مشروط به اینکه نیاز را کم و پاداش را بی‌اثر و در واقع اشباع به وجود می‌آید.

قضیه پرخاش و تایید: دست نیافتن به موقعیت برتر موجب ناکامی و نهایتاً موجب پرخاش و وقتی درجه ناکامی بیشتر می‌شود پرخاش بیشتر می‌شود و برعکس دست یافتن به موقعیت برتر و بالاتر موجب اعتماد به نفس بالاتر و نهایتاً عمل اشخاص موجب قبول و یا همان تأیید افراد و اشخاص دیگر قرار می‌گیرد (توسلی، ۳۹۹ و ۳۹۵ و ۳۹۳:۱۳۸۷).

نظریه گافمن

گافمن نظریه‌ای به نام نظریه نمایشی دارد بنابراین نظریه زندگی اجتماعی یک رشته اجرای نقشه‌ای نمایشی همانند ایفای نقش در صحنه نمایش است.

"گافمن می‌پنداشت که افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای از خود را نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد اما کنشگر حتی انجام این عمل می‌دانند که حضارشان ممکن است در اجرای نقش آن‌ها اختلال ایجاد کنند به همین دلیل کنشگران نیاز به نظارت بر حضار را احساس می‌کنند به‌ویژه مراقب عناصری‌اند که ممکن است اختلال‌گر باشند کنشگران امیدوارند که خودی را که به حضار نشان می‌دهند به اندازه‌ای نیرومند باشد که آن‌ها را به همان‌سان که خودشان می‌خواهند نمایش دهد کنشگران همچنین امیدوارند که نمایش آن‌ها حضارشان را وادارد تا داوطلبانه به دلخواه آن‌ها عمل کنند گافمن این علاقه اصلی را به‌عنوان مدیریت تأثیرگذاری مطرح کرد" (ریتزر، ۲۹۲:۱۳۷۴).

جلوی صحنه: آن بخشی از اجرای نقش است که معمولاً به صورتی ثابت و عمومی اجرا می‌شود تا موقعیت را برای کسانی که نمایش را می‌بینند مشخص کند گافمن در قالب مفهوم جلوی صحنه، میان محیط و نمای شخصی تمایز قائل می‌شود محیط به آن صحنه فیزیکی اطلاق می‌شود که معمولاً باید آماده باشد تا کنشگران اجرای نقش کنند بدون این محیط کنشگران معمولاً باید آماده باشد تا کنشگران اجرای نقش کنند بدون این محیط کنشگران معمولاً نمی‌توانند ایفای نقش کنند.

نمای شخصی: "به آن تجهیزات نمایشی اطلاق می‌شود که حضار آن‌ها را از آن اجراکنندگان می‌دانند و از آن‌ها انتظار دارند که این تجهیزات را در صحنه با خود حمل کنند و گافمن سپس نمای شخصی را به قیافه و منش تقسیم می‌کند قیافه شامل آن چیزهایی می‌شود که منزلت اجتماعی نمایشگر را به حضار نشان می‌دهد" (برای مثال روپوش یک جراح) منش به حضار یادآور می‌شود که چه نوع نقشی را باید از یک نمایشگر در یک موقعیت معین انتظار داشته باشند (برای مثال سبک و طرز رفتار پزشک مآبانه) منش عجولانه و منش صبورانه، دو نوع اجرای نقش کاملاً متفاوت را نشان می‌دهند ما عموماً انتظار داریم که قیافه و منش با یکدیگر همخوانی داشته باشد (ریتزر، ۱۳۷۴:۲۹۲).

هاله پوشی: بازیگران غالباً می‌کوشند تا با محدود ساختن میان خود و حضار هاله‌ای برای اجرایشان بپوشانند آن‌ها با ایجاد فاصله میان خود و حضار سعی می‌کنند در چشم حضار حرمتی برای خود فراهم کنند

پشت صحنه: جایی که واقعیت‌های جلوی صحنه واپس زده می‌شوند و انواع کنش‌های غیررسمی ممکن است اتفاق بیفتد هرچند که پشت صحنه معمولاً به جلوی صحنه نزدیک است اما غالباً فاصله‌ای میان این دو وجود دارد.

خارج از صحنه: صحنه سومی نیز وجود دارد که نه جلوی و نه پشت صحنه است بلکه خارج از صحنه قرار دارد و قلمرو باقیمانده به شمار می‌آید (اتاق کار یک استاد در زمان ملاقات با یک دانشجو جلوی صحنه و وقتی دانشجو آنجا را ترک می‌کند پشت صحنه است و زمانی که استاد در حال تماشای یک بازی بسکتبال دانشگاهی است خارج از صحنه است).

فاصله نقش: "گافمن در اثری به نام فاصله نقش این قضیه را مورد بررسی قرار می‌دهد که یک فرد تا چه اندازه یک نقش معین را پذیرا می‌شود به عقیده او از آنجا که نقش‌های فراوان و گوناگونی وجود دارند آدم‌ها معمولاً یک نقش معین را به گونه‌ای کامل انجام نمی‌دهند فاصله نقش درجه کناره‌گیری افراد از نقش‌های محوشان اطلاق می‌شود" (ریتزر، ۱۳۷۴:۲۹۷).

داغ خورده: "در هر کسی که شکاف میان دو هویت اجتماعی با بالفعل و هویت اجتماعی بالقوه به وجود آید داغ خورده است که به افراد داغ خورده به دو نوع تقسیم می شوند به ترتیب: ۱- داغ بی اعتباری (مثال برای کسی که فلج است یا یک پایش را از دست داده است) ۲- داغ احتمال بی اعتباری (برای مثال کسی که مقعدش جراحی شده یا در گذشته سابقه همجنس بازی داشته است و حضار تفاوت ها را نمی دانند و نه می توانند تصورش را بکنند) " (ریتزر، ۲۹۸: ۱۳۷۴).

تالکوت پارسونز

"پارسونز نظریه ای دارد که درباره کار گردگرایی ساختاری بحث می کند و از چهار تکلیف کار کردی مشهورش که برای همه نظام های کنشی بحث کرده است پارسونز معتقد است که چهار تکلیف است که برای همه نظام ها ضرورت دارند (یا ویژگی های آنها است):

۱- تطبیق

۲- دستیابی به هدف

۳- یکپارچگی

۴- سکون یا نگهداشت الگو. هر نظامی برای زنده ماندن باید این چهار کار کرد را انجام دهد:

۱- تطبیق: هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته است تطبیق دهد، یعنی باید خودش را با محیطش تطبیق دهد و محیط را نیز با نیازهایش سازگار سازد.

۲- دستیابی به هدف: یک نظام باید هدف های اصلی اش را تعیین کند و به آنها دست یابد.

۳- یکپارچگی: هر نظامی باید روابط متقابل اجزای سازنده اش را تنظیم کند و به رابطه میان چهار تکلیف کار کردیش نیز سر و صورتی بدهد.

۴- سکون یا نگهداشت الگو: هر نظامی باید انگیزش های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند.

این چهار تکلیف در کلی‌ترین سطح آن، با چهار نظام کنش پیوند دارند:

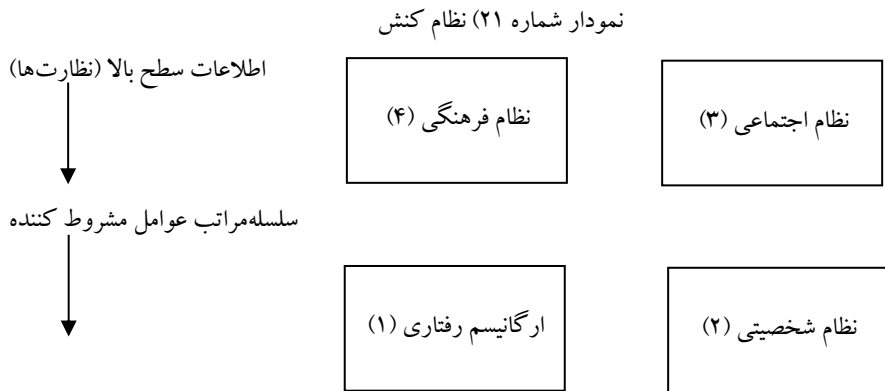
ارگانسیم زیست‌شناختی: نظام کنش است که کارکرد تطبیقی‌اش را از طریق سازگاری و تغییر شکل جهان خارجی انجام می‌دهد.

نظام شخصیتی: کارکرد دستیابی به هدف را از طریق تعیین هدف‌های نظام و بسیج منابع برای دستیابی به آن‌ها انجام می‌دهد.

نظام اجتماعی: با تحت نظارت درآوردن اجزای سازنده‌اش، کارکرد یکپارچه را انجام می‌دهد.

نظام فرهنگی: کارکرد سکون را با تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزش‌هایی که آن‌ها را به کنش برمی‌انگیزد انجام می‌دهد.

نظام کنش: اجزای اصلی سازنده نظریه کنش پارسونز به‌ویژه چهار نظام کنش او را در نمودار ذیل بیان می‌کنیم.



انرژی بالا (شرایط)

آشکار است که پارسونز برداشت روشنی از سطوح واقعیت اجتماعی و نیز روابطشان داشت. تنظیم سلسله‌مراتبی این واقعیت نیز آشکاراست این سطوح در نظام پارسونز به دو شیوه ترکیب شده‌اند نخست آن که هریک از سطوح پایین‌تر، شرایط و انرژی مورد نیاز را برای سطوح بالاتر

فراهم می کند دوم آنکه سطوح بالاتر سطوح زیرین خود را در این سلسله مراتب تحت نظارت دارند
" (ریترز، ۱۳۱:۱۳۷۴).

"از جهت محیط‌های فعالیت کنش سطح که همان محیط جسمانی و ارگانیکی است، جنبه غیر نمادین بدن انسان ساختمانی بدنی و اعضایش را شامل می شود در بالاترین سطح واقعیت غایی قرار دارد که به نظر جکسون توبی از صبغه‌ای مابعد طبیعی برخوردار است اما باز هم به گفته توبی پارسونز این واقعیت را یک امر فراطبیعی نمی انگارد بلکه منظورش از آن گرایش کلی جوامع بشری به برخورد نمادین با عدم قطعیت‌های دلواپسی‌ها و فجایع زندگی بشری است که با معنی دار بودن سازمان اجتماعی تعارض دارد در پنداشت‌هایی که پارسونز درباره نظام‌های کنش مطرح کرد با مسئله نظم روبرو می شویم که از آغاز کار مهم ترین نگرانش بود. مایه عمده انتقاد بر کارش نیز همین امر بوده است.

پارسونز به مسئله نظم به شیوه کارکردگرایی ساختاری پاسخ گفت که به نظر او با یک رشته مفروضات زیر عمل می کند:

- ۱- نظام‌ها از خاصیت نظم و وابستگی متقابل اجزاء برخوردارند.
- ۲- نظام‌ها گرایش به حفظ خود به خودی نظم یا توازن دارند.
- ۳- نظام‌ها می توانند ایستا یا با یک فراگرد دگرگونی سامانمند عمل کنند.
- ۴- ماهیت بخشی از نظام بر صورتی که بخش‌های دیگر نظام به خود می گیرند تأثیر می گذارد.
- ۵- نظام‌ها مرزهای محیطشان را حفظ می کنند.
- ۶- تخصیص و یکپارچگی، دو فراگرد بنیادی اند که برای حالت توازن نظام‌ها ضروری اند.
- ۷- نظام‌ها گرایش به حفظ خود دارند بدین معنی که مرزهای روابط اجزاء با کل را حفظ می کنند تنوعات محیطی را تحت نظارت دارند و گرایش به دگرگونی در داخل نظام‌ها را مهار می کنند، بنابراین خواننده‌ای که چهار نظام کنش مورد نظر پارسونز را مطالعه می کند این نکته

را باید در خاطر داشته باشد که این چهار نظام در جهان واقعی وجود ندارند بلکه بیشتر ابزارهای مفهومی برای تحلیل جهان واقعی به شمار می‌آیند" (ریتر، ۱۳۳:۱۳۷۴).

امیل دورکیم

دورکیم به عنوان بنیان‌گذار و پدر علم جامعه‌شناسی بوده است و به عنوان اولین کسی که به این علم به عنوان یک رشته علمی مشروعیت علمی بخشیده است و معتقد بود که می‌بایست پدیده‌های اجتماعی به صورت یک شیء واقعی یا یک واقعیت اجتماعی که در جامعه وجود دارد پذیریم و با این رویکرد به دنبال حل مسئله برویم و معتقد بود که نیروهای اجتماعی دارای انرژی و قدرت بیشتری از نیروهای فردی می‌باشد بنابراین علم اجتماعی یا علم جامعه‌شناسی مستقل از علم روانشناسی می‌باشد و علم جامعه‌شناسی مقدم‌تر از علم روانشناسی می‌باشد که بر همین اساس چند موضوع جامعه‌شناسی را به شرح ذیل بیان نمود.

۱- تقسیم کار اجتماعی (همبستگی اجتماعی): "جوامع ابتدایی به واسطه‌ای تشابهات نهفته در همبستگی مکانیکی به صورت یکپارچه درمی‌آیند و سپس این جوامع به جوامع پیشرفته تکامل پیدا می‌کنند در جوامع پیشرفته تمایزات نهفته در همبستگی ارگانیکی باعث یکپارچگی آنان می‌شود جوامع ابتدایی از تعداد کمی از افراد شبیه به هم تشکیل یافته که یک توده همگون و یکپارچه را به وجود می‌آورند. واکنش شدید احساسی در قبال تخطی از اصول اخلاقی سخت و بی‌رحم در درون وجدان جمعی - یعنی اعتقادات، ارزش‌ها، عقاید و احساسات مشترک گنجانیده شده است و قانون سرکوب‌گری که در کانون این وجدان جمعی قرار دارد شالوده کیفرهای بی‌رحمانه و مجازات شدید را تشکیل می‌دهد که به تشابهات نهفته در همبستگی مکانیکی تداوم می‌بخشد.

در طول زمان جوامع رشد پیدا می‌کنند و فشار بر منابعی که به شکل روزافزون کمیاب‌تر می‌شوند بیشتر می‌شود به اعتقاد دورکیم افزایش این نبرد برای ادامه‌ای حیات باعث تخصصی شدن و تقسیم کار می‌شود و امکان می‌دهد که همین منابع محدود در اختیار افراد بیشتری قرار بگیرد با دسته‌بندی شدن فعالیت مختلف فردی در نهادهای مختلفی که در کار خود تخصص دارند جامعه به لحاظ ساختاری و کارکردی دست‌خوش دگرگونی و تفکیک می‌شود افراد و نهادها بر اساس تمایزها و ناهمسانی مکمل که آنان را به مشکلی متقابل به یکدیگر وابسته می‌کند به یکدیگر مرتبط می‌شوند

وجدان جمعی ضعیف تر شده و حالتی انتزاعی تر پیدا می کند و امکان رشد فردیت و آزادی را فراهم می سازد همبستگی مکانیکی که بر پایه مشابهت و وجدان جمعی قدرتمند بنا شده است و به طور فزاینده ای جای خود را به تقسیم کاری می دهد که محصول یک همبستگی ارگانیک است این همبستگی ارگانیکی بر اساس وابستگی متقابل دوسویه افراد و گروه ها به یکدیگر شکل می گیرد، قانون بازدارنده عمداً جایگزین قانون سرکوب گر می شود قانونی که دیگر در پی انتقام گرفتن نیست بلکه قصد دارد امور را به وضعیتی برگرداند که گویی تخطی از قانون اتفاق نیفتاده است به طور کلی مشخصه تکامل اجتماعی حرکت از جوامع کوچک، ساده و همگون قبیله ای که یکپارچگی آنان به واسطه ای شباهت و وجدان جمعی قدرتمند و ملموس به وجود می آید به سمت جوامعی است که بزرگ مدرن، متمایز و صنعتی هستند و یکپارچگی این جوامع به واسطه وابستگی متقابل افراد و ساختارهایی است که به وسیله تقسیم کار به وجود آمده اند" (استونز، ۱۳۷۹: ۷۹).

۲- خودکشی: "دورکیم به تفاوت های فردی که در انگیزه شخصیت، میزان افسردگی یا سلامت روانی افراد وجود دارد توجهی نکرد بلکه درصدد آن بود که تفاوت های موجود در نرخ های خودکشی را توضیح دهد یعنی اینکه چرا این نرخ در یک گروه نسبت به گروهی دیگر پایین تر است یا اینکه چرا نرخ خودکشی مربوط به یک گروه خاص در طول زمان دست خوش تغییر می شود یا اینکه چرا نرخ خودکشی افراد در یک وضعیت اجتماعی نسبت به وضعیت دیگر بالاتر است دورکیم خودکشی را بر حسب دو متغیر مستقل، یعنی یکپارچگی و هنجار، تشریح و تبیین می کند، یکپارچگی و هنجار اگر بیش یا کمتر از حد معمول باشند باعث خودکشی می شوند از این رو بالا بودن میزان یکپارچگی (دگر خواهی) و پایین بودن میزان یکپارچگی (خودخواهی) و نیز بالا بودن میزان هنجارها (تقدیرگرایی) و پایین بودن میزان هنجارها (هنجار گسیختگی) باعث خودکشی می شود و خودخواهی و هنجار گسیختگی علل اصلی خودکشی در دنیای مدرن است هر چه میزان خودخواهی بیشتر، میزان نرخ خودکشی بالاتر است در مقایسه با سایر گروه های یکپارچه، گروه های خودخواهانه دارای نرخ تعامل کمتری هستند افراد آن بیش از آنکه به دیگری فکر کنند به خود فکر می کنند و تعداد پیوند کمتری با یکدیگر دارند معاشرت و حشرونشر کمتری در بین آنها وجود دارد و کنترل اجتماعی ضعیف تر است و هنجار گسیختگی به معنی ضعیف بودن قانون یا نبودن هنجار است هنجار گسیختگی مزمن به وسیله واسطه تغییرات ناگهانی در وضعیت فردی به وجود

می‌آید در مقابل هنجار گسیختگی بحرانی به واسطه تغییرات ناگهانی در وضعیت فردی خاص مثل طلاق یا از دست دادن همسر یا در نهادهای اجتماعی به طور مثال رونق و رکود اقتصادی به وجود می‌آید" (استونز، ۱۳۷۹: ۸۱).

۳- صور بنیانی حیات دینی: آخرین کار دور کیم موضوع دین و کارکرد آن بوده است که یکی از اساسی‌ترین کارهای انجام شده در قرن بیستم است و بدین صورت نتیجه می‌گیرد که کارکرد دین در جامعه یکپارچه کردن و انسجام آن است دین نظامی است از تقویت متقابل باورها، آیین‌ها (رفتار) و نمادها (که دربرگیرنده خود آیین‌ها و اشیاء می‌شود) باورها با خاطر نشان ساختن وظایف و مسئولیت‌های افراد به آن‌ها باعث به وجود آمدن آیین‌ها می‌شود آیین‌ها در حکم اجراء (نماد) فیزیکی قابل مشاهده هستند و باورها را تقویت می‌کنند با توجه به گستره باورها، محتوای آنان در درجه‌ای دوم اهمیت قرار دارد آنچه حائز اهمیت است خود باورهاست که باعث می‌شود افراد معتقد آیین‌ها را اجرا کرده و بدین ترتیب باورها و احساسات جمعی را اهمیت زیادی برخوردارند چون علیرغم جامعه نمی‌تواند به طور پیوسته‌ای برای اجرای آیین‌ها گرد هم آید، اما اشیاء و موضوعات می‌توانند در حکم یادآوری کننده‌ای باورها و تعهدات دینی عمل کنند و در نهایت این طور نتیجه می‌گیرد که:

۱- دین انضباط بخشی دارد.

۲- دین انسجام بخش می‌باشد.

۳- دین حیات بخش است.

۴- احساس خوشبختی است.

۵- احساس اطمینان نسبت به حقانیت جهان به وجود می‌آورد و این جاست که انسان‌ها از حالت

یاس و ناامیدی بدر می‌آید" (استونز، ۱۳۷۹: ۸۵).

درآمدی بر توسعه نآ آرام در جامعه اینثارگران / ۱۳۷

جدول شماره (۲۲) بررسی و مطابقت فرضیه‌ها با نظریه‌ها و شاخص‌های مربوطه

ردیف	فرضیه‌ها	نظریه‌ها	شاخص‌ها
۱	به نظر می‌رسد بین ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی اینثارگران با میزان رضایت اجتماعی جامعه اینثارگران رابطه وجود دارد	نظریه چالمرزجانسون: منابع درونی و بیرونی تغییر محیط و (رفاه نسبی) موجب تغییر ارزش‌ها و منابع درونی و بیرونی تغییر ارزش‌ها موجب تغییر محیط که در نتیجه موجب عدم تعادل (ناهماهنگی غیر کارکردی) و نارضایتی و نهایتاً موجب فروپاشی و انقلاب می‌شود	ارائه خدماتی مثل حقوق و درآمد و استخدام و مسکن و خودرو و تحصیلات عالی و بیمه درمان ...
۲	به نظر می‌رسد بین اعتقادات مذهبی و باورها و ارزش‌های قدیمی و سنتی (و معنوی و الهی) با میزان رضایت اجتماعی جامعه اینثارگران رابطه وجود دارد	نظریه مرتون: وقتی ارزش‌ها و نیازهای جدید وارد جامعه شوند و مردم آن ارزش‌ها را بپذیرند اما ابزار دستیابی به آن را نداشته باشند راه رسیدن به آن اهداف عملاً برایشان مسدود باشد احساس نارضایتی می‌کنند و به اقدام مغایر با سیستم موجود دست می‌زنند	بی‌حجابی و مصرف لوازم آرایش برای دختران و زنان جوان به‌عنوان ارزش و زنان دارای حجاب به‌عنوان زنان امل و عقب‌افتاده و نمایش و پوز دادن ماشین‌های مدل بالا و گران‌قیمت
۳	به نظر می‌رسد بین ساعات اوقات فراغت و یا بیکاری جدید با میزان رضایت اجتماعی جامعه اینثارگران رابطه وجود دارد	نظریه هابرماس: با قبضه و سرکوب حوزه عمومی به وسیله عقلانیت ابزاری (آگاهی فن سالارانه و ابزارآلات و تکنولوژی جدید و یا ایدئولوژی دروغین) موجب بحران مشروعیت و یا کسر از مشروعیت و نارضایتی و نهایتاً انقلاب و فروپاشی می‌گردد	افزایش بیکاری و طلاق و جدایی همسران و اعتیاد به مواد مخدر و سرقت و بزه‌کاری اجتماعی

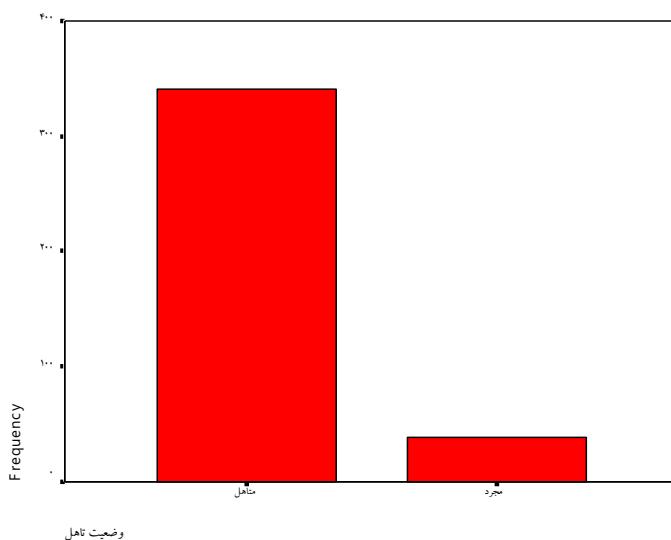
<p>عدم دارا بودن مسکن و یا خانه ویلایی در شمال و یا بالای شهر و دارا بودن خودرو گران قیمت و مدل بالا و تحصیلات عالی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی و غیردولتی</p>	<p>نظریه گور: وقتی در جامعه عده‌ای از مردم طبقات بالا دارای امکانات بالای باشند مردم طبق پایین جامعه شدیداً میل دارند که این امکانات را داشته باشند ولی راه برایشان فراهم نمی‌باشند که احساس محرومیت نسبی می‌کنند که این موضوع موجب نارضایتی و نهایتاً منجر به انقلاب می‌گردد</p>	<p>۴ به نظر می‌رسد بین احساس محرومیت نسبی (نابرابری اجتماعی) با میزان رضایت اجتماعی جامعه ایثارگران رابطه وجود دارد</p>
<p>صاحب حقوق و شغل شدن یعنی ارتقاء آنان به جایگاه اجتماعی بالاتر مثل حقوق‌بگیران و یا شاغلین دولت</p>	<p>نظریه کارل مارکس: آگاهی طبقاتی جامعه موجب تضاد طبقاتی و نارضایتی و نهایتاً منجر به انقلاب می‌شود</p>	<p>۵ به نظر می‌رسد بین ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی بالاتر با میزان رضایت اجتماعی جامعه ایثارگران رابطه وجود دارد</p>
<p>عدم پرداخت حقوق و مزایای بالا و یا استخدام و مسکن مناسب و یا بیمه درمان کامل</p>	<p>نظریه و منحنی دیویس: پس از یک مرحله رشد اقتصادی یک دوران رکود به وجود می‌آید در مرحله رشد اقتصادی انتظارات جدید به وجود می‌آید اما انتظارات و احساس جدید نمی‌ایستد ولی امکانات واقعی به زودی می‌ایستد که موجب نارضایتی و نهایتاً موجب انقلاب می‌گردد.</p>	<p>۶ به نظر می‌رسد بین ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید در جامعه ایثارگران با میزان رضایت اجتماعی جامعه ایثارگران رابطه وجود دارد</p>

درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه اینترگران / ۱۳۹

یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۲۳) توزیع فراوانی و درصد متغیر وضعیت تأهل

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
متأهل	۳۴۱	۸۹/۷
مجرد	۳۹	۱۰/۳
بدون پاسخ	۴	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰



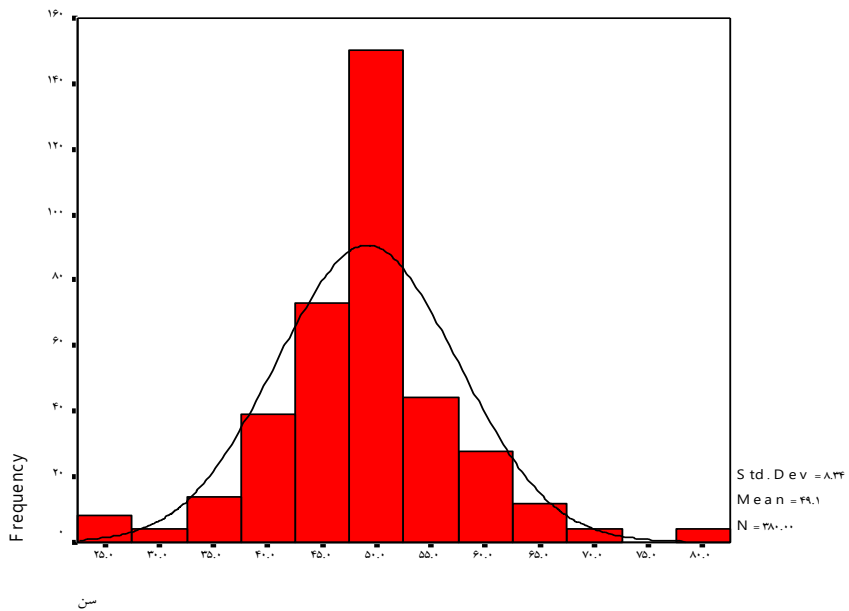
نمودار (۲۳) توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر وضعیت تأهل را نشان می‌دهد. ۳۴۱ نفر معادل ۸۹/۷ درصد متأهل، ۳۹ نفر معادل ۱۰/۳ درصد مجرد می‌باشند.

جدول شماره (۲۴) توزیع شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر سن پاسخگویان

سن	
۴۹/۱۳	میانگین
۴۹/۰۰	میانه
۵۲	نما
۵۶	دامنه تغییرات
۲۴	حداقل
۸۰	حداکثر

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پایین‌ترین سن پاسخگویان متعلق به کسانی است که سن ۲۴ سال را داشته و بالاترین سن متعلق به کسانی است که سابقه ۸۰ سال را دارند. سن بیش‌ترین افراد برابر با ۵۲ سال می‌باشد. سن نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۴۹ سال و نیمی دیگر بیش از آن می‌باشد. متوسط سن نمونه آماری برابر با ۴۹ سال می‌باشد. در ارزیابی کلی از متغیر سن پاسخگویان باید اذعان داشت که توزیع این متغیر در نمونه مورد مطالعه نرمال است.

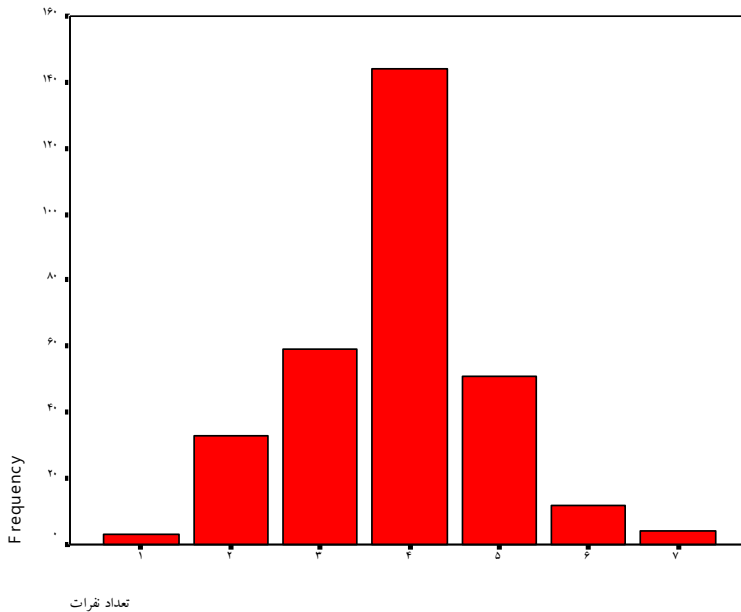
درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه اینترگران / ۱۴۱



جدول شماره ۲۵) توزیع فراوانی و درصد متغیر تعداد نفرات در صورت تأهل

درصد	فراوانی	گزینه‌ها
۱/۰	۳	۱ نفر
۱۰/۸	۳۳	۲ نفر
۱۹/۳	۵۹	۳ نفر
۴۷/۱	۱۴۴	۴ نفر
۱۶/۷	۵۱	۵ نفر
۳/۹	۱۲	۶ نفر
۱/۳	۴	۷ نفر
-	۷۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۳۸۴	تعداد کل

۱۴۲ / درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه ایتاگران

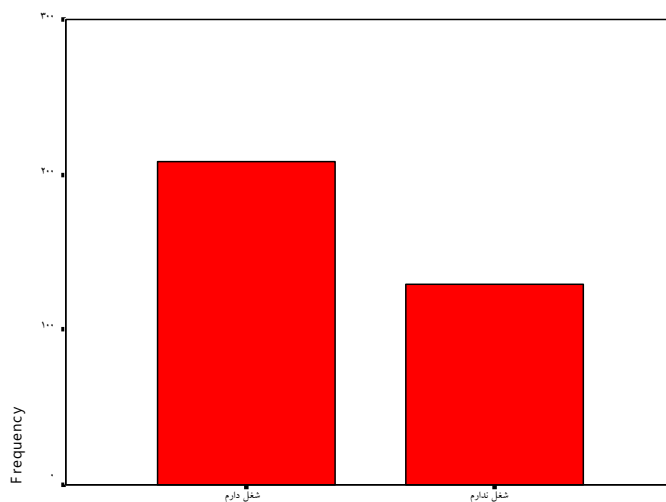


نمودار ۲۵) توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر تعداد نفرات خانواده در صورت وضعیت تأهل را نشان می‌دهد. ۱۴۴ نفر معادل ۴۷/۱ درصد که بیشترین افراد را تشکیل می‌دهند دارای ۴ نفر در خانواده می‌باشند.

جدول شماره ۲۶) توزیع فراوانی و درصد متغیر شغل

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
شغل ندارم	۲۰۸	۶۱/۷
شغل دارم	۱۲۹	۳۸/۳
بدون پاسخ	۴۷	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰

درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه اینترگران / ۱۴۳



شغل

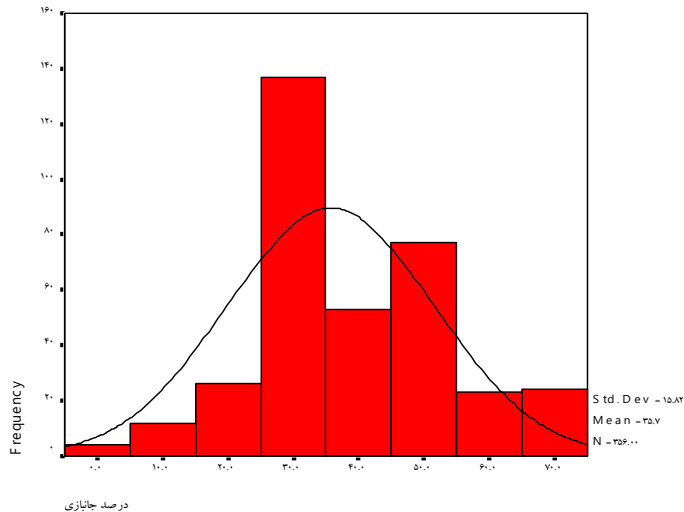
نمودار (۲۶) فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر شغل را نشان می دهد. ۲۰۸ نفر معادل ۶۱/۷ درصد غیر شاغل و ۱۲۹ نفر معادل ۳۸/۳ درصد شاغل می باشند.

جدول شماره (۲۷) توزیع شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیر درصد جانبازی پاسخگویان

درصد جانبازی	
۳۵/۷۱	میانگین
۳۰/۰۰	میانه
۲۵	نما
۶۶	دامنه تغییرات
۴	حداقل
۷۰	حداکثر

همان طور که ملاحظه می شود، پایین ترین درصد جانبازی پاسخگویان متعلق به کسانی است که درصد جانبازی ۴ درصد را داشته و بالاترین درصد جانبازی متعلق به کسانی است که ۷۰ درصد جانبازی را دارند. درصد جانبازی بیشترین افراد برابر با ۲۵ درصد می باشد. درصد جانبازی نیمی از پاسخگویان مساوی یا کمتر از ۳۰ درصد و نیمی دیگر بیش از آن می باشد. متوسط درصد جانبازی

نمونه آماری برابر با ۳۵ درصد می‌باشد. در ارزیابی کلی از متغیر درصد جانبازی پاسخگویان باید اذعان داشت که توزیع این متغیر در نمونه مورد مطالعه نرمال نیست.

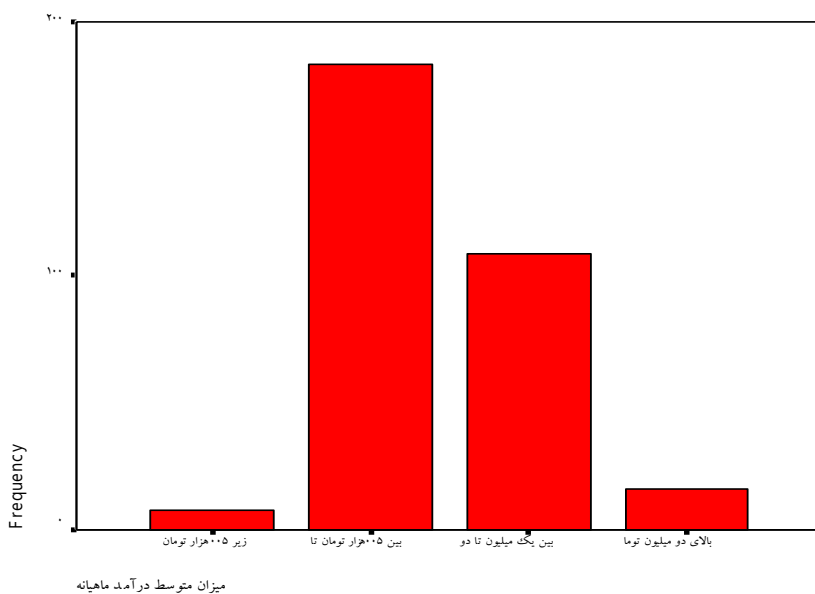


جدول شماره ۲۸) توزیع فراوانی و درصد متغیر میزان متوسط درآمد ماهیانه

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
زیر ۵۰۰ هزار تومان	۸	۵/۲
بین ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان	۱۸۳	۹/۵۷
بین یک میلیون تا دو میلیون تومان	۱۰۹	۵/۳۴
بالای دو میلیون تومان	۱۶	۱/۵
بدون پاسخ	۶۸	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر میزان متوسط درآمد ماهیانه را نشان می‌دهد. ۸ نفر معادل ۲,۵ درصد درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان، ۱۸۳ نفر معادل ۵۷/۹ درصد بین ۵۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان، ۱۰۹ نفر معادل ۳۴/۵ درصد بین یک میلیون تا دو میلیون تومان و ۱۶ نفر معادل ۵/۱ درصد بالای دو میلیون تومان درآمد دارند.

درآمدی بر توسعه نآزلام در جامعه اینارگران / ۱۴۵

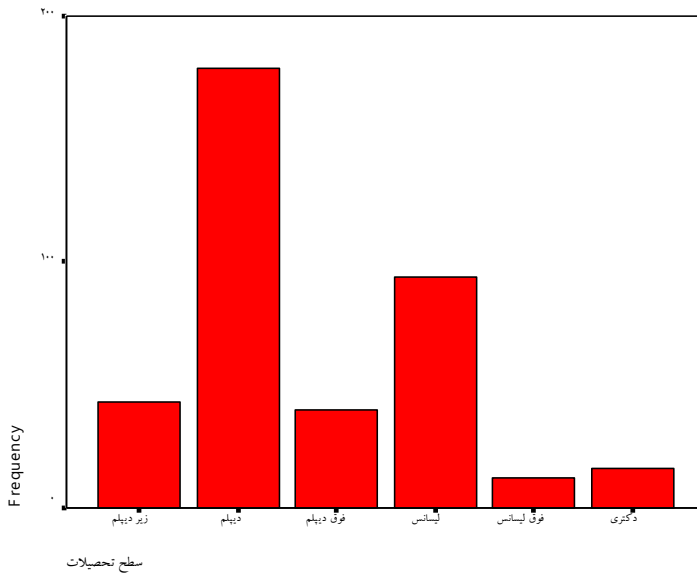


نمودار (۲۹) میزان متوسط درآمد ماهیانه

جدول شماره ۳۰) توزیع فراوانی و درصد متغیر سطح تحصیلات

درصد	فراوانی	گزینه‌ها
۱۱/۲	۴۳	زیر دیپلم
۴۶/۶	۱۷۹	دیپلم
۱۰/۴	۴۰	فوق دیپلم
۲۴/۵	۹۴	لیسانس
۳/۱	۱۲	فوق لیسانس
۴/۲	۱۶	دکتری
۱۰۰	۳۸۴	تعداد کل

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر سطح تحصیلات را نشان می‌دهد. ۴۳ نفر معادل ۱۱/۲ درصد زیر دیپلم، ۱۷۹ نفر معادل ۴۶/۶ درصد دیپلم، ۴۰ نفر معادل ۱۰/۴ درصد فوق دیپلم، ۹۴ نفر معادل ۲۴/۵ لیسانس، ۱۲ نفر معادل ۳/۱ درصد فوق لیسانس و ۱۶ نفر معادل ۴/۲ درصد دکتری دارند.



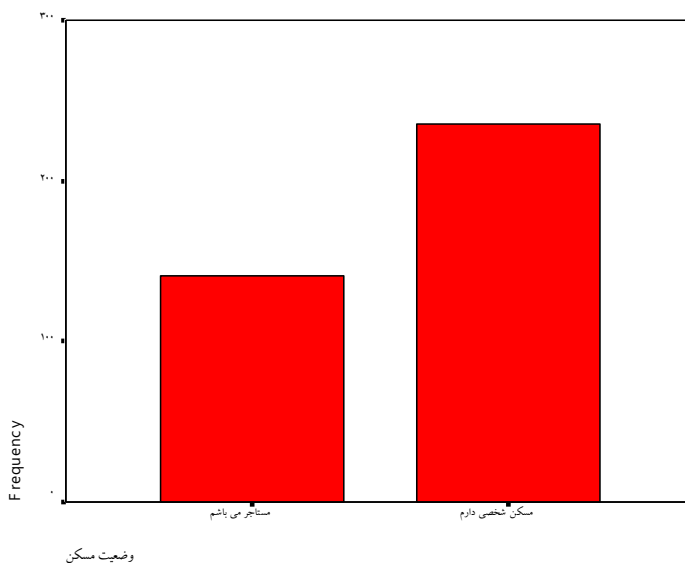
نمودار (۳۱) سطح تحصیلات

جدول شماره (۳۲) توزیع فراوانی و درصد متغیر وضعیت مسکن

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
مستأجر می‌باشم	۱۴۱	۵/۳۷
مسکن شخصی دارم	۲۳۵	۵/۶۲
بدون پاسخ	۸	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر وضعیت مسکن را نشان می‌دهد. ۱۴۱ نفر معادل ۳۷/۵ درصد مستأجر و ۲۳۵ نفر معادل ۶۲/۵ درصد دارای مسکن شخصی می‌باشند.

درآمدی بر توسعه نآ آرام در جامعه اینترگران / ۱۴۷



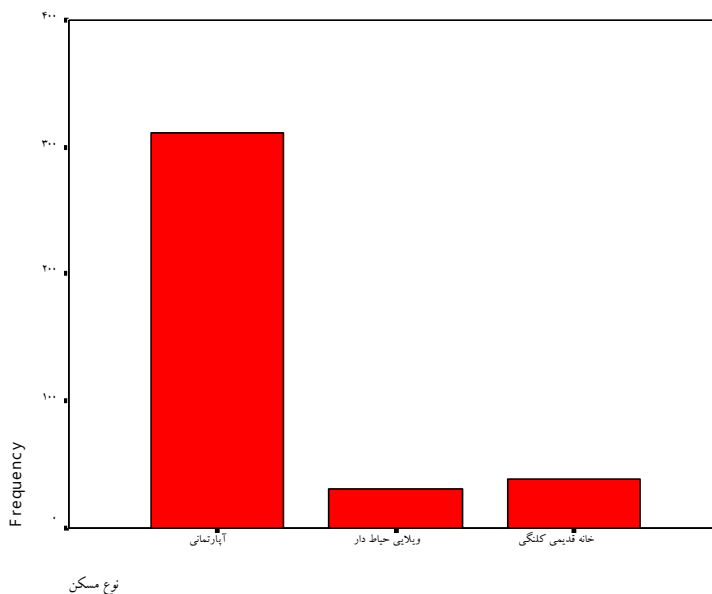
نمودار (۳۳) وضعیت مسکن

جدول شماره (۳۴) توزیع فراوانی و درصد متغیر نوع مسکن

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
آپارتمانی	۳۱۱	۸۱/۸
ویلایی حیاط دار	۳۱	۸/۲
خانه قدیمی کلنگی	۳۸	۱۰/۰
بدون پاسخ	۴	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر نوع مسکن را نشان می‌دهد. ۳۱۱ نفر معادل ۸۱/۸ درصد مسکن آپارتمانی، ۳۱ نفر معادل ۸/۲ درصد مسکن ویلایی و ۳۸ نفر معادل ۱۰ درصد خانه قدیمی کلنگی دارند.

۱۶۸ / درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه اینترگران



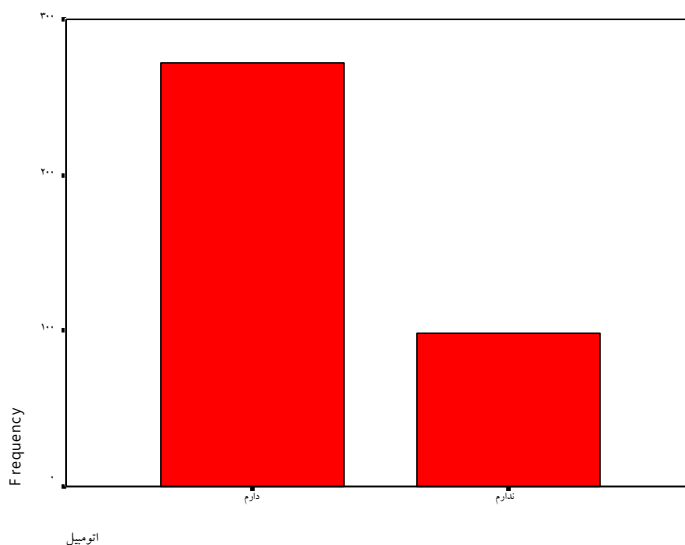
نمودار (۳۵) نوع مسکن

جدول شماره ۳۶) توزیع فراوانی و درصد متغیر داشتن اتومبیل

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
دارم	۲۷۲	۷۳/۵
ندارم	۹۸	۲۶/۵
بدون پاسخ	۱۴	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر داشتن اتومبیل را نشان می‌دهد. ۲۷۲ نفر معادل ۷۳/۵ درصد دارای اتومبیل و ۹۸ نفر معادل ۲۶/۵ درصد فاقد اتومبیل می‌باشند.

درآمدی بر توسعه نآ آرام در جامعه اینترگران / ۱۴۹



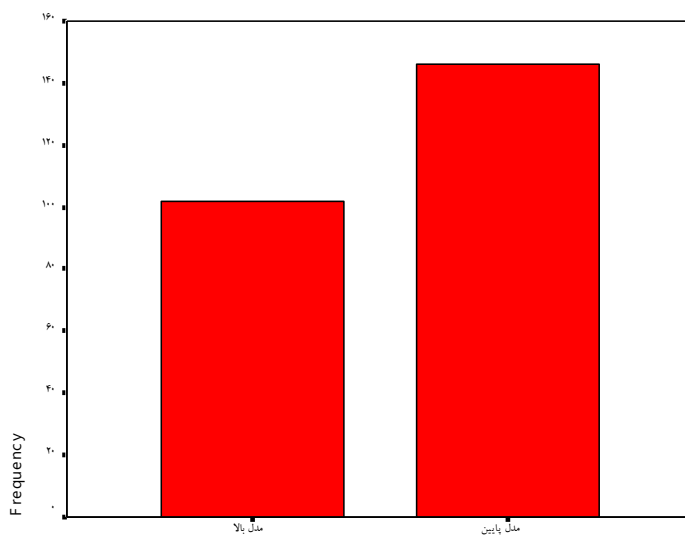
نمودار (۳۷) داشتن یا نداشتن اتومییل

جدول شماره ۳۸) توزیع فراوانی و درصد متغیر مدل اتومییل

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
مدل بالا	۱۰۲	۴۱/۱
مدل پایین	۱۴۶	۵۸/۹
بدون پاسخ	۱۳۶	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر مدل اتومییل را نشان می‌دهد. ۱۰۲ نفر معادل ۴۱/۱ درصد دارای اتومییل مدل بالا و ۱۴۶ نفر معادل ۵۸/۹ درصد دارای اتومییل مدل پایین می‌باشند.

۱۵۰ / درآمدی بر توسعه نآآرام در جامعه ایناژگران



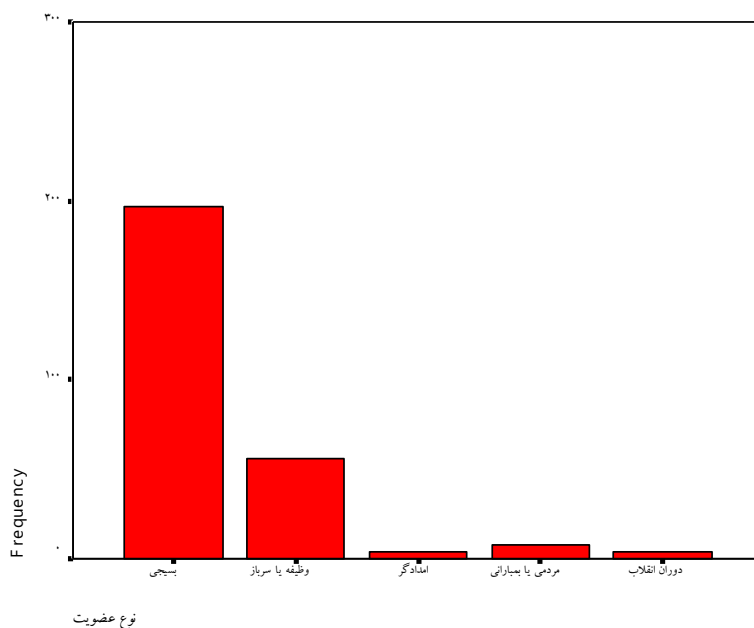
نمودار ۳۹) مدل اتومبیل

جدول شماره ۴۰) توزیع فراوانی و درصد متغیر نوع عضویت

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
بسیجی	۱۹۷	۷۳/۲
وظیفه یا سرباز	۵۶	۲۰/۸
امدادگر	۴	۱/۵
مردمی یا بمبارانی	۸	۳/۰
دوران انقلاب	۴	۱/۵
بدون پاسخ	۱۱۵	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر نوع عضویت را نشان می‌دهد. بیشتر افراد که تعداد آن ۱۹۷ نفر معادل ۷۳/۲ درصد می‌باشد دارای عضویت بسیج می‌باشند.

درآمدی بر توسعه نآزلام در جامعه اینترگران / ۱۵۱

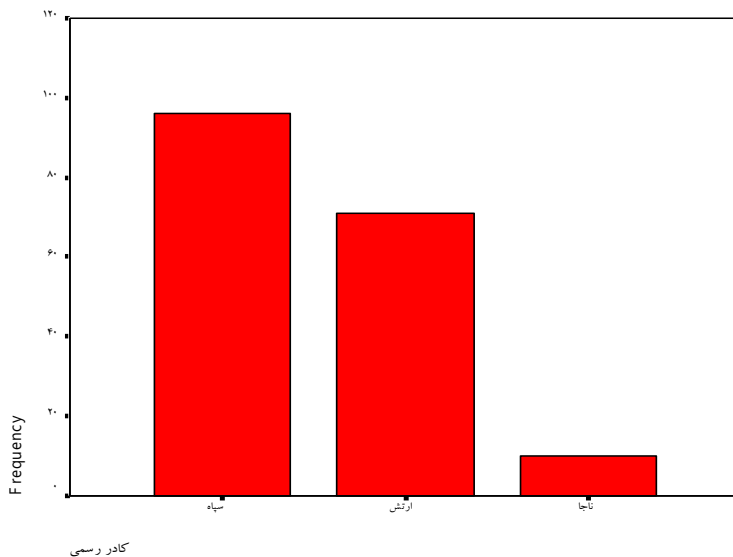


نمودار (۴۱) نوع عضویت

جدول شماره ۴۲) توزیع فراوانی و درصد متغیر کادر رسمی

گزینه‌ها	فراوانی	درصد
سپاه	۹۶	۲/۵۴
ارتش	۷۱	۱/۴۰
ناجا	۱۰	۶/۵
بدون پاسخ	۲۰۷	-
تعداد کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول و نمودار فوق توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان در مورد متغیر کادر رسمی را نشان می‌دهد. بیشتر افراد که تعداد آن ۹۶ نفر معادل ۵۴/۲ درصد می‌باشد دارای کادر رسمی سپاه می‌باشند.



نمودار رسمی (۴۳ کادر رسمی)

یافته‌های استنباطی

- آزمون فرضیه‌ها

(۱) به نظر می‌رسد بین ارائه خدمات و امکانات ایثارگری با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد.

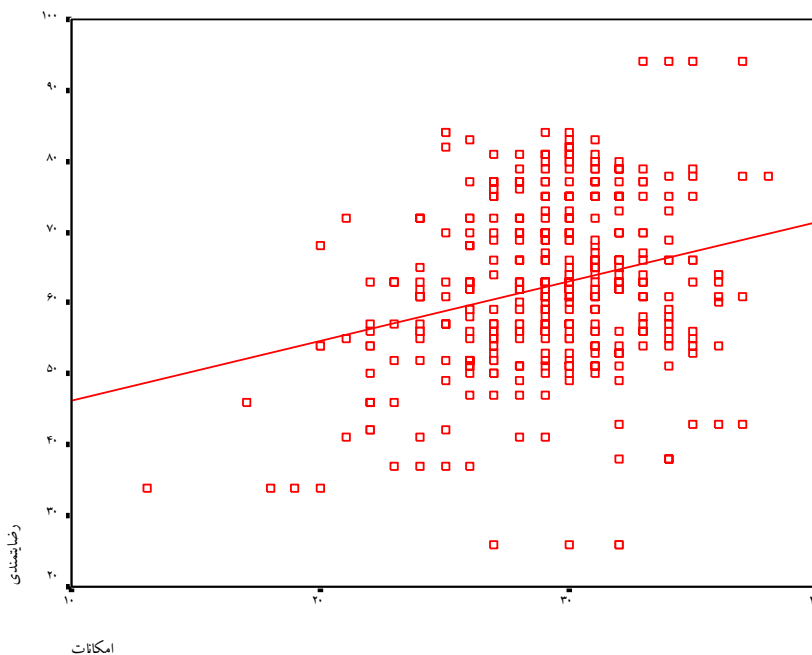
جدول (۴۴) همبستگی بین ارائه خدمات و امکانات ایثارگری با رضایتمندی ایثارگران

متغیر	شاخص‌های آماری	رضایتمندی ایثارگران
ارائه خدمات و امکانات ایثارگری	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۶۰
	سطح معنی‌داری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۲۶۰ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه ارائه خدمات و امکانات ایثارگری بیشتر می‌شود، رضایتمندی ایثارگران افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش

درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه ایثارگران / ۱۵۳

مبنی بر رابطه بین «ارائه خدمات و امکانات ایثارگری با رضایتمندی ایثارگران» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۲۶) در سطح پایینی ارزیابی می‌شود و حکایت از نارضایتی ایثارگران از ارائه خدمات و امکانات می‌باشد. نمودار همبستگی بین دو متغیر این نتیجه را تأیید می‌کند.



نمودار ۴۵ همبستگی بین ارائه خدمات و امکانات ایثارگری با رضایتمندی ایثارگران

برای بررسی بیشتر و میزان درصد اثرگذاری این متغیر از رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۴۶ خلاصه مدل رگرسیون ارائه خدمات و امکانات ایثارگری با رضایتمندی ایثارگران

خطای معیار برآورد	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده	مجذور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۱۱/۵۴۷۵۶	۶۵/۰	۶۸/۰	۰/۲۶

جدول بالا ضریب همبستگی ه، مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه‌ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۲۶ و در سطح پایینی می‌باشد. همچنین ضریب

تعیین بیانگر این است که ۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی ایثارگران توسط متغیر مستقل ارائه خدمات و امکانات ایثارگری تبیین داده می شود.

جدول شماره ۴۷) Anova

سطح معنی داری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰۰۰/۰	۲۷/۶۲۰	۳۶۸۲/۹۹۲	۱	۳۶۸۲/۹۹۲	رگرسیون
		۱۳۳/۳۴۶	۳۸۱	۵۰۸۰۴/۸۷۷	باقیمانده
			۳۸۲	۵۴۴۸۷/۸۶۹	جمع

سطح معنی داری ارائه شده در جدول بالا با توجه به مقدار f که برابر ۲۷/۶ و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ است که حکایت از تأیید مدل رگرسیونی است و متغیرهای مستقل قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته می باشند.

جدول شماره ۴۸) میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیراستاندارد

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
		Beta	خطای معیار	B	
۰۰۰/۰	۸/۰۵۷		۴/۶۸۸	۳۷/۷۷۰	مقدار ثابت
۰۰۰/۰	۵/۲۵۵	۲۶۰	۱۶۰	۸۳۹	ارائه خدمات و امکانات ایثارگری

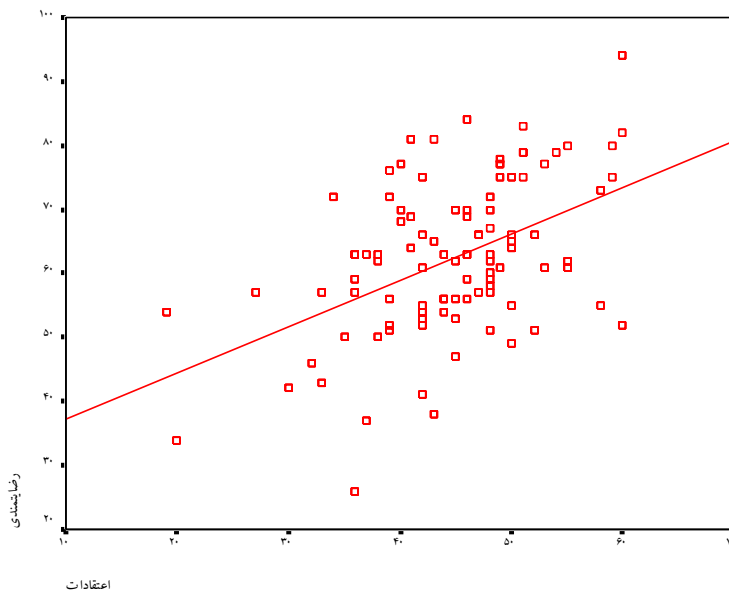
همبستگی بین ارائه خدمات و امکانات ایثارگری با رضایتمندی ایثارگران نشان داد که، ارائه خدمات و امکانات ایثارگری با میزان بتای ۰/۲۶ قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت مستقیم و مثبت دارد. با ارائه خدمات و امکانات ایثارگری، رضایتمندی ایثارگران افزایش می یابد. سطح پائینی پیش بینی، حکایت از نارضایتی ایثارگران از ارائه خدمات و امکانات می باشد.

(۲) به نظر می‌رسد اعتقادات مذهبی با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد.

جدول (۴۹) همبستگی بین اعتقادات مذهبی با رضایتمندی ایثارگران

متغیر	شاخص‌های آماری	رضایتمندی ایثارگران
اعتقادات مذهبی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۷۰
	سطح معنی‌داری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر ۰/۴۷۰ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه اعتقادات مذهبی بیشتر می‌شود، رضایتمندی ایثارگران افزایش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «اعتقادات مذهبی ایثارگری با رضایتمندی ایثارگران» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۴۷) در سطح پایینی ارزیابی می‌شود و حکایت از نارضایتی ایثارگران از اعتقادات مذهبی می‌باشد. نمودار همبستگی بین دو متغیر این نتیجه را تأیید می‌کند.



نمودار (۵۰) همبستگی بین اعتقادات مذهبی با رضایتمندی ایثارگران

برای بررسی بیشتر و میزان درصد اثرگذاری این متغیر از رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۵۱) خلاصه مدل رگرسیون اعتقادات مذهبی با رضایتمندی ایثارگران

خطای معیار برآورد	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده	مجذور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۱۰/۵۷۸۰۲	۲۱۹.	۲۲۱.	۴۷۰.

جدول بالا ضریب همبستگی، مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه‌ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۴۷ و در سطح پایینی می‌باشد. همچنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی ایثارگران توسط متغیر مستقل اعتقادات مذهبی تبیین داده می‌شود.

جدول شماره ۵۲) جدول Anova

سطح معنی داری	F	مجذور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰۰۰/۰	۱۰۸/۵۹۹	۱۲۱۵۱/۶۰۲	۱	۱۲۱۵۱/۶۰۲	رگرسیون
		۱۱۱/۸۹۵	۳۸۲	۴۲۷۴۳/۷۰۸	باقیمانده
			۳۸۳	۵۴۸۹۵/۳۱۰	جمع

سطح معنی داری ارائه شده در جدول بالا با توجه به مقدار f که برابر ۱۰۸/۵ و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ است که حکایت از تأیید مدل رگرسیونی است و متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته می‌باشند.

جدول شماره ۵۳) میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیراستاندارد

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
		Beta	خطای معیار	B	
۰۰۰/۰	۹/۴۹۶		۳/۱۴۵	۲۹/۸۶۸	مقدار ثابت
۰۰۰/۰	۱۰/۴۲۱	۴۷۰.	۰۷۰.	۷۲۷.	اعتقادات مذهبی

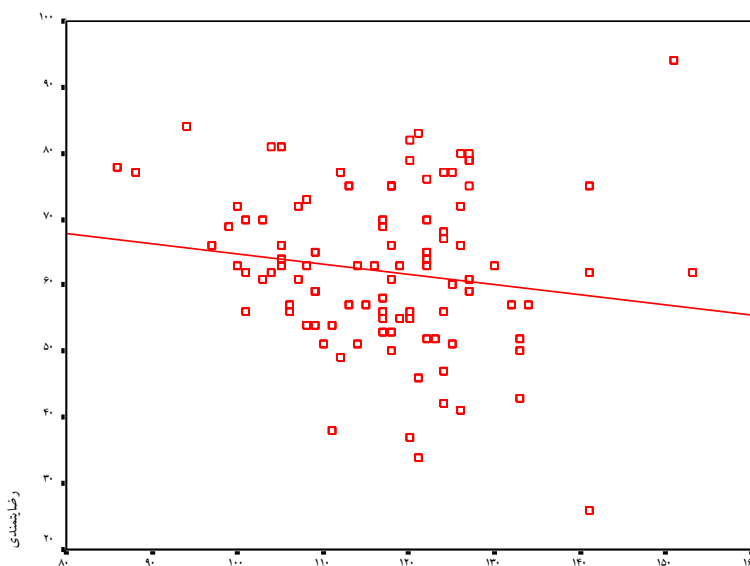
همبستگی بین اعتقادات مذهبی با رضایتمندی ائثارگران نشان داد که، اعتقادات مذهبی با میزان بتای ۰/۴۷ قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت مستقیم و مثبت دارد. با اعتقادات مذهبی، رضایتمندی ائثارگران افزایش می‌یابد. سطح پایینی پیش‌بینی، حکایت از نارضایتی ائثارگران از اعتقادات مذهبی می‌باشد.

۳) به نظر می‌رسد افزایش اوقات فراغت و بیکاری با رضایتمندی ائثارگران رابطه وجود دارد.

جدول ۵۴) همبستگی بین اوقات فراغت و بیکاری با رضایتمندی ائثارگران

متغیر	شاخص‌های آماری	رضایتمندی ائثارگران
اوقات فراغت و بیکاری	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۵۸
	سطح معنی‌داری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر -۰/۱۵۸ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است و رابطه معکوس و منفی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه اوقات فراغت و بیکاری بیشتر می‌شود، رضایتمندی ائثارگران کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «اوقات فراغت و بیکاری با رضایتمندی ائثارگران» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۱۵) در سطح پایینی ارزیابی می‌شود و حکایت از نارضایتی ائثارگران از اوقات فراغت و بیکاری می‌باشد. نمودار همبستگی بین دو متغیر این نتیجه را تأیید می‌کند.



اوقات فراغت

نمودار ۵۵) همبستگی بین اوقات فراغت و بیکاری با رضایتمندی ایثارگران

برای بررسی بیشتر و میزان درصد اثرگذاری این متغیر از رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۵۶) خلاصه مدل رگرسیون اوقات فراغت و بیکاری با رضایتمندی ایثارگران

خطای معیار برآورد	مجدور ضریب همبستگی تعدیل شده	مجدور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۱۱/۸۳۷۳۲	۰۲۲.	۰۲۵.	۱۵۸.

جدول بالا ضریب همبستگی، مجدور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه‌ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۱۵ و در سطح پایینی می‌باشد. همچنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی ایثارگران توسط متغیر مستقل اوقات فراغت و بیکاری تبیین داده می‌شود.

جدول شماره ۵۷) جدول Anova

سطح معنی داری	F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجدورات	
۰۰۰/۰	۹/۷۶۸	۱۳۶۸/۶۴۷	۱	۱۳۶۸/۶۴۷	رگرسیون
		۱۴۰/۱۲۲	۳۸۲	۵۳۵۲۶/۶۶۳	باقیمانده
			۳۸۳	۵۴۸۹۵/۳۱۰	جمع

سطح معنی داری ارائه شده در جدول بالا با توجه به مقدار f که برابر $۹/۷۶$ و سطح معنی داری کمتر از $۰/۰۱$ است که حکایت از تأیید مدل رگرسیونی است و متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته می‌باشند.

جدول شماره ۵۸) میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیراستاندارد

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
		Beta	خطای معیار	B	
۰۰۰/۰	۱۳/۷۱۸		۵/۸۵۹	۸۰/۳۷۱	مقدار ثابت
۰۰۲.	-۳/۱۲۵	-۱۵۸.	۰۵۰.	-۱۵۶.	اوقات فراغت و بیکاری

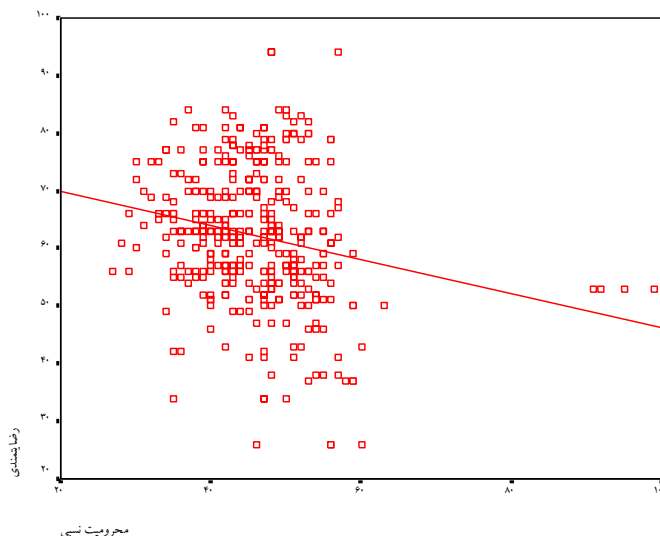
همبستگی بین اوقات فراغت و بیکاری با رضایتمندی ایثارگران نشان داد که، اوقات فراغت و بیکاری با میزان بتای $۰/۱۵$ - قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت معکوس و منفی دارد. با اوقات فراغت و بیکاری، رضایتمندی ایثارگران کاهش می‌یابد. سطح پایینی پیش‌بینی، حکایت از نارضایتی ایثارگران از اوقات فراغت و بیکاری می‌باشد.

۴) به نظر می‌رسد احساس محرومیت نسبی (ناابرابری اجتماعی) با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد.

جدول ۵۹) همبستگی بین اوقات فراغت و بیکاری با رضایتمندی ایثارگران

متغیر	شاخص‌های آماری	رضایتمندی ایثارگران
احساس محرومیت نسبی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۲۰۹
	سطح معنی‌داری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر -۰/۲۰۹ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است و رابطه معکوس و منفی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه احساس محرومیت نسبی بیشتر می‌شود، رضایتمندی ایثارگران کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «احساس محرومیت نسبی با رضایتمندی ایثارگران» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۲۰) در سطح پایینی ارزیابی می‌شود و حکایت از نارضایتی ایثارگران از احساس محرومیت نسبی می‌باشد. نمودار همبستگی بین دو متغیر این نتیجه را تأیید می‌کند.



نمودار ۶۰) همبستگی بین احساس محرومیت نسبی با رضایتمندی ایثارگران

درآمدی بر توسعه نآارم در جامعه ائثارگران / ۱۶۱

برای بررسی بیشتر و میزان درصد اثرگذاری این متغیر از رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۶۱) خلاصه مدل رگرسیون احساس محرومیت نسبی با رضایتمندی ائثارگران

خطای معیار بر آورد	مجدور ضریب همبستگی تعدیل شده	مجدور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۱۱/۶۹۴۱۹	۰۴۱.	۰۴۴.	۲۰۹.

جدول بالا ضریب همبستگی، مجدور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می دهد به گونه ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۲۰ و در سطح پایینی می باشد. همچنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی ائثارگران توسط متغیر مستقل احساس محرومیت نسبی تبیین داده می شود.

جدول شماره ۶۲) Anova

سطح معنی داری	F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجدورات	
۰۰۰/۰	۱۷/۴۳۷	۲۳۸۴/۵۳۹	۱	۲۳۸۴/۵۳۹	رگرسیون
		۱۳۶/۷۵۴	۳۸۱	۵۲۱۰۳/۳۳۱	باقیمانده
			۳۸۲	۵۴۴۸۷/۸۶۹	جمع

سطح معنی داری ارائه شده در جدول بالا با توجه به مقدار f که برابر ۱۷/۴ و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ است که حکایت از تأیید مدل رگرسیونی است و متغیرهای مستقل قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته می باشند.

جدول شماره ۶۳) میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیراستاندارد

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
		Beta	خطای معیار	B	
۰۰۰/۰	۲۲/۸۲۷		۳/۳۲۳	۷۵/۸۶۳	مقدار ثابت
۰۰۰/۰	-۴/۱۷۶	-۲۰۹.	۰۷۱.	-۲۹۷.	احساس محرومیت نسبی

همبستگی بین احساس محرومیت نسبی با رضایتمندی ایثارگران نشان داد که، احساس محرومیت نسبی با میزان بتای ۰/۲۰- قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت معکوس و منفی دارد. با احساس محرومیت نسبی، رضایتمندی ایثارگران کاهش می‌یابد. سطح پایینی پیش‌بینی، حکایت از نارضایتی ایثارگران از احساس محرومیت نسبی می‌باشد.

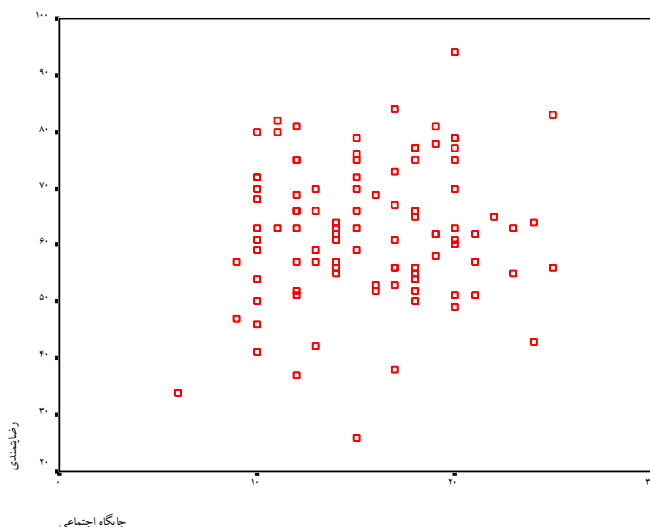
۵) به نظر می‌رسد بین ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی بالاتر با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد

جدول ۶۴) همبستگی بین ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی با رضایتمندی ایثارگران

متغیر	شاخص‌های آماری	رضایتمندی ایثارگران
ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۲۳
	سطح معنی‌داری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر -۰/۱۲۳- و در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است و رابطه معکوس و منفی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی بیشتر می‌شود، رضایتمندی ایثارگران کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی با رضایتمندی ایثارگران» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۱۲) در سطح پایینی ارزیابی می‌شود و حکایت از نارضایتی ایثارگران از ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی می‌باشد. نمودار همبستگی بین دو متغیر این نتیجه را تأیید می‌کند.

درآمدی بر توسعه ناآرام در جامعه ایثارگران / ۱۶۲



نمودار ۶۵) همبستگی بین ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی با رضایتمندی ایثارگران

برای بررسی بیشتر و میزان درصد اثرگذاری این متغیر از رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۶۶) خلاصه مدل رگرسیون ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی با رضایتمندی ایثارگران

خطای معیار برآورد	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده	مجذور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۱۱/۸۹۶۵۹	۰۱۳.	۰۱۵.	۱۲۳.

جدول بالا ضریب همبستگی، مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه‌ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۱۲ و در سطح پائینی می‌باشد. همچنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی ایثارگران توسط متغیر مستقل ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی تبیین داده می‌شود.

جدول شماره ۶۷) جدول Anova

سطح معنی داری	F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰۰۰/۰	۵/۸۷۴	۸۳۱/۲۹۹	۱	۸۳۱/۲۹۹	رگرسیون
		۱۴۱/۵۲۹	۳۸۲	۵۴۰۶۴/۰۱۰	باقیمانده
			۳۸۳	۵۴۸۹۵/۳۱۰	جمع

سطح معنی داری ارائه شده در جدول بالا با توجه به مقدار f که برابر ۵/۸ و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ است که حکایت از تأیید مدل رگرسیونی است و متغیرهای مستقل قادر به پیش بینی تغییرات متغیر وابسته می باشند.

جدول شماره ۶۸) میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیراستاندارد

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
		Beta	خطای معیار	B	
۰۰۰/۰	۲۳/۹۵۱		۲/۳۶۴	۵۶/۶۲۲	مقدار ثابت
۰۱۶.	-۲/۴۲۴	-۱۲۳.	۱۴۶.	-۳۵۵.	ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی

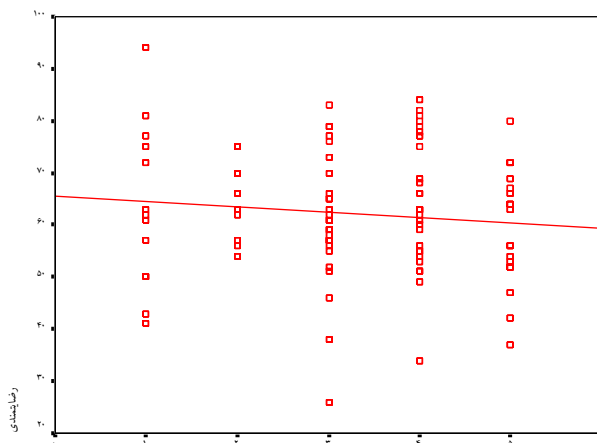
همبستگی بین ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی با رضایتمندی ایثارگران نشان داد که، ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی با میزان بتای ۰/۱۲- قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت معکوس و منفی دارد. با ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی، رضایتمندی ایثارگران کاهش می یابد. سطح پایینی پیش بینی، حکایت از نارضایتی ایثارگران از ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی می باشد.

به نظر می‌رسد بین ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد.

جدول (۶۹) همبستگی بین ارتقاء ایثارگران به ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با رضایتمندی ایثارگران

متغیر	شاخص‌های آماری	رضایتمندی ایثارگران
ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۰۸
	سطح معنی‌داری دو دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۸۴

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر $-0/108$ و در سطح $0/000$ معنی‌دار است و رابطه معکوس و منفی بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید بیشتر می‌شود، رضایتمندی ایثارگران کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با رضایتمندی ایثارگران» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر ($0/18$) در سطح پایینی ارزیابی می‌شود و حکایت از نارضایتی ایثارگران از ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید می‌باشد. نمودار همبستگی بین دو متغیر این نتیجه را تأیید می‌کند.



توقعات کاذب و احساس نیاز جدید

نمودار (۷۰) همبستگی بین ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با رضایتمندی ایثارگران

برای بررسی بیشتر و میزان درصد اثرگذاری این متغیر از رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۷۱) خلاصه مدل رگرسیون ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با رضایتمندی ایثارگران

خطای معیار بر آورد	مجدور ضریب همبستگی تعدیل شده	مجدور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۱۱/۹۱۸۱۳	۰۰۹.	۰۱۲.	۱۰۸.

جدول بالا ضریب همبستگی، مجدور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه‌ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۱۰ و در سطح پایینی می‌باشد. همچنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی ایثارگران توسط متغیر مستقل ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید تبیین داده می‌شود.

جدول شماره ۷۲) Anova

سطح معنی‌داری	F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجدورات	
۰۰۰/۰	۴/۴۷۳	۶۳۵/۳۲۲	۱	۶۳۵/۳۲۲	رگرسیون
		۱۴۲/۰۴۲	۳۸۲	۵۴۲۵۹/۹۸۸	باقیمانده
			۳۸۳	۵۴۸۹۵/۳۱۰	جمع

سطح معنی‌داری ارائه شده در جدول بالا با توجه به مقدار f که برابر ۴/۴ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۱ است که حکایت از تأیید مدل رگرسیونی است و متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته می‌باشند.

درآمدی بر توسعه نآآرام در جامعه ایثارگران / ۱۶۷

جدول شماره ۷۳) میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیراستاندارد

معنی داری سطح	t	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
		Beta	خطای معیار	B	
۰۰۰/۰	۳۹/۳۹۰		۱/۶۶۱	۶۵/۴۲۸	مقدار ثابت
۰۳۵.	-۲/۱۱۵	-۱۰۸.	۴۷۷.	-۱/۰۰۹	ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی

همبستگی بین ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با رضایتمندی ایثارگران نشان داد که، ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با میزان بتای ۰/۱۰- قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت معکوس و منفی دارد. با ارتقاء ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید، رضایتمندی ایثارگران کاهش می‌یابد. سطح پایینی پیش‌بینی، حکایت از نارضایتی ایثارگران از ایجاد توقعات کاذب و احساس نیاز جدید می‌باشد.

رگرسیون چندگانه

برای بررسی بیشتر و میزان درصد اثرگذاری این متغیرها از رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

جدول شماره ۷۴) خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای مستقل با رضایتمندی ایثارگران

خطای معیار بر آورد	مجذور ضریب همبستگی تعدیل شده چندگانه	مجذور ضریب همبستگی چندگانه	ضریب همبستگی چندگانه
۹/۹۲۹۷۹	۳۰۹.	۳۲۰.	۵۶۵.

جدول بالا ضریب همبستگی، مجذور ضریب همبستگی یا ضریب تعیین را نشان می‌دهد به گونه‌ای که میزان همبستگی بین متغیرهای فوق ۰/۵۶ و در سطح متوسطی می‌باشد. همچنین ضریب تعیین بیانگر این است که ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته رضایتمندی ایثارگران توسط متغیرهای مستقل تبیین داده می‌شود.

جدول شماره ۷۵) جدول Anova

سطح معنی داری	F	مجدور میانگین	درجه آزادی	مجموع مجدورات	
۰۰۰/۰	۲۹/۴۳۵	۲۹۰۲/۳۳۱	۶	۱۷۴۱۳/۹۸۵	رگرسیون
		۹۸/۶۰۱	۳۷۶	۳۷۰۷۳/۸۸۴	باقیمانده
			۳۸۲	۵۴۴۸۷/۸۶۹	جمع

سطح معنی داری ارائه شده در جدول بالا با توجه به مقدار f که برابر $۲۹/۴$ و سطح معنی داری کمتر از $۰/۰۱$ است که حکایت از تأیید مدل رگرسیونی است و متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته می‌باشند.

جدول شماره ۷۶) میزان ضرایب متغیرهای مستقل بر حسب مقادیر استاندارد و غیراستاندارد

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد شده Beta	ضرایب استاندارد نشده		متغیر مستقل
			خطای معیار	B	
۰۰۰/۰	۸/۳۳۸		۶/۷۸۹	۵۶/۶۰۰	مقدار ثابت
۰۰۶.	۲/۷۸۲	۱۶۷.	۱۹۳.	۵۳۸.	امکانات
۰۰۰/۰	۸/۶۱۶	۴۳۴.	۰۷۸.	۶۷۱.	اعتقادات مذهبی
۰۰۱.	-۳/۳۲۵	-۱۵۵.	۰۴۶.	-۱۵۳.	اوقات فراغت
۰۰۰/۰	-۴/۲۲۴	-۲۰۹.	۰۷۰.	-۲۹۷.	محرومیت نسبی
۱۲۲.	-۱/۵۴۹	-۰۸۱.	۱۴۹.	-۲۳۱.	جایگاه اجتماعی
۰۰۰/۰	-۳/۵۸۸	-۱۵۷.	۴۱۰.	-۱/۴۷۱	توقعات کاذب و احساس نیاز جدید

همبستگی بین متغیرهای مستقل با رضایتمندی ایثارگران نشان داد که، متغیر امکانات و خدمات با میزان بتای $۰/۱۶۰$ و متغیر اعتقادات مذهبی با میزان بتای $۰/۴۴$ قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت مستقیم و مثبت دارد. متغیر اوقات فراغت با میزان بتای $۰/۱۵-$ و متغیر محرومیت نسبی با میزان بتای $۰/۲۰۹$ و متغیر توقعات کاذب و احساس نیاز جدید با میزان بتای $۰/۱۵-$ قدرت تبیین متغیر وابسته را به صورت معکوس و منفی دارد.

نتیجه گیری

۱- به نظر می‌رسد بین ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی ایثارگران با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد: بین ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد به عبارت دیگر هراندازه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی ایثارگری بیشتر می‌شود رضایتمندی ایثارگران افزایش می‌یابد اما انتظار این است به هراندازه که ارائه امکانات و خدمات امتیازات اجتماعی افزایش می‌یابد به همان نسبت میزان رضایتمندی اجتماعی جانبازان افزایش یابد اما می‌بینیم رضایتمندی جانبازان به نسبت خدمات و امکانات اجتماعی بسیار پایین و شدت همبستگی بین رضایتمندی و ارائه خدمات و امکانات به جانبازان بسیار پایین قابل ارزیابی می‌باشد، بنابراین حکایت از نارضایتی ایثارگران از ارائه خدمات و امکانات و امتیازات اجتماعی می‌باشد لذا با نظریه چالمرز جانسون که می‌گوید "منابع تغییر محیط (درونی و بیرونی) موجب منابع تغییر ارزش‌ها (درونی و بیرونی) و منابع تغییر ارزش‌ها موجب تولید مطالبات و نیازهای جدید در جامعه و عدم دسترسی افراد جامعه به این نیازها و مطالبات جدید به دلیل عدم پاسخ‌گویی نظام، موجب تضاد و نارضایتی کل افراد جامعه خواهد شد"، قابل تبیین و همخوانی دارد

۲- به نظر می‌رسد بین اعتقادات مذهبی و باورها و ارزش‌های قدیمی با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد: بین دو متغیر اعتقادات مذهبی و باورها و ارزش‌های قدیمی با رضایتمندی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر هراندازه اعتقادات مذهبی بیشتر می‌شود، رضایتمندی ایثارگران افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش اعتقادات و ارزش‌ها و باورها رضایتمندی جانبازان کاهش، بنابراین حکایت از نارضایتی ایثارگران از اعتقادات مذهبی و ارزش‌ها و باورها می‌باشد. لذا با نظریه مرتون که می‌گوید "با ورود ارزش‌ها و باورها و اعتقادات جدید، ارزش‌ها و اعتقادات و سنت‌های قدیمی کم‌رنگ و مردم جامعه ارزش‌های جدید را می‌پذیرند در نتیجه تا جایگزینی ارزش‌های جدید احساس آنومی در جامعه به وجود می‌آید و مردم جامعه احساس تضاد و نارضایتی می‌کنند" قابل تبیین و همخوانی دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین اوقات فراغت، بیکاری با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد: بین دو متغیر اوقات فراغت، بیکاری با رضایتمندی ایثارگران رابطه معکوس و منفی وجود دارد.

به عبارت دیگر هراندازه اوقات فراغت و بیکاری بیشتر می شود، رضایتمندی ایثارگران کمتر، بنابراین حکایت از نارضایتی ایثارگران از اوقات فراغت، بیکاری می باشد، لذا با نظریه هابرماس که می گوید "با عقلانیت ابزاری (ایدئولوژی دروغین) موجب افزایش سطح رفاه عمومی و با افزایش سطح رفاه عمومی جامعه کسر از مشروعیت یا بحران مشروعیت نظام که متعاقباً نارضایتی و اعتراض کل افراد جامعه را به دنبال دارد"، قابل تبیین و همخوانی دارد.

۴- به نظر می رسد بین احساس محرومیت نسبی (نابرابری اجتماعی) با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد: بین دو متغیر احساس محرومیت نسبی (نابرابری اجتماعی) با رضایتمندی ایثارگران رابطه معکوس و منفی وجود دارد. به عبارت دیگر هراندازه احساس محرومیت نسبی بیشتر می شود، رضایتمندی ایثارگران کاهش می یابد. بنابراین حکایت از نارضایتی ایثارگران از احساس محرومیت نسبی (نابرابری اجتماعی) می باشد. لذا با نظریه گور که می گوید "اگر افراد جامعه احساس محرومیت نسبی نمایند و اگر این احساس شدید و عمیق و درعین حال در سطح وسیعی (بین تعداد زیادی) افراد جامعه وجود داشته باشد در آن صورت کل افراد جامعه احساس نارضایتی می نمایند" قابل تبیین و همخوانی دارد

۵- به نظر می رسد بین ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی بالاتر با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد: بین دو متغیر ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی بالاتر و رضایتمندی ایثارگران رابطه معکوس و منفی وجود دارد. به عبارت دیگر هراندازه ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی بیشتر می شود، رضایت اجتماعی (رضایتمندی) ایثارگران کمتر، بنابراین، حکایت از نارضایتی ایثارگران از ارتقاء ایثارگران به جایگاه اجتماعی بالاتر می باشد. لذا با نظریه کارل مارکس که می گوید "با نوسازی و مدرن شدن و رشد سرمایه داری (طبقه بورژوازی) در جامعه آگاهی طبقاتی در طبقه استثمار شده (کارگر یا پرولتاریا) به وجود می آید و با افزایش استثمار آگاهی طبقاتی طبقه پرولتاریا افزایش که این موضوع موجب تضاد طبقاتی و نهایتاً موجب اعتراض و نارضایتی کل افراد جامعه خواهد شد" قابل تبیین و همخوانی دارد.

۶- به نظر می رسد بین ایجاد توقعات کاذب و (احساس نیاز جدید) با رضایتمندی ایثارگران رابطه وجود دارد: بین دو متغیر ایجاد توقعات کاذب (احساس نیاز جدید) با رضایتمندی ایثارگران

و رابطه معکوس و منفی وجود دارد. به عبارت دیگر هراندازه ایجاد توقعات کاذب (احساس نیاز جدید) بیشتر می شود، رضایتمندی ایثارگران کاهش می یابد. بنابراین حکایت از نارضایتی ایثارگران از ایجاد توقعات کاذب (احساس نیاز جدید) می باشد لذا با نظریه دیویس (منحنی J) که می گوید "پس از یک مرحله رشد اقتصادی یک دوران رکود به وجود می آید در مرحله رشد اقتصادی انتظارات جدید به وجود می آید اما انتظارات و احساس نیاز جدید نمی ایستد ولی امکانات واقعی به زودی می ایستد که این موضوع موجب نارضایتی و اعتراض کل افراد جامعه خواهد شد" قابل تبیین و همخوانی دارد.

پیشنهادها و راهبردها

۱- ارزش ها و باورها و اعتقادات قدیمی و سنتی (معنوی و الهی) که ریشه در فرهنگ جامعه اسلامی دارند، در جامعه پررنگ تر و بیش تر تبلیغ شوند (هرچند در جامعه این ارزش ها و باورها تبلیغ می شوند اما بسیار ناکافی می باشد).

۲- ارزش های اوایل انقلاب بخصوص ارزش های ایثارگری (شهادت و فداکاری و جانبازی و از خودگذشتگی برای حفظ میهن و مردم جامعه) در جامعه دیده شود و از طریق رسانه ها و نمادها و مکان ها تبلیغ شوند و همچنین اختصاص سهمی از برنامه های صداوسیما جهت تبلیغ ارزش های ایثارگری می تواند در این زمینه کارساز باشد (هرچند در برنامه های صداوسیما این برنامه ها دیده می شود اما بسیار ناکافی می باشد).

۳- ارائه خدمات و امکانات و امتیازات ایثارگری به صورت قاعده مند تعریف و شفاف شوند و در قالب یک قاعده منظم، مطابق شاخص های ایثارگری (درصد و ضایعات جانبازی) خدمات و امکانات ایثارگری از پایین ترین شاخص های ایثارگری شروع به واگذاری و به بالاترین شاخص های ایثارگری پایان پذیرد و به عنوان مثال آن فردی که پایین ترین شاخص ایثارگری را دارد بداند که چقدر می بایست از بنیاد خدمات و امکانات بگیرد و از حق و حقوق خود به عنوان ایثارگر محروم نماند.

۴- شاخص درصد جانبازی از بابت ضایعات جسمی و روحی جانبازان، نمی تواند به عنوان شاخص دقیقی جهت ارائه خدمات و امکانات ایثارگری باشد بلکه شاخص دیگری مثل سنوات

حضور در جبهه و جنگ (مثل رزمندگان بدون ضایعات جسمی) نیز باید می‌بایست در نظر گرفته شود و تلفیقی از این دو شاخص به‌عنوان مبنا ارائه خدمات و امکانات ایثارگری لحاظ شود.

۵- ارائه خدمات و امکانات ایثارگری مطابق با طبقه و گروه اجتماعی ایثارگران و منطقه محل سکونت و محرومیت از امکانات تعریف شود تا از ایجاد نابرابری در جامعه جلوگیری شود به‌عنوان مثال حقوقی را که به یک جانباز ساکن شهر تهران پرداخت می‌شود به همان مبلغ به یک جانباز ساکن روستا با آیت‌های حقوقی پرداخت می‌شود که از لحاظ منطقه محل سکونت و امکانات رفاهی و معیشتی با هم بسیار فرق دارند (هرچند در حال حاضر چند تا از آیت‌های حقوقی در حکم حقوقی کارگزینی جانبازان را برای پوشش دادن این موضوع اختصاص داده‌اند اما بسیار ناکافی می‌باشد)

۶- ثبت دقیق ارائه خدمات و امکانات ایثارگری و ایجاد بانک اطلاعاتی ارائه خدمات و امکانات ایثارگری تا از تکرار ارائه خدمات و امکانات و امتیازات ایثارگری جلوگیری شود.

۷- در کشور ما نیازمند پژوهش‌های اجتماعی به صورت روند پژوهی هستیم و یکی از این پیشنهادها این است که در بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌بایست این نوع تحقیقات هر چند سال یک‌بار، به عنوان مثال هر ۵ سال یک‌بار (مثل سرشماری‌های آمار جمعیتی در کشور) انجام شود و به صورت طولی هر چند سال یک‌بار انجام شود تا بینیم در این خصوص پیشرفت و یا پسرفت داشته‌ایم، اما به نظر می‌رسد جای این گونه تحقیقات طولی در کشور خالی می‌باشد.

محدودیت‌ها

۱- به دلیل محدودیت امکانات و منابع اعتباری و بودجه‌ای و زمان بر بودن کار فرهنگی، تبلیغ و احیاء ارزش‌ها و باورها و سنتی و قدیمی متناسب با فرهنگ اصیل جامعه بسیار کار مشکل و حتی غیرممکن می‌باشد و به همین دلیل این ارزش‌ها و باورها و سنت‌های قدیمی به باد فراموشی و کم‌کم از جامعه رخت برمی‌بندند و ارزش‌های و باورها جدید که در تضاد با فرهنگ اصیل جامعه می‌باشند جای آن‌ها را می‌گیرند.

۲- با توجه به اینکه این گروه اجتماعی یعنی جامعه ایثارگران (جانبازان) به‌عنوان گروه‌های ارزشی در جامعه محسوب می‌شوند و به دلیل مسائل ارزشی همیشه باید ملاحظات در نظر گرفت و محقق

همیشه می‌بایست بسیاری از مسائل ارزشی نظام را رعایت نماید لذا به همین دلیل تحقیق و پژوهش علمی و انتقاد در خصوص این گروه اجتماعی از ایثارگران (جانبازان حقوق‌بگیر) بسیار کار مشکل و طاقت‌فرسا می‌باشد.

۳- عدم دسترسی پژوهشگر به منابع اطلاعاتی از قبیل آمار و عدد و ارقام صحیح و همچنین عدم ارائه اطلاعات صحیح جامعه ایثارگران (جانبازان) و پاسخ ناصحیح آنان به سؤالات پرسشنامه‌ای (جهت کار میدانی و پیمایشی) به دلیل بی‌اعتمادی و رعایت بعضی از ملاحظات به دلیل مسائل ارزشی، کار پژوهش را بسیار مشکل‌آفرین و طاقت‌فرسا می‌کند و به همین دلیل ممکن است کار پژوهش و تحقیق در این گروه اجتماعی با درصدی از خطا و اشتباه روبرو شود.

منابع و مأخذ

- ۱- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷). توسعه و تضاد. تهران: نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.
- ۲- علی بابا، یحیی (۱۳۸۷). قشربندی اجتماعی. همدان: انتشارات نور علم، چاپ اول.
- ۳- اینگلهاردف، رونالدو کریستن. ولزل (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی. ترجمه یعقوب احمدی. تهران: انتشارات کویر.
- ۴- شایان مهر، علیرضا (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی جنگ. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- ۵- کوهن، آلوین استانفورد (۱۳۹۰). تئوری‌های انقلاب. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر تهران قومس، چاپ هفدهم.
- ۶- پیوزی، مایکل (۱۳۹۰). یورگن هابرماس. ترجمه احمد تدین. تهران: انتشارات هرمس، چاپ سوم.
- ۷- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: نشر موسسه انتشارات جامعه‌پژوهان سینا، چاپ دوم.
- ۸- ریتزر، جورج (۱۳۸۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر انتشارات علمی، چاپ یازدهم.
- ۹- استونز، راب (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ۱۰- عظیمی (آرانی)، حسین (۱۳۸۹). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.
- ۱۱- معیدفر، سعید (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. تهران: انتشارات نور علم، چاپ سوم.
- ۱۲- حمید، زمان زاده و صادق‌الحسینی (۱۳۹۱). اقتصاد ایران در تنگنای توسعه. تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ۱۳- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۰). توسعه و نابرابری. تهران: انتشارات مازیار، چاپ پنجم.
- ۱۵- آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۹). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. چاپ هفدهم.
- ۱۶- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت، چاپ چهاردهم.
- ۱۷- ساروخانی، باقر (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، اصول مبانی. تهران: ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهاردهم.
- ۱۸- ساعی، علی (۱۳۸۷). روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی). تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- ۱۹- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). "الف. تعارض سنت و مدرنیته در عرصه توسعه اجتماعی در ایران. مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران" تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- ۲۰- نشریه خط زندگی (۱۳۹۰). فصلنامه آموزشی - اجتماعی و تربیتی، شماره ۱۰.

- ۲۱- دواس دیوید (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی. هوشنگ نائی. تهران: نی.
- ۲۲- دواس، دیوید (۱۳۷۶) روش پیمایش در تحقیق اجتماعی. مریم رفعت جاه و رخساره کاظم. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۳- محسنی تبریزی، علیرضا؛ شیرعلی، اسماعیل (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی شماره ۵۲.
- ۲۴- سرایی، حسن (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق: نشر سمت چاپ ششم.
- ۲۵- کرلینجر، فرد؛ پدهازور، الازار (۱۳۶۶) رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری (ج ۱). حسن سرائی تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۶- صدفی، ذبیح‌اله/بابایی، سکینه (۱۳۸۲) تکنیک‌های خاص () تهران: ورجاوند SPSS تحقیق با تکیه بر برنامه‌های آماری).
- ۲۷- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸) تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، نوید، شیراز.
- ۲۸- کاپلو، تودور، و ونسن، پاسکال (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی جنگ، مترجم هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان. چاپ اول.
- ۲۹- جان فوران (۱۳۸۶) مقاومت شکننده. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ هفتم.
- ۳۰- سی.سو، آلون (۱۳۹۳). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. چاپ هشتم.
- ۳۱- کاتلر، فلیپ، و آرمسترانگ، گری (۱۳۹۰) اصول بازاریابی جلد (اول). مترجم علی پارسیان. تهران: ناشر جهان نو، ادبستان چاپ سوم.
- ۳۲- ازکیا (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه، چاپ دوم، تهران: نشر کلمه.
- ۳۳- کلاتری، خلیل (۱۳۷۷) "مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی" اطلاعات سیاسی-اقتصادی.
- ۳۴- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، چاپ اول، نشر جامعه ایرانیان.
- ۳۵- آبراهامیان، پرواند (۱۳۸۹) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. چاپ ششم.
- ۳۶- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران شرکت سهامی انتشار.
- ۳۷- مک لئود، تاس اچ. (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی در ایران ترجمه علی اعظم، تهران: نشر نی.
- ۳۸- مایرون وینر، فرانکلین (۱۳۴۹). نوسازی جامعه: چند گفتار در شناخت دینامیسم رشد. ترجمه رحمت اله مقدم مراغه‌ای، چاپ سوم.

- 1- Mofid, Kamran. Development planning in Iran: From monarchy to Islamic Republic. Cambridge, Middle East & North African Studies Press, Limited, 1987.
- 2- Coleman, James. (1988) "Social capital in the creation of human Capital", American Journal of Sociology, 94:95-120 Fukuyama, Francis, (1999), "Social capital and civil society" prepared for delivery at the IMF Conference on second Generation.
- 3- Cohen, D. and Prusak, L. (2001) In good company how social capital make organizations work. In Vilanova & Josa (2003) Social capital as a managerial phenomenon. Tampere university of Technology.
- 4- Adler, Paul S. & Seok-woo Kwon (2002); "Social Capital: Prospect for a new Concept" Academy of Management Review, Vol. 27, No. 1: PP: 17—Adler, P.S. (2000), "Social Capital: the Good, The bad, and the ugly." In E. Lesser (Ed.), Knowledge and social capital: Foundations and applications: 89-115. Boston: Butterworth-Heinemann.
- 5- Hass, Michael (1992) Polity and society, New York and London.
- 6- Wallerstein, Immanuel (2004) World-systems Analysis. In World System History, ed. George 43-44-- Modelski, in Encyclopedia of Life Support Systems (EOLSS), Developed under the auspices of the UNESCO, Eolss Publishers, Oxford, UK.
- 7- Alder, P.S. & Kwon, S.W. (2002) Social Capital Prospects for a New Concept-Academy of Management Review, Vol. 27, No. 1: 17-40.
- 8- Kingdom", National Statistics, pp. 1-9. -Harper, Rosalyn. (2002) The Measurement of Social Capital in the United.
- 9- Harriss, John. (1997) Policy Arena, Missing link or Analytically Missing?: The Concept of Social Capital, Journal of International Development, Vol. 9, No. 7: 919-937.
- 10- Sander, Thomas & Lowney, Kathleen. (2006) Social Capital Building Toolkit, Saguro Seminar: Civic Engagement in America, John F. Kennedy School of Government, Harvard University, pp. 1-24.
- 11- Woolcock, Michael & Narayan, Deepa. (2000) Social Capital: Implications of Development Theory Research, and Policy, World Bank Research Observer, Vol. 15(2).
- 12- Organizational Advantage, Academy of Management Review, Vol. 23, No.- Nahapiet, J & Ghoshal, S. (1998) Social Capital, Intellectua.